




۴۵  
۴۴  
۴۳  
۴۲  
۴۱  
۴۰  
۳۹  
۳۸  
۳۷  
۳۶  
۳۵  
۳۴  
۳۳  
۳۲  
۳۱  
۳۰  
۲۹  
۲۸  
۲۷  
۲۶



کتابخانه مجلس شورای اسلامی  
مؤسسه ۱۳۰۲

اسم کتاب: قوانین کوقی مصوبه مجلس شورای اسلامی  
مؤلف: —

موضوع تالیف: در مورد تقنینیه ۲، ۳، ۴، ۵  
تقدیمی: اداره بزرگراهی کراچی

شماره دفتر: ۳۲۳۳





کتابخانه مجلس شورای اسلامی

مؤسسه ۱۳۰۲

اسم کتاب: تراجم کوفی مصریه لیسریه  
مؤلف: \_\_\_\_\_

موضوع تالیف: در مجرره کوفی تقیه ۲، ۳، ۴، ۵

تقدیمی: اداره بازرگانی کراچی

شماره دفتر: ۳۰۳۳

۲۹

۲۹ ۷۸ ۲۷ ۶۸ ۲۵ ۳۸

۱۸ ۲۰ ۶۱ ۷۱ ۱۷ ۶۱ ۵۱ ۳۱ ۳۱ ۱۱ ۱۱ ۱۰ ۶ ۷ ۷ ۶ ۵ ۳ ۳ ۲ ۱ ۱

۲

اصلاح این هجده هزار جوع بغلط نامه منضمه  
به آخر کتاب فراموش نقره مائید

چون اسناد اصلیه بعضی از قوانین در دست نبوده و قسمت عمده آنها از روی نسخه های مطبوع  
استنساخ و طبع شده بود و اخیرا مراجعه به اصل بعضی از نسخ امکان پذیر شد لهذا بواسطه  
قید به مقابله و تصحیح کامل قوانین عمده اغلاط زیاد شده است



۱

# قوانین موقتی

## مصوبه کمیسیون عدلیه

مجلس شورای ملی

## در لوره های تقنینیه

دوم و سوم و چهارم

بسمه تعالی

این مجموعه شامل تمام قوانینی است که در ادوار مختلفه قانون گذاری (دوره دوم و سوم و چهارم) کمیته‌های پارلمانی عدلیه با اختیار خاصی که از طرف مجلس مقدس دارالشورای ملی داشته‌اند بعنوان «قوانین موقتی» تصویب نموده و اجرای موقت آنها بدولت ابلاغ شده است چون عدّه قوانین موقتی محدود و بیش از دو اوزه نبود لهذا برای این مجموعه و قوانین مزبوره فقط فهرست دوره و بترتیب تاریخ تصویب ترتیب داده و از فهرست هجائی صرف نظر شده است با تقدیم معذرت از سهوهای جزئی که شده از مطالعه کنندگان محترم تمنا می‌شود مجموعه خودشان را از روی غلط نامه منضمه تصحیح فرمایند

معمد الممالک

# فهرست

## قوانین موقتی

فهرست قوانین موقتی به ترتیب تاریخ تصویب  
( دوره دوم و سوم و چهارم )

صفحه	تاریخ تصویب		عنوان	نمبر ترتیب
	قمری	شمسی		
			قسمت اول : قوانین موقتی دوره دوم تقنینیه	
۱	۲۱ رجب ۱۳۲۹	۳ اسد ۱۲۹۰	قانون موقتی اصول تشکیلات عدلیه	۱
۷۶	۱۹ ذیقعده ۱۳۲۹	۱۸ عقرب ۱۲۹۰	قانون موقتی اصول محاکمات حقوقی	۲
			قسمت دوم : قانون موقتی دوره سوم تقنینیه	
۲۹۰	۲۴ شعبان ۱۳۳۳	۱۵ سرطان ۱۲۹۴	قانون موقتی محاکم تجارت	۳
			قسمت سوم : قوانین موقتی دوره چهارم تقنینیه	
۳۰۵	۱۶ ذیقعده ۱۳۴۰	۲۱ سرطان ۱۳۰۱	قانون موقتی امتحان حکام و صاحبان مناصب و اجزاء و مستخدمین عدلیه	۴
۳۱۵	۲۵ ذیحجه ۱۳۴۰	۲۷ اسد ۱۳۰۱	« رسیدگی بشکایات از احکام صادره از محاضر شرعیه	۵
۳۱۹	۲ محرم ۱۳۴۱	۳ سنبله ۱۳۰۱	« تعیین مجازات اداری برای عدم رعایت مواد ۲۵۳-۴۴۵-۴۴۶-۴۴۷ اصول محاکمات حقوقی	۶
۳۲۰	۲ محرم ۱۳۴۱	۳ سنبله ۱۳۰۱	« راجع بتاسیس محاکم صلح فواحی و اصلاح بعضی از مواد اصول محاکمات حقوقی	۷
۳۲۲	۲۴ شعبان ۱۳۴۱	۲۱ حمل ۱۳۰۲	« ثبت اسناد و املاک	۸
۳۶۱	۶ شوال ۱۳۴۱	۲ جوزا ۱۳۰۲	« راجع باشخصیه که مال غیر را انتقال میدهند و یا تملك میکنند و مجازات آن	۹
۳۶۲	۷ شوال ۱۳۴۱	۳ جوزا ۱۳۰۲	« راجع بتقسیم محاکم ابتدائی بدرجات مختلفه و تشکیل صلاحیه های باصلاحیت نامحدود	۱۰
۳۶۴	۷ ذیقعده ۱۳۴۱	۳۲ جوزا ۱۳۰۲	« راجع بنصرفات در قانون اصول محاکمات حقوقی راجع بمحاکم صلح	۱۱
۳۷۳	۷ ذیقعده ۱۳۴۱	۳۲ جوزا ۱۳۰۲	« راجع بنصرفات در قانون اصول محاکمات حقوقی	۱۲

مجلس شورای ملی



# قانون موقتی

## اصول تشکیلات عدلیه

مجلس شورای ملی

# قوانین موقتی

## قسمت اول

دوره دوم تقنینیه

۱	۱۳۳۲
۲	۱۳۳۲
۳	۱۳۳۲
۴	۱۳۳۲
۵	۱۳۳۲
۶	۱۳۳۲
۷	۱۳۳۲
۸	۱۳۳۲
۹	۱۳۳۲
۱۰	۱۳۳۲
۱۱	۱۳۳۲
۱۲	۱۳۳۲
۱۳	۱۳۳۲
۱۴	۱۳۳۲
۱۵	۱۳۳۲
۱۶	۱۳۳۲
۱۷	۱۳۳۲
۱۸	۱۳۳۲
۱۹	۱۳۳۲
۲۰	۱۳۳۲
۲۱	۱۳۳۲
۲۲	۱۳۳۲
۲۳	۱۳۳۲
۲۴	۱۳۳۲
۲۵	۱۳۳۲
۲۶	۱۳۳۲
۲۷	۱۳۳۲
۲۸	۱۳۳۲
۲۹	۱۳۳۲
۳۰	۱۳۳۲
۳۱	۱۳۳۲
۳۲	۱۳۳۲
۳۳	۱۳۳۲
۳۴	۱۳۳۲
۳۵	۱۳۳۲
۳۶	۱۳۳۲
۳۷	۱۳۳۲
۳۸	۱۳۳۲
۳۹	۱۳۳۲
۴۰	۱۳۳۲
۴۱	۱۳۳۲
۴۲	۱۳۳۲
۴۳	۱۳۳۲
۴۴	۱۳۳۲
۴۵	۱۳۳۲
۴۶	۱۳۳۲
۴۷	۱۳۳۲
۴۸	۱۳۳۲
۴۹	۱۳۳۲
۵۰	۱۳۳۲
۵۱	۱۳۳۲
۵۲	۱۳۳۲
۵۳	۱۳۳۲
۵۴	۱۳۳۲
۵۵	۱۳۳۲
۵۶	۱۳۳۲
۵۷	۱۳۳۲
۵۸	۱۳۳۲
۵۹	۱۳۳۲
۶۰	۱۳۳۲
۶۱	۱۳۳۲
۶۲	۱۳۳۲
۶۳	۱۳۳۲
۶۴	۱۳۳۲
۶۵	۱۳۳۲
۶۶	۱۳۳۲
۶۷	۱۳۳۲
۶۸	۱۳۳۲
۶۹	۱۳۳۲
۷۰	۱۳۳۲
۷۱	۱۳۳۲
۷۲	۱۳۳۲
۷۳	۱۳۳۲
۷۴	۱۳۳۲
۷۵	۱۳۳۲
۷۶	۱۳۳۲
۷۷	۱۳۳۲
۷۸	۱۳۳۲
۷۹	۱۳۳۲
۸۰	۱۳۳۲
۸۱	۱۳۳۲
۸۲	۱۳۳۲
۸۳	۱۳۳۲
۸۴	۱۳۳۲
۸۵	۱۳۳۲
۸۶	۱۳۳۲
۸۷	۱۳۳۲
۸۸	۱۳۳۲
۸۹	۱۳۳۲
۹۰	۱۳۳۲
۹۱	۱۳۳۲
۹۲	۱۳۳۲
۹۳	۱۳۳۲
۹۴	۱۳۳۲
۹۵	۱۳۳۲
۹۶	۱۳۳۲
۹۷	۱۳۳۲
۹۸	۱۳۳۲
۹۹	۱۳۳۲
۱۰۰	۱۳۳۲



هو الله تعالی شانہ العزیز

بسم الله الرحمن الرحیم

# کتاب اول

## اصول تشکیلات عدلیه

مقدمه

- ماده ۱ -- محاکم عدلیه بر دو نوع است . عمومی و اختصاصی .
- ماده ۲ -- محاکم عمومی آنست که حق رسیدگی بتمام دعاوی دارد غیر آنچه قانون صراحتاً استثناء کرده است .
- محاکم عمومی بدو درجه است : اول ابتدائی دوم استیناف برای مواردیکه قانون معین میکند .
- ماده ۳ -- برای سهولت جریان و تسویه امور و عدم تراکم دعاوی در محاکم ابتدائیه محاکم صاحبیه در جاهائی که قانون معین میکند برقرار می شود .
- ماده ۴ -- محاکم اختصاصی آنست که بهیچ امری حق رسیدگی را ندارد غیر آنچه قانون صراحتاً اجازه داده است مثل محاکم تجارت و نظامی و غیرها که تشکیلات و ترتیبات آنها بموجب قانون علیحده معین میشود .



ماده ۵ -- مافوق محاکم مزبوره در ماده (۲) فقط در پای تخت مملکت ایران دیوان تمیز تشکیل میشود .

ماده ششم ۶ -- تقسیمات مملکت ایران از حیث تاسیس محاکم عدلیه از قرار تفصیل ذیل است : (اولاً) حوزه صالحیه . (ثانیاً) حوزه ابتدائیه (ثالثاً) حوزه استینافیه

ماده ۷ -- حوزه صالحیه عبارت است از قسمتی از خاک ایران که در قلمرو يك محکمه صالحیه است .

ماده ۸ -- حوزه ابتدائیه عبارت است از قسمتی از مملکت ایران که در قلمرو يك محکمه ابتدائی واقع است و هر يك از حوزه های ابتدائیه مشتمل است بر حوزه های صالحیه .

ماده ۹ -- حوزه استینافیه مرکب است از حوزه های ابتدائیه .

ماده ۱۰ -- قوه قضائیه دیوان تمیز شامل کلیه محاکم عدلیه مملکت ایران است

ماده ۱۱ -- صالحیه ها و محاکم ابتدائی و استیناف بماهیت امور و قضایا موافق قانون رسیدگی کرده حکم میدهند و دیوان تمیز در غیر مواردی که قانون استثناء کرده داخل در ماهیت دعاوی نشده فقط حق نقض و ابرام احکام و نظارت در محافظت قوت قانون و اجراء آنرا بالسویه در تمام محاکم عدلیه دارد .

ماده ۱۲ — برای تحقیقات راجعه بجنحه و جنایات مستنطقین معین می شوند .

ماده ۱۳ — در نزد محاکم عدلیه اداره مدعی عمومی برای ایفای وظایف مقررہ تاسیس میشود .

ماده ۱۴ — حدود و وظایف و ترتیب اقدامات محاکم و ادارات عدلیه بموجب قوانین مقررہ تعیین میشود .

ماده ۱۵ — رؤساء و اعضاء محاکم و صاحبان مناصب و مستخدمین عدلیه را دولت معین میکنند .

ماده ۱۶ — در معیت محاکم اشخاص مفصله ذیل میباشد :

- ۱ ( مامورین اجرا و احضار و اعلام .
  - ۲ ( منتظرین خدمت رسمی .
  - ۳ ( وکلاء رسمی .
  - ۴ ( طبیب قانونی و مترجم ( در صورت لزوم ) .
- ترتیبات راجعه بتاسیس هر کدام از مشاغل مزبوره بموجب قانون معین میشود .

## باب اول

در تشکیل محاکم عمومی .

### فصل اول

در محاکم صلحیه

ماده ۱۷ — محاکم صلح در جاهای مفصله الذیل تاسیس میشوند :

( اولاً ) در شهرها . ( ثانیاً ) در مرکز بلوکات .

ماده ۱۸ — ممکن است در یک بلوک یا شهر بزرگی بحسب مقتضیات محلی صلحیه های متعدده تشکیل شود ( در اینصورت آن شهر یا بلوک بچندین حوزه صلحیه تقسیم میشود ) ، و نیز ممکن است بواسطه مقتضیات محلی از برای چند محله یا بلوک یک صلحیه تاسیس شود ( در این صورت آن چند محل یک حوزه صلحیه را تشکیل مینماید ) .

ماده ۱۹ — عده حوزه های صلحیه را نظر بمقتضیات وقت و محل وزیر عدلیه معین و پس از تصویب مقامات لازمه صورت آنرا اعلان مینماید .

ماده ۲۰ — محکمه صلحیه عبارت است از امین صلح و یک نفر فقیه که صلاحیت قطع و فصل دعاوی راجعه بمحکمه صلح را در موارد امور شرعی داشته باشد . فقیه مذکور موسوم است بحاکم صلح .

ماده ۲۱ — برای امین صلح علامت و مهر مخصوصی مقرر است .



ماده ۲۲ - امنای صلح برای رسیدگی دائمی محل معینی خواهند داشت ولی شکایات را با رعایت حدود قانونی در هر نقطه از نقاط حوزه خود قبول میکنند و در موارد لازمه موافق اصول محاکمات خودشان آنها یا باتفاق فقیه محکمه بمحل وقوع دعوا رفته در محل رسیدگی مینمایند .

ماده ۲۳ - در صورت غیبت یا مرض امین صلح یکی از امناء صلح نزدیکترین محل بطوریکه قبلا مابین امناء صلحیه مقرر شده موقنا وظایف او را انجام میدهد و یا قائم مقامی برای امین صلح غایب یا مریض موقتا بر حسب نظامات معین میشود .

ماده ۲۴ - امناء صلح بقدر لزوم اجزاء تحریر وقت و ضبط خواهند داشت . احضار و اعلام و همچنین اجرای احکام محاکم صلحیه به عهده اشخاصی است که در مواد (۱۹۶) الی (۲۲۹) مقرر است .

ماده ۲۵ محاکم صلح در تحت نظارت اداره مدعیهای عمومی و وزیر عدلیه واقعند .

ماده ۲۶ - با حکام غیر قطعی محاکم صلح موافق اصول محاکمات دو محکمه ابتدائی که در حوزه آن واقعند استینافا رسیدگی میشود . احکام قطعی محاکم صلحیه قابل تمیز نیست .

ماده ۲۷ - محکمه صلح فقط در حوزه صلحیه خود حق رسیدگی را دارد .

ماده ۲۸ - هرگاه متداعین و سایر اشخاصی که در محل رسیدگی



امناء صلح حضور دارند رعایت نظم و ترتیب و قواعد مقرر را ننمودند امناء صلح باید دو دفعه اخطار نمایند و در صورتیکه اخطارات آنها بی نتیجه ماند مرتکب خلاف اگر از متداعین است از دو الی بیست و چهار ساعت نسبت بدرجات تقصیر محکوم بتوقف خواهد بود و اگر از غیر متداعین است امین صلح باید او را از محکمه اخراج نماید .

ماده ۲۹ - هرگاه از اشخاص مذکور در ماده قبل توهینی نسبت بامین صلح یا یکی از اجزاء محکمه واقع شود امین صلح حق دارد که صورت مجلسی در این باب مرتب نموده با مرتکب نزد مدعی العموم بدایت بفرستد .

ماده ۳۰ - محاکم صلح حق دارند با تمام ادارات مستقیما مکاتبه نمایند

ماده ۳۱ - امناء صلح مکلفند که راپورت های راجعه بجزریان امور حوزه صلحیه خودشان را سالی دو مرتبه مرتب نموده يك نسخه آنرا در موعد مقرر مستقیما بوزارت عدلیه و نسخه دیگر در امور حقوق بر رئیس محکمه ابتدائی منبوعه و در امور جزائی بمدعی العموم محکمه مذکوره بفرستند که بعد از ملاحظه اشخاص مذکور موافق ترتیب مقرر و در موعدی که وزارت عدلیه معین و اعلام می کند بان وزارت ارسال شود . علاوه بر راپورتهای سالانه امنای صلح مکلفند که بر حسب تقاضای وزارت عدلیه با اداره مدعی العموم در هر موقع اطلاعات و راپورتهای لازمه را بدهند .

ماده ۳۲ - ترتیب دفاتر صلحیه ها بموجب دستور العمل وزارت عدلیه موافق نظامنامه های داخلی محاکم معین میشود .



ماده ۲۳ - دستور العمل ها، بکے برای اجرای قوانین یا توضیحات آن لازم است بامضای صاحبیه داده شود اداره مدعی العموم لایحه آنرا مرتکب کرده و بعد از مذاقه بوزیر عدلیه پیشنهاد می کند .

فصل دوم

در محاکم ابتدائیه

ماده ۲۴ - در هر حوزه ابتدائیه یک محکمه ابتدائی برای رسیدگی بدعاوی حقوقیه و جزائیه تشکیل میشود . صورت محل ها، بکے باید در آنجاها محاکم ابتدائی تشکیل شود و عدده اطاقهای محاکم ابتدائی را بحسب اقتضاء محل و کثرت وقت دعاوی وزارت عدلیه معین و پس از تصویب مقامات لازمه اعلان می نماید .

ماده ۲۵ - در هر محل که محکمه ابتدائی فقط دارای یک اطاق باشد در آن اطاق گاهی بامور حقوقی و گاهی بامور جزائی رسیدگی میشود و در جاهائیکه اطاقهای محکمه متعدد است تخصیص اطاقهای مزبور بهر یک از نوع دعاوی حقوقی و جزائی باموافقت مقتضیات محلی با وزارت عدلیه است .

ماده ۲۶ - محکمه ابتدائی در تحت ریاست یک نفر رئیس می باشد و رئیس مزبور در صورت تعدد اطاقها بقدر لزوم معاونین خواهد داشت . رئیس محکمه ریاست یکی از اطاقها و معاونین ریاست اطاقهای دیگر را در عهده میدارند .



ماده ۲۷ - در هر یک از اطاقها علاوه بر رئیس اطاق دو عضو موظف خواهند بود . لا اقل یکی از اعضاء هر اطاقی باید از اهل علم بوده بصیرت کامله بمسائل و احکام فقهیه داشته باشد .

ماده ۲۸ - در هر محکمه ابتدائی یک دفتر دار برای تحریرات لازمه وثیبت تقریرات و ضبط اوراق و غیره مقرر است . دفتر دار مزبور مدیری دفترخانه محکمه را بعهده داشته در صورت تعدد اطاقهای محکمه بقدر لزوم در تحت ریاست خود تقریر نویس وثیبات و ضباط خواهند داشت .

ماده ۲۹ - عدده اجزای دفترخانه موافق مقتضیات وقت و محل بنوسط وزیر عدلیه معین و بتصویب مقامات لازمه میرسد .

ماده ۳۰ - محاکم ابتدائی دعاوی حقوقیه و جزائیه را که بموجب قوانین راجع بانها است پذیرفته و آنچه را که خارج از صلاحیت آنهاست رد مینمایند .

دعاوی راجعه بمحاضر شرع را محاکم ابتدائی پذیرفته به محاضر مزبور رجوع میکنند و همچنین اطاقهای حقوقی بدعاوی حقوقی و اطاقهای جزائی بدعاوی جزائی رسیدگی کرده و آنچه را که از خصایص آنها نیست رد نموده یا اطاقی را که مرجع است بمنداعین اعلام می نمایند .

ماده ۳۱ - محاکم ابتدائیه دعاوی حقوقیه را که بموجب قوانین موضوعه راجع بانها است و همچنین دعاوی جزائیه را در تقصیری که بدرجه جنحه است بدایه و بقرارداد های غیر قطعی محاکم صاحبیه استینافا رسیدگی



نموده حکم میدهند و در جنایات در جاهائیکه محکمه جنائی تشکیل نشده مطابق اصول محاکمات جزائی رسیده گی نموده حکم میدهند .

ماده ۴۲ - در جاهائیکه محکمه تجارتي تشکیل نشده اطاق حقوقی محکمه ابتدائی بدعاوی تجارتي نیزه و افاق قانون محاکم تجارت رسیده گی نموده حکم میدهد .

ماده ۴۳ - در صورتیکه محکمه ابتدائی دارای يك اطاق باشد یک نفر مستنطق در آن محکمه مقرر است و هر گاه محکمه مذکورہ پیش از يك اطاق داشته باشد عدل مستنطقین را با رعایت مقتضیات محلی و کثرت وقت دعاوی وزیر عدلیه معین مینماید .

مستنطقین بدو درجه تقسیم میشوند و مستنطق درجه اول رئیس دایره استنطاق میباشد . در صورت قلت دعاوی جزائی وزیر عدلیه میتواند یکی از اعضاء محکمه را با رعایت ماده (۷۶) بسمت مستنطقی معین نماید .

ماده ۴۴ - در جاهائیکه محاکم عدلیه کاملاً موافق قوانین مقررہ تشکیل شده در معیت محکمه ابتدائی دایره ثبت اسناد بطوریکه قانون مخصوص آن معین می کند تاسیس میشود .

### فصل سیم

#### در محکمه استیناف

ماده ۴۵ - در هر حوزه استینافیہ يك محکمه استیناف تاسیس می شود .



وزیر عدلیه عدل حوزه های استینافیہ و جاهائی را که باید مقرر محکمه استیناف باشد و همچنین عدل اطاق های محکمه استیناف را با ملاحظه مقتضیات محل معین نموده بمقامات لازمه پیشنهاد می کند .

ماده ۴۶ - در صورتیکه محکمه استیناف دارای يك اطاق باشد يك رئیس و يك معاون دوم و دو نفر عضو خواهد داشت که گاه بامور حقوقی و گاه بامور جزائی رسیده گی خواهند نمود و هر گاه محکمه مذکورہ دارای دو اطاق باشد مرکب خواهد بود از يك رئیس و يك معاون اول (رئیس شعبه) و دو معاون دوم و چهار عضو . در این صورت رئیس محکمه استیناف ریاست یکی از اطاقها را بالخصوص بعهده گرفته و ریاست اطاق دیگر را بعهده معاون اول واگذار مینماید . یکی از اعضاء بنوبت عضو محقق معین و جلسه محکمه مرکب از سه نفر میباشد .

ماده ۴۷ - در معیت هر يك از محاکم استیناف دفترخانه مقرر است دفتر دار محکمه مدیری دفتر و ثبت و ضبط اوراق محکمه را در عهده خواهد داشت و تقریر نویس های محکمه در مقابل او مسؤولند .

ماده ۴۸ - محاکم استیناف احکام و قرار های محاکم ابتدائی حوزه خود را در امور حقوقیه و جزائیه و تجاری موافق اصول محاکمات و قانون تجارت استینافا رسیده گی مینماید . صلاحیت محاکم استیناف در جنایات در اصول محاکمات جزائی مقرر است .

### فصل چهارم

#### در تشکیلات دیوان تمیز

ماده ۴۹ — دیوان تمیز فقط در پای نخت تاسیس میشود .

ماده ۵۰ — دیوان تمیز منشعب می شود بدو اطاق حقوقی و جزائی تجزیه امور جزائی از امور حقوقی و تخصیص اطاق جداگانه بهر کدام از نوع امور مذکوره منوط بمقتضیات وقت و تصویب وزیر عدلیه و مقامات لازمه است .

ماده ۵۱ — هر اطاقی مرکب است از یک رئیس اطاق و چهار منشیار . یکی از رؤسای اطاق ریاست دیوان تمیز بر عهده دارد .

ماده ۵۲ — دیوان تمیز باحکامی که در اصول محاکمات حقوقی و جزائی مقرر است تمیزاً ( بدون داخل شدن در ماهیت و اصل دعاوی و قضایا ) رسیدگی می کند جز در مواردی که اصول محاکمات استثناء می کند .

ماده ۵۳ — در دیوان تمیز یک دفتر خانه مقرر است که در تحت ریاست یک دفتر دار میباشد . تقریر نویسهای محکمه تمیز در تحت ریاست مشار الیه ثبت و ضبط را در عهده داشته مسؤل او خواهند بود دفتر خانه مذکور بقدر لزوم اجزاء خواهد داشت .

### فصل پنجم

#### در ترتیبات داخلی محاکم عمومی .

#### مبحث اول

#### در جلسات محاکم .

ماده ۵۴ — جلسات محاکم عمومی بدو طریق میشود . جلسه محاکمه واداری ( مشاوره )

ماده ۵۵ — جلسه محاکمه نیز بدو قسم است : اولاً بطور معمولی که هر اطاق بدعاوی مرجوعه رسیدگی نموده حکم میدهد ثانیاً بطور فوق العاده و آن در صورت تعدد اطاقها تشکیلات میباشد از اجتماع عمومی اعضاء اطاقها در تحت ریاست رئیس محکمه .

موارد جلسات فوق العاده محاکم بموجب قوانین و نظامنامه ها مقرر است .

ماده ۵۶ — جلسات محاکمه ( خواه معمولی باشد خواه فوق العاده ) علنی است مگر در مواردی که اصول محاکمات حقوقی و جزائی استثناء کرده است

۵۷ — جلسات اداری ( مشاوره ) محاکم برای انجام امور راجعه بانظمامات داخلی محاکم و ترتیب دستور العمل ها و تهیه لوازم و دادن قرار هائی است که باید در جلسات اداری بعمل آید و قانون نظامنامه ها موارد



آنرا معین کرده و آن نیز بر دو قسم است بطور معمولی که هر اطاق بامور راجعه بان اطاق رسیدگی نموده قرار میدهد و بطور فوق العاده که در صورت تعدد اطاقها اعضاء اطاقها در تحت ریاست رئیس محکمه بامور مرجوعه رسیدگی مینمایند

جلسات اداری محکمه در هر حال غیر علنی است

ماده ۵۸ — برای اینکه جلسات معمولی محاکم قانونی محسوب شود در جلسات معمولی محاکم ابتدائی و استئنافی علاوه بر رئیس اطاق لااقل دو نفر از اعضاء محکمه باید حاضر باشند و در جلسات معمولی محکمه نیز علاوه بر رئیس اطاق چهار نفر از اعضاء .

ماده ۵۹ — جلسات فوق العاده ( اجتماع عمومی ) محاکم وقتی قانونی میباشد که لااقل دو نعل اعضاء محکمه در تحت ریاست رئیس محکمه یا قایم مقام او در جلسه حاضر باشند و عده اعضاء نباید زوج باشد

ماده ۶۰ — پس از انقضاء محکمه هر يك از رؤسا و اعضاء باید در دفتری که برای حاضر و غایب در محکمه مقرر است اسم خودشان را بنویسند و ذیل اسمی را رئیس یا قایم مقام او امضا نماید و پس از شروع بمحاکمه عضوی که حاضر نبوده حق ندارد اسم خود را در دفتر بنویسد .

ماده ۶۱ — در دفتر مزبور باید مدت و تفصیل محاکماتیکه در جلسات میشود قید شده و همچنین تصریح شود باینکه جلسه محاکمه بوده یا اداری معمولی بوده یا فوق العاده و در صورتیکه در موعد معین محاکمه نشود یا اینکه



در ساعات کم و کسری روی دهد باید تخلف را در دفتر توضیح نمود .  
ماده ۶۲ — مدعیان عمومی محکمه ابتدائی یا قائم مقام آنها باید سواد دفتر مذکور را در دوم و هفتم هر ماهی بپار که استئنافی بفرستند ولی بدوا تحقیقات لازمه خود را در صحت یا عدم صحت آن دفتر باید نموده باشند .

ماده ۶۳ — مدعیان عمومی استئنافی پس از اینکه تحقیقات و تدقیقات خود را نمودند در طهران در پنجم و بیستم هر ماه صورت دفتر را بوزیر عدلیه تقدیم می نمایند و در ولایات ماهی يك مرتبه صورت دفتر را بوزارت عدلیه می فرستند .

ماده ۶۴ — ترتیب نشستن رؤساء و اعضاء محاکم در جلسات محکمه بر حسب رتبه و اقدمیت در خدمت خواهد بود .

ماده ۶۵ — دعاوی که بهر يك از شعب یا اطاقهای محکمه رجوع شده است به ترتیب الاقدم فالاقدم رسیدگی میشود بجز در امور فوری که تقدم آن منوط برای رئیس است .

۶۶ — محکمه می تواند تحقیق و تدقیق امور را بیک یا چند نفر از اعضاء خود محول نماید و این عضو را در محکمه ابتدائی و استئنافی عضو محقق و در محکمه تمیز عضو ممیز نامند . اعضاء مذکور مکلفند که صورت اسناد دعاری را مرتب نموده بدفتردار محکمه بدهند که در دفتر ثبت شود و راپورت مذکور باید در مدتیکه محکمه معین می کند حاضر شود .

تاریخ رجوع عمل باعضاء مذکور توسط دفتردار در محکمه ثبت میشود

ماده ۶۷ -- در صورتیکه پس از انقضای مدت معیننه محقق یا ممیز راپورت خود را نداد باید دابل آنرا کتبا بر رئیس اطاق یا شعبه تقدیم نموده تزیید مدت را بخواهد و در صورتیکه مدت مهلتی که داده می شود منقضی شده و راپورت مزبور باز تهیه نشود انشغال بدیگری تفویض خواهد شد و مراتب بتوسط مدعی العموم بوزارت عدلیه راپورت می شود .

ماده ۶۸ -- در جلسات محکمه هیچکس از اعضاء بدون اجازه رئیس نمیتواند تکلم نمایند و اگر خواستن توضیحی را از متداعین لازم بدانند بعد از تحصیل اجازه از رئیس سوال خواهند کرد .

ماده ۶۹ -- هیچ کس حق ندارد در حین محاکمه کلام متکلم را قطع نماید جز رئیس در موردی که بیانات متکلم را خارج از موضوع بحث دید باید اخطار نماید .

ماده ۷۰ -- بعد از انعقاد محکمه از مدتی که برای محاکمه مطالبی معین میشود نباید قسمتی بجلسه اداره یا بامور دیگری مصروف گردد .

ماده ۷۱ -- امور راجعه بمحاکم بر دوفوع است . فوری و عادی . امور فوری بر عادی مقدم است .

ماده ۷۲ -- پس از اتمام محاکمه اعضاء و رئیس محکمه بطوریکه در اصول محاکمات مقرر است مشاوره نموده و رئیس محکمه در اخذ آراء از رای کوچکترین عضو محکمه از حیث اقدمیت شروع کرده بعد از

گرفتن رأی سایر اعضاء رأی خود را اظهار خواهد کرد .

مبحث دوم

در مراتب رئیس و معاونین و اعضاء .

ماده ۷۳ -- در صورتیکه محکمه دارای اطاقهای متعدده باشد رئیس محکمه ریاست هر يك از اطاقها را که بخواهد اختیار میکنند و در مواردیکه لازم شود ریاست هر يك از اطاقها را نیز می تواند بنماید ولی در اینصورت باید در تمام مدت جلسه ریاست داشته باشد . اطاقیکه رئیس ریاست آنرا اختیار کرده اطاق اول نامیده میشود .

ماده ۷۴ -- در صورتیکه رئیس محکمه بانجام مشاغل و تسویه امور مرجوعه که مخصوص او است مشغول بوده یا غایب باشد یکی از اعضاء همان اطاق بحکم اقدمیت قائم مقام او خواهد بود .

ماده ۷۵ -- در صورتیکه معاون رئیس بواسطه اشتغال بامور مرجوعه یا غیبت نمی تواند در اطاق خود حاضر شود یکی از اعضاء همان اطاق بحکم تقدم در خدمت قائم مقام او خواهد بود .

ماده ۷۶ -- در مورد دوماده قبل یکی از مستنطقین یا یکی از اعضاء معاون را ( رجوع بماده ۲۳۱ ) میتوان برای تکمیل عدیه بجلسه محکمه دعوت نمود ولی مستنطقی که تحقیقات دعوای جزائی را کرده در محاکمه راجعه بهمان دعوا نمی تواند بعضویت دعوت شود .





ماده ۷۷ — در مواردیکه عدۀ اطاقهای محکمه متعدد بوده و دفتردار بتواند بشخصه ایفای وظیفه در تمام جلسات محکمه نماید در هر اطاقی در غیاب او یکی از تقریر نویسها قایم مقام او میباشد ولی در جلسات فوق العادۀ محکمه باید خود دفتردار بشخصه حاضر باشد .

ماده ۷۸ — اشخاصیکه باهم قرابت نسبی تا درجه چهارم قرابت سببی تا درجه سیم دارند نمی توانند در یک جلسه بسمت ریاست یا عضویت باهم دیگر ( مجتمعا ) حاضر باشند .

ماده ۷۹ — سالی یکمرتبه تبدیل اعضاء و رئیس هر یک از اطاقها خواهد شد بدین ترتیب که رئیس و اعضاء اطاقی باطاق دیگر مامور میشوند بطوریکه رئیس و اعضاء یک اطاق پیش از یک سال با هم نباشند - تبدیل رئیس و اعضاء در جلسۀ فوق العادۀ اداره محکمه مرتب بعد از امضای وزیر عدلیه بموقع اجرا گذارده میشود .

### مبحث سیم

#### در تقسیم کارها

ماده ۸۰ — عرایض به رئیس محکمه داده می شود و مشارالیه باید وقت معینی برای گرفتن عرایض تعیین نماید .

ماده ۸۱ — کلیه عرایض را با استثنای اموری که در مادۀ آتی مذکور است رئیس محکمه میان اطاق ها تقسیم می کند و رئیس باید همیشه پیشرفت و سرعت جریان امور را در تقسیم کارها منظور دارد .



ماده ۸۲ — بدعاوی راجعه بدولت و ایالات و ولایات و تاسیسات و خیرات عمومی در اطاقی که رئیس محکمه بالخصوص ریاست دارد رسیدگی می شود .

و هر گاه دعاوی مذکوره از نوع امور جزائی بوده و رئیس محکمه ریاست اطاق حقوقی را بالخصوص اختیار کرده باشد بدعاوی مذکوره بر حسب اصول در اطاق جزائی رسیدگی میشود .

ماده ۸۳ — بعد از اینکه عرایض تقسیم شد جواب امور بمعهده رؤساء اطاق ها خواهد بود -

ماده ۸۴ — در دفتر خانۀ محکمه باید دفتر مخصوصی برای اموریکه راجع بنکالیف رئیس است موجود باشد و هر دفعه مطلبی که ثبت میشود باید باسم طرفین یا وکلای ایشان در آن دفتر مندرج گردد و در ستون مخصوص ارجاعاتی که رئیس محکمه باطاق ها نموده و همچنین تصریح اینکه دعوا از امور مستعجله است یا عادی شده کلیه مندرجات باامضاء رئیس برسد و همچنین کلیه امور راجعه بهر یک از اطاق ها بنرتیب نمره در دفترتری ثبت خواهد شد .

### مبحث چهارم

#### در نظم اطاق محاکمه

ماده ۸۵ — نظم اطاق محکمه بمعهده رئیس اطاق است و در اجتماعات عمومی بمعهده رئیس محکمه و در صورت غیبت رئیس یا قائم مقام اوست .

نمیباشد - من بعد در این مبحث برای اختصار بجای رئیس اطاق یا رئیس شعبه یا رئیس محکمه لفظ رئیس فقط استعمال خواهد شد .

ماده ۸۶ - افتتاح و ختم جلسه با رئیس یا قائم مقام اوست .

ماده ۸۷ - در اطاق محاکمه اشخاص خارج از هیئت محاکمه یا پارکها یا اصحاب دعوا علیحده در جائیکه برای آنها معین شده می نشینند .

۸۸ - برای اجرای اوامر رئیس در اطاق محکمه یک نفر از مامورین اجرا خواهد بود در صورتیکه مامورین اجرا بواسطه مشاغل خودشان نتوانند حاضر شوند بتصویب رئیس محکمه یک نفر از مامورین احضار یا پیشخدمتهای محکمه قائم مقام او خواهد شد .

ماده ۸۹ - اداره کردن جلسه بعهد رئیس است و مشارالیه حافظ نظم و ترتیب بوده مراقبت مینماید که با ترتیبات مقرر محاکمه بعمل آید و اشخاصی که حق تکلم و دحالت را در محاکمه دارند بعد از تحصیل اجازه از رئیس بیانات خود را مینمایند .

ماده ۹۰ - اشخاصیکه در اطاق محاکمه هستند باید قواعد نظم و ترتیب را قویا رعایت نموده اوامر رئیس را اطاعت نمایند .

ماده ۹۱ - هر گاه اشخاص خارجی ( تماشاچی ) از مفاد ماده قبل تجاوز نمایند رئیس حق دارد آنها را از اطاق محاکمه اخراج نماید و اگر مقاومت نمایند از يك الی بیست و چهار ساعت حکم توقیف آنها را بدهد .

ماده ۹۲ - هر گاه در مورد ماده قبل ممکن نباشد خاطی را معین کرد و اخطارات رئیس منجر ترمیمی نشود رئیس میتواند کلمه اشخاص خارجی را از محکمه خارج نماید .

ماده ۹۳ - هر گاه تخلفات مذکور در ماده (۹۱) از طرف اصحاب دعوا یا وکلای آنها فاشی شود رئیس دو دفعه اخطار و ضمنا بخاطی اعلام مینماید که در دفعه سیم او را مجازات خواهد داد و هر گاه باز خاطی مرتکب خلاف قاعده شده رئیس با اهمیت تقصیر از شش الی چهل و هشت ساعت حکم توقیف او را خواهد داد .

ماده ۹۴ - مفاد ماده قبل لازم الرعایه است همچنین در مواردیکه یکی از اصحاب دعوا الفاظی استعمال کند که باعث هتک عرض و ناموس طرف مقابل است یا نسبت بطرف خود افشا کند اوضاع و احوالی را که هیچ مربوط بقضیه که در تحت محاکمه است نبوده و برای توضیح مطلب لزومی نداشته باشد .

ماده ۹۵ - هر گاه از طرف اشخاصی خارج یا متداعین توهین یا هتک شرف نسبت بر رئیس یا اعضاء محکمه بشود رئیس حق دارد صورت مجلسی در این باب مرتب نموده با مقصر بمحکمه که صلاحیت رسیدگی را دارد بفرستد .

ماده ۹۶ - برای حفظ ووقایه نظم و ترتیب و همچنین در مواردی که امنیت و آزادی محکمه تهدید میشود رئیس حق دارد از نظم میده یا در مواقع فوری از نزدیک ترین قوه نظامی استمداد نماید . این

تقاضای رئیس باید بلا تاخیر و همان طوری که خواسته است مجری شود.

مبحث پنجم

در راپورت های محاکم

ماده ۹۷ — محاکم و ادارات مدعیان عمومی باید سالی دو مرتبه راپورت های احصائیه خود را در جریان امور و عنده امور تسویه شده و مقرا کمه و سایر اطلاعات بوزیر عدلیه تقدیم نمایند. طرز و ترتیب راپورت های مذکوره موافق نمونه خواهد بود که وزیر عدلیه مرتب و بمحاکم و ادارات مذکوره خواهد فرستاد.

ماده ۹۸ — راپورت های مذکوره در ماده قبل را رؤساء محاکم با مدعی العموم محکمه که در نزد آن ماموریت دارد ترتیب خواهند داد.

ماده ۹۹ — راپورت های محاکم ابتدائی در جلسات فوق العاده اداری محاکم مذکوره مذاقه شده و بمحکمه استیناف متبوعه ارسال میشود.

ماده ۱۰۰ در محکمه استیناف از راپورت های محاکم ابتدائی و راپورت های محکمه استیناف راپورت عمومی مرتب و بعد از مذاقه در جلسه فوق العاده اداری بوزیر عدلیه تقدیم میشود.

ماده ۱۰۱ راپورت های مدعیان عمومی محاکم ابتدائی بمدعی العموم محکمه استیناف تقدیم و مشارالیه از راپورت های مزبوره راپورت پارکنه استیناف راپورت عمومی ترتیب داده بوزیر عدلیه تقدیم میکنند.

ماده ۱۰۲ — راپورت های محکمه تمیز در جلسه فوق العاده اداری مطرح مذاقه شده بوزیر عدلیه فرستاده میشود.

ماده ۱۰۳ — هر گاه توضیحاتی لازم باشد که در راپورت های محاکم نتوان مندرج نمود لایحه جداگانه مشعر بر توضیحات مذکوره بر راپورتها منضم و ماحصل راپورت بار راپورت های گذشته مطابقه و مقایسه خواهد شد.

ماده ۱۰۴ — هر گاه عده کلیه امور بی اندازه زیاد یا کم شده باشد یا همین زیادی و کمی در نوعی از امور حاصل شده باشد باید جهت آن را محاکم و ادارات تصریح نمایند. وزیر عدلیه از راپورت های محاکم و ادارات مدعیان عمومی راپورت عمومی ترتیب داده بمقامات لازمه پیشنهاد میکنند راپورت مزبور برای اطلاع عامه طبع و منتشر خواهد شد.

ماده ۱۰۵ — علاوه بر راپورت هایی که رؤساء محاکم و مدعی های عمومی دو دفعه در عرض سال میدهند باید محاکم و ادارات مدعی عمومی اطلاع تیرا که وزیر عدلیه از آنها میخواهد در مواعیدی که از طرف وزارت عدلیه مقرر گشته بوزیر عدلیه تقدیم نمایند. دستور العمل و طرز راپورت های مذکوره را وزارت عدلیه مرتب و بجای های لازم اعلام مینماید.

ماده ۱۰۶ — ترتیب محاسبات عایدات عدلیه و راپورت های راجعه بان بطوری است که وزیر عدلیه باموافقت وزارت مالیه معین و اعلام خواهد کرد.

## باب لوم

در تشکیل اداره مدعیهای عمومی

مقدمه

ماده ۱۰۷ — مؤلفیتی که ناشی میشود از جرم دارای دو جهت است :

یکی جهت شخصی و دیگری جهت عمومی . جهت شخصی در وقتی است که ضرر جرم یا تقصیر بشخص معین تعلق گیرد و جهت عمومی در موقعی است که ضرر راجع بحقوق عامه باشد . لهذا اداره مدعیهای عمومی بحکم قانون برای حفظ حقوق عامه تاسیس میشود .

ماده ۱۰۸ — مدعیهای عمومی عبارت اند از رؤساء ضابطین عدلیه که در موارد مقرر قانونی در محاکم عدلیه حاضر بوده وظایف خود را نسبت به حفظ حقوق عامه و نظارت اجرای قوانین انجام میدهند .

ماده ۱۰۹ — در موارد محاکمات جزائیه مدعی عمومی یا قایم مقام او حاضر میباشد اعم از اینکه محاکمه راجع بجنحه باشد یا جنایت . در این موارد مدعی عمومی حکم و کپل جماعت را دارد یعنی و کپل است برای مدافعه و حفظ حقوق و منافع عامه .

ماده ۱۱۰ — در محاکمات حقوقی مدعی عمومی بی طرف است

جز در مواردیکه قانون باو دخالت میدهد .

ماده ۱۱۱ — از جهتی که مدعیان عمومی نماینده دواقند در محاکم عدلیه بجریان امور در محاکمی که در نزد آنها ماموریت دارند نظارت داشته مراقب می باشند که تجاوز از حدود قانونی نشود و تجاوزات وسوء جریان امور را بمقامات لازمه راپورت مینمایند .

## فصل اول

در تشکیل و ترکیب اداره مدعیهای عمومی

ماده ۱۱۲ — اداره مدعیان عمومی در تحت ریاست فایقه وزیر عدلیه تشکیل میشود . اداره مزبوره منشعب میشود به شعبه مفصله الذیل : شعبه دیوان تمیز . شعبه محکمه استیناف . شعبه محکمه ابتدائی .

تمثیله — برای اختصار بجای شعبه اداره مدعی عمومی من بعدلفظ پارکه استعمال میشود .

ماده ۱۱۳ — پارکه دیوان تمیز مرکب است از مدعی عمومی کل و یک نفر معاون او که موسوم است بو کپل عمومی محکمه تمیز .

ماده ۱۱۴ — پارکه محکمه استیناف عبارت است از مدعی عمومی اول و یک و کپل عمومی برای هر اطافی و ( در صورت لزوم ) یک معاون و کپل عمومی .

ماده ۱۱۵ — پارکه بدایت تشکیل میشود از مدعی عمومی محکمه



ابتدائی و یک نفر معاون او برای هر اطاقی از اطاقهای حقوقی و جزائی .

ماده ۱۱۶ - کلیه ترتیبات اداره و اعمال هر پار که تفویض بمدعی العموم آن پار که است و وکلای عمومی در تحت ریاست مدعی عمومی باه و راجعه بخودشان رسیدگی مینمایند .

ماده ۱۱۷ - هرگاه مدعی عمومی بعلت مخصوصی از اجراء وظیفه خود باز ماند یکی از وکلای عمومی بحکم اقدمیت در خدمت قایم مقام او خواهد بود همچنین در صورت مرض یا غیبت مدعی عمومی یکی از وکلای عمومی بحسب قدمت در خدمت وظایف او را انجام میدهد .

ماده ۱۱۸ - مدعی عمومی هر یک از وکلای عمومی را که صلاح بداند مامور بامور هر یک از اطاقهای محکمه که در نزد آن ماموریت دارد مینماید و وکلای عمومی در موقع حضور در هر یک از اطاق محاکم بنام مدعی عمومی نطق و اظهار رای خواهند کرد .

ماده ۱۱۹ - وکلای عمومی در امور مهمه باید نتیجه عقاید خودشان را بمدعی عمومی اظهار دارند . در صورتیکه مشار الیه عقیده وکیل عمومی را تصویب نکرده و وکیل عمومی اصرار در حفظ عقیده خود نمود مدعی عمومی میتواند وکیل عمومی دیگری را انتخاب نماید که مطلب را چنانکه مدعی عمومی عقیده دارد در محکمه اظهار نماید .

ماده ۱۲۰ - در مواردیکه قانون حضور مدعی العموم را در محکمه تقاضا مینماید مدعی العموم باید حاضر شده وظایف خود را انجام بدهد .



و هرگاه نتواند در تمام اطاقهای محکمه بشخصه حاضر شود در هر اطاقی که صلاح بداند حاضر میشود ولی در جلسات عمومی محاکم و همچنین در موارد مهمه جلسات معمولی مدعی عموم باید شخصا حاضر شود .

ماده ۱۲۱ - هرگاه یکی از وکلای عمومی از ایفای وظیفه خود معذور ماند وسایر وکلای عمومی نیز بواسطه مشاغل فوق العاده یا فوتی نتوانند بجای او معین شوند بحکم وزیر عدلیه یکی از اعضای محکمه موقفا وظیفه وکیل عمومی را انجام میدهد .

### فصل دوم

در وظایف مدعی عمومی

#### مبحث اول

در امور حقوقی

ماده ۱۲۲ - مواردی را که مدعی عمومی باید دخالت در محاکمات حقوقی نماید موارد ابلاغ گویند و در موارد مذکوره رئیس محکمه مکلف است اوراق راجعه بدعوا را بمدعی عمومی آن محکمه قبل از استماع دعوا تبلیغ نماید .

ماده ۱۲۳ - موارد ابلاغ از قرار تفصیل ذیل است :

اولا - دعاوی راجعه بمنافع عامه و حقوق عمومی مثل شارع عام

و مباحه و انهار و مراتع مباحه و امثال آنها چه آن دعوی مابین اهالی دو محل باشد یا یک محل چه طرفین دعوا محصور باشند و چه نباشند .

ثانیاً - دعاوی راجعه بدولت چه اقدعوی متعلق بخزانه مالیه باشد یا خزانه اوقاف عمومی یا دیون عمومی یا عوارض دولتی و غیره .

ثالثاً - در دعاوی راجعه بوجوه بریه و امور خیریه که جهت عمومی داشته باشد ( نسبت بوصیت نامه های عمومی و وقف نامه های عمومی و امثال ذلک )

رابعاً - در موارد نقض قوانین موافق ماده (۱۳۶)

خامساً - در دعاوی متعلقه بصلاحت محاکم ورد حکام عدلیه .

سادساً - در دعاوی متعلقه بصغیر و مجنون و سفیه که قیم یا ولی خاص دارند .

سابعاً - در دعاوی حقوق راجع بافلاس .

ثامناً - در موارد ادعای جعلیت اسناد و محاکمه آن .

تاسعاً - در دعاوی حقوق شخصیه که ناشی گردد از جرائم چه در محکمه جزائیه بدعاوی مذکوره رسیدگی شود و چه در محکمه حقوق .

ماده ۱۲۴ - هر گاه دعوا راجع به صغیر یا مجنون یا سفیه بوده و اشخاص مذکوره قیم یا ولی خاص نداشته باشند . و همچنین در مواردیکه دعوا راجع است بغایب مفقود الاثر که حیات و ممات او معلوم نیست مدعی العموم قبل از مداخله بمجتهد جامع شرایط عادل اطلاع داده و بعد از تعیین قیم یا ولی مداخله مینماید .

ماده ۱۲۵ - مدعی عمومی حق دارد اوراق هر دعوائی را که بخواهد از محکمه مطالبه کند تا جدا کند آنچه را که تعلق بوظیفه او دارد

ماده ۱۲۶ - مدعی عمومی هر محکمه حق مراقبت و نظارت بر تمام احکام صادره از آن محکمه را دارد .

ماده ۱۲۷ - مداخله در محاکمات شرعیه خارج از وظیفه مدعی العموم است و در محاکم تجارت اگر دعوی افلاس باشد حق مداخله دارد بطوریکه در ماده (۱۲۳) مذکور است .

ماده ۱۲۸ - مدعی عمومی در هر دعوائی که مداخله مینماید باید طرفدار حق بوده و بافکار و رای خود تقویت نماید طرفی را که بمقتضیات قانون محق فهمیده است .

ماده ۱۲۹ - مدعی عمومی در مدت سه روز از فردای تبلیغ اوراق باید مداخله یا عدم مداخله را کتبا بر رئیس محکمه اطلاع دهد و در صورت عدم مداخله باید محکمه قبل از صدور حکم افادات مدعی عمومی را در عدم مداخله شفاهاً استماع نموده در اوراق ضبط و در صورت حکم درج نماید .

ماده ۱۳۰ - اگر زیاده از سه روز مدعی عمومی اوراق را معطل نموده و جواب بمحکمه ندهد مسؤل خواهد بود و اگر از تعطیل اوراق ضرر و خسارتی بر متداعین وارد آید حق شکایت بر او و مطالبه ضرر و خسارت را از او دارند .

ماده ۱۳۱ - اگر محکمه قرار داد بر مداخله مدعی العموم در محاکمه مشارالیه نمیتواند امتناع نماید بلکه حاضر شده و عقیده خود را اظهار میدارد.

ماده ۱۳۲ - در صورتیکه مدعی عمومی مداخله خود را بر رئیس محکمه اطلاع داد باید از طرف محکمه روز و وقت رؤیت دعوی باو اخطار شود تا در وقت مقرر حاضر شود.

ماده ۱۳۳ - مداخله مدعی عمومی در موارد ابلاغ بر دو قسم است مداخله اصلیه و مداخله تبعیه.

ماده ۱۳۴ - مداخله اصلیه در مواردیست که دعوا مربوط بحقوق عمومی و منافع عامه است ( رجوع بنقره اول و دوم و سیم و چهارم ماده ۱۲۳ ) در این صورت مدعی العموم مثل مدعی یا مدعی علیه دخالت مینماید ( زیرا که و کمال است از جهت مدافعه و حفظ حقوق عمومی ) و چون حقوق و اختیارات او همان حقوق و اختیارات مدعی یا مدعی علیه است لذا اگر متداعین خصوصی دعوای خود را باصلاح ختم نمایند صلح آنها خللی بحقوق عمومی وارد نمیآورد و مدعی عمومی بنام حقوق عمومی محاکمه را تعقیب می کند و اگر محکمه حکم داد و مدعی العموم بر آن حکم تسلیم نمود مدعی العموم حق اعتراض ( استیناف و اعاده محاکمه و تمیز ) را موافق اصول محاکمات حقوقی دارد. و همچنین هر گاه مدعی یا مدعی علیه خصوصی محکوم شده و تسلیم بر حکم محکمه نمود

مدعی عمومی با وجود تسلیم آنها حق اعتراض را دارد.

ماده ۱۳۵ - در مداخله تبعیه ( رجوع بنقره پنجم و ششم و هشتم ماده ۱۲۳ ) مدعی العموم چون طرف نیست و فی الواقع بسمت مشاور حقوق در محکمه حاضر شده بهمان عقیده می نماید. لهذا اگر متداعین خصوصی منازعه خود را بصلح ختم یا بر حکم محکمه تسلیم نمودند مدعی العموم تعقیب مینماید و حق هیچگونه اعتراض را ندارد.

ماده ۱۳۶ - در موارد نقض قوانین فقط وقتی مدعی العموم مداخله مینماید که بموجب حکم قطعی نقض قانون شده و هیچیک از طرفین در موعد مقرر تمیز آن حکم را خواستار نشده باشند. در این صورت مدعی العموم هر محکمه مراتب را بمدعی العموم دیوان تمیز اطلاع می دهد که او برای محافظت قانون تمیز حکم را بخواهد لیکن در اینموارد نقض دیوان تمیز در باره طرفین دعوا مؤثر نمیباشد و فقط برای حفظ قانون است.

ماده ۱۳۷ - در صورت مداخله اصلیه هر چند مدعی عمومی بصفه مدعی محاکمه می نماید ولی نمی تواند ابتداء شروع بمحاکمه نماید بلکه بعد از اقامه دعوا نمودن مدعی خصوصی مداخله مینماید.

ماده ۱۳۸ - در کلیه مداخلات مدعی عمومی کفایت نمی کند که تقریر و افادات خود را شفاهاً و علناً اظهار دارد بلکه باید کتبا بمحکمه بدهد.

ماده ۱۳۹ - در صورتیکه مدعی عمومی مداخله اصلیه در دعوی نماید در تمام جلسات محاکمه خودش یا قائم مقامش حاضر شود و استماع



شهادت شهود و تقریر خصم را بنماید و اگر محتاج بکشف و تحقیق موضوع مدعی به گردد باید در مقام کشف آن نیز حاضر شود و باید حکم در حضور او بطرفین قرائت و تفهیم شود .

و در صورتی که مداخله عمومی مداخله تبعی باشد حضور او در جلسات محاکمه و در روز کشف متنازع فیه بجهت معاینه و در روز صدور حکم و قرائت آن بر طرفین هیچیک لازم نیست فقط باید بعد از ختم مذاکرات طرفین اظهار عقیده نماید .

ماده ۱۴۰ — در صورت مداخله تبعی مدعی عمومی محکمه نباید استماع نماید افادات مدعی عمومی را مگر بعد از تمام شدن افادات و مذاکرات متداعیین و متداعین حتی ندارند که بعد از تقریر مدعی عمومی تکلم نمایند بلکه محاکمه با نطق مدعی العموم ختم می شود و اگر متداعیین بر تقریر او اعتراض داشته باشند می توانند بر ورقه نوشته به رئیس تقدیم دارند .

ماده ۱۴۱ -- اگر مداخله مدعی عمومی اصلیه باشد هر یک از متداعیین میتوانند با اجازه رئیس اعتراض و دفاع از خود نمایند ( زیرا که مدعی عمومی در اینصورت متخاصم است ) .

ماده ۱۴۲ -- مدعی عمومی نباید داخل شود در اطاق مذاکره یا اینکه با اعضای محکمه شرکت در دادن رای نماید .

ماده ۱۴۳ -- مدعی عمومی از جمیع مصارف و رسوم متعلقه بنمام



محاکم معاف است و در مواردی که برای استیفاء و تمیز تامینات لازم است مدعی عمومی مستثنی است .

ماده ۱۴۴ -- مدت استیفاء و مدت تمیز از برای مدعی عمومی در مداخلات اصلیه همان مدت مقرر از برای مدعی شخصی میباشد و در مورد ماده ( ۱۳۶ ) مدت مقرر ندارد هر وقت مطلع شود می تواند تمیز نماید

### مبحث دوم

در امور جزائی .

ماده ۱۴۵ -- مدعی های عمومی مکلفند اعمالی را که متضمن خلاف یا جنحه یا جنایت است تفتیش و تعاقب نمایند

ماده ۱۶۴ -- وظایف مدعیهای عمومی از جهت تفتیش و تعاقب مجرمین و طریق عمل کردن آنها بوظایف خود و حدود اختیارات آنها در اصول محاکمات جزائی مصرح است .





## باب سیم

در حکام و صاحب منصبان و مستخدمین عدلیه

### فصل اول

در شرایط و اوصاف

ماده ۱۴۷ — روساء و اعضاء محاکم و صاحب منصبان و مستخدمین

عدلیه کلیه باید دارای شرایط و اوصاف ذیل باشند :

( اولاً ) تابعیت ایران ، ( ثانیاً ) دین اسلام . ( ثالثاً ) سن

که باید کمتر از آنچه ذیلاً معین شده است نباشد .

۱ ( برای اعضاء و وکلای عمومی محکمه ابتدائی و مستنطقین

درجه دوم و دفتر دار های محاکم و اشخاصی که در یکمقام با اشخاص

مذکور هستند ( ۲۵ ) سال .

۲ ( برای مدعی العموم بدایت و اعضاء و وکلای عمومی محکمه

استیناف و مستنطقین درجه اول و معاونین و کلای عمومی استیناف و اشخاصی

که در یک مقام با آنها هستند ( ۳۰ ) سال .

۳ ( برای رؤساء محاکم ابتدائی و مدعی العموم استیناف و اعضاء

تمیز و اشخاصی که در مقام با آنها مساویند ( ۳۵ ) سال .



۴ ( برای روساء محاکم استیناف و مدعی العموم تمیز و روساء

تمیز ( ۴۰ ) سال .

( رابعاً ) دادن امتحانات علمی و عملی در انجمن امتحان وزارت

عدلیه موافق پروگرامی که وزیر عدلیه مرتب و بعد از گذشتن از مقامات

لازمه طبع و اعلان خواهد کرد ( مادامیکه مدرسه حقوق ناسپس و اعضاء

واجزاء برای محاکم و ادارات عدلیه تهیه نشده است )

ماده ۱۴۸ — اشخاص مفصله ذیل نمیتوانند در عدلیه مستخدم شوند

اولاً - اشخاصیکه بواسطه ارتکاب بجنحه و جنایت در تحت محاکمه

هستند یا بواسطه اتهام بجنحه و جنایت در تحت محاکمه بوده برائت زمه

حاصل نکرده اند ،

ثانیاً - - کسانیکه بواسطه ارتکاب بجنحه و جنایات محکوم بحبس

یا مجازاتی شدیدتر شده اند ،

ثالثاً - اشخاصیکه ورشکسته اعلان شده اند .

رابعاً - اشخاصیکه در تحت قیمومیت یا ولایت شرعی هستند .

خامساً - کسانیکه معروف بفساد عقیده اسلامی باشند

سادساً - اشخاصیکه منظر بار نکاب منکرات و اتصاف با خلاق زمیمه هستند

سابعاً - کسانیکه از ادارات دولتی بعد از محاکمه اخراج شده اند .



فصل دوم

در نصب حکام و صاحب منصبان و مستخدمین عدلیه

ماده ۱۴۹ - رؤساء و مستشاران دیوان تمیز و رؤساء و اعضاء محاکم استیناف و رؤساء محاکم ابتدائی و اشخاصیکه با حکام مذکور در یک رتبه هستند بنصوب وزیر عدلیه معین و بصدور فرمان همایونی منصوب میشوند . و اعضاء محاکم ابتدائی و مستنطقین درجه دوم و امنای صلحیه و اشخاصی را که با آنها در یک رتبه هستند وزیر عدلیه معین و بصدور حکم او منصوب می شوند .

ماده ۱۵۰ - در صورتیکه جای عضوی در محاکم ابتدائی یا استیناف یا جای مستنطقی باز شود در جلسه فوق العاده اداری محکمه با حضور مدعی العموم در باب اشخاصی که شرایط مذکور در فصل اول را دارا بوده و لیاقت اشغال جای خالی را دارند مذاکره بعمل آمده صورت اشخاص لایق را ترتیب میدهند .

ماده ۱۵۱ - بعد از اینکه اشخاص مذکور رضایت خود را با اشغال جای خالی اظهار کردند صورت مذکور در ماده قبل بتوسط رئیس محکمه بوزیر عدلیه تقدیم می شود

ماده ۱۵۲ - وزیر عدلیه از صورت مذکور در ماده قبل یا از اشخاص دیگری که شرایط و اوصاف فصل اول را دارا هستند اشخاصی را که صلاح میداند موافق قانون معین مینماید .



ماده ۱۵۳ - مدعی العموم کل (دیوان تمیز) و مدعی العموم استیناف بنصوب وزیر عدلیه و اذن حاکم شرع معین و بصدور فرمان همایونی منصوب میشوند . معاون مدعی العموم استیناف (مدعی العموم بدایت) از میان اشخاصی که مدعی العموم استیناف معرفی نموده بنصوب وزیر عدلیه معین و بصدور فرمان همایونی منصوب میشود .

ماده ۱۵۴ - دفتر دارهای محاکم ابتدائی و استیناف و تمیز و سایر اجزاء دفترخانه محاکم را وزیر عدلیه معین و بصدور حکم او منصوب میشوند .

ماده ۱۵۵ - منشی های هر پار که را مدعی العموم آن پار که معین میکنند و در نصب منشی های مزبوره حکم وزیر عدلیه صادر میشود .

ماده ۱۵۶ - حکام و صاحبمنصبان عدلیه که تازه بمشغل خود معین شده اند قبل از مباشرت بمشغل خودشان در جلسه فوق العاده علنی محکمه که در آن یا نزد آن ماموریت دارند باید بموجب صورتیکه جداگانه معین شده است قسم یاد نمایند . امنای صلح در جلسه فوق العاده علنی محکمه ابتدائی قسم یاد مینمایند ، و رقبه قسم را رؤساء محاکم بدائرة سجّل احوال و وزارت عدلیه خواهند فرستاد .

ماده ۱۵۷ - تقریر نویسیها و سایر اجزاء محاکم و منشیهای ادارات مدعی عمومی در جلسه معمولی علنی قسم یاد مینمایند .



فصل سیم

در عزل و نصب حکام عدلیه و صاحب منصبان

اداره مدعی العموم و مرخصی آنها

۱۵۸ - در موارد مفصله حکام عدلیه و صاحب منصبان اداره مدعی-

العموم از شغل خود معزول میشوند

( ۱ ) در صورتی که مرتکب عملی شوند که برخلاف شرف آنها باشد یا دلالت

کند بر ارتشاء یا عدم درستی و فساد اخلاق .

( ۲ ) اشتغال بشغل یا حرفه دیگری از قبیل تجارت و دلایلی و غیره با داشتن

مقام رسمی در خدمت عدلیه

( ۳ ) در صورتیکه اعمال و افعالشان عالما عامدا مغایر قانون و نظامات

عدلیه باشد

( ۴ ) در صورتیکه بواسطه ارتکاب بجنحه و جنایت در محکمه که صلاحیت

رسیدگی را دارد محکوم شده باشند

( ۵ ) در مواردی که فاقد شرایط و اوصافی شوند که برای حکام و صاحب

منصبان و مستخدمین عدلیه مقرر است ( مواد ۱۴۷ و ۱۴۸ )

ماده ۱۵۹ - در موارد ماده قبل عزل حکام عدلیه و صاحب منصبان اداره

مدعی العمومی بعد از رسیدگی بحکم مجلس عالی ( رجوع بماده ۱۸۱ ) بعمل میاید

و وزیر عدلیه حکم مجلس مذکور را بموقع اجرا میگذارد .



ماده ۱۶۰ - هر گاه حکام و صاحب منصبان و مستخدمین عدلیه بواسطه

مرضی در مدت چهار ماه نتوانند در سر خدمت حاضر شوند و با وجود آن

استعفاء از شغل خود نمایند باید بانها اخطار شود که استعفاء نمایند .

و هر گاه در مدت دو هفته بعد از این اخطار استعفاء نکردند مستعفی محسوب

خواهند شد این اخطار را باعضاء محاکم و اجزاء ادارات روساء مستقیم

انها خواهند کرد .

ماده ۱۶۱ - صاحب منصبان و مستخدمین عدلیه سالی یکماه حق مرخصی

دارند و موعده آن بتوسط وزیر عدلیه معین خواهد شد .

ماده ۱۶۲ - اجازه مرخصی در صورتیکه علاوه بر آنچه قانونا برای

حکام و صاحب منصبان و مستخدمین عدلیه مقرر شده است دعا شود منوط بنصوب

وزیر عدلیه است .

فصل چهارم

در حقوق و حدود حکام و صاحب منصبان و مستخدمین عدلیه

ماده ۱۶۳ - حکام و صاحب منصبان و مستخدمین عدلیه در خدمت

دولتی محسوب و از کلیه حقوق و امتیازاتی که برای مستخدمین دولت

مقرر است بهره مند میباشند .

ماده ۱۶۴ - حکام و صاحب منصبان و مستخدمین عدلیه نمیتوانند با

شغل خود هیچ شغل و حرفه دیگری چه در ادارات رسمی باشد چه غیر رسمی

توأم نمایند ولی قبول عضویت افتخاری در انجمنهای خیریه در صورتی که مانع از ایفای وظایف ایشان نباشد جایز است .

ماده ۱۶۵ - مراتب حکام و صاحب منصبان اداره مدعیان عمومی و مستخدمین عدلیه از قرار ذیل است :

- ۱ - ریاست دیوان تمیز و مدعی عمومی دیوان مذکور .
- ۲ - ریاست شعبه دیوان تمیز .
- ۳ - مستشاری دیوان تمیز و ریاست محکمه استیناف و مدعی عمومی استیناف و وکالت عمومی دیوان تمیز .
- ۴ - ریاست شعبه استیناف و وکالت عمومی استیناف
- ۵ - ریاست محکمه ابتدائی و مدعی عمومی محکمه ابتدائی
- ۶ - عضویت محکمه استیناف و معاونت وکالت عمومی استیناف و مستنطقی درجه اول و ریاست شعبه ابتدائی و ریاست محکمه تجارت
- ۷ - عضویت محکمه ابتدائی و معاونت مدعی عمومی بدایت و مستنطقی درجه دوم و امانت صلح .
- ۸ - معاونت عضویت محکمه ابتدائی .
- ۹ - دفتر داری محاکم .
- ۱۰ - تقریر نویسی محاکم و منشی گری اداره مدعیهای عمومی
- ۱۱ - قیامی و ضبطی محاکم .
- ۱۲ - مامورین اجرا

ماده ۱۶۶ - محاکم عدلیه پایتخت و ولایات از جهت عدله امور راجعه بانها وقت و کثرت دعاوی به سه درجه منقسم میشوند و ترتیب مقرری هر يك از درجات مذکوره بطوری است که علیحده موافق قانون معین گردیده .

ماده ۱۶۷ - وقتی که محاکم عدلیه بهیئت اجتماع باید در مواقع رسمی حاضر شوند بنرتیب ذیل خواهند بود :

( اول ) دیوان تمیز . ( دوم ) محکمه استیناف . ( سوم ) محکمه ابتدائی . ( چهارم ) محکمه تجارت . ( پنجم ) محکمه صلحیه .

### فصل پنجم

در نظارت بمحاکم و صاحب منصبان و مستخدمین عدلیه

ماده ۱۶۸ - مقامات مفصله نسبت بمقاماتی که ذیلا تصریح شده است نظارت دارند : دیوان تمیز بامجلس عمومی آن نسبت بمحاکم ایران غیر از اداره مدعی های عمومی . محاکم استیناف نسبت بمحاکم ابتدائی غیر از پارکه استیناف و بدایت . محکمه ابتدائی نسبت بمحاکم صلحیه

ماده ۱۶۹ - حق نظارت اقدامات مفصله را حاوی است . مقام بالا تر حق دارد :

اولا - در مورد شکایات از احکام موافق اصول محاکمات از مقام پائین تر اطلاعات و توضیحات لازمه را بخواهد .



ثانیا - در صورت مشاهده بی نظمی یا سوء استعمال یا مسامحه در انجام وظایف مقرر از وزیر عدلیه خواهش نماید که اختلالات لازمه نسبت بمقام پائین تر بعمل آید .

ثالثا - هرگاه مقامات پائین تر از حدود خود تجاوز نمایند تا اندازه که اصول محاسبات به مقامات بالا تر اجازه می دهد آن اقدامات را فسخ می نمایند .

ماده ۱۷۰ - رؤساء محاکم عدلیه نسبت بر رؤساء شعب و معاونین و اعضاء و اجزاء دفتر خانه محاکم حق نظارت را دارند و مراقبت می نمایند که امور از نظم و ترتیب خارج نشده و اعضاء و اجزاء از وظایف خود تخلف نمایند .

ماده ۱۷۱ - صاحب منصبان و اجزاء پارک بدایت در تحت نظارت مدعی العموم بدایت و صاحب منصبان و اجزای پارک استیناف و مدعی العموم بدایت در تحت نظارت مدعی العموم استیناف واقعند و تمام مدعیهای عمومی استیناف و مدعی العموم دیوان تمیز در تحت نظارت ریاست عالیله وزیر عدلیه واقعند .

ماده ۱۷۲ - محاکم رؤساء آنها حق ندارند در امور اداره مدعی العموم دخالت یا نظارتی نمایند و هرگاه بی نظمی در اداره مزبوره مشاهده کنند یا بر رئیس آن اداره اطلاع میدهند یا بوزیر عدلیه راپورت می نمایند .



ماده ۱۷۳ - مدعی العموم و وکلای عمومی هرگاه بی نظمی یا اختلال و اغتشاشی در محاکم مشاهده کنند مستقیما بر رؤساء آن محاکم اطلاع میدهند و یا بمدعی العموم اول استیناف و مشارالیه مکلف است که اطلاعات مزبوره را بوزیر عدلیه راپورت نماید .

ماده ۱۷۴ - وزیر عدلیه نظارت عالیله و عمومی نسبت بکلیه محاکم و ادارات عدلیه ایران دارد و میتواند هر نوع اطلاعات و توضیحاتی که لازم بداند از محاکم عدلیه و رؤساء آنها بخواهد و نیز میتواند بتوضیحات کتبی اکتفاء ننموده تقاضای توضیحات شفاهی کند .

ماده ۱۷۵ - وزیر عدلیه حق دارد تفتیشات لازمه را در محاکم و ادارات مدعی العموم و سایر دوائر عدلیه نموده اختلالات و اقدامات لازمه را برای جلوگیری از بی نظمی یا تراکم امور یا مسامحه و ممالطه و امثال آن نماید و در مواقعیکه لازم بداند آنها را بمعرض مسئولیت و مؤاخذنه و سپاست در آورد .

ماده ۱۷۶ - تفتیش مذکور در ماده قبل را وزیر عدلیه میتواند مستقیما بیکدی از مامورین وزارتخانه یا اشخاصی که طرف اطمینان او هستند و یا بیکدی از رؤساء و اعضاء محاکم یا پارکها رجوع نماید .

ماده ۱۷۷ - وزیر عدلیه میتواند بمدعی های عمومی تعلیمات لازمه در جلوگیری از بی نظمی امور داخلی محاکم و نقض قوانین و قواعد و انتظامات داخلی آنها بدهد .

ماده ۱۷۸ - دفتر خانهای محاکم در تحت نظارت رؤساء محاکم است و اجزاء دفتر خانه در تحت نظارت دفتر دار و وظایف مقرر را انجام می دهند .

فصل ششم

در مسؤولیت حکام و صاحب منصبان و مستخدمین عدلیه  
ماده ۱۷۹ - تخلف حکام و صاحب منصبان عدلیه از حدودی که برای آنها مقرر شده و همچنین تقصیرات راجعه بخدمت یا مسامحه و ممالطه آنها در انجام وظایف خودشان باعث مسؤولیت و مجازات اداره انتظامی است .

ماده ۱۸۰ - تنبیهات و سباسات که برای حکام و صاحب منصبان عدلیه در صورت محکومیت آنها در رسیدگی اداری انتظامی مقرر است از قرار ذیل است :

- اولا - تخطیر کتبی
- ثانیا - توبیخ و شماتت کتبی بدون درج در ورقه خدمت
- ثالثا - توبیخ و شماتت کتبی با درج آن در ورقه خدمت
- رابعا - کسر گذاشتن از مقرری ماهیانه الی یک ثلث در مدت از یک ماه الی شش ماه
- خامسا - تنزل از شغلی بشغلی پایین تر
- سادسا - انفصال موقتی

سابعا - انفصال از شغل و خدمت عدلیه

ماده ۱۸۱ - رسیدگی بتقصیرات اداره رؤساء و اعضاء محاکم و معاونین اعضاء محاکم ابتدائی و صاحب منصبانی که با آنها در یک مقام هستند در مجلس رسیدگی اداری (یا مجلس رسیدگی عالی) که در وزارت عدلیه تشکیل میشود بعمل خواهد آمد - و رسیدگی بتقصیرات دفتر دار و اجزاء دفتر خانه محاکم و اشخاصی که با آنها در یک مقام هستند در مجلس فوق العاده اداری همان محکمه که در آن مشغول خدمت هستند .

ماده ۱۸۲ - رسیدگی اداری شروع میشود

اولا - بتکلیف وزیر عدلیه و آن در صورتی است

- ۱ - که شکایتی از حکام و صاحب منصبان عدلیه از طرف اشخاصی بشود و پس از تحقیقات اولیه معلوم شود که شکایت وارد است
- ۲ - بموجب شکایت محکمه

۳ - بموجب اطلاعات صحیحه که بوزیر عدلیه رسیده یا خود وزیر عدلیه تحصیل کرده .

( ثانیاً ) در مواردی که بموجب حکم محکمه که صلاحیت دارد حاکم یا صاحب منصب عدلیه محکوم بارتکاب جنحه یا جنایتی شده و وزیر عدلیه برای صدور قرار عزل مقصر را بمجلس اداری میفرستد .

۱۸۳ - وزیر عدلیه نسبت بحکام و صاحب منصبان و مستخدمین عدلیه و رؤساء محاکم نسبت بدفتر دار و اجزاء دفتر خانه محاکم مذکور



حق تجدیر کتبی و توییح و شمانت را با درج آن در ورقه خدمت بدون رسیدگی اداره دارند .

ماده ۱۸۴ - رسیدگی اداری بعد از انقضای يك سال از زمان وقوع تقصیر جایز نیست و قانونا نمیتواند شروع شود .

ماده ۱۸۵ - در مواردی که رسیدگی اداری بشکایت محکمه شروع میشود جهات آنرا رئیس محکمه در جلسه معمولی اداری با اسناد و دلایل مطرح مینماید و بعد از مذاقه لازمه صورت مجلس نوشته شده بوزیر عدلیه تقدیم میشود .

ماده ۱۸۶ - در صورتیکه از ملاحظه و رسیدگی بشکایت مظالمین از حکام عدلیه علت صحیحی برای رسیدگی اداری کشف شود آن رسیدگی اداری را نمیتوان موقوف داشت ولو اینکه مظالم شکایت خود را پس بگیرد .

۱۷۷ - مجلس رسیدگی عالی بعد از تحصیل اطلاعات و خواستین توضیحات و جمع آوری اسناد و اوراق لازمه شروع بر رسیدگی مینماید

ماده ۱۸۸ - هر گاه مجلس مذکور حضور منشکی عنه یا متهم را لازم بداند باید مشار الیه شخصا حاضر شود و در صورتیکه بدون عذر موجه در موعد مقرر حاضر نشد این عدم حضور او باعث توقیف رسیدگی نخواهد شد .



ماده ۱۸۹ - در محاکمه اداری رد اعضاء مجلس بموجب اصول محاکمات جایز است

ماده ۱۹۰ - رسیدگی مجلس عالی غیر علنی است

ماده ۱۹۱ - قبل از اینکه مجلس رسیدگی عالی حکم بدهد رای مدعی عمومی را که صلاحیت حضور را دارد بمشغول و بعد توضیحات آخری متهم را اصفا میکنند .

ماده ۱۹۲ - هر گاه در حین رسیدگی اداری تقصیر دیگری کشف شود موافق اوضاع و احوال یا مجلس بهر دو تقصیر تواما رسیدگی میکنند و یا بتقصیری که اخیرا کشف شده است جداگانه موافق ترتیبات مقرر رسیدگی مینماید .

ماده ۱۹۳ - حکم مجلس بعد از صدور فوراً بمتهم ابلاغ میشود و هر گاه غایب باشد بمحکمه برای ابلاغ حکم احضار میشود و در صورتیکه در محکمه دیگری که در شهر است باشد بدان محکمه فرستاده میشود که در جلسه فوق العاده اداری آن محکمه بمحکوم ابلاغ شود .

ماده ۱۹۴ - هر گاه در حین محاکمه اداری کشف شود که مقصر مرتکب جنحه یا جنایتی شده محاکمه مجلس عالی توقیف و مقصر موافق اصول محاکمات جزائی بمحکمه که صلاحیت رسیدگی را دارد جلب میشود و پس از صدور حکم قطعی محکمه مذکور مجلس عالی بر رسیدگی تقصیر



اداره مداومت کرده حکم میدهد هر گاه مقصر در مورد جنحه یا جنایت در محکمه عمومی محکوم به حبس یا جزائی شدیدتر شده باشد مجلس رسیدگی عالی حتما حکم عزل را میدهد .

ماده ۱۹۵ - هر گاه حکام و صاحب مناصبان و مستخدمین عدلیه بواسطه اتهام بجنحه یا جنایت جلب بمحاکمه جزائی شوند در صورتیکه مجازات تقصیر منتهمین موافق قانون حبس یا جزائی شدیدتر باشد مشار الیه هم از شغل خود موقتاً منفصل خواهند شد و انفصال یا عودت آنها بشغل خودشان منوط به ختم محاکمه جزائی و رای مجلس عالی است .

### باب چهارم

در دوایر و اشخاصی که وابسته بمحاکم میباشد

## فصل اول

در مامورین اجرا و مامورین احضار و اعلام

### مبحث اول

در شرایط و اوصاف مامورین اجرا

ماده ۱۹۶ - مامورین اجرا برای اجرای احکام و قرارداد های محاکم معین میشوند عده مامورین مذکور را وزیر عدلیه موافق مقتضیات محل و وقت معین مینماید .

ماده ۱۹۷ - مامورین اجرا باید همان شرایط و اوصاف را دارا



باشند که در مواد ( ۱۴۷ ) و ( ۱۴۸ ) برای مستخدمین عدلیه مقرر است  
ماده ۱۹۸ - مامورین اجرا را در طهران وزیر عدلیه و در ولایات مدعی العموم بدایت یار رئیس محکمه ابتدائی ( در صورتیکه مدعی العموم نباشد ) معین میکنند

ماده ۱۹۹ - اشخاص مذکور نمیتوانند بشغل خودشان مباشرت نمایند مگر بعد از ودیعه گذاشتن وجه الضمانه در صندوق عدلیه که هر گاه از اعمال غیر قانونی آنها خسارتی بر کسی وارد آمد و در محکمه ثابت شود از وجه الضمانه مذکور برداشته شود . مقدار وجه الضمانه مذکور را در طهران وزیر عدلیه و در ولایات محکمه ابتدائی معین میکنند عوض وجه الضمانه مامورین اجرا میتوانند ضامن معین بدهند و مبلغ ضمانت نیز جداگانه معین میشود .

ماده ۲۰۰ - مامورین اجرا باید قبل از مباشرت بشغل خودشان در جلسه اداری فوق العاده محکمه که در نزد آن ماموریت دارند قسم یاد نمایند

ماده ۲۰۱ - پس از یاد کردن قسم مزبور بمامورین اجرا تصدیق نامه داده میشود و بعلاوه صاحب مناصبان مزبور لباس و مهر مخصوصی خواهند داشت ( موافق نظامنامه )

ماده ۲۰۲ - محل اقامت مامورین اجرا را که در نزد محکمه





ماموریت دارند باید رؤساء محاکم مذکورہ معین نمایند و تغییر محل اقامت بدون اجازه رئیس محکمہ مستلزم انفصال آنها از شغل خودشان است .

ماده ۲۰۳ - محل اقامت اشخاص مذکورہ باید در همان شهر یا محلی که مقر محکمہ است بوده ولی بکلی خارج از محکمہ باشد .

ماده ۲۰۴ - نصب مامورین اجرا بعد از یکسال از مباشرت آنها بشغل خودشان بعمل می آید .

ماده ۲۰۵ - در صورت عدم کفایت مامورین اجرا محاکم میتوانند اجرای احکام را بصاحب منصبان نظمیه رجوع نمایند و در این موارد حق الزحمه که برای مامورین اجرا مقرر است بصاحب منصبان نظمیه داده خواهد شد

ماده ۲۰۶ - مامورین اجرا وصاحب منصبان نظمیه در مورد اجرای احکام در تحت نظارت مدعی العموم بدایت و در موافقی که شک و شبهه در مفاد قوانین راجعه باجراء یا مضمون حکم برای آنها حاصل شود یا بعضی از مواد حکم را ننهند باید بر رؤساء محاکمی که حکم داده اند رجوع نموده دستور العمل بخواهند .

بحث دوم

در حقوق مامورین اجرا

ماده ۲۰۷ - برای مامورین اجرا حقوق دولتی مقرر است .



بعلاوه حقوق دولتی مامورین مزبورہ حق الزحمه مخصوصی از حق اجرای احکام که دولت اخذ می کند در یافت خواهند داشت . مقدار حق الزحمه مزبورہ از احکامی که مقدار مدعا به آن معین است از هر يك صد تومان چهار قران میباشد و یا از هر ده تومان چهار صد دینار کسور ده تومان بحساب نماید .

ماده ۲۰۸ - حق الزحمه مذکورہ در صندوق مخصوصی که وزیر عدلیه معین خواهد کرد جمع شده سالی دو مرتبه مابین مامورین اجرای حوزه های ابتدائیه تقسیم خواهد شد

ماده ۲۰۹ - هر گاه بعضی از مامورین اجرا قبل از انقضای مدت شش ماه منفسل یافت شدند نسبت بمدت خدمت آنها قسمت آنها بخود یا ورثه آنها داده خواهد شد .

ماده ۲۱۰ - مامورین اجرا در صورتیکه در انجام وظایف خود سعی بوده و خلاف قوانین و نظامات عدلیه رفتار نکرده باشند مثل مستخدمین دولتی حق ارتقاء رتبه و درجات را خواهند داشت ( موافق قانون استخدام و نظامنامه ها )

ماده ۲۱۱ در صورتیکه نسبت بمامورین اجرا در موقع اجرای احکام مقاومت یا سوء رفتاری شود مشارالیهم حق دارند از نظمیه محل استعانت نمایند و مامورین نظمیه مکلفند که بدون تاخیر بانها کمک نمایند . این استعانت باید بموجب سند کتبی باشد مگر در موارد فوری .

ماده ۲۱۲ — هرگاه توهین یا مقاومتی نسبت بمامورین اجرا شود مشار الیهم صورت مجلسی در آن باب مرتب و بامضای شهود و مطلعین و اجزای نظمیه ( در صورتیکه باشند ) میرسانند - همچنین در صورتیکه نظمیه محل تقاضای آنها را انجام ندهد صورت مجلسی مرتب میشود و بامضای مطلعین میرسد .

ماده ۲۱۳ — صورت مجلس مذکور بمدعی العموم بدایت یابیکی از معاونین او تبلیغ می شود تا تحقیقات و تقاضات لازمه و جلب مقصرین بمحکمه قانونی بعمل آید .

### مبحث سوم

#### در تکالیف مامورین اجرا

ماده ۲۱۴ — اجرای احکام محاکم موافق قوانین مقرر در اصول محاکمات بعهد مامورین اجرا است .

ماده ۲۱۵ — مامورین اجرا نمی توانند ماموریتی را قبول نمایند که راجع بعبدال آنها یا باشخصی است که با آنها قرابت نسبی تا درجه چهارم و قرابت سببی نادرجه سیم دارند و همچنین اجرای احکامی را که راجع است بمخدومین یا خادمین آنها و او نسبت بزمان سابق .

ماده ۲۱۶ — مامورین اجرا باید در دفاتر مخصوص کله اقدامات خود را ثبت نمایند و دفاتر مذکوره را موافق ترتیبی که در اصول

محاکمات مقرر است فکاشنه و بجایهای لازمه در مواقع مقرره تقدیم میکنند

ماده ۲۱۷ — مجازات اداری مامورین اجرا از قرار تفصیل است:  
(اولا) توبیخ و شماتت .

(ثانیا) کسر مقرری ماهیانه الی یک ثلث از یکماه الی ششماه .

(ثالثا) محرومیت از حق الزحمه مقرر در ماده (۲۰۷)

(رابعا) تنزل از شغلی بشغلی

(خامسا) انفصال موقتی

(سادسا) انفصال از خدمت عدلیه . توبیخ و شماتت و توقیف را خود رئیس محکمه یا مدعی العموم بدایت میتواند بعد از اینکه شخصا رسیدگی کرد مجری دارد . سایر مجازات های اداری در طهران بحکم وزیر عدلیه و در ولایات بحکم جلسه فوق العاده اداری محکمه معین میشود

ماده ۲۱۸ — هرگاه بمرمدعی العموم بدایت معلوم شود که مامور اجرا وجوهی را که نزد او امانت بوده تفریط کرده است و وجه مزبور پیش از وجه الضمانه است فورا از محکمه ابتدائی توقیف اموال او را بقدر کفایت خواسته مقصر را بمحکمه که صلاحیت رسیدگی را دارد جلب می کند.

ماده ۲۱۹ — شکایت از عمال نظمیه که در تحت نظارت و اوامر صاحب منصب اجرا انجام وظایف مینمایند راجع بمامور اجرا است

ماده ۲۲۰ — هرگاه بواسطه اقدامات غیر قانونی مامورین اجرا



خسارتی بر اشخاص وارد شود مشار البهم موافق قانون مجازات اداری خواهند شد .

ماده ۲۲۱ - مامورین اجرا که وجه الضمانه آنها کلاً یا جزاً بنادیه خسارات صرف شده است موقتاً از شغل خود منفصل و فقط پس از تودیع وجه الضمانه یا تکمیل مقدار قانونی آن بشغل خود معاودت خواهند نمود

### مبحث چهارم

#### در رئیس مامورین اجرا

ماده ۲۲۲ - برای مامورین اجرای هر حوزه استبناقبه يك نفر رئیس اجرا معین میشود

ماده ۲۲۳ - رئیس مزبور را در طهران وزیر عدلیه تعیین و منصوب مینماید و در ولایات مدعی العموم استبناف انتخاب و معرفی می نماید و پس از تصویب وزیر عدلیه بحکم او منصوب میشود .

ماده ۲۳۴ - وظایف رئیس مذکور از قرار تفصیل است .

- ۱ - نظارت نسبت بمامورین اجرا از جهت اجرای وظایفشان
- ۲ - تسویه اختلافاتی که فیمابین آنها روی میدهد
- ۳ - رسیدگی بشکایاتی که از آنها در مواقع انجام وظایفشان میشود
- ۴ - تقسیم حق الزحمه مقرر در ماده (۲۰۷) مابین آنها
- ۵ - تحذیر و توبیخ و شماتت صاحب منصبان اجرا در موارد تقصیرات



جزئی یا قصور و اقدام در مقامات لازمه برای دادن مجازات شدید تر در موارد تقصیرات مهمه

۶ - در موارد مهمه رئیس مامورین اجرا خودش اجرای احکام را می نماید .

ماده ۲۲۵ - اشخاصی که از اقدامات رئیس مامورین اجرا شکایت دارند در ظرف دو هفته از وقوع ماده شکایت در طهران بوزیر عدلیه و در ولایات بمدعی العموم استبناف شکایت خورا رجوع مینمایند

### مبحث پنجم

#### مامورین احضار و اعلام

ماده ۲۲۶ - احضار و اعلام بمعهد مامورین اجرا است و مامورین مذکور برای تلبین احضار و اعلام در تحت نظارت خودشان مامورین احضار خواهند داشت . عده مامورین مزبوره بتعین رؤساء محاکم و تصویب وزیر عدلیه است

ماده ۲۲۷ - مقررات مواد ۱۹۷ و ۱۹۸ و ۲۰۲ و ۲۰۴ و ۲۱۱ و ۲۱۲ و ۲۱۳ و ۲۱۷ و ۲۲۰ شامل مامورین احضار نیز میباشد .

ماده ۲۲۸ - مامورین احضار از مستخدمین دولت محسوب نیستند ولی مواجهی برای آنها بطوری که بودجه وزارت عدلیه معین میکند مقرر است



ماده ۲۲۹ - مامورین احضار لباس و مهر مخصوص داشته در مواقع انجام وظایف خودشان موافق اصول محاکمات و نظامات عدلیه رفتار مینمایند

### فصل دوم

در مباشرین و دفتر را کد ثبت اسناد و مدیر ثبت .  
ماده ۲۳۰ - تشکیل و ترتیب دائره ثبت اسناد و حقوق و حدود و تکالیف و ترتیب انجام وظایف آنها بطوریکه در قانون مخصوص مقرر است

### فصل سوم

#### در منتظرین رجوع شغلی

ماده ۲۳۱ - اشخاصیکه دارای شرایط و اوصاف مقرره بوده امتحان دخول بخدمت عدلیه را داده اند ولی بواسطه نبودن جا منتظر خالی شدن محل و اشغال آن با ترتیبات مقرره هستند منتظرین خدمت نامیده میشوند.

ماده ۲۳۲ - اشخاص مذکور در رئیس محکمه میتوانند برای کمک با اعضاء محکمه یا با جزای دفتر خانه و فرا گرفتن و آموختن عملیات کار دعوت نمایند



ماده ۲۳۳ - منتظرین مادامیکه داخل در خدمت عدلیه نشده اند موظف نمیباشند ولی در مواردیکه معاون عضوی واقع میشوند که بدون عذر موجه غایب شده است یا استعفا یافت نموده و یا بالاخره بشغل دیگری معین شده است مقرری آن عضو را دریافت مینمایند .

ماده ۲۳۴ - منتظرین را فقط بمحاکم ابتدائی و دفتر خانه آن و پارکه بدایت میتوان پذیرفت و عده منتظرین خدمت در هر محکمه ابتدائی بعهده اطاقها خواهد بود مادامیکه اشخاص مذکور در دفتر خانه محکمه میباشند تابع قوانین و نظامات عدلیه بوده اوامر و دستورالعملهای مقامات لازمه را مجری میدارند .

ماده ۲۳۵ - همپنکه جائی باز شد رئیس محکمه منتظرین وابسته محکمه خود را امتحان عملی موافق پروگرام مقرر نموده و صورت امتحانات را با شرح اخلاق و رفتار آنها چنانکه در ماده (۱۵۰) مذکور است بوزارت عدلیه مینفرستد .

### فصل چهارم

#### در وکلای رسمی عدلیه

#### مبحث اول

#### در شرایط و اوصاف وکلای رسمی

ماده ۲۳۶ - وکلای عدلیه بر دو قسمند : رسمی و غیر رسمی .

و کلاهی رسمی اشخاصی هستند که شغل خودشان را و کالت در محاکم قرار داده و بدین صفت معرفی شده اند . و کلاهی غیر رسمی کسانی هستند که عمل بو کالت را شغل خود قرار نداده و اگر و کالتی را میکنند بر سبیل اتفاق می باشد .

ماده ۲۳۷ - و کلاهی رسمی باید دارای صفات ذیل باشند :

(اولا) تابعیت ایران (ثانیا) سن که لا اقل باید سی سال باشد . (ثالثا) معلومات معینه که پروگرام آن بقوسط وزارت عدلیه جداگانه مرتب و اعلام خواهد شد . و اشخاصی که داوطلب شغل و کالت رسمی در عدلیه هستند باید موافق پروگرام مزبور در مجالس امتحان (۱۴۷) امتحانات لازمه داده تصدیقنامه در دست داشته باشند .

ماده ۲۳۸ - اشخاص مفصله نمیتوانند و کلاهی رسمی یا غیر رسمی

شوند .

(اولا) اشخاصی که بواسطه ارتکاب بجنحه و جنایات که مجازات آنها حبس باجزئی شدید تر است در تحت محاکمه هستند .

(ثانیا) محکومین بمجازات مذکوره .

(ثالثا) اشخاصی که از خدمت دولتی بعد از محاکمه اخراج شده اند .

(رابعاً) اشخاصی که شغل موظفی در ادارات رسمی دولتی یا ملتی دارند .

(حامسا) اشخاصی که بحکم محکمه از و کالت منوعند .

(سادسا) اشخاص ورشکسته

(سابعا) کسانی که در تحت قیومیت یا ولایت شرعی هستند .

ماده ۲۳۹ - اشخاصی که میخواهند در عدلیه و کپل رسمی شوند باید قبل از امتحان استدعا نامه ارسال داشته در آن اسم و اسم پدر و شهرت و اقامتگاه و سن و شغل سابق خود را درج نمایند بانضمام شهادتنامه در حسن اخلاق خود از معارف و معتمدین محل خود . استدعا نامه مزبور در طهران بوزیر عدلیه و در ولایات بر رئیس محکمه استیناف یا ابتدائی داده میشود .

ماده ۲۴۰ - امتحانات مذکوره در ماده (۲۳۷) در طهران در وزارت عدلیه و در ولایات در محاکم استیناف با حضور مدعی العموم استیناف بعمل میاید . صورت اشخاصی که امتحان داده و اوصاف مقرر را دارا هستند با اوراق امتحانیه بوزارت عدلیه فرستاده میشود دادن تصدیقنامه در طهران منوط بتصویب وزیر عدلیه و در ولایات بتصویب رئیس محکمه استیناف است و مقامات مذکوره مکلفند که مذاقه لازمه را در عدم تخلف در مواد این فصل بعمل آورند .

ماده ۲۴۱ - و کلاهی رسمی عدلیه پس از آنکه بر طبق مواد فوق صلاحیت خودشان را ظاهر داشتند باید قبل از مباشرت بشغل خودشان در محکمه استیناف در جلسه اداری قسم یاد نمایند . صورت قسم نامه جداگانه مرتب است .

ماده ۲۴۲ - هر گاه پس از دادن تصدیق نامه ثابت شود که داوطلب شغل و کالت اظهاراتش جعلی و دارای صفات مقرر نه بوده تصدیقنامه از او مسترد و بمحکمه



که صلاحیت دارد جلب و از شش ماه الی یک سال بسته با اهمیت تقصیر محکوم به حبس خواهد بود .

ماده ۲۴۳ - مدعی العموم هر گاه در امتحانات و اجرای مواد این فصل مسامحه یا بی نظمی مشاهده کند بوزیر عدلیه راپورت خواهد کرد

ماده ۲۴۴ - تصدیق نامه همه ساله در برج حمل تجدید میشود و برای تصدیق نامه تعرفه ذیل مقرر است :

- ۱) برای وکالت در محاکم صلحیه پنج تومان .
  - ۲) برای وکالت در محاکم ابتدائی و استئنافی ده تومان
  - ۳) برای وکالت در محکمه تمیز یازده تومان .
- شخص واحد میتواند هر سه تصدیق را گرفته و در تمام محاکم حق وکالت رسمی را داشته باشد

ماده ۲۴۵ - اشخاصی که تصدیق نامه وکالت رسمی را ندارند و کبلی اتفاقی هم نیستند نمی توانند در محاکم عدلیه وکالت نمایند .

ماده ۲۴۶ - هر گاه محاکم مشاهده کنند که وکلای رسمی از حدود خود تجاوز مینمایند یا مرتکب اعمالی میشوند که در انظار قبیح و رکیک بوده موافق مقام آنها نیست حق دارند راسا یا به تکلیف مدعی العموم در جلسه اداری فوق العاده محکمه بر رفتار و اعمال آنها رسیدگی کرده مجازات اداری ذیل را بآنها بدهند :

(اولا) توبیخ و شمانت .



(ثانیا) ممنوع داشتن آنها از شغل و کالت از یک الی سه ماه (ثالثا) خارج کردن اسامی و کلای رسمی از لوحه و لای رسمی عدلیه در جلسات مزبوره مدعی العموم باید عقیده خود را اظهار دارد .

ماده ۲۴۷ - در مورد فقره دوم و سوم ماده قبل هر گاه وکلای محکوم و مدعی العموم شکایتی از حکم محاکم داشته باشند در ظرف دو هفته از تاریخ اعلام حکم میتوانند از حکم محکمه ابتدائی استئناف و از حکم محکمه استئنافی تمیز بدهند .

ماده ۲۴۸ - علاوه بر مجازات مذکوره در ماده قبل وزیر عدلیه میتواند تحقیقات لازمه راجع بر رفتار و اعمال وکلای عدلیه نموده و در صورتیکه اطلاعات صحیحی از سوء اخلاق یا اعمال آنها تحصیل کرده آنها را از وکالت در عدلیه ممنوع دارد

ماده ۲۴۹ - اسامی وکلای رسمی عدلیه باید در دفتر مخصوص و همچنین در لوحه مخصوص که در اطاق پذیرائی محکمه نصب می شود ثبت شود

بحث دوم

در تکلیف و کلاء

ماده ۲۵۰ - وکلاء عدلیه حق ندارند ادعای موکلین خود را بخود بطور مصانعه و ساختگی یا در ظاهر بانام دیگری و در باطن بخود بای



فحوکان انتقال نمایند . در صورت وقوع چنین امری دعاوی آنها در عدلیه پذیرفته و استماع نخواهد شد .

ماده ۲۵۱ - و کلاء رسمی عدلیه باید قبل از دخالت در کار باموکل خودشان قرار شرایط لازمه را در حق الوکاله بدهند ولی فمی توافقند اجرت یومیه قرار داد نمایند و این سند تمبر شده را باید بمحکمه ارائه بدهند .

ماده ۲۵۲ - عموم و کلاء باید قبل از شروع بمحاکمه و کالت نامه متبیره تمبر شده بمحکمه تقدیم کنند . و در صورتیکه يك نفر از و کلاء در کلبه امور شخصی موکل خودش و کالت داشته باشد گذشته از آنکه و کالت نامه کل باید تمبر شود برای هر دعوائی که متعلق بموکل اوست يك سواد و کالت نامه کل را تمبر کرده بمحکمه بدهد .

ماده ۲۵۳ - در صورتیکه ثابت شود که و کلبی خیانت بموکل خود نموده و با طرف ساخته بولین خیانت اسم او از لوحه و کلاء محو شده و خواه و کبل رسمی باشد خواه غیر رسمی در روز نامه درج میشود و هرگز بوکالت پذیرفته نخواهد شد . و این مجازات مانع دعوی از خسارتی که موکل میتواند بوکبل اقامه نماید نخواهد بود .

ماده ۲۵۴ - در صورتیکه و کلبی بوکالت نامه تقلبی داخل در عمل و کالت شود علاوه بر اینکه در محکمه که صلاحیت دارد محکوم به مجازات خواهد شد اسم او از لوحه و کلاء محو و خواه و کبل رسمی باشد خواه غیر رسمی در روزنامه اعلان و حکم بر بطلان عملی ک



اسناداً بان و کالت کرده است میشود بعلاوه باید ازعهده کلبه خسارات وارده بر موکل خود نیز برآید .

ماده ۲۲۵ - در صورتیکه و کبل در عدم حضور خود عذر موجهی داشته باشد باید قبل از افتتاح محکمه بر رئیس محکمه کتباً اظهار دارد و اگر و کبل در توکبل باشد يك نفر و کبل معتمدی را قائم مقام خود نماید و یا آنکه بنزدیکتر روزی که محکمه بر قرار است حضور خود را مقرر دارد

ماده ۲۵۶ - هرگاه و کبل در وقت مقرر در محکمه حاضر نشده و بنقصیر او کار محکمه بتأخیر افتاد در جلسه دوم اظهارات او بدون الصاق تمبر يك تومان بوکالت نامه و در جلسه سوم بدون الصاق دو تومان مسموع نخواهد شد و در دفعه چهارم از مدت يك ماه الی سه ماه بتعین آن محکمه در تمام محاکم بوکالت پذیرفته نخواهد شد و بعلاوه موکل حق ادعاء و مطالبه خسارت را از و کبل خواهد داشت

ماده ۲۵۷ - و کلاء باید کلبه اسناد راجعه بدعوی را حاضر داشته که در موقع ازوم ارائه دهند و در صورتیکه موکل نخواهد اسنادش را تفویض و کبل نماید باید خودش با و کبل حاضر شود و یا بکسی که محل وثوق اوست بدهد تا در موقع محاکمه ارائه شود

ماده ۲۵۸ - در صورتیکه و کبل برای اثبات مدعای موکل خود دلیل موجهی داشته باشد ولی ابراز آن دلیل در انصاعت از امکان خارج باشد باید در محکمه ملنزم شود که در روز معین حاضر شده و عمل را ختم نماید.



ماده ۲۵۹ - و کلاء بهیچوجه نمی توانند از موضوع محاکمه خارج شوند و هر دفعه که میخواهند نطق کنند باید از رئیس محکمه اجازه بخواهند .

ماده ۲۶۰ - در وکالت نامه باید اسم و شهر و کپل و موکل و محل اقامت آنها و موضوع و حدود وکالت مصرح باشد .

ماده ۲۶۱ - اقدامات و کپل باید در حدود وکالتش باشد و وظایف او بطوری است که در قوانین شرع و نظامات عدلیه مقرر است .

ماده ۲۶۲ - هر گاه موکل در محکمه که صلاحیت دارد اثبات کند که و کپل تکامل در حفظ حقوق او کرده در این موضوع وکالت و کپل دیگر پذیرفته نشده و بتادیبه حق الوکاله که گرفته است و سایر خسارات موکل بعد از قبولت ملزم خواهد شد .

ماده ۲۶۳ - در صورتیکه و کپل از وکالت خود استعفاء نماید باید طوری قبلا بموکل خود اطلاع داده باشد که مشارالیه بتواند و کپل جدیدی بمحکمه معرفی نماید . و هر گاه و کپل بمفاد این ماده عمل نکند و موجب فوت حقی از حقوق قانونیه موکل شده و کپل مستعفی ملزم است از عهده خسارت و مصارف منعارفه که از این جهت بر موکل وارد شده بر آید .



مواد الحاقیه با اصول تشکیلات عدلیه

ماده ۲۶۴ - (۱) اکیدا ممنوع است که حکام عدلیه و صاحب منصبان اداره مدعی العموم دسته بندی یا اتحادی نمایند برای تعطیل محاکم و ادارات یا توقیف جریان امور عدلیه یا برای اقدام دیگری بهیئت اجتماع از قبیل ترتیب اعتراض نامه و امثال آن . قدغن مزبور شامل دفتر دارهای محاکم و تقریر نویسها و قیامات و ضبط و مامورین اجرا و احضار و وکلائی رسمی عدلیه نیز میباشد .

ماده ۲۶۵ - (۲) اقدام مذکور در ماده قبل مستلزم انفصال فوری مقصرین بوده و منفصلین دیگر بخدمت عدلیه پذیرفته نخواهند شد .



## کتاب دوم

در محاضر شرعیه و حکام صالحیه

## باب اول

در تشکیلات محاضر شرعیه و مجالس فرق العاده

ماده ۱ - محاضر شرعیه که مراجع رسمی محاکم عدلیه است و موافق مقررات قانونیه امور بان ارجاع و احکام صادره از آن بموقع اجرا گذاشته میشود در مرکز و ایالات و ولایات بحسب مقتضیات محل تعیین خواهد شد

ماده ۲ - مراجع رسمی مذکور محاضری خواهد بود که وزارت عدلیه بعد از تشخیصات قانونی آنها را بدین سمت شناخته و مرجع قرار میدهد ولی هر گاه متداعین بقراضی مجتهد دیگری را برای ارجاع امر خود از عدلیه تقاضا نمایند عدلیه این تقاضا را قبول کرده ارجاع مینماید حکم صادر از محضر مزبور مثل احکام صادره از مراجع رسمی خواهد بود

ماده ۳ - هر محضری عبارت است از یک نفر مجتهد جامع الشرایط که حاکم محضر نامیده میشود و دو نفر معاون قریب الاجتهاد

ماده ۴ - وزارت عدلیه شخصی را که لا اقل دو نفر از علماء مرجع

تقلید مشخص و معرفی نمودند بمرجعیت و قضاوت خواهد شناخت

ماده ۵ - در محلی که تصدیق شده کان مراجع تقلید بقدر کفایت نباشند وزارت عدلیه میتواند از تصدیق شده کان مزبور تقاضا نماید اشخاص دیگری را معرفی و تصدیق نمایند و بعد از معرفی و تصدیق دو نفر از آنان وزارت عدلیه میتواند تصدیق شدگان را برسمیت بپذیرد

ماده ۶ - هر گاه عدله تصدیق شدگان در محلی پیشتر از قدر کفایت باشد وزارت عدلیه کسانی را که اکثر تصدیقا هستند و در صورت تساوی تصدیقات اوقتی آنان را مرجع قرار خواهد داد

ماده ۷ - اگر عدله تصدیق شده کان در محلی کمتر و در محلی زیاد تر از قدر کفایت باشد وزارت عدلیه می تواند عدله ناقصه را از زایدہ تکمیل نماید

ماده ۸ - وزارت عدلیه در محل از اشخاصی که بترتیب مواد مذکور فوق مشخص و معرفی شده اند مستقیما یا بتوسط رئیس عدلیه محل تقاضای تصدیق قضاوت را مینماید و هر يك از اشخاص مذکور که قبول تقاضای وزارت عدلیه را نمودند در مرکز مستقیما و در ایالات و ولایات بتوسط رئیس عدلیه محل بوزارت مزبوره اطلاع خواهند داد

ماده ۹ - اسامی اشخاصی که قبول قضاوت را نموده اند با مشخصات و معینات و محل اقامت در دفتر تسجیل احوال و دفتر حوزه ابداً ثبت

خواهد شد و حقوق آنان و معاونین و محررین آنان بقراری است که در بودجه مبین است

ماده ۱۰ — حاکم هر محضر دو نفر معاون و یک نفر محرر خود را موافقی شرایط مقررہ انتخاب و بوزیر عدلیه معرفی مینماید .

ماده ۱۱ — مجلس فوق العاده مرکب است از حکام محاضر شرعیه و حکام صاحبیه .

ماده ۱۲ — عدد اعضای مجلس فوق العاده لااقل پنج نفر خواهد بود .

ماده ۱۳ — هر گاه در محلی حکام محاضر شرعیه و صاحبیه که مراجع هستند از پنج نفر کمتر باشند از سایر اهل علم انمحل که افیکه دارای شرایط قضاوت باشند برای عضویت مجلس فوق العاده موقتا دعوت خواهند شد و آراء آنها مناط اعتبار است .

ماده ۱۴ — در موقعی که یکی از حکام شرعیه یا صاحبیه فوت شود یا استعفاء دهد یا بسببی از اسباب از شغل خود منفصل شود مجلس فوق العاده منعقد شده با اکثریت آراء شخصی را که قابل قضاوت باشد مشخص و بوزارت عدلیه معرفی مینمایند و وزارت عدلیه مختار است که شخص تصدیق شده را بمرجعیت رسمی بشناسد یا بقسمی که در ماده (۴) و ماده (۵) مذکور است رفتار نماید .

ماده ۱۵ — حکام محاضر شرعیه و محاکم صاحبیه بزوال صفت

اجتهاد یا عدالت که در مجلس فوق العاده بشپوت برسد بکلی از شغل قضاوت منفصل میشوند .

ماده ۱۶ — حکام محاضر شرعیه و صاحبیه یکی از سه جهه از مرجعیت رسمی منفصل میشوند :

(۱) در صورتیکه در مطالبی که بانان مرجوع شده موجبات قطع دعوی موجود باشد ولو بخلف و قطع و فصل را با اندازه طول بدهند که باعث تضییع حقوقی شود .

(۲) در صورتیکه از وظایف مقررہ قانونی که در مواد سابقه و آتیه مذکور و معین شده تخلف نمایند .

(۳) در صورتیکه بدون تصویب وزارت عدلیه غیبت یا مسافرت نمایند .

ماده ۱۷ — انفصال یکی از حکام محاضر شرعیه و صاحبیه در موقع تخلف از وظایف مقررہ قانونی بعد از تکرار آنست دومرتبه که در کورت اولی و ثانیه از طرف وزارت عدلیه بانان گنجا اخطار میشود و در دفعه سوم از شغل خود منفصل میشوند و پس از آن وزارت عدلیه آنان را برسبب فخواهد شناخت .

ماده ۱۸ — هر گاه یکی از حکام محاضر شرعیه یا حکام صاحبیه برای امر مهمی بخواند بیشتر از دو هفته غیبت از محضر یا محکمه نماید باید شخصی را که بصفت اجتهاد و عدالت متصف باشد در مجلس فوق العاده معرفی و مشخص نماید . بعد از تصدیق اکثریت مجلس مزبور بوزارت عدلیه



پیشنهاد مینماید و پس از تحصیل تصویب وزارت عدلیه میتواند غیبت یا مسافرت نماید .

## باب لویم

در وظایف و ترتیب جلسات محاضر شرعیه و مجلس فوق العاده .  
ماده ۱۹ - اشغال محاضر شرعیه بامور راجعه بانها موافق دستور  
خواهد بود که وزارت عدلیه معین می نماید .

ماده ۲۰ - حکم صادر از محاضر را اولاً حاکم محاضر و بعد از آن  
دو نفر معاون امضا خواهند نمود .

ماده ۲۱ - در احکام صادره از محاضر ذکر مدارک و دلایل حکم  
لازم است .

ماده ۲۲ - ثبت و ضبط تقریرات و تحریرات در محاضر شرعیه  
بعهد مجرور است .

ماده ۲۳ - احکام محاضر در دفتر محاضر باید بتمام کلمات ثبت شود  
و مجرور نمره ثبت را در خود حکم قید نماید .

ماده ۲۴ - تقریرات طرفین و شهود و اسامی آنان و دلایل و قراین  
که طرفین بان استناد مینمایند باید در صورت مجلس قید شود .



ماده ۲۵ - محاکمات محضر علنی خواهد بود مگر در صورتیکه  
منافی عصمت باشد یا طرفین سری بودن آنرا تقاضا نمایند .

ماده ۲۶ - حکم صادر از محضر قطعی است و موافق قانون بموقع  
اجرا گذاشته میشود و شکایت از حکم محضر موجب تاخیر اجرا نمیشود  
مگر در صورتیکه از مجلس فوق العاده حکم صریح در توقف اجرا  
صادر شود .

ماده ۲۷ - حاکم محضر بعد از صدور حکم نمیتواند حکم خود را  
تغییر بدهد مگر در موردیکه قانوناً اعاده محاکمه ( تجدید نظر )  
جایز باشد .

ماده ۲۸ - مراجع رسمی از رسیدگی باهری که بانها ارجاع شده  
و حق رسیدگی دارند نمی توانند امتناع نمایند مگر در صورتیکه دلیل  
موجه داشته باشند .

ماده ۲۹ - چون محاکم ابتدائیه هر حوزه امور شرعیه خود را  
باید بمحاضر شرعی که در همان حوزه واقع است ارجاع نماید هر يك از  
محاضر شرعیه باهوری رسیدگی خواهند کرد که از محکمه ابتدائیه که  
محاضر مزبوره در حوزه همان محکمه واقع است ارجاع میشود .

ماده ۳۰ - اهوری که در مجلس فوق العاده رسیدگی می شود از  
این قرار است :

۱) اموری که در یکی از محاضر شرعیه یا در نزد یکی از حکام صلح پیچیده و مشکل باشد و محضر یا محکمه صلح تقاضای رسیدگی و حل آنرا در جلسه فوق العاده بنمایند .

۲) شکایتی که از حکم یا حاکم یکی از محاضر شرعیه یا معاونین آنها یا حکام صلحیه نموده بماند و از عدلیه ارجاع شده باشد اعم از اینکه مدعی عمومی باشد یا خصوصی .

۳) مطالبی که راجع به تنظیمات و ترتیب محاضر شرعیه است که پس از مذاکره و مشاوره تصفییه نموده بوزارت عدلیه پیشنهاد بنمایند تا اقدامات مقتضیه در رفع نواقص بعمل آید .

۴) مسائل فقهیه که حکم شرعی آن از برای یکی از حکام محاضر یا حکام صلح محل شبهه باشد .

۵) تعیین عرض حاکم محضر شرح یا محکمه صلحیه که مستعفی یا منوفی یا مفصل شده باشد در صورت تقاضای وزارت عدلیه بقسمی که در ماده (۱۴) مذکور است .

ماده ۳۱ - حکم صادر از مجلس فوق العاده با کثرت آراء خواهد بود و در صورت تساوی آراء رای طرفی که حکام محاضر شرعیه در آن طرف زیادتر است مرجح است .

ماده ۳۲ - حاکمی که از او یا حاکم او شکایت شده در وقت رسیدگی بان شکایت نمی تواند عضو مجلس فوق العاده واقع شود ولی

او را برای دادن توضیحات نمیتوانند حاضر نمایند .

ماده ۳۳ - در مجلس فوق العاده من ترین حکام محاضر شرعیه سمت ریاست خواهد داشت و نظم جلسه بعهده او خواهد بود .

ماده ۳۴ - مجلس فوق العاده در هر هفته يك روز منعقد میشود ولی در موقع لزوم وزارت عدلیه میتواند تکثیر جلسات را تقاضا نماید .

### باب سیم

#### در تشخیص و تعیین حکام صلحیه

ماده ۳۵ - محکمه صلحیه خواه در محلات شهرها و خواه در مرکز بلو کات چنانچه در اصول تشکیلات عدلیه مقرر است دارای يك نفر فقیه عادل خواهد بود که لااقل ادنی درجه اجتهاد را دارا باشد .

ماده ۳۶ - تشخیص حکام صلحیه در بدو امر بطریق امتحان خواهد بود .

ماده ۳۷ - تصدیق دو نفر از مراجع تقلید درباره حکام صلح کافی و معنی از امتحان است .

ماده ۳۸ - بعد از تشکیل محاکم صلحیه هرگاه حاکمی مستعفی

یا متوقی یا بسببی از اسباب منفصل گردید وزارت عدلیه مخیر است که بطریق امتحان عوض او را منتخب کند یا از مجلس فوق العاده تقاضا نماید عوض او را تشخیص داده بوزارت عدلیه معرفی نماید .

ماده ۳۹ - شرایط و اوصاف حکام صلح عینا همان شرایط و اوصافی است که برای امنای صلحیه تعیین شده است .

ماده ۴۰ - ترتیب تعیین و نصب و نصب حکام صلح بلا تفاوت موافق ترتیب تعیین و نصب امنای صلحیه خواهد بود .

ماده ۴۱ - موجبات انفصال حکام صلح موافق موجبات انفصال حکام محاضر شرعیه است . بعلاوه تخلف از مقررات قانونی محاکم صلحیه نیز موجب انفصال آنان است .

ماده ۴۲ - هیئت ممتحنه مرکب خواهد بود لا اقل از سه نفر از تصدیق شدگان مراجع تقلید با حضور نماینده از طرف وزارت عدلیه .

تبصره - مراد از تصدیق شدگان کسانی هستند که لا اقل دو نفر از مراجع تقلید اهل بیت ولایت آنانرا برای قضاوت و رسیدگی بامور شرعیه تصدیق کرده باشد

ماده ۴۳ - اکثریت آراء هیئت ممتحنه مناط اعتبار خواهد بود

ماده ۴۴ - هیئت ممتحنه بعد از تصدیق اهل بیت و تشخیص قابلیت

امتحان شدگان صورت مجلس امتحان و آراء خود را بتوسط نماینده وزارت عدلیه بوزارت مزبوره ارسال خواهند داشت .

ماده ۴۵ - هرگاه امتحان شدگان زیاد تر از کفایت حوزه ابتدائیه باشند با تساوی درجات آنان اهالی مجلس برای صلحیه همان محل مقدم و مرجح بر دیگران خواهند بود

ماده ۴۶ - هرگاه امتحان شدگان در یک محل زیاد تر از احتیاج محل باشند با تساوی سایر شروط وزارت عدلیه بقرعه حکام صلح را معین خواهد کرد

\*\*\*

قوانین موقتی راجع به تشکلات عدلیه و محاضر عدول مجتهدین که مجموعا ۳۱۱ ماده است در کمپسیون عدلیه جمعا تصحیح و تصویب گردید بتاريخ ۲۱ شهر رجب تنکوز ثبل ۱۳۲۹



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

# کتاب سوم

قوانین موقتی محاکمات حقوقی

مواد عمومی

ماده ۱ - محاکم عدلیه بدعاوی حقوقی که راجع بانها است موافق قوانین رسیدگی کرده حکم یا فصل مینمایند و آنچه را که موافق قانون راجع بانها نبوده از خصایص محاکم اختصاصی است رد می نمایند . و اموری که راجع بمحاضر عدول مجتهدین جامع الشرایط است پذیرفته و بطوریکه قانون معین می کند بمحاضر مزبوره ارجاع کرده و برطبق احکام آنها حکم اجرا میدهند

ماده ۲ - محاکم عدلیه فقط وقتی شروع برسپدگی دعاری حقوقی می نمایند که صاحبان دعوی این تقاضا را بطوری که قانون معین می کند کرده باشند

ماده ۳ - محاکم عدلیه مکلفند که بدعاوی موافق قوانین رسیدگی کرده وبموجب آن حکم داده یا فصل نمایند . و در صورتی که قوانین موضوعه مملکتی کامل یا صریح نباشد ویا ناقص ویا متناقص باشد باید محاکم عدلیه موافق روح و مفاد عمومی قوانین موضوعه امور را قطع و فصل نمایند

ماده ۴ - اکیدا ممنوع است که محاکم عدلیه بعد از اینکه قوانین موضوعه مملکتی کامل یا صریح نیست ویا ناقص و متناقص است صدور حکم را توقیف کنند . متخلفین از این قاعده در حکم اشخاصی خراهند بود که استنکاف از احقاق حق کرده باشند

ماده ۵ - در محاکم عدلیه بماهیت دعاوی حقوقی تا دو درجه می توان رسیدگی نمود

ماده ۶ - در محاکم عدلیه هیچ دعوائی نمیتواند از جهت ماهیت قابل رسیدگی در درجه بالاتر باشد مادام که در درجه پائین تر در آن باب حکم صادر نشده است

ماده ۷ - هیچ اداره دولتی و مقام رسمی نمی تواند حکم محکمه عدلیه را تغییر بدهد مگر خود محکمه که حکم داده است یا محکمه بالاتر در مواردیکه قانون معین می کند

## باب اول

اصول محاکمات حقوقی در محاکم صالحیه

### فصل اول

در صلاحیت محاکم صالحیه

ماده ۸ - امور راجعه بمحاکم صالحیه از قرار تفصیل ذیل است :

اولا - دعاوی مشروحه ذیل در صورتیکه مدعی به پیش از دویست و پنجاه تومان نباشد .

( ا ) دعاوی راجعه بابعان اموال از منقول و غیر منقول .

( ب ) دعاوی راجعه بدیون از قبیل ثمن و بیع و قرض و اجرت عمل کارگر و شاگرد و خادم و خادمه و حق الجعاله و حق الوکاله و حق التذمه والکسوه و حق السبق و امثال آن و دعاوی راجعه بخسارت و غرامت از قبیل خسارات وارده بر حاصل و محصول زراعتی و مستقلات و املاک و امثال آن در صورتیکه مدعی به پیش از مبلغ دویست و پنجاه تومان نباشد یا در هنگام اقامه دعوی مقدار مدعی به را نتوان صحیحاً تعیین کرد .

( ج ) دعاوی راجعه بمنافع چه متعلق باشخص باشد از قبیل اجبر و عمله و کارگر چه متعلق بمنافع اعیان باشد از قبیل مال الاجاره و حق السكنی و امثال آن .

( د ) دعاوی راجعه بحقوق مالی مثل حق الشفعه و حق العبور و حق المجری و امثال آن .

( ه ) دعاوی راجعه بحقوق غیر مالی مثل حق الحضانة و حق الوصایه و حق الولایه و امثال آن .

( و ) دعاوی حاصله از هتك شرف بواسطه اظهار شفاهی یا کتبی علنی یا غیر علنی غیر از مواد مطبوعات و همچنین دعاوی حاصله از ضرب و شتم در صورتیکه مدعی اقامه دعوی حقوقی کند نه جزائی .

ثانیا - دعاوی تصرف عدوانی در غیر منقول تا هر مقداری که باشد در صورتیکه این دعوی در ظرف سه ماه از تاریخ تصرف عدوانی اقامه شود والا دعوی راجع بمحکمه ابتدائی است .

ثالثا - دعوی ممانعت از حق کسی در ملک دیگری از قبیل حق العبور حق مرتع حق مجری حق فاودان و امثال آن در صورتی که از زمان ممانعت اولیه پیش از سه ماه نگذشته باشد والا بمحکمه ابتدائی رجوع خواهد شد .

رابعا - خواهش تامین و حفظ دلایل و امارات مدعی به تا هر مبلغی که باشد .

خامسا - اصلاح ذات البین در هر دعوائی و تا هر مقداری که مدعی به باشد موافق مواد ( ۸۴ ) و ( ۵۶ )

ماده ۹ - دعاوی مفصله ذیل بمحاکم صلاحیه راجع نیست و او مقدار مدعی به دویست و پنجاه تومان یا کمتر باشد :

( ۱ ) دعاوی مربوطه بمنال دیوانی .

( ۲ ) دعاوی راجعه بامتیازاتی که از طرف دولت داده میشود .

ماده ۱۰ - دعاوی در همان محله صالحیه اقامه میشود که مدعی در حوزه آن ساکن یا مقیم است . و هرگاه مدعی بخواند میتواند بصالحیه نیز رجوع نماید که مدعی علیه درحوزه آن اقامتگاه دائمی یا موقتی دارد



ولی در بلوکات هر گاه مدعی بمحکمه اقامتگاه خودش رجوع نماید باید مخارج عادیه مسافرت و توقف مدعی علیه را که احضار شده است بمشارالیه بپردازد و بعد هر گاه حقانیت او ثابت شد مدعی میتواند در جزو خسارت خود این مصارف را هم موافق قانون از مدعی علیه بیحقی ادعا و مطالبه نماید.

ماده ۱۱ - دعاوی راجعه باموال غیر منقوله در صلاحیه باید اقامه شود که مال غیر منقول در حوزه آن واقع است اگرچه مدعی و مدعی علیه هم در آن حوزه ساکن یا مقیم نباشند.

ماده ۱۲ - هر گاه يك ادعا راجع بچند مدعی علیه باشد که در حوزه های صلاحیه مختلفه مقیمند مدعی میتواند یکی از صلاحیه های مزبوره را اختیار کرده اقامه دعوی نماید.

ماده ۱۳ - در تمام موارد طرفین میتوانند تراضی نموده بهر محکمه صلاحیه که بخواهند رجوع نمایند. تراضی طرفین در دفتر محکمه صلاحیه قید شده بامضای طرفین میرسد و در صورتیکه متداعین سواد نداشته باشند این نکته قید میشود.

ماده ۱۴ - ادعای متقابل یعنی دعوائی که در جواب دعوای مدعی اقامه میشود و مبتنی بر يك اساس و از يك منشاء ناشی شده یا بکل مر بوط بیکدیگر باشد راجع بهمان محکمه صلاحیه است که دعوای اصلی در آنجا

اقامه شده است. ولی هر گاه ادعای متقابل نظر بمقدار مدعی به راجع بمحاکم صلاحیه نباشد حاکم صالح رسیدگی ننموده بطرفین اعلام می کند که بمحکمه ابتدائی حقوق رجوع نمایند.

ماده ۱۵ - در موارد اختلافاتی که در باب صلاحیت مابین محاکم صلاحیه حاصل میشود هر گاه طرفین اختلاف در حوزه يك محکمه ابتدائی واقع باشند رفع اختلاف در همان محکمه ابتدائی بعمل می آید و اگر در حوزه های محاکم ابتدائی مختلفه واقع باشند رفع اختلاف راجع بمحکمه ابتدائی است که دعوای مختلف فیه بدوا در حوزه آن اقامه شده. و هر گاه دعوای مختلف فیه در يك تاریخ در حوزه های مختلفه محاکم ابتدائی اقامه شده باشد رفع اختلاف بمحکمه استیناف است.

ماده ۱۶ - اگر اختلافی در باب صلاحیت مابین محاکم صلاحیه و محاکم ابتدائی حاصل شود رفع آن با آن محکمه استینافی است که طرفین اختلاف در حوزه آن واقعند. و هر گاه طرفین اختلاف در حوزه های استینافی مختلفه واقع باشند رفع اختلاف بعهده آن محکمه استیناف است که دعوای مختلف فیه بدوا در حوزه آن اقامه شده است. و هر گاه دعوای مختلف فیه در يك تاریخ در حوزه های مختلفه محاکم استینافی اقامه شده باشد رفع اختلاف با دیوان تمیز است.

ماده ۱۷ - ارباب رجوع در موارد حدوث اختلاف بیکدیگر از محاکمی که طرف اختلاف هستند رجوع نموده تعیین محکمه را که صلاحیت رسیدگی

دارد در خواست مینمایند . و درخواست مذکور با توضیحات خود محکمه بمقامی که موافق ماده (۱۵) و (۱۶) صلاحیت رفع اختلاف را دارد تقدیم شده رسیده گی به دعوائی که باعث اختلاف شده است تا صدور حکم آن مقام بتاخیر مبادید .

## فصل دوم

### در عرضحال واحضار

ماده ۱۸ - عرضحالی که بمحاکم صلحیه در اقامه دعوی داده میشود ممکن است کتبی یا شفاهی باشد .

ماده ۱۹ - عرضحال شفاهی را محکمه صلحیه در دفتر ثبت کرده برای عارض قرائت می کند و بعد بامضای عارض میرساند . هر گاه عارض سواد نداشته باشد دیگری از طرف عارض امضا می نماید و جهت آن در دفتر قید می شود .

ماده ۲۰ - هر گاه عرضحال خارج از صلاحیت محکمه صلح باشد محکمه صلح قرار عدم قبول عرضحال را با جهات آن داده عرضحال را بصاحبش رد میکند . و هر گاه عرضحال شفاهی باشد محکمه صلح بخواهش عارض سواد از اقرار خودش بعارض میدهد .

ماده ۲۱ - در عرضحال چه کتبی باشد و چه شفاهی باید عارض اطلاعات ذیل را بدهد :

۱ - اسم و شهرت و محل اقامت و شغل خود و مدعی علیه و همچنین اطلاعات مذکوره را در باب مطلعین از قضیه در صورتی که مدعی باطلاع آنها استناد می کند بر سبیل اجمال قید میکنند .

۲ - دلایل موجوده ادعای خود را .

۳ - مقدار مدعی به مکر در مواردی که تعیین مقدار ممکن نیست .

۴ - توضیح اینکه چه میخواهد یا چه اقدامی باید بشود .

ماده ۲۲ - مقدار مدعی به مبلغی است که در عرضحال صریحا قید شده است بضمیمه اجرت المنل و خسارت که بوجه مدعی به تا روز اقامه دعوی ضمیمه شده و عارض تادیه آنرا تقاضا می کند .

ماده ۲۳ - هر گاه در مقدار مدعی به اختلافی مابین متداعین حاصل شود باید در موعدی که محکمه صلح معین می کند مقدار مدعی به بواسطه تحقیقات محلی یا استعلام از مطلعین و اهل خیره معین شود

ماده ۲۴ - مدعی می تواند اسناد خود را بمحکمه صلح سپرد . قبض رسیده دریافت دارد .

ماده ۲۵ - بموجب عرضحال مدعی محکمه صلح مدعی علیه را احضار



و بمدعی موعده حضور ازرا اعلام میبارد .

ماده ۲۶ — احضار مدعیین بتوسط احضاریه بعمل میاید و در احضار نامه نکات منضله ذیل باید تصریح شود :

- ۱ - اسم و شهرت و شغل و محل اقامت مدعی و مدعی علیه .
- ۲ - موضوع ادعا .
- ۳ - باید در کجا احضار شوند حاضر شود .
- ۴ - تاریخ حضور ( روز و ماه و سال ) بانعین ساعت در مواقع لازمه
- ۵ - اسم مامور احضار و یا اداره که احضار نامه را تبلیغ می کند .
- ۶ - هر گاه احضار شوند حاضر نشود چه نتیجه برای او خواهد داشت . در مورد دعوت مطلعین و سایر اشخاص تاریخ و محل دعوت و اینکه بتقاضای کی و جهت دعوت چیست باید تصریح شود و مطلعین مجبور بحضور نیستند .

احضار نامه باید دو نسخه باشد و هر دو نسخه را امین صلح امضا می کنند .

ماده ۲۷ — موعده مقرر برای حضور مدعی علیه در محکمه نباید از تاریخ ابلاغ احضار نامه بمدعی علیه کمتر از يك روز باشد و نیز برای هر چهار فرسخ از اقامتگاه مدعی علیه تا محکمه بر مدت مزبوره یکروز علاوه میشود .



ماده ۲۸ — احضار نامه باشخاص لازم یا بتوسط مامورین احضار یا پلیس محل و یا ضابط و کدخدا و غیره ابلاغ میشود .

ماده ۲۹ — احضاریه باید بخود احضار شوند ابلاغ شود و در صورتیکه احضار شونده غایب باشد احضاریه را مامور احضار بیکم از اهل خانه مدعی علیه یا بمباشر ملك و یا بیکم از همسایگان اودر صورتیکه ابلاغ احضاریه را در عهده بگیرند تسلیم نموده در نسخه دیگر رسیده میگیرد .

ماده ۳۰ — در صورتیکه هیچک از اشخاص مذکوره در ماده قبل نباشند مامور احضاریه نسخه احضاریه را در شهر بصاحب منصب یا کمپسری نظمه و در ده بکدخدا میسپارد و در نسخه دیگر رسیده میگیرد .

ماده ۳۱ — مامور احضار در حین ابلاغ احضار نامه روی آن تاریخ ابلاغ را قید می کند و در نسخه دیگر احضار نامه گیرنده آن باید رسیده و تاریخ ابلاغ احضاریه را نوشته امضا نماید و آن نسخه ثانوی را مامور احضار بمحکمه صلح تسلیم می کند . هر گاه گیرنده احضاریه نتواند یا نخواهد امضا بدهد در روی هر دو نسخه صریحا نوشته میشود که احضاریه یکی و در چه تاریخ تسلیم شده و چرا امضا نشده است

ماده ۳۲ — مامور احضار در موارد ذیل نمی تواند تبلیغ احضار نامه نماید

- ۱ - بوالدین واجداد و احفاد خود

۲ - باقریای خود تا درجه سوم و همچنین به مخدوم و خدمه سابق خود

ماده ۲۳ - موعدی را که بمحکمه صلح برای حضور منداعین معین کرده است برضایت آنها میتواند بناخیز بماندازد

### فصل سوم

#### در اقدامات و رسیدگی محکمه صلح

##### مبحث اول

در حضور منداعین و رسیدگی محکمه صلح در مواردی که محکمه مذکور حق حکم را دارد

ماده ۲۴ - در موعده مقرر طرفین یا شخصا در محکمه صلح حاضر میشوند یا وکیل می فرستند

ماده ۲۵ - رسیدگی محکمه صلح علنی و شفاهی است ولی در مورد عصمت محاکمه سری خواهد بود

ماده ۲۶ - در موارد ذیل مدعی علیه میتواند جواب مدعی را نداده دعوی را رد کند

۱ - وقتیکه رسیدگی بدعوائی خارج از صلاحیت محکمه صلح است و یا

راجع بمحکمه صلح دیگری است

۲ - وقتیکه همان محکمه صلح یا محکمه صلح دیگری و یا در محکمه دیگری همان دعوی مابین همان اشخاص یا دعوی دیگری که مناسبت تامه با ادعای مدعی دارد سابقا عنوان شده و در تحت رسیدگی است

۳ - در صورتیکه ادعای مدعی تماما راجع بمدعی علیه دیگری است

۴ - در صورتیکه مدعی صلاحیت اقامه دعوا را ندارد

۵ - در صورتیکه وکیل مدعی وکالت از طرف او ندارد

ماده ۲۷ - بعد از شروع رسیدگی محکمه صلح بدو تکلیف صلح بطرفین نموده و سعی خود را در اصلاح ذات البین حتی درجین محاکمه تعقیب می کند و فقط در صورت علم و یقین بعد از رسیدگی حکم میدهد

ماده ۲۸ - در صورت اصلاح صلح نامه کتبی نوشته شده بامضای طرفین یا وکلای آنها میرسد و کاریکه بمصلحت تمام شده از سر گرفتن آن جایز نیست

ماده ۲۹ - در صورت عدم اصلاح بعد از شروع رسیدگی محکمه صلح بمدعی تکلیف می کند که ادعای خود را بیان و اوضاع و احوال را تصریح کرده دلایل خود را اقامه کند و بعد جواب توضیحات مدعی علیه را گوش می کند بعد بمدعی و مدعی علیه اجازت دادن توضیحات را میدهد و خودش توضیحات لازمه را میخواهد و همچنین مشاهده کرد که مسئله



روشن و بقدر کفایت توضیح شده است مذاکرات طرفین را ختم می کند

ماده ۴۰ - در دعوی تصرف عدوانی کسی در اموال غیر منقوله دیگری در صورتیکه اقامه دعوی مزبور در ظرف سه ماه از تاریخ تصرف عدوانی بعمل آمده و مدعی به پیش از دوست و پنجاه تومان باشد محکمه صلح داخل در مدافه اسنادی که دلالت بر حق مالکیت می نماید نمی شود لکن هر گاه در باب تصرف عدوانی مابین طرفین گه تکیه و منازعه باشد محکمه صلح تحقیقات خود را فقط در باب تصرف آن نموده مال غیر منقول را بتصرف متصرف اول میدهد بدون اینکه بمدرک و مبنای حق مالکیت برسد و بطرفین اعلام میدارد که در باب حق مالکیت بمحکمه ابقدائی رجوع کنند

ماده ۴۱ - تاخیر رسیدگی بخواهش يك طرف فقط در موارد ضرورت بتصدیق محکمه و باندازه لزوم قبول میشود

ماده ۴۲ - هر گاه یکی از متداعین تحصیل سندی یا سوادی را که برای توضیح کار او لازم است از ادارات یا مقامات رسمی لازم بدانند محکمه صلح باید بر حسب خواهش او تصدیق کتبی بدهد که فلان سند یا سواد آن ویا فلان استعمال برای فلان امر لازم است

ماده ۴۳ - در موارد ذیل رسیدگی بدعوا توقیف می شود

- ۱ - برضایت تمام صاحبان دعوا
- ۲ - در صورت فوت یا جنون یا ظهور عدم صلاحیت یکی از صاحبان دعوا



۳ - در صورتیکه یکی از اتفاقات مذکوره در فقره دوم نسبت بوقوع یکی از صاحبان دعوا بعمل آید

ماده ۴۴ - رسیدگی که موافق ماده قبل توقیف شده بخواهش یکی از متداعین یا اصحاب دعوا مجددا شروع می شود

ماده ۴۵ - محکمه صلح همینکه فهمید رسیدگی بدعوائی خارج از صلاحیت او است باید مجازات را قطع کند

ماده ۴۶ - در مواردیکه محکمه صلح بواسطه ابهام یا عدم تصریح دچار اشکالاتی در حین رسیدگی میشود باید مواد دستور مجازات صاحبچه را با مواد دستور مجازات حقوقی سایر مجازات تطبیق نموده رفع اشکال خود را بنماید

### مبحث دوم

در رسیدگی محکمه صلح در مواردیکه محکمه مذکوره

فقط حق اصلاح را دارد

ماده ۴۷ - رجوع بمجازات صلحیه برای ا

طرفین دعوا ویا بمهل یکی از آنان بعمل میباشد

ماده ۴۸ - ترتیب احضار و اعلام در موا

اصلاح ذات البین را دارد همان است که در فصل دوم مذکور است و ای در احضار نامه باید تصریح شود که معروض برای اصلاح بمحکمه دعوت می شود.

ماده ۴۹ — بعد از حضور متداعین محکمه باظهارات و دلایل طرفین رسیدگی و تکلیف صالح و سعی در اصلاح ذات البین مینماید. در صورت عدم موفقیت باصلاح تحقیقات و عدم موفقیت خود را در دفتر نوشته بامضای طرفین میرساند. و هرگاه یکی از طرفین یا هر دو طرف نخواهند امضا کنند مراتب را محکمه صالح قید مینماید.

ماده ۵۰ — در مورد ماده قبل محکمه صالح قیاید طرفین را بجهت معطل نماید و همچنین مشاهده نمود که طرفی یا طرفین حاضر باصلاح نیتند باید طرفین را بحال خودشان واگذار کرده و اعلام نماید که دعوی خود را بمحاکمی که صلاحیت حکم را دارند رجوع نمایند.

ماده ۵۱ — هرگاه بعد از تبلیغ دو احضار نامه معروض حاضر نشده یا کتبا جواب داد که حاضر باصلاح نیست محکمه مراتب را در دفتر قید کرده و بعارض اعلام میدارد که بمحکمه که صلاحیت حکم را دارد رجوع نماید.

ماده ۵۲ — هرگاه مدعی علیه بعد از تبلیغ یک یا دو احضاریه حاضر شده و بعد استنکاف از حضور نمود محکمه صالح بموجب ماده قبل رفتار می نماید.

ماده ۵۳ — استنکاف مدعی علیه از حضور در محکمه صالح یا عدم قبول صلح بعد از حضور در هر حالی از احوال مانع نمیشود که طرفین کارشانرا در محکمه دیگری که صلاحیت اصلاح را دارد بطیب خاطر رجوع نموده حواسنار اصلاح شوند.

ماده ۵۴ — همچنین که محکمه صالح باصلاح ذات البین موفق شد مراتب را در دفتر قید کرده بامضای طرفین میرساند و صلح نامه ممضی بامضای امین صلح و حاکم صلح و مههور بمهر محکمه مرتب نموده در دو نسخه بطرفین تسلیم مینماید.

ماده ۵۵ — هرگاه محکمه صالح از عرض حال مدعی مشاهده نماید که امر از امور مستعلجه و فوری بوده و اقدام لازم خارج از صلاحیت محکمه است یا محکمه تصور کند که اقدام او در احضار طرف و اصلاح ذات البین موجب تضییع حق عارض خواهد شد بمشارالیه اعلام میدارد که بمحکمه که صلاحیت اقدام را دارد رجوع کند و مراتب را در دفتر خود قید می کند.

## فصل چهارم

در دلائل و تحقیقات

مبحث اول

مواد عمومی

ماده ۵۶ — مدعی باید ادعای خود را ثابت کند و مدعی علیه که

اعتراض می کند باید اعتراض خود را مدال دارد والا اعتراض او منشاء اثر نیست .

ماده ۵۷ - محکمه صالح خودش در صدد تحصیل دلایل بر نمی آید .  
مدرك حكم او فقط دلايلي است كه طرفين اقامه مي كنند .

ماده ۵۸ هر گاه بعد از اصناف اظهارات طرفین محکمه صالح مشاهده کند که بعضی از اوضاع و احوال که برای حل مسئله اهمیت دارد بدون دلیل مانده مطلب را بطرفین اعلام نموده موعدی را برای دادن توضیحات و اقامه دلایل معین نمیکند .

ماده ۵۹ - اشخاصی که ظنین هستند بر اینکه تحقیقات محلی و استطلاع از مطلعین و استعمال از اهل خیره بعدها ممکن نخواهد بود یا لااقل مشکل خواهد شد می توانند از محکمه صالح خواهش کنند که دلایل آن را تامین کنند .

ماده ۶۰ - خواهش تامین دلایل چه در حین محاکمه و چه قبل از اقامه دعوا ممکن است .

ماده ۶۱ - خواهش تامین دلایل در صورتیکه قبل از اقامه دعوی باشد راجع است بمحکمه صالحی که موضوع معاینه یا تحقیق در حوزه آن واقع است یا اشخاص مطلع در حوزه آن مقیمند . و هر گاه بعد از اقامه دعوی ( در حین محاکمه ) باشد اقدام آن راجع بمحکمه صالحی است

که مشغول برسپدگی است . در این مورد در صورتی که تامین دلایل فوریت داشته باشد طرفین می توانند با اجازه محکمه که مشغول رسپدگی است بمحکمه صالحی که دلایل در حوزه آن واقع است رجوع نمایند . و محکمه حق ندارد در دادن اجازه با وجود فوریت مطلب مسامحه نماید .

ماده ۶۲ - خواهش تامین دلایل چه کتبی باشد چه شفاهی باید حاوی نکات ذیل باشد :

- ۱ - اسم و شهرت خواهش کننده و طرف او .
- ۲ - اشاره باوضاع و احوالی که مبتنی است بر دلایلی که تامین آنرا می خواهند .
- ۳ - جهة خواهش تامین دلایل .

ماده ۶۳ - در مواردیکه تامین دلایل فوریت داشته باشد اجازه آنرا محکمه صالح میدهد بدون اینکه بدوا طرف را احضار کند و اینقرار محکمه صالحه قابل شکایت نیست .

ماده ۶۴ - بعد از تامین دلایل محکمه صالح بخواهش مستدعی تامین موافق دستوری رفتار مینماید که در باب معاینه محل و خواستن عقیده اهل خیره و استعمال از اهل محل مقرر است .

ماده ۶۵ - در مواردیکه مستدعی تامین دلایل طرف خود را معین نکرده اجرای آن در صورتی بعمل می آید که از برای خواهش کننده

ممکن نباشد اسم طرف خود را معین نماید .

ماده ۶۶ - مقصود از تامین دلایل حفظ آنست و بهیچوجه دلالت نمیکند بر اینکه دلیلی که تامین شده حتما در حین محاکمه مدرک ادعای صاحب آن خواهد بود یا دلایل تامین شده حتما معتبر خواهد بود .

ماده ۶۷ - هرگاه طرف مستدعی تامین برای حضور در موقع اجرای تامین احضار نشده باشد و یا احضاریه باو نرسیده باشد حق دارد در حین رسیدگی بدعوا تخلفی را که از ترتیب قانون شده است خاطر نشان کند .

### مبحث دوم

#### در باب شهود

ماده ۶۸ - هرگاه در دعوی که راجع بمحاکم صلحیه است طرفین یا طرفی محتاج یاقامه شهود شدند و محکمه صلح اقامه آنرا مفید و موافق قانون دانست موضوع شهادت را معین کرده بطرفین اعلام مینماید .

ماده ۶۹ - در روز معین شهود در محکمه حاضر شده بعد از اظهار اسم و شغل و سن و محل اقامت خودشان متعهد میشوند که حقیقت را بگویند و هرگاه شهود قرابت نسبی یا نسبی با یکی از متداعین داشته باشند نیز اظهار داشته و درجه قرابت خود را معین میکنند و همچنین اگر خادم یا مخدوم یکی از متداعین باشند نیز اعلام مینمایند . و در موارد قرابت و یا خادم و مخدوم بودن شهود در امور شرعیه موافق ماده (۷۴) عمل مینمایند

ماده ۷۰ - شهود شهادت خودشان را يك يك در حضور حاکم صلح و متداعین (هرگاه حاضر باشند) ادا می نمایند . و هرگاه یکی از متداعین اظهاری راجع بر رد شهود داشته باشد پس از اظهار در صورت مجلس قید شده بامضای رد کننده میرسد . و هرگاه رد کننده سواد نداشته باشد یا نتواند امضا کند این نکته در صورت مجلس قید میشود . قبول یا عدم قبول حاکم صلح رد کننده را بقانون شرع انور خواهد بود

ماده ۷۱ - متداعین حق ندارند در حین اداء شهادت کلام شهود را قطع کنند ولی بعد از آن حاکم صلح میتواند بخواهش طرفین یا خودش رسماً سؤالات لازمه را از شهود بکند

ماده ۷۲ - هرگاه برای غور رسی بشهادت شهود معاینه محل لازم یا مفید باشد حاکم صلح شهادت شهود را در محل استماع می کند

ماده ۷۳ - شهادت شهود با قید اسم و شهرت و شغل و محل اقامت و قرابت و تعهدی که داده اند ناما در صورت مجلس درج و برای هر يك از شهود قرابت شده بامضای آنها میرسد . و در صورت بی سوادگی یا عدم استطاعت امضا این نکته در صورت مجلس قید میشود و بعد صورت مجلس بامضای حاکم صلح و تقریر نویس میرسد

ماده ۷۴ - کیفیت اداء و شروط شهادت و اختلاف شهود و اختلاف اظهارات آنها و رد و جرح شهود بعد از اداء شهادت یا امتناع آنها از اداء شهادت و سایر مسائل راجعه بشهود موافق قوانین شرع انور خواهد بود



مبحث سوم

در حاکف و تکلیف

ماده ۷۵ - در مواردیکه محاکمه طرفین منجر بحاکف و تکلیف شود این نکته در صورت مجلس قید و حاکف و تکلیف در حضور حاکم صلح (فقیه) بعمل خواهد آمد

ماده ۷۶ - اتیان بقسم راجع بخود متداعین است و ربطی بواکله ندارد

مبحث چهارم

در اقرار

ماده ۷۷ - هر گاه یکی از متداعین در حین رسیدگی یا محاکمه کتبا یا شفها اقرار صریح بامری کند که دلالت بر حقاقت طرف او نماید دلایل دیگری از طرف بهیچوجه خواسته نخواهد شد

ماده ۷۸ - اقرار یکی از شرکاء در امری فقط دربارۀ اقرار نموده معتبر است و ضرر متوجه سایر شرکاء نمیشود مگر اینکه بوجهی شرعی ملزم باشند

مبحث پنجم

در اسناد کتبی

ماده ۷۹ - اسناد کتبی خواه رسمی باشد خواه عادی و کلمه نوشتنجائی

که طرفین ابراز می کنند باید مورد مذاقۀ محکمه صالح بشود

ماده ۸۰ - اعتبار اسناد رسمی بنحوست که درباب دوم این کتاب و قانون ثبت اسناد مذکور است

ماده ۸۱ - هیچکس نمیتواند اظهار بی اطلاعی نسبت بسندی کند که خودش آن سند را داده و امضا کرده و یا از طرف او آن سند داده شده و بامضای او رسیده است بلکه در مقام رد یا باید ادعای جعلیت نسبت بان نماید و یا مدال نماید که بجهتی از جهات قانونی آن سند از اعتبار افتاده است و اگر سکوت کند سکوت او دلیل بر قبول نیست

ماده ۸۲ - اگر ادعای جعلیت نسبت باسناد کتبی که برای صدور حکم اهمیت دارد اقامه شود محکمه بدوا بطرفی که آن اسناد را ابراز کرده تکلیف می کند که آن اسناد را پس بگیرد. هر گاه صاحب اسناد باین تکلیف راضی نشد حاکم صلح بطرفی که ادعای جعلیت اسناد را کرده است عاقبت وخیم آن ادعا را در صورت عدم ثبوت آن خاطر نشان میکنند. اگر با وجود آن مدعی جعلیت در ادعای خود ثابت و مصر باشد حاکم صلح رسیدگی کار را توقیف کرده اسنادی را که نسبت ساختگی بانها داده شده نزد مدعی عمومی محکمه بدایت میفرستد که موافق قانون در محکمه بدایت بمسئله جعلیت اسناد رسیدگی شود

ماده ۸۳ - ادعای جعلیت نسبت باسنادیکه برای صدور حکم اهمیت ندارد مانع از توقیف محاکمه نمیشود

مبحث ششم

در معاینه محلی و عقیده اهل خیره

ماده ۸۴ - معاینه محلی با حضور اهل خیره یا بی حضور آنها بخواهش یکی از متداعین یا بتصویب محکمه صالح بعمل میاید .

ماده ۸۵ - معاینه در حضور امین صالح با فقیه محکمه و متداعین و دو نفر شاهد صحیح که کتبا یا شفاهما احضار شده باشند بعمل میاید

ماده ۸۶ - هرگاه متداعین بعد از آگاهی و اعلام بدون عذر صحیح در وقت مقرر حاضر نشوند عدم حضور آنان مانع از معاینه نمیگردد و حق شکایت هم بعد از معاینه از محکمه صالح نخواهند داشت .

ماده ۸۷ - محکمه صالح میتواند بنظر خودش یا بخواهش متداعین یا یکی از آنان اطلاعات اهل خیره را بخواهد .

ماده ۸۸ - در این صورت متداعین براضی يك یا سه نفر از اهل خیره انتخاب می کنند و هرگاه تراضی نشد عده لازم را خود محکمه صالح معین می کند و در اینصورت طرفین حق دارند که بموازیین رد یا جرح شهود آثارا رد یا جرح کنند .

ماده ۸۹ - از معاینه محلی و افادات اهل خیره صورت مجلس مرتب میشود که با مضای امین یا حاکم صالح و متداعین و شهود و خیره

میرسد و هرگاه کسی از حضار سواد نداشته باشد در صورت مجلس قید می شود . در صورتیکه معاینه محلی و عقیده اهل خیره قاطع باشد حاکم صالح میتواند او را در خود محل حکم بدهد .

فصل پنجم

در تامين مدعی به

ماده ۹۰ - تامین مدعی به بخواهش مدعی در صورتی بعمل میاید که یا اسناد رسمی در دست بوده یا مدعی به در معرض فقریط و تضییع بوده و تدارك ممكن آن نباشد .

ماده ۹۱ - ترتیب تامین مدعی به که از محاکم صلحیه تقاضا میشود موافق قوانینی است که در باب دوم این کتاب مصرح است .

ماده ۹۲ - بتقاضای مدعی محکمه صالح حق دارد از مدعی علیه که اقامتگاه معین دائمی و اموال غیر منقول ندارد تقاضا کند که در صورت استیفاء حکم امین صالح وثیقه یا کفیل معتبر از اهل محل برای تامین مدعی به بدهد

ماده ۹۳ - هرگاه مدعی علیه آن تقاضا را قبول نکرد محکمه صالح حق دارد اموال منقوله مدعی علیه را با اندازه مدعی به توقیف کند .



## فصل نهم

### در حکم

ماده ۹۴ - محکمه صلح بعد از شنیدن اظهارات و دلایل طرفین تمام اوضاع و احوال مسئله را در نظر گرفته و اهمیت اعتبار دلایل را سنجیده حکم میدهد و این حکم نباید برخلاف قوانین باشد.

ماده ۹۵ - محکمه صلح حق ندارد در باب چیزی حکم بدهد که ادعا نشده است یا بیشتر از آنچه مدعیان تقاضا کرده اند حکم بدهد.

ماده ۹۶ - در موارد احکام قطعی محکمه صلح در خود حکم موعود را معین میکنند که محکم علیه در ظرف آن موعود طوعا حکم را مجری دارد.

ماده ۹۷ - در صورتیکه بر محکمه صلح ثابت شود که محکوم علیه نمی تواند تمام محکوم به را بپردازد میتواند نظر بمبالغ محکوم به و استطاعت محکوم علیه برای تادیه وجه اقساطی قرار داده و در آن باب تصدیق به طرفین بدهد.

ماده ۹۸ - هرگاه محکوم علیه در سر وعده اقساط را نرسانیده محکمه صلح بتقاضای محکوم له حکم نادیه بلا تاخیر وجه را میدهد.

ماده ۹۹ - احکام غیر قطعی (قابل استیناف) محکمه صلحیه فقط

در موارد ذیل و آنهم در صورت تقاضای محکوم له در صورتیکه بتوان تصور کرد که تعویق اجرا باعث اشکالات در اجرای حکم در آینده خواهد شد موافقا قابل اجرا است.

۱ - در موردیکه حکم محکمه صلح مبتنی بر سند رسمی است و ادعای جعلیت نسبت بان اسناد نشده است یا حکم محکمه صلح بموجب سند غیر رسمی است ولیکن طرفی که برضد از آن سند اقامه شده است اعتبار و اصالت آن سند را اعتراف کرده است.

۲ - در مواردیکه محکمه صلح در باب تصرف عدوانی کسی در اموال دیگری حکم تخلیه نداده است و یا بواسطه انقضای مدت اجاره حکم داده که شهبائی اجاره شده بصاحبش رد و تسلیم شود.

۳ - هرگاه در موارد اجیر شدن و اجیر کردن و استخدام و ادعائی که از این نوع تعهدات شخصی حاصل میشود محکمه صلح حکم بدهد که شخص اجیر شده یا مستخدم مرخص است.

۴ - هرگاه مدعی تامین صحیح برای اجرای موقت بدهد و برعهده بگیرد تمام خساراتی را که از نسخ یا نقض حکم محکمه صلح در درجات بالاتر حاصل تواند شد.

۵ - در موارد احکام غیابی در صورتیکه ابلاغ سواد حکم غیابی بمحکوم علیه غایب عادتا ممکن نباشد.

ماده ۱۰۰ - در تمام صور خیمه در ماده قبیل از شخصی که خواستگار

اجرای موقت شده باین ترتیب تامین خواسته میشود اگر موضوع حکم اموال معین باشد صورتی از آن برداشته بدست امینی سپرده تسلیم آن را بمحکوم له و همچنین فروش آنرا ممنوع میدارند . و هرگاه مدعی به وجه باشد بعد از وصول درجای مطمئن توقیف میکنند و در سایر موارد کفیل معتبر گرفته میشود .

ماده ۱۰۱ - بعد از صدور حکم محکمه صلح حکم را بطور اختصار نوشته و بمتداعین علنا اعلام میدارد .

ماده ۱۰۲ - در حین اعلام حکم محکمه صلح مکلف است برای طرفین توضیح نماید که حکم قطعی است یا غیر قطعی و بکدام محکمه و در چه مدت می توانند رجوع کنند و هرگاه در مدت مقرر اقدام ندرند حکم قطعی خواهد شد .

ماده ۱۰۳ - محکمه صلح باید حکم خود را در ظرف یک هفته از تاریخ صدور آن نوشته بمحکوم له داده و سواد حکم کتبی را نیز باشخص لازم در ظرف سه روز از تاریخ رجوع بدهد .

ماده ۱۰۴ - احکام کتبی محکمه صلح باید مواد ذیل را حاوی باشد

- ۱ - تاریخ صدور حکم .
- ۲ - اسم و شهرت و شغل متداعین .
- ۳ - اوضاع و احوال کار بطور اختصار .



۴ - ماحصل حکم و دلایل و ملاحظاتی که مدرک حکم است .

۵ - مقدار خساراتی که محکوم له از محکوم علیه مطالبه نموده و حکم صادر شده یا در تحت رسیدگی است .

۶ - تصریح باینکه حکم فوری الاجرا یا قابل اجرای موقت است .

## فصل هفتم

### در احکام غیابی و اعتراضات

ماده ۱۰۵ - هرگاه مدعی علیه بعد از دومرتبه احضار در محکمه صلح حاضر نشده و توضیحات کتبی هم ( موافق ماده ۱۰۶ ) فرستاد حاکم صلح بخواهش مدعی شروع برسیدگی نموده بعد از تحقیقات حکم غیابی میدهد . و هرگاه در اثنای مجازات مدعی حاضر نشد و بمحکمه هم اطلاع نداد که در غیاب او رسیدگی نمایند حاکم صلح رسیدگی را موقوف میدارد ولی مدعی می تواند تجدید رسیدگی و مجازات را تقاضا نماید و باید بهمان محکمه عرض حال مجدد بدهد . محکمه در صورت تقاضای مدعی علیه بدلیل رسیدگی کرده حکم غیابی میدهد .

ماده ۱۰۶ - مدعی علیه می تواند حاضر نشده توضیحات کتبی خود را مستقیماً یا بنسبت و کپل فرستاده و خواهش کند که سواد حکم محکمه را باو ابلاغ نمایند . در این صورت توضیحات کتبی مدعی علیه بمدعی ارائه شده و حکمی که صادر می شود غیابی نخواهد بود .



در این موارد در صورتیکه توضیحات شفاهی مدعی علیه ضرورت داشته باشد حاکم صلح مدعی علیه یا وکیلش را احضار می کند

ماده ۱۰۷ — مدعی نیز میتواند از حاکم صلح خواهش کند که در غیاب او رسیدگی کرده سواد حکم را باو ابلاغ کند. ولی اگر حاکم صلح حضور مدعی یا وکیل او را لازم دید احضار خواهد کرد. و هرگاه مدعی تقاضای محکمه صلح را اطاعت نکرد رسیدگی موقوف میشود مگر اینکه مدعی علیه خواهش رسیدگی و صدور حکم کند.

ماده ۱۰۸ — هرگاه حاکم صلح مطلع شود که جهت عدم حضور مدعی یا مدعی علیه مواعی بوده که رفع آن ممکن نبوده است یا آنکه احضار نامه بموقع نرسیده است رسیدگی را بتعویق انداخته موعده مجددی برای حضور متداعین معین می کند و مراتب را بطرفی که حاضر شده شفاها و بطرف غائب کتبا اعلام داشته و جهات عدم حضور را در صورت مجلس قید می کند

ماده ۱۰۹ — هرگاه مدعی علیه در سر موعده حاضر نشد ولی قبل از صدور حکم حاضر شد بیانات او را باید محکمه صلح استماع نماید و حکمی که بعد از استماع توضیحات و دلایل او صادر میشود غیابی محسوب نمی شود

ماده ۱۱۰ — سواد حکم غیابی بمحکوم علیه غایب باید ابلاغ شود و در ظرف دو هفته از روز وصول حکم محکوم علیه غایب حتی در اعتراض



نموده تجدید رسیدگی را بخواهد. و هرگاه در مدت مقرر بدون عذر موجه اعتراض نکرد حکم قطعی بموقع اجرا گذاشته خواهد شد و غایب برحجت خود باقی میماند و اعتراض او همه وقت مسموع است و احکام غیر قطعی را محکوم علیه فقط میتواند در مدت مقرر استئناف نماید

ماده ۱۱۱ — همین که اعتراض نامه محکوم علیه رسید محکمه صلح موعده جلسه را معین و بطرفین اطلاع میدهد و بعد از رسیدگی مجدد حاکم صلح حکم داده حکم سابق را از اعتبار می اندازد

ماده ۱۱۲ — خواه در حین اظهار اعتراض و خواه پس از آن تا زمان صدور حکم مجدد محکوم علیه که حاضر شده میتواند توقیف اجرای موقت حکم غیابی را هرگاه در باره او صادر شده بخواهد و باین خواهش او باید در ظرف سه روز جواب قطعی داده شود. هرگاه حاکم صلح اجرای موقت را معوق گذاشت و طرف تامین مدعا به را خواست اقدام لازم برای تامین مدعا به موافق قوانین بعمل میاید

ماده ۱۱۳ — در صورتیکه در رسیدگی ثانوی باز مدعی علیه حاضر نشد بخواهش مدعی حکم غیابی ثانوی صادر میشود و این حکم غیابی بموقع اجرا گذاشته شده و غایب برحجت خود باقی میماند. و در موارد احکام غیر قطعی حکم غیابی را میتوان در حدود قوانین استئناف نمود

### فصل هشتم

#### در شکایت از احکام و قرار های محاکم صلحیه

ماده ۱۱۴ - احکام محاکم صلح (فقیه محکمه) قطعی است

ماده ۱۱۵ - احکام امنای صلحیه را در صورتیکه مبلغ مدعی به پیش از بیست تومان بوده باشد یا این که قیمت مدعا به معلوم نباشد میتوان در محکمه ابتدائی حقوق استیناف نمود و مدت استیناف از تاریخ اعلام حکم بیست و یک روز است . بعد از انقضاء مدت مزبوره حکم امین صلح قطعی می شود

ماده ۱۱۶ - در شکایت استینافی باید مستانف جهات عدم صحت حکم را بیان کند و ادعای جدیدی در این شکایت پذیرفته نمیشود

ماده ۱۱۷ - عرضحال استینافی در دو نسخه بهمان امین صلحی که حکم داده است داده میشود و او مکلف است که قبض رسیده بمستانف داده یک نسخه از شکایت نامه را با اوراق رسیده گی و تمام متعلقات کار بمحکمه ابتدائی بفرستد و نسخه دیگری را بطرف مقابل تسلیم نماید .

ماده ۱۱۸ - از اقدامات امین صلح نمی توان قبل از استیناف حکم او شکایت نمود مگر در موارد مفصله ذیل که قبل از صدور حکم هم ممکن است :

۱ - شکایت از تعطیل و تعویق رسیدگی .

۲ - شکایت از عدم قبول عرضحال و اعراض نامه بر حکم غیابی و عرض حال استینافی و اعاده محاکمه ( تجدید نظر )

ماده ۱۱۹ - قرار هائی را که امین صلح میدهد میتوان فقط با حکم استیناف نمود مگر قرار هائی را که امین صلح در باب درخواست تامین مدعا به و اجرای موقت میدهد که بدون حکم هم میتوان استیناف کرد .

ماده ۱۲۰ - در کلیه مواردیکه بموجب دو ماده قبل میتوان از قرار های امین صلح شکایت یا استیناف نمود از قرار های محاکم صلح هم شکایت یا استیناف ممکن است جز در مورد عدم قبول عرضحال استینافی .

ماده ۱۲۱ - در موارد سه ماده قبل شکایت باید در ظرف یک هفته از تاریخ اقدامی که باعث شکایت یا ابلاغ قرار هائی که داده شده است بعمل آید مگر شکایت از تعطیل و تعویق که مدت ندارد و در هر وقت قابل استماع است

ماده ۱۲۲ - شکایت از قرار های امین و محاکم صلح مستقیماً بخود محکمه ابتدائی داده می شود . در محکمه ابتدائی بشکایت های مذکوره در ماده (۱۱۸) و (۱۱۹) بدون احضار متداعین رسیده گی می شود . ولی هر گاه متداعین خواستند حاضر شوند توضیحات شفاهی آنها را مستماع می کند .

## فصل نهم

### در ترتیب رسیدگی استینافی در محکمه ابتدائی

ماده ۱۲۳ — روز محاکمه را محکمه معین کرده بطرفین در ضمن احضاریه اطلاع می دهد.

ماده ۱۲۴ — مستانف علیه می تواند تا روزی که برای محاکمه معین شده است توضیحات کتبی خود را بمحکمه ابتدائی بدهد. عدم حضور متداعین مانع از رسیدگی و صدور حکم نمیشود. و همچنین عدم حضور یکطرف مانع از دادن توضیحات شفاهی طرف دیگر نمیشود.

ماده ۱۲۵ — رسیدگی استینافی باحکام امنای صلحیه علنی است و شفاهی اول حکم امین صلح که باعث شکایت شده است قرائت میشود بعد مواد شکایت مستانف بعد توضیحات کتبی مستانف علیه (هرگاه باشد) پس از آن مابین طرفین مذاکره شفاهی شروع میشود.

ماده ۱۲۶ — تخفیفات راجعه بصحت دلایل را یا خود محکمه ابتدائی یا یکی از اعضاء آن بر حسب ماموریت از طرف محکمه مجری میدارد.

ماده ۱۲۷ — رئیس محکمه می تواند توضیحات لازمه را از طرفین بخواهد و همین که مشاهده نمود که مسئله بقدر کفایت روشن شده است

مذاکره شفاهی را قطع می کند.

ماده ۱۲۸ — رئیس محکمه باید سعی کافی برای اصلاح ذات البین بنماید و هرگاه طرفین راضی باصلاح شدند این نکته در صورت مجلس قید و بامضای طرفین می رسد.

ماده ۱۲۹ — در مواردی که باید موافق قانون مدعی العموم محکمه ابتدائی در محاکمه حقوقی حاضر شود خود یا معاونش حاضر شده قبیل از صدور حکم عقیده خود را اظهار میدارد.

ماده ۱۳۰ — امین صلح را که حکم داده است و حاکم صلح را که قرار داده است می توان برای توضیحات بمحکمه خواست.

ماده ۱۳۱ — ترتیب اتخاذ آراء قطعی اعضاء محکمه و صدور حکم و اعلام و انشاء آن بطوری است که برای محاکم ابتدائی معین شده است

ماده ۱۳۲ — احکام استینافی محاکم ابتدائی قطعی است و در حدود قوانین اجرا می شود.

## فصل دهم

در تغییر احکام محاکم ابتدائی که استینافا صادر می شود

ماده ۱۳۳ — در موارد ذیل می توان احکام محاکم ابتدائی را

که استیفاء صادر شده است تمیز نمود :

- ۱ - در صورت نقض قوانین یا سوء تفسیر آن
- ۲ - در صورتی که مواد قانون اصول مجازات رعایت نشده باشد و آن مواد باندازه مهم باشد که بواسطه نقض آن مواد نتوان حکم را حکم قانونی دانست .

### فصل بیازدهم

#### در رد و جرح امنای صالحیه

- ماده ۱۳۴ - در موارد منضله ذیل امین صلح باید خودش از رسیدگی امتناع نماید و متداعین می توانند او را رد نمایند
- ۱ - وقتی که امین صلح نفی شخصی در ادعائیه که اقامه شده است داشته باشد
- ۲ - وقتی که امین صلح با یکی از متداعین قرابت نسبی یا نسبی تا درجه سوم داشته باشد

- ۳ - وقتی که امین صلح قبم یکی از متداعین است یا کفیل امور او است و یا یکی از متداعین مباشر امور امین صلح است
- ۴ - وقتی که امین صلح یا زوجه او وارث یکی از متداعین هستند
- ۵ - وقتی که امین صلح با یکی از متداعین یا اشخاصی که با آنها قرابت نسبی یا نسبی دارند محاکمه جزائی داشته اند و یک سال از زمان ختم

آن محاکمه نگذشته است

- ۶ - در صورتیکه مابین امین صلح و یکی از متداعین یا عهال او محاکمه حقوقی در محکمه دیگری مطرح است
- ۷ - وقتی که امین صلح سابقا اظهار عقیده کتبا در باب ادعائی که اقامه شده نموده است .

ماده ۱۳۵ - رد امین صلح باید باتعین مدرک باشد . در صورتیکه رد از طرف مدعی باشد باید قبل از شروع بر رسیدگی و اگر از طرف مدعی علیه است لا اقل در نوبت اول که بمحکمه حاضر میشود بعمل آید . هر گاه اعلام رد کتبی نباشد باید در صورت مجلس قید و باضای رد کننده برسد .

ماده ۱۳۶ - همین که امین صلح اظهارات مدعی یا مدعی علیه را صحیح دانست رضایت خود را در ورقه رد یاد صورت مجلس قید و امضا کرده عرضحال عارض را با منضمات آن نزد نزدیکترین محکمه صلح برای رسیدگی می فرستد .

ماده ۱۳۷ - هر گاه امین صلح اظهارات راجعه برد را مقرون بصحت ندید اعلام رد را با توضیحات خودش در ظرف دو روز از تاریخ وصول اظهار مزبور نزد مدعی العموم محکمه ابتدائی که در حوزه آن واقع است فرستاده منتظر حکم محکمه مذکور میشود . محکمه مذکور مکلف است که در ظرف یک هفته با حضور مدعی العموم رسیدگی کرده حکم قطعی بدهد



حضور متداعین در رسیدگی محکمه ابتدائی لازم نیست.

## فصل دوازدهم

### در اجرای احکام محاکم صالحه

ماده ۱۲۸ - احکام محاکم صالحه در موارد مفصله ذیل قطعی و قابل اجرا است :

- ۱ - احکام حاکم صالح .
- ۲ - احکام قطعی امنای صالحه .
- ۳ - احکام غیر قطعی امنای صالحه در صورتی که در موعد مقرر استیناف نشده .
- ۴ - احکام غیابی حاکم صالح که در مدت مقرر اعتراض نشده .
- ۵ - احکام غیابی امنای صالحه که در موعد مقرر اعتراض و استیناف نشده .

ماده ۱۲۹ - در مواردیکه حکم محکمه صالح قطعی شده و همچنین در موارد اجرای موقت محکمه صالح بخواهش ذیحق ورقه اجرائیه باو میپردازد .

ماده ۱۴۰ - احکام مجازات صالح بتوسط اشخاصیکه در باب چهارم قانون موقتی تشکیلات عدلیه نوشته شده بموقع اجرا گذارده میشود . تمام اشخاص مفصله درجین اجرای حکم تابع اوامر محکمه صالح هستند .

ماده ۱۴۱ - اجرای احکام مجازات صالح موافق قوانینی است که کلیه برای اجرای احکام عدلیه مقرر است .

\*\*\*

قوانین موقتی اصول مجازات حقوقی راجع بمجازات صالحه که يك صد و چهل و يك ماده است در کمپسیون قوانین عدلیه تصویب و تصویب شده است بتاريخ ۲۶ شهر رمضان ۱۳۲۹

## باب دوم

### اصول محاکمات حقوقی در محاکم ابتدائیه

## فصل اول

### در تجدید صلاحیت محاضر شرعیه و محاکم ابتدائی

#### مبحث اول

#### در صلاحیت محاضر شرعیه

ماده ۱۴۲ — دعاوی حقوقی غیر از مواردیکه قانونا از خصایص محاکم صلاحیه است ابتدا بمحاکم ابتدائی رجوع میشود

ماده ۱۴۳ — دعاوی حقوقی راجعه بامور عرفیه و همچنین امور شرعیه که خارج از صلاحیت محاکم عدلیه نباشد محاکم عدلیه بترتیبی که قانون محاکمات حقوقی معین میکنند رسیدگی خواهد کرد

ماده ۱۴۴ — امور شرعیه موضوعاتی است که بموجب قوانین شرع انور اسلام مقرر است

ماده ۱۴۵ — موارد ذیل را بمحاکم عدلیه بمحضر عدول مجتهدین ارجاع خواهد کرد

ا - مواردیکه منشاء اختلاف و نزاع جهل بحکم شرعی یا جهل بموضوعات شرعیه باشد

ب - دعاوی راجعه بنکاح و طلاق

ج - احکام غیابی در امور شرعیه

د - مواردیکه حکم بافلاس یا حکم بحجر مفلس یا حکم بتوقیف مال ممتنع از ادای دین یا حکم بتقاص لازم میشود

تبصره - اگر چه حکم بافلاس کلینا از وظایف حکام شرع است لیکن مراد از حکم بافلاس که در اینجا ذکر شده افلاس حقوقی است

ه - مواردیکه قطع و فصل خصومت جز با قیامه شهود (بینه) یا بحلف و احواف ممکن نیست

و - مواردیکه احکام شرعیه طرفین یا یکی از آنان منساقض یا مجمل و مبهم باشد

تبصره - مراد از احکام احکام صادره از حکام شرع است در قضایا نه مطابق اسناد و نوشتهجات

ز - مواردی که نزاع در اصل و قفیت یا اصل وصیت یا تولیت متولی یا وصایت وصی باشد

ح - مواردیکه نصب متولی یا ناظر شرعی یا قیام یا وصی لازم شود .

ماده ۱۴۶ — در مواردیکه شرعی و عرفی بودن امر محل اشتباه شود تراضی متداعیین برای رسیدگی عدلیه لازم است .

ماده ۱۴۷ - در مواردی که امر شرعی مشتمل باشد که امور مذکور در ماده (۴) از مختصات محاضر شرع است یا از امور مشترک است عدلیه حق رسیدگی گرچه طرفین تراضی نمایند نخواهد داشت و باید بمحضر عدول مجتهدین رجوع نماید .

ماده ۱۴۸ - غیر از موارد ماده (۴) در امور شرعی در صورتیکه متداعین بدوا تراضی برسیدگی محاکم عدلیه نمایند محاکم رسیدگی خواهد کرد و الا بمحضر شرع ارجاع خواهد نمود .

ماده ۱۴۹ - در مورد شکایت از محکم یا حکام شرع - لایحه مطابق قانون تشکیلات بجلسه عمومی عدول مجتهدین ارجاع خواهد کرد .

### مبحث دوم

#### در صلاحیت محاکم ابتدائی

ماده ۱۵۰ - محاکم ابتدائی بکلیه دعاوی که بموجب قانون راجع بمحاکم عمومی است رسیدگی مینمایند باستثناء اموری که قانون بمحاکم صلاحیه اختصاص داده .

ماده ۱۵۱ - ادعا یا در محکمه ابتدائی اقامه میشود که مدعی در حوزه آن ساکن یا اقامتگاه دائمی دارد و یا در محکمه که مدعی علیه در حوزه آن ساکن یا اقامتگاه دائمی دارد و مستثنیات این ماده بموجب قوانین معین

است . هرگاه مدعی بمحکمه اقامتگاه خود رجوع نماید باید مخارج عادیه مسافرت و اقامت مدعی علیه را در محل اقامت خود بپردازد و بعد در صورتیکه ذبحق شد میتواند مبلغی را که از این بابت نادیده کرده است در جزء خسارت خود منظور داشته از طرف خود مطالبه نماید .

ماده ۱۵۲ - محلی که شخص در آنجا از حیث شغل یا کسب یا خدمت قلمی یا نظامی و یا علاقه ملکی اقامت دارد اقامتگاه دائمی محسوب میشود .

ماده ۱۵۳ - هرگاه میزان اقامت شخص مدعی علیه از حیث علاقه ملکی است و علاقه ملکی در محل های متعدد دارد مدعی از میان آن محل ها محلی را انتخاب میکند که مدعی علیه در آنجا است .

ماده ۱۵۴ - هرگاه مدعی علیه اقامتگاه دائمی نداشته باشد مدعی می تواند در محل اقامت موقتی مدعی علیه اقامه دعوا نماید . توقف مختصر مسافر در حین مسافرت که عادتاً وافی بمدت اتمام محاکمه نسبت از این قاعده مستثنی است و اقامت موقتی حساب نمیشود .

ماده ۱۵۵ - در مورد اقامت موقتی مدعی علیه میتوان خواهش کند که کار را بمحکمه احاله نمایند که اقامتگاه دائمی او در حوزه آن واقع است . در اینصورت محکمه بارضایت مدعی مسئول مدعی علیه را اجابت می نماید . مدعی علیه که نتواند اقامتگاه دائمی خود را در ایران ثابت نماید حق چنین خواهشی را ندارد .

ماده ۱۵۶ - هرگاه مدعی علیه در خارج ایران بوده و در ایران اقامتگاه دائمی او معین نباشد مدعی میتواند اقامه دعوا در محکمه نماید که مدعی علیه در حوزه آن اموال غیر منقوله دارد .

ماده ۱۵۷ - دعاوی حاصله از حق مالکیت و هر حق دیگری نسبت باموال غیر منقوله و همچنین ادعا بر خسارتی که باموال غیر منقوله وارد آمده است در محکمه رسیدگی میشود که اموال غیر منقوله در حوزه آن واقع است .

ماده ۱۵۸ - ادعائی که راجع است بمدعی علیه متعدد یا اموال غیر منقول متعدد که در حوزه های مختلف ابتدائی اقامت دارند و یا واقعند بافتخاب مدعی در یکی از محاکم مذکور که صلاحیت دارد اقامه میشود .

ماده ۱۵۹ - دعوای متقابل ( دعوائی که در جواب ادعای مدعی اقامه میشود و مربوط بان ادعا است ) در همان محکمه که دعوای اصلی مطرح رسیدگی است اقامه میشود مگر اینکه دعوای متقابل خارج از صلاحیت آن محکمه باشد .

ماده ۱۶۰ - هرگاه هنگام رسیدگی بدعاوی دعوای دیگری پیدا شود که از جهت ضمانت مربوط بادعای اولی ( اصلی ) باشد بادعای ثانوی نیز در همان محکمه اولی رسیدگی خواهد شد . ولی اگر بقربینه یا بعضی نوشتهجات ثابت شود که ادعای اولی فقط برای جلب مدعی علیه دعوای

ثانی است بمحکمه که قانونا مرجع آن دعوا نیست مدعی علیه دعوای ثانوی حق دارد که آن دعوا را از آن محکمه بمحکمه که راجع است احاله نماید .

ماده ۱۶۱ - در تمام دعاوی متداعین میتوانند براضی محکمه ابتدائی دیگری را غیر از آنچه قانون معین میکند برای رجوع انتخاب نمایند .

### بحث سوم

### در اختلاف حاصله از صلاحیت محاکم عدلیه و ترتیب

#### تسویه آن در محاکم عدلیه

ماده ۱۶۲ - هر محکمه باید خودش معین کند دعوائی که در محکمه اقامه شده است بان محکمه راجع است یا نه و نباید از محکمه که از جهت درجه بالاتر است در آن باب تعلیمات بخواهد اشخاصی که از فرار محکمه در باب صلاحیت آنها شکایت دارند میتوانند بمحاکمی که ذیلامذکور است رجوع کنند سواد مصدق فرار محکمه را در باب رد یا قبول عرضحال باید بشکایت نامه ضمیمه نمایند بدین ترتیب مسئله اختلاف در صلاحیت محاکم مطرح میشود .

ماده ۱۶۳ - تسویه اختلافات حاصله قهرا بین محاکم ابتدائی راجع بمحکمه استثناف است . هرگاه طرفین اختلاف در يك حوزه استثنافیه نباشند تسویه اختلاف راجع بدیوان تمیز است



ماده ۱۶۴ - شکایت نامه در دو نسخه یکی بمحکمه استیناف تقدیم و یک نسخه آن بطرف مقابل ابلاغ شده بعد ترتیبی که برای رسیدگی بقرار های محاکم ابتدائی در محکمه استیناف مقرر است اقدام میشود و رسیدگی محکمه ابتدائی موقتا تا صدور حکم محکمه عالی باید توقیف شود .

ماده ۱۶۵ - اختلافات راجعه بصلاحت در محکمه استیناف با حضور مدعی العموم آن محکمه مطرح و قطع و فصل میشود .

ماده ۱۶۶ - اختلاف حاصله مابین محاکم ابتدائی و محاکم تجارتی نیز موافق مواد (۱۶۲) الی (۱۶۵) تسویه میشود

ماده ۱۶۷ - تسویه اختلافات حاصله فیمابین محاکم استیناف راجع بمحکمه تمیز است

ماده ۱۶۸ - اشتباهات حاصله از اینکه کاری که در محاکم عدلیه مطرح شده است راجع بمحاکم عدلیه است با ادارات دیگر دولتی باید در محاکم حل و تسویه شود .

ماده ۱۶۹ - طرح اختلاف در مورد ماده قبل یا بواسطه شکایت اشخاص از قرار محکمه بعمل میاید و با اداره که کار را خارج از صلاحیت محکمه عدلیه میداند بتوسط مدعی العموم مراتب را با دلایل لازمه بر رئیس آن محکمه اعلان می کند .



ماده ۱۷۰ - در مورد شکایت اشخاص از قرار محکمه ابتدائی در باب صلاحیت (رجوع بماده ۱۶۲) و همچنین در مورد اختلاف حاصل فیمابین محکمه مذکور و اداره دولتی حل مسئله راجع بمحکمه استیناف است . و رسیدگی محکمه ابتدائی تا صدور حکم محکمه استیناف توقیف میشود لکن محکمه ابتدائی می تواند موافق قوانین مابین مدعی به را بخواهد .

ماده ۱۷۱ - در محکمه استیناف مجلس مخصوصا در تحت ریاست رئیس اول آن محکمه مرکب از حاکم محل و سه نفر عضو محکمه استیناف و دو نفر از رؤساء ادارات محلی بحکم اقدمیت تشکیل و با حضور رئیس اداره که طرف اختلاف است بموضوع اختلاف رسیدگی می شود . و حکمی که از مجلس مذکور با اکثریت پس از اظهار عقیده مدعی العموم استیناف صادر می شود قطعی است .

ماده ۱۷۲ - هرگاه طرفین اختلاف محکمه استیناف و یکی از ادارات دولتی باشد بترتیبی که در ماده (۱۶۸) مذکور است حل مسئله بمحکمه تمیز رجوع میشود .

ماده ۱۷۳ - در مورد ماده قبل در محکمه تمیز مجلس مخصوصی مرکب از پنج نفر اعضاء شعبه حقوقی محکمه تمیز و پنج نفر از اعضاء شورای دولتی در تحت ریاست رئیس اول محکمه تمیز تشکیل و بمسئله مختلف فیهما رسیدگی و حکم قطعی صادر میشود .

### فصل دوم

#### در وکلای متداعین

ماده ۱۷۴ - وکلای متداعین باید دارای شرایط و اوصافی باشند که در مواد (۲۳۶) الی (۲۳۸) قانون تشکیلات عدلیه مقرر است.

ماده ۱۷۵ - وکالت نامه که بوکهل رسمی و غیر رسمی داده میشود باید بعد از تصدیق موثقین محلی بصدیق مباشر ثبت اسناد یا خاکم صلح برسد و یا در محاضر شرع که مراجع رسمی عدلیه اند یا در یکی از ادارات رسمی دولتی یا ملئی که موکل شغل و خدمتی در آن اداره دارد تصدیق شود و یا بالاخره در دفترخانه حکومتی یا نظمیہ مصدق شود که بعبارة اخیری علم بتحقیق وکالت حاصل شود.

ماده ۱۷۶ - هرگاه در محلی مباشرت اسناد و محاکم صاحب ادارات دولتی هیچکس نباشند تصدیق موثقین اهل محل کافی است.

ماده ۱۷۷ - هرگاه وکالت نامه غیر مصدق یا وکالت شفاهی باشد باید موکل در محکمه حاضر شده اقرار بصحت وکالت و کهل یا وکالت نامه و امضای خود نموده این نکته در دفتر محکمه ثبت شده بامضای موکل برسد منبیه - در امور راجعه بمحاکم صلحیه تصدیق ضابط یا کد خدا یا

اداره پلیس محل هم پذیرفته است. و هرگاه وکالت شفاهی باشد در نزد خاکم صلح اظهار و در دفتر ثبت و بامضای موکل میرسد و اگر موکل سواد نداشته باشد شخص دیگری از طرف او امضا مینماید و این نکته در دفتر قید می شود

ماده ۱۷۸ - وکهل نماینده موکل خودش است و هر اقدامی که در حدود وکالت نامه نماید کاملاً بموکل تعاقب می گیرد

ماده ۱۷۹ - در وکالت نامه باید صریحاً قید شود که وکهل حق اقدامات ذیل را کلاً یا بعضاً دارد والا اقدامات وکهل در این موارد بموکل تعلق نخواهد یافت

- ۱ - حق استیناف ۲ - حق دادن تمیز ۳ - حق صلح ۴ - حق انتخاب محضر شرع ۵ - حق اظهار جعلیت نسبت بسند طرف مقابل و جواب دادن بطرف در صورتیکه او چنین اظهاری بکند ۶ - حق انتخاب حکم برای حکمیت ۷ - حق وکالت در توکهل ۸ - حق تعیین مصدق

ماده ۱۸۰ - موکل حق دارد هر زمان که بخواهد وکهل خود را معزول کند و باید بمحکمه مراتب را کتبا یا شفاهاً اطلاع بدهد در این صورت هرگاه موکل مدعی علیه است محکمه مجبور نیست که رسیدگی را بتعویق بپردازد. ولی اگر مدعی است بستمه بخواهش مدعی علیه است که محکمه کار را توقیف کند و یا منتظر تعیین وکهل جدیدی نشده رسیدگی را تعقیب بکند

ماده ۱۸۱ -- اقدامات و کپل که در حدود وکالت نامه او قبل از اعلام بخود او و بمحکمه شده است کاملا معتبر خواهد بود . اظهار شفاهی در عزل و کپل باید در صورت مجلس قید و بامضای موکل برسد

ماده ۱۸۲ -- و کپل حق دارد که از وکالت خود استعفا کند ولی بعد از استعفا محکمه وکالت او را برای طرف مقابل نخواهد پذیرفت و در صورت غیبت موکل و کپل باید طوری قبل از وقت او را از استعفای خود مطلع نماید که موکل بتواند در موعد مقرر شخصا در محکمه حاضر شود یا و کپل جدیدی بفرستد .

ماده ۱۸۳ -- هرگاه موکل در همان شهریکه مقرر محکمه است نباشد باید و کپل استعفای خود را در همان وقتی که بموکل می نویسد بمحکمه نیز اعلام نماید .

ماده ۱۸۴ -- رئیس محکمه در این صورت نظر بمسافت موعدی را معین می کند که تا انقضای آن و کپل استعفا نکرده در حدود وکالت خود کار های موکل خود را انجام بدهد اگر و کپل قبول کرد تا انقضای موعد در وکالت خود باقی خواهد بود .

ماده ۱۸۵ -- در صورت فوت و کپل کاریکه در تحت رسیدگی است توقیف میشود تا وقتی که موکل و کپل جدیدی معین کند و یا تا زمانیکه طرف مقابل موکل احضار او را از محکمه بخواهد . هرگاه بعد از احضار

در موعد مقرر طرف غائب حاضر نشد و وکپل جدیدی هم معین نکرد محکمه بخواهش طرف برسدگی مداومت مینماید .

## فصل سوم

### در عرایض

ماده ۱۸۶ -- محکمه بدون عرضحال شروع بر رسیدگی نمیکند و در عرضحال باید نکات مفصله قید شود :

(۱) تعیین محکمه که بان عرضحال داده می شود (۲) اسم و رسم پدر و شغل و اقامتگاه مدعی و مدعی علیه (۳) تعیین قیمت مدعا به مگر اینکه ممکن نباشد (۴) بیان اوضاع و احوالی که باعث ادعا شده است بطوریکه مقصود واضح و روشن باشد (۵) اقدامی را که از محکمه تقاضا میکنند .

ماده ۱۸۷ -- دعاوی متعدده که مدرك و مبنای آنها مختلف است نباید در يك عرضحال نوشته شود ولو اینکه راجع بیک شخص باشد . در این موارد برای هر ادعائی باید عرض حال مخصوصی داده شود .

ماده ۱۸۸ -- عرضحال را می توان شخصا بمحکمه داد یا توسط و کپل یا پست فرستاد . وکالت و کپل را در دادن عرضحال میتوان روی خود عرضحال قید کرد .

ماده ۱۸۹ - بواسطه مرض یا بی سوادى ممکن است که کسی دیگر از طرف عارض عریضه را امضا کند ولی این نکته باید در عرضحال یا جهت آن قید شود . و نیز هر گاه کسی از جانب دیگری عرضحال میدهد باید در عرضحال جهت حق عریضه دادن را صریحا قید کند .

ماده ۱۹۰ - باید عرضحال بزبان فارسى نوشته شود ولی امضا ممکن است بزبان غیر فارسى باشد . در این صورت مترجم محکمه یا کسی که معروف محکمه است و زبان امضا را می داند امضا را تصدیق می کند .

ماده ۱۹۱ - مطالبی که بعرضحال ضمیمه می شود (۱) اسنادی که مدرک ادعای عارض است یا سواد مصدق آنها . و در صورتی که مدعی نخواهد که اصل یا سواد سند مصدق خود را بعرضحال ضمیمه کند میتواند بعضی از فقرات یا نکات اسناد مذکور را خارج نویس کرده ضمیمه نماید و یا مفاد سند را در عرضحال یا در ورقه جدا گانه بیان نماید (۲) هر گاه اسناد بزبان غیر فارسى نوشته شده باشد ومدعی اسناد مزبوره را بعرضحال ضمیمه کرده باشد باید ترجمه اسناد مزبوره بزبان فارسى نیز ضمیمه شود (۳) و کالت نامه و کپل در موقعی که او عرضحال میدهد .

ماده ۱۹۲ - در باب اسنادی که ضمیمه می شود قواعد مفصله ذیل باید رعایت شود .

۱ - باید در خود عرضحال یا در فهرست جداگانه نوشتهجات و اسنادیکه

ضمیمه میشود صریحا قید شود .

۲ - هر گاه مدعی سواد سندی را به عرضحال خود ضمیمه می نماید باید سواد مصدق باشد یا سوادى را که متداعین تصدیق کرده اند به محکمه بدهند .

۳ - در صورتیکه اسناد خیلی مفصل باشد مثل دفتر تجارتمی و امثال آن جاهائیکه مدرک عرض اوست از دفتر خارج نویس کرده ضمیمه عرضحال می نماید .

ماده ۱۹۳ - مواردیکه عرضحال مسترد می شود از قرار ذیل است :

۱ - وقتی که در عرضحال معین نیست که چه کس اقامه دعوا کرده است و مدعی علیه کجاست و مدعی به چیست و مدعی چه اقدامی را تقاضا می کند .

۲ - وقتی که خود مدعی عرضحال را نداده و صلاحیت عریضه دهنده در دادن عریضه معلوم نیست .

۳ - وقتی که قیمت مدعی به معین نشده است و بغیر از موردی است که تعیین آن ممکن نیست و یا مدعی به مالی نیست . در کلیه این موارد عرضحال باتوضیح جهت عدم قبول آن بصاحب آن مستقیما ( هر گاه خودش حاضر باشد ) یا توسط و کپل و یا باپست اعاده میشود که عرضحال بطوریکه قانون تقاضا میکنند داده شود .



ماده ۱۹۴ - از این اقدام رئیس محکمه عارض میتواند در ظرف دو هفته از روز اعلام یا وصول عرضحالی که مسترد است به محکمه استیناف شکایت نماید .

ماده ۱۹۵ - مواردیکه عرضحان را قبول کرده ولی بمجرای قانونی نمی اندازند از قرار ذیل است .

اولا - در صورتیکه مدعی محل محل اقامت مدعی علیه را معین نکرده یا ببطور مبهم نشان داده و قید هم نکرده است که محل اقامت مدعی علیه را نمی داند .

ثانیا - وقتی که بعرضحال و سواد آن و سواد اسناد موافق قانون تمبیر الصاق تمبیر نشده است .

ثالثا - در مواردیکه اسناد یا سوادهای مذکوره در عرضحال یا در فهرستی که ضمیمه عرضحال شده است نباشد .

رابعا - وقتی که مخارج اعلان یا مخارج لازم دیگری تادیه نشده باشد .

خامسا - هرگاه محل اقامت مدعی معین نشده باشد . در موارد چهار فقره اولی این ماده بمدعی نواقص عرضحال را اطلاع داده از روز ابلاغ هفت روز مهلت میدهند که نواقص مزبوره را رفع نماید و هرگاه نکرد عرضحال را بصاحبش مسترد میدارند . پس از آن تجدید اقامه دعوا مستلزم تجدید عرضحال است در مورد فقره آخری اعلانی در باب اینکه عربضه بمجرای قافی نینفاده نوشته شده در اطاق پذیرائی محکمه در مدت

یکماه بدیوار نصب می شود و عرضحال بامنضمات آن در دفتر خانه محکمه بطور امانت میماند تا صاحبش پیدا شود .

ماده ۱۹۶ - بعد از اینکه عرضحال قبول و بمجرا افتاد رئیس محکمه کار را موافق نوبت مقرر به یکی از اعضاء میسپارد که در تحت نظارت او مقدمات کار تهیه شود و عرضحال را بامنضمات آن بدفتر خانه محکمه برای اقدامات لازمه میفرستد .

نیمیه - ترتیب جریان کار در دفتر خانه و ترتیب دوسیمه و غیره در نظامات داخلی مقرر است .

## فصل چهارم

### در تقویم مدعی به

ماده ۱۹۷ - قیمت مدعی به مبلغی است که در عرضحال قید شده است .

ماده ۱۹۸ - تقویم مدعا به بترتیب ذیل بعمل میاید .

۱ - در صورتیکه مدعی به وجه معین باشد قیمت مدعا به عبارت است از وجه نقد مذکور در عرضحال بعلاوه خسارتی که از تعویق تادیه آن تا روز اقامه دعوا برداین وارد شده است لیکن اثبات مدعی به دایم الملازمه باثبوت خسارت نیست .

۲ - در دعاوی راجعه با و ال غیر منقوله قیمت مدعا به مبلغی است که مدعی معین کرده و مدعی علیه در جلسه اول مجازات آن مبلغ را تکذیب نکرده است .

۳ - در دعاوی چند نفر مدعی که هر يك يك قسمت از كل را مطالبه می نمایند قیمت مدعا به مساویست با حاصل جمع تمام قیمت ها بلكه مطالبه می شود .

۴ - در دعاوی که موضوع آن حقوقی است که بمواعد معین پرداخته می شود مثل مال الاجاره و وجه کرایه و غیره قیمت مدعا به حاصل جمع تمام اقساطی است که مطالبه میشود هر گاه نادیه حتی مزور محدود بزمان معین نباشد یا مادام العمر باشد قیمت مدعا به مساویست با حاصل جمع آنچه که باید در ظرف ده سال کارسازی شود .

ماده ۱۹۹ - در مواردیکه مابین متداعین در تعیین قیمت اموال غیر منقوله که موضوع ادعا است مانع و اختلافی حاصل شود حد وسط قیمت ها بلكه متداعین معین کرده اند مدعی به محسوب خواهد شد یعنی قیمتی را که مدعی و مدعی علیه اظهار کرده اند جمع نموده حاصل جمع را تصحیف می نمایند . هر گاه موضوع اختلاف مابین اظهارات متداعین زیاد باشد یا در صورتیکه از برای محکمه تردیدی در باب قیمت واقعی مدعا به غیر منقول حاصل شود به تحقیقات محلی و استعمال عقیده اهل خبره محکمه قیمت واقعی را معین میکنند .

## فصل پنجم

در اقدامات محکمه قبل از رسیدگی بدعوا

### مبحث اول

احضار بمحکمه و ابلاغ احضار نامه

ماده ۲۰۰ - در روی عرض حال که قبول شده است رئیس محکمه حکم احضار مدعی علیه را میدهد و هر گاه محل اقامت مدعی علیه معین باشد بقوسط احضاریه احضار میشود والا بتوسط اعلان در مطبوعات

ماده ۲۰۱ - احضاریه در دو نسخه نوشته شده و نکات مشروحه ذیل را حاوی است

۱ - تاریخ ۲ - اسم و شهرت و شغل و محل اقامت مدعی و مدعی علیه  
 ۳ - اسم مامور احضار ۴ - موضوع ادعا ۵ - تعیین محکمه که رسیدگی خواهد نمود ۶ - موعد احضار ۷ - نتیجه عدم حضور مدعی علیه موافق قانون هر گاه در احضاریه رعایت نکات مفصله نشده باشد احضاریه باطل است و حکم بطلان باید از محکمه که احضاریه فرستاده است داده شود

ماده ۲۰۲ - احضار نامه با سواد عرض حال مدعی و سواد نوشته جات و اسناد (در صورتیکه بعرض حال ضمیمه شده باشد) بمدعی علیه در محلی که مدعی نشان داده است ابلاغ میشود



ماده ۲۰۳ - هرگاه مدعی علیه در حوزه همان محکمه اقامت داشته باشد که او را احضار می کند احضار نامه بتوسط مامور احضار ابلاغ میشود و اگر در حوزه محکمه دیگری است احضار نامه توسط آن محکمه ابلاغ میشود . و اگر مدعی علیه در جایی باشد که محکمه نداشته باشد احضار نامه بتوسط اداره پلیس محل ابلاغ خواهد شد . احضار نامه راجعه بمدعی علیه که در خارجه اقامت دارد بتوسط وزارت خارجه تبلیغ میشود

ماده ۲۰۴ - احضار نامه با منضمات آن بخود مدعی علیه ابلاغ میشود و هرگاه مشار الیه در منزل خود نباشد بیکي از اهل خانه یا کسان او که مقصدی امور او هستند تبلیغ میشود . و اگر اشخاص مذکور نباشند یا نخواهند رسید بدهند مامور احضار در شهر يك نسخه را بداره نظمیه یا کپسری محل و در ده به کد خدا تسلیم کرده در نسخه ثانوی رسید میگیرد

ماده ۲۰۵ - مامور احضار در حین ابلاغ احضار نامه بمدعی علیه تاریخ ابلاغ را در نسخه احضار نامه که ابلاغ میکنند قید کرده رسید در نسخه ثانوی احضار نامه میگیرد . و در نسخه ثانوی نیز تاریخ ابلاغ را یاد داشت میکنند . هرگاه گیرنده احضار نامه نخواهد یا نتواند رسید بدهد این نکته را مامور در نسخه ثانوی احضار نامه باجهت آن یاد داشت میکنند .

ماده ۲۰۶ - مامور احضار میتواند در مواقع لازمه يك یا دو نفر



شاهد از اهل محل و یا از اداره نظمیه محل با خود همراه بر دارد که در صورت امتناع مدعی علیه از قبول احضار نامه از مراتب مطلع و شاهد باشند

این نکته در نسخه دیگر احضار نامه قید و بادضای شهود میرسد

ماده ۲۰۷ - احضار نامه را میتوان بمدعی علیه در خارج خانه او هم ابلاغ کرد .

ماده ۲۰۸ - دعاوی راجعه بشرکت ها مطلقا احضار نامه بمدیر یا مباشر امور تسلیم میشود . و همچنین در دعاوی راجعه بورشکسته يك نسخه احضار نامه بکسی ابلاغ میشود که بحکم محکمه مامور اداره کردن امور مفلس است و دیگری بخود مفلس و در نسخه ثالث و رابع رسید گرفته میشود .

ماده ۲۰۹ - در صورتیکه مدعی علیه در یکی از ادارات رسمی باشد احضار نامه بر رئیس آن اداره ابلاغ میشود . و هرگاه رئیس مذکور احضار نامه را قبول نکند یا غایب باشد احضار نامه بامین صلح محل یا مدعی العموم محکمه ابتدائی ابلاغ و مشار الیه يك نسخه احضار نامه را گرفته نسخه ثانوی را امضا میکنند .

ماده ۲۱۰ - اسامی اشخاصیکه احضار میشوند اعلان شده و در اطاق انتظار محکمه بدیوار نصب میشود . و این اعلان تا روزیکه برای حضور احضار شونده در محکمه مقرر است باید در اطاق مذکور بماند .



ماده ۲۱۱ — مأمور احضار نمیتواند در موارد ذیل ابلاغ احضار نامه نماید :

- (۱) باشخصیکه اسلاف یا اعقاب او هستند .
- (۲) به برادر و خواهر و برادر زاده و خواهر زاده و غیره تا اقربای درجه سیم .
- ۳ - بعمال و اقربای عمال خود تا درجه سیم (۴) بمخدوم و خدمه سابق (۵) در مظان تهمت .

ماده ۲۱۲ — هرگاه مدعی علیه بموجب احضار نامه اولیه حاضر نشد در احضار نامه دوم باید این مطلب صریحاً قید شود .

ماده ۲۱۳ — در صورتیکه احضار نامه موافق مقررات این فصل ترتیب یا تابعیت نشود بحکم محکمه که احضاریه فرستاده است از درجه اعتبار ساقط است .

ماده ۲۱۴ — در صورتیکه مدعی نتواند محل اقامت مدعی علیه را معین کند بتوسط اعلان در مطبوعات اخطار میشود .

ماده ۲۱۵ — هرگاه در عرضحال مدعی اشاره شده است که مدعی علیه در فلان جای ایران اموال غیر منقولی دارد علاوه بر اعلان مذکور در ماده قبل احضار نامه را برای مباشر یا مستاجر علاقه مدعی علیه نیز میفرستند .



ماده ۲۱۶ — احضار مدعی علیه در مطبوعات سه دفعه متوالی باید اعلان شود . مقصود از مطبوعات روزنامه های رسمی یا نیم رسمی یا تبلیغ و ولایات است و همچنین بعضی از روزنامه های بزرگه طبع میشود ولی بمهل مدعی اعلان در سایر جراید هم که زیاد منتشر میشود جایز است جز آنکه مخارج اعلان در روزنامهجات غیر رسمی جزو خسارت مدعی در صورتیکه ذیحق شود محسوب نخواهد شد مضمون اعلان در روزنامهها همان مضمون احضار نامه است با فهرست اسنادی که مدعی بعرضحال خودش ضمیمه کرده .

تنبیه — وزیر عدلیه در اول هر سال مطبوعاتی را که بزبان خارجه منتشر میشود و اعلانات عدلیه باید در آن درج شود معین کرده در روزنامه های رسمی و نیم رسمی اعلان میدهد .

بحث دوم

موعد احضار بمحکمه

ماده ۲۱۷ — مواعد مفصله برای حضور متداعیین در محکمه مقرر است ۱ - هرگاه اشخاصی که احضار می شوند در ایران اقامت داشته باشند دو هفته و در موارد فوری با اجازه رئیس محکمه که در روی عرضحال باید قید شود احضار مدعی علیه زودتر هم ممکن است .

۲ - هرگاه در خارجه اقامت داشته باشد . برای ممالک دول همجوار دو ماه و ممالک دول غیر همجوار سه ماه و برای ممالک بعهده مثل (امریکا)

و اقصای شرق و غیره چهار ماه .

ماده ۲۱۸ - مواعد منصله در فقره اول و دوم ماده قبل از روز ابلاغ احضار نامه بمدعی علیه محسوب می شود و از برای اشخاصی که در ایران هستند بهر چهار فرسخ مسافت اقامتگاه مدعی علیه تا مقر محکمه یکروز اضافه می شود . موعد مذکور در فقره سوم از روز طبع آخرین اعلان در مطبوعات محسوب میشود .

ماده ۲۱۹ - هرگاه مدعی بعد از اعلان در مطبوعات از محل اقامت مدعی علیه مطلع شد میتواند خواهش فرستادن احضار نامه بنماید و در این صورت مواعد موافق فقره اول و دوم ماده ( ۲۱۷ ) معین میشود .

ماده ۲۲۰ - در صورت احضار چند نفر مدعی علیه بموجب يك عرضحال طویل ترین موعد احضار درباره يك نفر از آنان باید قانونا معین شود شامل تمام آنان شده و در يك موعد احضار میشوند .

ماده ۲۲۱ - هرگاه احضار شونده در خارج اقامتگاه دائمی داشته و در ایران احضار نامه باو تبلیغ شود مدعد احضار موافق فقره اول ماده ( ۲۱۷ ) خواهد بود مگر اینکه محکمه باقتضای موقع بر موعد احضار بیفزاید .

ماده ۲۲۲ - در صورتیکه قواعد راجعه باحضار رعایت نشده و این عدم رعایت باعث بطلان احضار نامه و تجدید موعد بشود طرفی که از نقض

قواعد احضار متضرر شده میتواند از کسی که باعث خسارت شده تمام خسارت خود را مطالبه و بعد از ثبوت دریافت نماید .

### مبحث سوم

#### در حضور بمحکمه و انتخاب محل اقامت

ماده ۲۲۳ - در موعد مقرر متداعین باید خود یا وکیلشان در محکمه حاضر شده در دفتر خانه محکمه محل اقامت خود را معین کنند .

ماده ۲۲۴ - کلیه نوشتهجات راجعه بمتداعین از محکمه بمحل اقامتی که معین کرده اند فرستاده می شود و مادام که تغییر محل اقامت خودشان را بمحکمه اطلاع نداده اند نمی توانند بعدم اطلاع از مفاد نوشتهجاتی که باقامت گاه اولی آنان فرستاده شده متعذر شوند .

ماده ۲۲۵ - هرگاه متداعین یا وکلای آنها محل اقامت خودشان را معین نکنند کلیه نوشتهجات راجعه بانان در دفتر خانه محکمه میماند و متداعین نمیتوانند بعدم اطلاع از مفاد آن نوشتهجات متعذر شوند .

### مبحث چهارم

#### در مقدمات کتبی دعوا

ماده ۲۲۶ - در موعدیکه برای حضور در محکمه معین شده است مدعی علیه باید جواب کتبی بادعای مدعی (بعرضحال او) بدهد و در این



جواب صریحاً قید می شود که مدعی علیه ادعای مدعی و دلایل او را قبول یا رد می کند در صورت رد مدعی علیه میتواند اوضاع و احوال و دلایلی را که دارد کتباً تصریح کند. در باب تقدیم اسناد مدعی علیه موافق فقره اول و دوم و سوم ماده ( ۱۹۱ ) و تمام فقرات ماده ( ۱۹۲ ) رفتار خواهد کرد.

ماده ۲۲۷ - بعد از وصول جواب مدعی علیه سواد آن با منضمات بمدعی ابلاغ شده جلسه رسیدگی معین و بطرفین اعلام میشود.

ماده ۲۲۸ - هر گاه مدعی علیه در راس موعد مقرر جواب نداد مدعی میتواند از رئیس محکمه تعیین جلسه رسیدگی فوراً بخواهد و مدعی علیه با احضار نامه برای جلسه رسیدگی احضار میشود.

ماده ۲۲۹ - همینکه کاری بجلسه رسیدگی محول شد در دفتری که نوبت رسیدگی کارها را معین میکنند ثبت میشود.

## فصل نهم

### در رسیدگی بدعوا

ماده ۲۳۰ - مراتب راپورت عضو محکمه و مذاکرات طرفین در جلسه علنی محکمه بعمل میاید.



ماده ۲۳۱ هر گاه رسیدگی علنی منافی با اصول مذهبی یا نظام اجتماعی (مخل امنیت و آسایش عمومی) یا مضر باخلاق حسنه باشد محکمه بصوابدید خود و تصدیق مدعی العموم می تواند مشاوره نموده قرار جلسه سری را بدهد. این قرار محکمه در دفتر محکمه ثبت و علایقه اعلام می شود.

ماده ۲۳۲ - همچنین جلسه محکمه را بتراضی طرفین یا بتقاضای یکطرف میتوان سری نمود بشرطی که محکمه خواهش آنان را موافق ماده قبل بداند و مدعی العموم موافق باشد.

ماده ۲۳۳ - قرار محکمه درباب سری بودن جلسه همیشه بعد از اظهار عقیده مدعی العموم در آن باب بعمل میاید.

ماده ۲۳۴ - راپورت کار را عضو محکمه بموجب اسناد یا دلایل که طرفین در عرضحال و جواب بر عرضحال کتباً بمحکمه تقدیم کرده اند میدهد ولی بهیچوجه مجاز نیست که اظهار عقیده نماید.

ماده ۲۳۵ - بعد از راپورت مزبور مذاکرات طرفین شروع میشود هر گاه یکطرف حاضر نباشد طرف دیگر میتواند توضیحات شفاهی خود را بدهد.

ماده ۲۳۶ - مذاکرات طرفین عبارتست از اینکه اول مدعی و بعد

مدعی علیه تقاضای خودشان را بیان کرده اوضاع و احوال و دلایل آنرا ذکر میکند .

۲۲۷ - در مذاکرات شهادی هر يك از متداعین میتوانند دلایل تازه که در لوایح کتبی خودشان ذکر نموده اند اقامه کنند . در صورت اظهار اوضاع و احوال جدیدی که در لوایح طرفین ذکر نشده یا اقامه دلایل جدیدی برای ثبوت مطلب طرف مقابل میتوانند استمهال نموده تاخیر جلسه را خواهش کنند .

ماده ۲۳۸ - مدعی میتواند تقاضای اولی خود را که در عرضحال تصریح کرده کم و کسر کند ولی بهیچوجه نمیتواند آنرا زیاد کند یا ماهیت ادعای خود را تغییر دهد و یا کتباً تقاضائی بکند که از عرضحال او مستقیماً مفهوم و حاصل نیست .

ماده ۲۳۹ - مواد مفصله تغییر ماهیت ادعا یا تقاضا حساب نمی شود (۱) وقتی که مدعی موضوع ادعای خود را واضحتر معین و محدود میکند .

(۲) وقتی که مدعی اجرت المثل و خسارت خود را معین و علاوه می کند .

(۳) در صورت نقد یا فروش اموال مدعی که مشارالیه قیمت آنرا از مدعی علیه میخواهد .

ماده ۲۴۰ - در صورتیکه مدعی بخواهد تغییر در ماهیت تقاضای خود بدهد باید مراتب را کتباً در همان جلسه بمحکمه اظهار کند

ماده ۲۴۱ - رئیس محکمه و با اجازه او اعضای محکمه می تواند در صورت مبهم بودن اظهارات طرفی توضیحات لازمه را خواسته تقاضای جواب صریح در رد یا قبول اوضاع و احوال دلایل و اسناد بنمایند

ماده ۲۴۲ - در صورتیکه در يك ادعا چند تقاضا شده باشد و اختلاط آنها بایکدیگر باعث اشکال رسیدگی شود محکمه میتواند آن چند تقاضا را از همدیگرمفروق نموده قرار بدهد که طرفین توضیحات خودشان را نسبت بهر تقاضائی جداگانه بدهند

ماده ۲۴۳ - در اثناء مذاکرات شفاهی رئیس محکمه تکلیف صالح بطرفین می آید و هرگاه طرفین مصالحه نمودند مراتب در صورت مجلس نوشته شده بامضای طرفین میرسد و مفاد آن غیر قابل استیناف است

ماده ۲۴۴ - هرگاه مصالحه نشد مذاکرات طرفین اتمداد می یابد و همچنین رئیس محکمه مسئله را بعد از اصرار مذاکرات و دلایل طرفین واضح و روشن دید مذاکره را ختم می کند

ماده ۲۴۵ - مدرک حکم محکمه دلایل کتبی است که طرفین بمحکمه تقدیم می کنند و همچنین دلایل شفاهی آنان که در حین مذاکره شفاهی اظهار میدارند و در صورت مجلس نوشته شده بامضای طرفین میرسد

مبحث دوم

در دعاوی متقابل

ماده ۲۴۶ — مدعی علیه حق دارد که در مقابل ادعای مدعی اقامه دعوا نماید و چنین دعوی را در صورتیکه مربوط بدعوی اولی (اصلی) باشد دعوی متقابل نامند و بدان دعوی در همان محکمه یا دعوی اصلی رسیدگی میشود مگر اینکه دعوی متقابل نوعاً از صلاحیت محکمه خارج باشد

ماده ۲۴۷ — در صورتیکه ادعای مدعی علیه در مقابل ادعای مدعی دعاوی متقابل نباشد یا باشد ولی برسدگی در آن دعوی خارج از صلاحیت آن محکمه باشد محکمه با دعای مدعی علیه در ضمن دعاوی صالح رسیدگی بلکه باید مدعی علیه در همان محکمه یا محکمه که صلاحیت دارد علیحده اقامه دعوی نماید .

ماده ۲۴۸ — دعوی متقابل لااقل در جلسه اولی محکمه اقامه شود .

ماده ۲۴۹ — هرگاه در جلسه محکمه اقامه دعوی متقابل شد جلسه رسیدگی را بخواهش یکی از طرفین میتوان بتأخیر انداخت در صورت تأخیر رسیدگی رئیس محکمه مدتی را از سه روز الی یک هفته معین میکنند که مدعی علیه عرضحال کتبی داده اسناد و دلایل خود را بمحکمه ابراز نماید .

مبحث سوم

عقیده مدعی العموم

ماده ۲۵۰ — مداخله مدعی العموم در محاکمه حقوقی در مواردی است که در باب دوم قانون موقتی تشکیلات عدلیه مقرر است مواد (۱۲۲) الی (۴۴) قانون مزبور .

ماده ۲۵۱ — در جلسه رسیدگی بعد از راپورت عضو مخبر و مدافعه طرفین مدعی العموم عقیده خود را اظهار میدارد و مفاد عقیده مشارالیه در صورت مجلس قید میشود .

فصل هفتم

در ترتیبات اختصاری محاکمه

ماده ۲۵۲ — هرگاه متداعیین تراضی نمایند و محکمه هم‌مانعی نداشته باشد کلیه دعاوی را میتوان بترتیبات اختصاری رسیدگی نمود .

ماده ۲۵۳ — علاوه بر ماده قبل در موارد مفصله ذیل قواعد محاکمه اختصاری باید رعایت شود .

(۱) دعاوی حاصله از معاملات و قرار داد ها، بجز موضوع آن وجه یا



اموال منقوله باشد و همچنین اجاره و استیجار خانه و انبار و دکا کین و امثال آن .

(۲) ادعای خسارت از بابت خسارات وارده بر اموال منقوله کسی .

۳ - ادعای خسارت وارده بر اموال غیر منقوله و بصرف عدوانی کسی در اموال غیر منقوله دیگری در صورتیکه حق مالکیت مدعی در اموال غیر منقوله ثابت باشد .

۴ - منازعات و اختلافاتی که از اجرای احکام محاکم حاصل میشود .

۵ - دعاوی راجعه بامتیازاتی که برای استیشافات و اختراعات داده شده است .

ماده ۲۵۴ - در محاکم اختصاری رئیس محکمه به موجب عرضحال روز جلسه رسیدگی را معین میکنند و طرفین احضار میشوند . این موعده باید طوری معین شود که مابین ابلاغ احضار نامه و روز رسیدگی کمتر از یک هفته و بیشتر از دو هفته نباشد . بموعده مزبور مدت مسافت هم اضافه می شود .

ماده ۲۵۵ - در امور فوریه اگر مسافت اقامتگاه مدعی علیه از محکمه بیش از چهار فرسخ نیست رئیس میتواند روز جلسه را زودتر از موعده که در ماده قبل مقرر شده معین نماید و حتی دارد که طرفین را برای اول جلسه محکمه که بعد از روز ابلاغ احضار نامه خواهد شد احضار کند .

ماده ۲۵۶ - مدعی باید تمام اسناد خود یا سواد آنها را با عرضحالی که میدهد تقدیم کند و مدعی علیه باید تمام اسناد خود را در اول جلسه محاکمه که حاضر میشود ابراز نماید .

ماده ۲۵۷ - در صورتیکه مدعی نتوانسته باشد بواسطه کمی مدت اسناد لازمه را حاضر کند حق دارد تعویق جلسه را تقاضا کند و هرگاه محکمه این خواهش مدعی علیه را مقرون بصحت دانست جلسه دیگری معین میکنند و تاخیر آن جلسه دیگر جایز نیست مگر بتراضی طرفی .

ماده ۲۵۸ - مدعی نیز می تواند تعویق جلسه را بخواهد ولی فقط در صورتیکه مدعی علیه اقامه دلایلی کند که تکذیب آن برای مدعی مقدور نباشد مگر بارائه اسناد جدیدی . در این صورت برای حاضر کردن اسناد جدید جلسه دیگری معین میشود و تعویق جلسه دیگر جایز نیست مگر بتراضی طرفین . هرگاه محکمه یقین حاصل کند که دعوی بیچپیده و مشکل بوده و بمرافعات شفاهی توضیح نمیشود میتواند بطرفین تکلیف کند که هر کدام در اوراق کتبی تقاضا و دلایل خودشان را بمحکمه تقدیم کنند .

ماده ۲۵۹ - سایر ترتیبات محاکمه اختصاری مثل ترتیبات محاکمه عادی است .

### فصل هشتم

#### در دلایل و تحقیقات

##### مبحث اول

##### مواد عمومی

ماده ۲۶۰ — مواد عمومی راجع بدلائل و تأمین دلایل و امارات  
بترتیبی است که در مواد (۵۶) الی (۶۷) این کتاب مقرر است .

##### مبحث دوم

##### در تحقیقات از اهل محل

ماده ۲۶۱ — در موارد منازعات راجعه بمساحت و حدود ملکی در  
صورتیکه یکی از طرفین یا هر دو طرف باطلاع اهل محل متمسک شوند ولو  
اینکه بطور کلی ذکر کنند و اسامی مطلعین را نبرند محکمه میتواند تحقیقات  
محلی بعمل آورد .

ماده ۲۶۲ — برای اجرای تحقیقات محلی محکمه یکی از اعضای  
خود را مامور نموده وقت تحقیقات را مستقیماً یا بموسط اداره نظمیه محل  
بطرفین اطلاع میدهد .

ماده ۲۶۵ — طرفین میتوانند بعد از ورود عضو محکمه بمحل در  
باب تحقیقات از اهل محل تراضی بانتخاب اشخاصی نمایند که در محل ساکن یا مقیم  
و نیز میتوانند در محل تراضی نموده حل مسأله را بمصداق مصدقین که مرضیاً انتخاب  
کرده اند واگذار نمایند .

ماده ۲۶۴ — عضو محکمه صورت اشخاصی را که متداعیین انتخاب  
کرده اند مرتب نموده باضام طرفین میرساند .

ماده ۲۶۵ — در صورت عدم تراضی طرفین در انتخاب اشخاص  
عضو محکمه اقدام باستماع مطلعینی که طرفین یا یکی از آنان باو معرفی  
می نمایند میکنند . طرفین حق دارند که مطلعین یکدیگر را در موارد  
مفصله رد کنند :

- ۱ - در صورتیکه یکی از مطلعین خادم یا مخدوم یکی از طرفین است .
- ۲ - اشخاصیکه با یکی از متداعیین قرابت نسبی یا سببی تدرجه سهیم  
دارند یا قسیم یا مباشر و یا وکیل یکی از طرفین هستند و یا یکی از متداعیین  
محا که دارند یا در قضیه ذی نفعند .

ماده ۲۶۶ — ترتیب استعمال و اجرای تحقیقات از اشخاص مذکوره  
در ماده قبل بطوری است که برای شهود مقرر است و باید بقیه  
النظام کتبی متعهد شوند که موافق حقیقت امر و حقانیت اطلاعات خود را  
اظهار کنند .

ماده ۲۶۷ - عدم حضور متداعین مانع از اجرای تحقیقات نخواهد بود .

ماده ۲۶۸ -- تعیین صحت و اعتبار تحقیقات محلی منوط بنظر محکمه است مگر در مواردی که طرفین تراضی در انتخاب اشخاص نموده و حل مسئله را فقط بتصدیق آنها واگذار کرده اند .

مبحث سیم

در اسناد کتبی

اول در ترتیب ابراز و خواستن اسناد کتبی

ماده ۲۶۹ - اسناد کتبی عبارتست از کلیه نوشتهجات طرفین اعم از اینکه رسمی باشد یا عادی .

ماده ۲۷۰ - هرگاه طرفی سندی ابراز کند که در آن سند بسند دیگری رجوع شده باشد طرف مقابل حق دارد ابراز آن سند دیگر را هم بخواهد .

ماده ۲۷۱ - هر کددام از متداعین حق دارند ابراز اصل اسناد طرف را بخواهند مگر اینکه طرف مقابل ثابت نماید که اصل سند مفقود شده است و تحصیل آن بهیچوجه ممکن نیست .

ماده ۲۷۲ - هرگاه سندی مدرك ادعا یا اظهار یکی از طرفین بوده در نزد طرف مقابل باشد بنقضای طرف باید آن سند ابراز شود . و در این صورت طرفی که ابراز سند را از طرف مقابل تقاضا میکند باید صریحا اظهار کند که چه سندی را میخواهد و جهت ادعای او که آن سند در نزد طرف مقابل است چیست .

ماده ۲۷۳ - در مورد ماده قبل در صورتیکه طرف مقابل اعتراف وجود سند را در نزد خود نموده ولی امتناع از ابراز آن نماید محکمه میتواند آن سند را از جمله دلایل مثبتة بداند .

ماده ۲۷۴ -- در موارد دعاوی راجعه با امور تجاری و حرفتی هرگاه طرفی اشاره بدفاتر و اسناد شرعی بکند دفاتر و اسناد مزبوره باید در محکمه ابراز شود . در صورتیکه تسلیم دفاتر و اسناد مزبوره در محکمه ممکن نباشد محکمه عضوی را مامور مینماید که با حضور طرفین دفاتر و اسناد مزبوره را معاینه و آنچه لازم است خارج نویس نماید .

ماده ۲۷۵ -- هرگاه ابراز تمام سند یا اظهار علنی مفاد آن در محکمه برای یکی از متداعین یا شخص ثالثی یا اداره دولتی بملاحظات شخصی یا دولتی صحیح یا مناسب نباشد محکمه یکی از اعضای خود را ماموریت میدهد که با حضور طرف یا طرفین آن سند را معاینه و فقط آنچه را که لازم و راجع بکار است خارج نویس نماید .

ماده ۲۷۶ - برای تحصیل اصل سند یا اطلاعات دیگری که راجع بمسئله متنازع فیها و در ادارات دولتی یا نزد مستخدمین دولتی است از محکمه تصدیقی بتقاضا کننده داده میشود که فلان سند یا فلان اطلاع در فلان موعد لازم است .

ماده ۲۷۷ - ادارات و مستخدمین دولتی باید فوراً سواد مصدق اسناد را با اطلاعات لازمه بشخصی که تصدیق نامه محکمه را ابراز میکنند بدهند چه خواهش او شفاهی باشد چه کتبی .

تنبیه - بدون ابراز تصدیق نامه هم ادارات و اشخاص مذکور مکلفند که اطلاعات لازمه و سواد مصدق اسناد را بشخصی که تقاضا می کند بدهند ولی تقاضا باید کتبی باشد .

ماده ۲۷۸ - هرگاه ابراز اصل اسناد لازم باشد ادارات و اشخاص مذکور در ماده (۲۶۷) بعد از ابراز تصدیق نامه محکمه اصل اسناد را مستقیماً بخود محکمه میفرستند . فرستادن دفاتر امور جاریه بمحکمه لازم نیست . استخراج از آن دفاتر در صورتیکه مصدق بتصدیق اداره باشد کافی است .

ماده ۲۷۹ - هرگاه یکی از متداعین از بابت دعوی جنحه و جنایت ادعای خسارتی نماید که رجوع بان دوسپه جنحه و جنایت لازم باشد باید دوسپه مزبور بمحکمه که تقاضای آنرا کرده است فرستاده شود

ماده ۲۸۰ - هرگاه ادارات و مستخدمین دولتی نتوانند در مواعید که محکمه معین کرده است اسناد یا اطلاعات لازمه را بدهند تصدیقی بتقاضا کننده داده تصریح مینماید که برای چه تاریخ اسناد یا اطلاعات را خواهند داد و بموجب این تصدیق محکمه موعد جدیدی برای رسیدگی معین می کند .

دوم - در اعتبار اسناد کتبی

ماده ۲۸۱ - محکمه نمیتواند هیچ سندی را بدون مذاکره در مفاد و بدون دلیل رد کند .

ماده ۲۸۲ - اسنادی که راجع بمعاملات و تعهدات و تقیلات میباشد بر دو نوع است اسناد رسمی و عادی . اسناد رسمی از فرار تفصیل ذیل است :

۱ - اسنادی که در اداره ثبت اسناد بطوری که قانون معین کرده ثبت یا تصدیق شده باشد

۲ - تسجیلات و تصدیقات محاضر شرعیه که مراجع عدلیه اقد در امور راجعه بانها .

۳ - تصدیقات محاکم عدلیه در صورتی که خارج از صلاحیت آنها نباشد و همچنین تصدیقات ادارات دولتی در امور که راجع بانها است در صورتی که تصدیق خارج از صلاحیت آنها نباشد

ماده ۲۸۳ - اسناد عادی سندی است که غیر از اسناد رسمی باشد

ماده ۲۸۴ - اسناد رسمیه در حق طرفین و وراثت و قایم مقام آنها معتبر است تا اندازه که قانون معین کرده ( رجوع بقانون ثبت اسناد و مواد آتیه )

ماده ۲۸۵ - اسناد عادی در دومورد اعتبار اسناد رسمی را داشته درباره طرفین معاهدین و وراثت و قایم مقام آنان معتبر است .

اولا - در مواردی که اسناد مزبوره را طرفی که بر علیه آن اقامه شده است تصدیق نماید ثانیا در صورتی که در محکمه ثابت شود که سند مزبور را طرفی که رد کرده است فی الواقع امضا و مهر نموده است

ماده ۲۸۶ - اظهار شك و تردید و اظهار بی اطلاعی نسبت باسناد رسمی پذیرفته نیست و فقط میتوان ادعای جعلیت نسبت باسناد مذکوره نمود و یا ثابت نمود که اسناد مذکوره بجهتی از جهات قانونی از اعتبار افتاده است

ماده ۲۸۷ - اظهار شك و تردید نسبت باسناد عادی جایز است مگر از طرف شخصی که باسم او آن سند نوشته شده و مهر و امضای او را دارد نسبت باین نوع اسناد نیز فقط ادعای جعلیت پذیرفته است

ماده ۲۸۸ - هرگاه رعایت قانون تمبیر در اسنادی که موافق

قانون مزبور بایستی تمبیر شده حتی تمبیر را بپردازد نشده باشد عدم رعایت قانون مزبور باعث رد آن اسناد در محاکم عدلیه نمیتواند بود ولی در صورتی که حق قانونی تمبیر این نوع اسناد تادیه نشده باشد محکمه موافق قانون تمبیر مجازات خاطی را معین میکند

ماده ۲۸۹ - سواد اسناد در صورتیکه بتوسط ادارات یا اشخاصی که صلاحیت تصدیق را دارند تصدیق شده باشد حکم اصل سند را دارد مگر در مواردی که طرف مقابل عدم تطابق سواد را با اصل دعوی ثابت نماید .

ماده ۲۹۰ - در مواردی که سواد مصدق حکم اصل سند را دارد بجای اصل اسناد پذیرفته است مگر در مواردی که قانون ای-راز اصل سند را تقاضا میکند .

ماده ۲۹۱ - اسنادی که در ممالک خارجه موافق قوانین آن ممالک نوشته شده است در محاکم عدلیه ایران اسناد قانونی شناخته میشود مادامیکه مناد آنها مخالف با قوانین ایران نباشد مگر اینکه اعتبار آنها تکذیب و بدرجه ثبوت برسد

ماده ۲۹۲ - در مورد ماده قبل اسنادیکه در ممالک خارجه نوشته شده است فقط در صورتی در محاکم عدلیه ایران پذیرفته است که (اولا) سفارت یا قونسولگریهای ایران در خارجه تصدیق کرده باشند که اسناد مذکوره موافق قوانین مملکت متوقف فیهای آنان نوشته شده است و (ثانیا)



مفاد اسناد مذکور بر خلاف قوانین ایران نباشد .

ماده ۲۹۳ - دفاتر تجارتي در مورد دعوی تاجری بر تاجری در صورتیکه این دعوی از محاسبات و مطالبات تجارتي حاصل شده باشد دلیل حساب میشود .

ماده ۲۹۴ - دفتر تجارتي در موارد منضله ذیل دلیل محسوب نمیشود (اولا) در صورتیکه مدال شود که اوراق جدیدی بدفتر داخل کرده اند یا دفتر تراشیدگی دارد . (ثانیا) وقتی که در دفتر بعضی بی ترتیبی و اغشاش کشف شود که بر نفع صاحب دفتر باشد (ثالثا) وقتی که تاجر بموجب همان دفتر سابقا اقامه دعوی را درباب مطالبی نموده و مدال شده است که تادیه طلب او شده است و در ادعای خود بیحقی است . (رابعا) وقتی که بیحکم محکمه صاحب دفتر ورشکسته بتقصیر اعلام شده است .

(خامسا) در مواردیکه موافق قوانین تاجر مسلوب الحقوق اعلام شده است در موارد مذکور دفتر تجارتي که بر نفع صاحب آن دلیل نمیشود بر ضرر او سندیت دارد .

ماده ۲۹۵ امضائیکه در روی نوشته یا سندی باشد بر علیه امضاکننده دلیل است .

ماده ۲۹۶ - هر گاه امضای اجرایی تعهدی در خود تعهد نامه نشده



و در نوشته علیحده شده باشد آن نوشته بر علیه امضا کننده دلیل است در صورتیکه در نوشته مصرح باشد که بکدام تعهد یا معامله مربوط است

ماده ۲۹۷ - در اسناد رسمی تاریخ سند معتبر است ولی در اسناد عادی تاریخ سند فقط در باره اشخاصی معتبر است که در ترتیب آن شرکت نموده اند و همچنین در باره وراثت و قایم مقام آنان . ولی سایر اشخاصی که ضرری برای خود در آن اسناد تصور مینمایند می توانند تاریخ سند را تردید یا تکذیب نمایند (رجوع بماده ۲۸۴ الی ۲۸۷)

ماده ۲۹۸ - اسنادی که در محکمه ابراز میشود و معتبرند ممکن است بر نفع طرف مقابل دلیل باشد در این موارد ابراز کننده سند حق ندارد از سند خود استنکاف نماید و یا از محکمه خواهش کند سند او را کان لم یکن فرض کنند

ماده ۲۹۹ - اگر در حین ترتیب و یا بعد از ترتیب یارد و بدل اسناد رسمی فیمابین چند نفر بعضی از آنان مقاوله نامه مخفیانه منعقد نمایند که نتیجه آن نسخ کلبه یا بعضی از مواد آن باشد مقاوله مذکور فقط در حق اشخاصیکه آنرا امضا و مهر کرده اند معتبر خواهد بود و سایرین بر عایت مفاد آن مجبور نمی باشند

### مبحث چهارم - در اقرار

ماده ۳۰۰ - اقرار کتبی است در صورتیکه در یکی از نوشتهجات که

بمحکمه داده شده است اظهار شده باشد . و شفاهی است در موردیکه در  
حین مذاکره در محکمه بعمل آید . در اقرار شفاهی طرفی که می خواهد  
از اقرار طرف دیگر استفاده نماید باید از محکمه خواهش کند که مخصوصا  
اقرار مزبور در صورت مجلس قید شود

ماده ۳۰۱ - هر گاه کسی اقرار بامری نماید که دلیل - قانیت طرف  
است خواستن دلیل دیگر برای ثبوت آن حق لازم نیست .

ماده ۳۰۲ - اگر محکمه از دلایل و شواهد علم حاصل کرد باقرار  
شخصی در حکم اقرار شفاهی است

ماده ۳۰۳ - اقرار یکی از شرکاء دلیل است فقط نسبت بشخصی  
که اقرار کرده و شامل سایر شرکاء نمی شود مگر اینکه بوجهی شرعی  
ملزم باشند

ماده ۳۰۴ - اقرار مدعی افلاس در امور راجعه با و اول خود بملاحظه  
حفظ حقوق دیگران منشاء حکم نمیشود تا افلاس یا عدم افلاس او معین شود

## فصل نهم

در رسیدگی بصحت دلایل

مبحث اول - در مواد عمومی

ماده ۳۰۵ - رسیدگی بدلائل بخواهش یکی از متداعین و یا بنظر

خود محکمه بعمل می آید . ولی محکمه وقتی برسپدگی دلایل اقدام می  
کند که در باب صحت آن مابین طرفین منازعه باشد

ماده ۳۰۶ - رسیدگی بدلائل در جلسه علنی محکمه بعمل می آید  
باستثنای مواردیکه موافق قانون رسیدگی را می توان بیکسی از اعضای  
محکمه محول کرد

ماده ۳۰۷ - تاریخ و محل رسیدگی بطرفین اطلاع داده می شود و  
منوط بمیل متداعین است که خودشان حاضر شوند یا وکیل بفرستند

ماده ۳۰۸ - عدم حضور متداعین بعد از اطلاع مانع از اجرای  
تحقیقات و رسیدگی نمیشود مگر اینکه حضور آنان برای تصدیق اصوات  
وهویت موضوع تحقیقات لازم باشد

ماده ۳۰۹ - در باب تحقیقات صورت مجلس مرتب و با مضای متداعین  
که حضور داشته اند میرسد

ماده ۳۱۰ - هر گاه موضوع تحقیقات در حوزه محکمه دیگری واقع  
است سواد اقرار محکمه که مشغول رسیدگی بدعوی است بدان محکمه ارسال  
میشود . بعد از وصول سواد مزبور محکمه مذکور مکلف است که تحقیقات  
لازمه را بعمل آورده صورت مجلس تحقیقات خود را بمحکمه که مشغول  
رسیدگی بدعوا است بفرستد

مبحث دوم - در معاینه محلی

ماده ۳۱۱ -- محکمه میتواند بنظر خودش یا بخواهش یکی از متداعین برای معاینه محلی يك يا چند نفر نفر از اعضای خود را مامور کند

ماده ۳۱۲ -- در قرار محکمه راجع با اجرای معاینه محلی محل و موضوع و وقت معاینه باید معین شود

ماده ۳۱۳ -- صورت معاینه محلی باید نوشته شود و با مضای اشخاص که معاینه را اجرا میدارند و متداعین برسد . نقشه محل در صورت لزوم باید منضم بصورت مزبور شود .

ماده ۳۱۴ -- صورت مذکور در جلسه محکمه قرائت میشود و طرفین حق دارند که توضیحات شناهی خودشانرا بدهند ولی حق ندارند اعتراضی بکنند که بموجب معاینه محلی مدال شد و در موقع ترتیب صورت معاینه آن اعتراض را کرده اند .

ماده ۳۱۵ -- صورت معاینه محلی را نمی توان بواسطه شهودی که در حین معاینه حاضر نبودند و یا حاضر بوده و اعتراضات خود را در موقع ترتیب صورت مجلس مزبور قید نکرده اند تکذیب کرد .

ماده ۳۱۶ -- مخارج معاینه محلی را محکمه از برای هر دفعه علیحده معین نموده بدفتر خانه محکمه اطلاع می دهد . هرگاه معاینه محلی را يك

طرف خواستار شده مخارج آن برعهده او است . و اگر طرفین تقاضا کرده اند یا بنظر محکمه بوده است بالمناصفه برعهده طرفین است .

مبحث سوم - عقیده اهل خبره

ماده ۳۱۷ -- در مواردیکه موضوع تحقیقات مطلبی است که اطلاعات مخصوصه لازم دارد محکمه می تواند بنظر خودش و یا بخواهش یکی از متداعین بعهده اهل خبره رجوع کند .

ماده ۳۱۸ -- محکمه موضوع تحقیقات و اشخاصی را که برای تحقیقات انتخاب شده اند و موعد حضور آنان را در محکمه یا جای دیگر در قرارداد خود معین می کند و در مسائلی که تحقیقات مفصله دقیقهانه لازم است یکی از اعضای خود را برای نظارت تحقیقات مزبوره مامور می کنند .

ماده ۳۱۹ -- اهل خبره را باید طرفین بقراضی معین کنند و هرگاه قراضی نشد خود محکمه بقرضه معین می کند . عده منتخبین باید طاق باشد .

ماده ۳۲۰ -- فقط اشخاصی باید ممیزی را قبول کنند که بمناسبت علم یا شغل و یا کسب دارای معلوماتی که لازم است باشند و ممیزین می توانند استعفا نموده یا قانونا مردود شوند .

ماده ۳۲۱ -- در صورتی که اهل خبره به قراضی طرفین تعیین شده باشند رد آنان پذیرفته نمیشود . در صورتی که در تعیین اهل خبره قراضی



نشده باشد رد آنان در مدت سه روز از روز اعلام محکمه بمتداعین راجع به تعیین اهل خیره باید اظهار شود مگر اینکه جهات رد بعد معلوم شود. در صورت اخیر رد اشخاص خیره که معین شده اند باید قبل از شروع آنان تحقیقات بعمل آید.

ماده ۲۲۲ -- هرگاه تحقیقات در خارج از محل که محکمه واقع است باید اجرا شود. محکمه می تواند تعیین اهل خیره را (در صورت عدم ترازوی طرفین) بعضوی که مأموریت نظارت و اجرای تحقیقات را دارد واگذار کند که در آنجا بقرعه معین کند.

ماده ۲۲۳ -- اهل خیره باید عقیده خود را با جهات آن اظهار کنند. در صورتیکه اهل خیره سواد نداشته باشند یا زبان فارسی را خوب ندانند و همچنین در موردی که موضوع تحقیقات ساده و روشن است محکمه می تواند بعقیده شفاهی آنان اکتفا کند ولی عقیده شفاهی اهل خیره در این موارد در صورت مجلس درج و بامضای آنان میرسد.

ماده ۲۲۴ -- در صورتیکه تکمیل یا توضیح تحقیقات اهل خیره لازم شود محکمه می تواند تکمیل یا توضیح لازم را از آنان بخواهد و یا عقیده اشخاص خیره دیگری را که مجدداً معین شده اند تحصیل کند.

ماده ۲۲۵ -- در مواردی که اهل خیره بعد از قبول مأموریت بدون عذر موجه حاضر نشوند و یا حاضر شده در موعد مقرر عقیده خود را اظهار

نمایند مستحق حق الزحمه نباشند و بجای آنان موافق قانون اشخاص دیگری انتخاب یا معین خواهند شد.

ماده ۲۲۶ -- حق الزحمه اهل خیره را قبل از مباشرت آنان به تحقیقات در صورتی که متداعین معین نکرده اند باید محکمه تعیین کند و مقدار حق الزحمه که محکمه معین می کند بسته بکمیت و کیفیت و وقت و ارزش زحمتی است که اهل خیره متحمل شده اند. قرار محکمه در این باب باید فوراً مجری شود و اهل خیره نمی توانند از این قرار محکمه شکایت نمایند.

ماده ۲۲۷ -- مخارج تحقیقات را بدو هر کدام از متداعین که رجوع بخیره را خواش کرده باید بپردازد. و هرگاه این اقدام را طرفین منفقاً خواش کرده اند و یا بنظر محکمه رجوع باهل خیره لازم شده است مخارج بالمانصفه بعهده طرفین است.

ماده ۲۲۸ -- در صورتی که عقیده اهل خیره با اوضاع و احوال محقق و معلوم مسئله موافقت نداشته باشد محکمه متابعت آن عقیده را می نماید.

مبحث چهارم

در رسیدگی باسناد کتبی

اول - قواعد عمومی

ماده ۳۲۹ -- رسیدگی باص محاسبه و دفاتر یا در محکمه بعمل  
مباید یا در محلی که اسناد کتبی در آنجا است . و این رسیدگی را میتوان  
در صورت لزوم یکی از اعضاء محکمه بحول کرد .

ماده ۳۳۰ -- موعد رسیدگی بظرفین اطلاع داده میشود که هرگاه  
بخواهند حاضر باشند .

ماده ۳۳۱ -- در رسیدگی بمحاسبه ذیل هر صفحه را که رسیدگی  
شده عضو محکمه و طرفین امضاء میکنند و هرگاه مدعی و مدعی علیه  
متعدد باشند از هر طرف يك نفر انتخاب و ذیل صفحه ها را امضا  
می کند .

ماده ۳۳۲ -- بعد از ختم تحقیقات صورت مجلسی ترتیب داده و  
تصریح می نمایند که مواد اختلافات یا منازعه کدام است .

ماده ۳۳۳ -- هرگاه صورت محاسبه و حساب ها طولانی و درهم  
باشد محکمه می تواند برای واضح کردن آن اهل خیره را معین کند .

ماده ۳۳۴ -- هرگاه در حین ابراز سندی که بزبان غیر فارسی نوشته  
شده است ترجمه فارسی آن سند تقسیم می شود نظر باهمیت آن سند و  
مفاد آن منوط برای محکمه است که بان ترجمه اکتفا نماید و یا تحقیقات  
لازمه در تطابق آن با اصل بعمل آورد . ولی هرگاه طرفی که برضد  
او آن سند ابراز شده است این تحقیقات را بخواهد محکمه باید آنرا  
مجری دارد .

ماده ۳۳۵ -- در مورد ماده قبل تحقیقات راجعه بترجمه اسناد کتبی  
یا بتوسط مترجمین عدلیه یا بتوسط خبره بعمل میباشد .

دوم - رسیدگی باسناد در صورت اظهار تردید

( شك و شبهه ) در اعتبار آن

ماده ۳۳۶ -- هرگاه طرفی اظهار تردید در اعتبار سندی که طرف  
دیگر ابراز کرده بنماید یا اظهار دارد که از صحت و سقم آن اطلاعی ندارد  
محکمه بترتیب ذیل رفتار خواهد کرد .

ماده ۳۳۷ -- اظهار تردید باید بعد از ارائه سند طرف مقابل تا  
انتهای جلسه اول محاکمه بعمل آید

ماده ۳۳۸ -- در مقابل این اظهار تردید طرف دیگر باید در همان

جمله صریحا اعلام نماید که آن سند را استرداد می کند یا نه . هرگاه صاحب سند اعتراضی نکرده و یا سند خود را استرداد نمود محکمه باسناد دیگر رجوع می کند ولی این رفتار و اظهار صاحب سند دلیل بر بطلان آن نخواهد بود . هرگاه صاحب سند خود را استرداد نکرد باعتبار آن سند رسیده گی می شود

ماده ۳۳۹ - رسیدگی باعتبار سند از قرار تفصیل است :

- ۱ - تدقیق در صحت سند و تطبیق مفاد آن اسناد دیگر
- ۲ - تحقیقات از شهودی که در سند قید شده است و یا از شهود و اماراتی که طرفین بشهادت آنان برای تکذیب یا ثبوت اصالت منسک شده اند .
- ۳ - مطابقت خط و امضای سند منازع فیه با خط و امضای اسنادی که اصلشان ثابت و معتبر است .

ماده ۳۴۰ - تدقیق در صحت سند و تطبیق مفاد آن با اسناد دیگر ممکن است از طرف رئیس محکمه بعهده یکی از اعضاء محکمه واگذار شود و عضو مذکور بعد از اجرای تحقیقات ذیل سند را امضا میکنند و در این مورد برای تطبیق با سند مشکوک باید اسنادی را انتخاب کرد که یا رسمی باشد و یا طرفین اصالت آن اسناد را اعتراف کرده باشند

ماده ۳۴۱ - هرگاه تراشیدگی و امثال آن در سند باشد عضو

محکمه در صورت مجلس قید و بامضای طرفین میرساند .

ماده ۳۴۲ - تدقیق خط و مهر بترتیبی بعمل میاید که در مواد (۳۵۶) الی (۳۶۳) مقرر است

سیم - در ادعای جعلیت اسناد

ماده ۳۴۳ - ادعای جعلیت اسناد را در کلیه احوال محاکمه میتوان نمود و طرفی که میخواهد ادعای جعلیت کند باید اعلام نامه مخصوصی در این باب بمحکمه بدهد هرگاه در حین جلسه این اظهار بشود در صورت مجلس محکمه قید و بامضای اظهار کننده میرسد .

ماده ۳۴۴ - نسخه ثانوی اعلام نامه مدعی جعلیت و یا سواد صورت مجلس بخود طرف مقابل یا موکل او در صورتیکه و کابل و کالت جواب چنین اعلام نامه را داشته باشد ابلاغ میشود . و مشار الیه مکلف است که در ظرف یک هفته صریحا جوابی که دارد بدهد .

ماده ۳۴۵ - در صورتیکه در سر و عده جواب طرف مقابل نرسید و یا جوابی برسد که مشعر بر استرداد سند باشد محکمه آن سند را از عداد دلایل صاحب سند خارج کرده بموجب دلایل دیگر اگر موجود باشد رسیده گی می کند

ماده ۳۴۶ - در صورتیکه طرف مقابل اعتراض نموده بخواهد از سند

خود استفاده کند مضمون آن بمدعی جعلیت ابلاغ و در ظرف يك هفته مشار  
الیه باید دلایل خود را کتبا بمحکمه تقدیم کند. هرگاه مدعی جعلیت در  
ادعای خود باقی ماند محکمه بخواهش او قرار رسیدگی بادهای جعلیت  
را می دهد

ماده ۳۴۷ - قرار محکمه در باب رسیدگی با دلایل مدعی جعلیت  
بطرف ابلاغ میشود. و مشارالیه مکلف است که در ظرف يك هفته از روز  
ابلاغ اعتراض خود را با دلایل بمحکمه تقدیم کند و اصل سندی را که موضوع  
ادعای جعلیت است در ظرف سه روز از تاریخ اعلام قرار مذکور بمحکمه  
تسلیم نماید والا محکمه میتواند بخواهش مدعی جعلیت سند مذکور را از  
جزو دلایل طرف خارج نماید

ماده ۳۴۸ - محکمه بعد از وصول اعتراض طرف مقابل تحقیقات  
لازمه را بطوریکه در رسیدگی باصالت اسناد و تدقیق و مهر قانونا مقرر  
است بعمل می آورد و هرگاه رجوع باهل خیره و تحقیقات از شهود و مطلعین  
لازم شود محکمه وظایف خود را موافق قوانین مقرر مجری میدارد و  
نتیجه تحقیقات در جلسه محکمه قرائت و پس از استماع مذاکرات شفاهی  
طرفین و اظهار عقیده مدعی العموم محکمه قرار لازم را در باب عدم جعلیت  
و یا جعلیت سند داده و در صورت اخیر سند جعلی را از تعداد دلایل صاحب  
سند خارج مینماید

ماده ۳۴۹ - شخصی که ادعای جعلیت سندی را نموده و در موعد  
مقرر بدون عذر صحیح دلایل خود را بمحکمه تقدیم ننموده و یا تقدیم  
نموده ولی محکمه ادعای او را بی مدرک و ماخذ دانسته محکوم است بمجازات  
که از برای مفتری معین شده است

ماده ۳۵۰ - در صورتیکه بعد از اجرای تحقیقات محکمه جعلیت  
سند ثابت شود بدون اینکه جاعل آن معلوم باشد. و همچنین در موردیکه  
مدعی جعلیت شخص معینی را که در حال حیات است بساختن آن سند متهم  
سازد محکمه حقوق سند مزبور را با اوراق راجعه بمسئله جعلیت نزد مدعی  
عمومی میفرستد. و در صورت اخیری ( اتهام شخص بساختن سندی) محکمه  
حقوق رسیدگی بکار را توقیف نموده منظر ختم عمل در محکمه جزا  
میشود. و یا بخواهش یکی از متداعبین رسیدگی کار را تا اندازه که مربوط  
بمسند متنازع فیه و ادعای جعلیت نیست دخیال کرده باتمام میرساند

ماده ۳۵۱ - هرگاه بواسطه اتهام شخصی بساختن سندی کار بنوسط  
مدعی عمومی بمحکمه جزا ارجاع شد و محکمه جزا حکم برائت منہم را  
صادر و قراری در باب جعلیت یا اصالت سند نداد بخواهش یکی از متداعبین  
محکمه حقوق می تواند اجرای تحقیقات را در باب سند نموده و قرار رد  
یا قبول آنرا بدهد

ماده ۳۵۲ - در حکمی که محکمه در باب جعلیت اسناد می دهد باید

تکلیف اسناد و نوشتهجات راجعه بادهای جعلیت معین شود. هر گاه وجود اسناد و نوشتهجات مزبوره در دفتر خانه محکمه دیگر لزومی نداشته باشد محکمه قرار اعاده آنها را بصاحبان آنها از منداعین و مطمین و غیره میدهد و اسنادی که ادعای جعلیت بانها شده ولی بجعلیت آنها حکم صادر نشده است نیز بصاحبان اسناد رد میشود. و همچنین اسنادی که از ادارات خواسته شده است و یا در یکی از تاسیسات عمومی امانت باشد بخود آنها مسترد میشود. و اسنادی که جعلیت آنها ثابت شده در حضور محکمه و مدعی العموم ابطال و در دفتر خانه محکمه ضبط میشود.

ماده ۳۵۳ - در کلیه موارد مذکوره در ماده قبل اعاده اسناد و نوشتهجات فقط وقتی بعمل میآید که حکم محکمه در آن باب قطعی شود مگر اینکه بواسطه تقاضای ادارات یا تاسیسات عمومی صدور حکم مخصوصی در باب استرداد لازم شود.

ماده ۳۵۴ - هیچکدام از اعضاء و منشی های مجاکم حق ندارند از اسناد و نوشتهجاتی که ادعای جعلیت بانها شده است سوادى بکسی بدهند مگر بحکم محکمه ولى از نوشتهجاتی که ادعای جعلیت نسبت بانها نشده است منشی محکمه برضایت طرفین می تواند سوادى بانان بدهد.

ماده ۳۵۵ - هر گاه منشی های مجاکم از مفاد ماده قبل تخلف ورزند اولاً - از شغل خودشان منفصل خواهند شد ثانیاً - از بیست الی

چهل تومان از مقرری آنان کسر خواهد شد.

### چهارم - در تدقیق خط و مهر

#### در مورد اظهار تردید و ادعای جعلیت

ماده ۳۵۶ - هر گاه کسی که خط و مهر باو اسناد داده شده در حال حیوة است از او مطالبه می شود که مجددا چیزی بخط خود بنویسد تا تطبیق نمایند. و در این باب و در خود خط و مهر نهایت تدقیق بعمل می آورند.

ماده ۳۵۷ - هر گاه خط و مهر یکی اسناد داده شده است که فوت شده و ورثه متوفی تکذیب یا اظهار تردیدی یا بی اطلاعی نمایند ترتیب تدقیق آنست که سه نفر از اهل خره بقراضی طرفین معین می شوند و در صورت عدم قراضی محکمه بقرعه معین می کنند که در تحت نظارت عضو محکمه بسند متنازع فیه رسیدگی شود و مراتب در صورت مجلس قید و بامضای طرفین میرسد.

ماده ۳۵۸ - اگر در نزد شخصی که مهر یا خط خود را انکار میکنند نوشته از نوشتهجات مشروحه در ماده بعد پیدا شود یا خط و مهر او مقایسه و تطبیق می شود و اگر پیدا نشد منکر را مجبور بکتابت می نمایند تا خطی را که انکار کرده با خط جدید مطابقت شود.

ماده ۳۵۹ - هر گاه طرفین در نوشته‌جاتی که اساس تطبیق و معاینه اسناد می شود و متفق نشدند نوشته‌جات ذیل را مامور محکمه ماخذ معاینه و تطبیق قرار می دهد :

- ۱ - نوشته‌جاتی که دارای مهر یا امضای مصدق در حضور محکمه یا مباشرت ثبت اسناد می باشد و یا آنهایی که راجع بدعاوی بوده و در حضور محکمه ممضی و مههور شده اند .
- ۲ - بعضی نوشته‌جات رسمیه که منکر در موقع دیگری نوشته باشد .
- ۳ - اسناد عادی که منکر سابقا اقرار و اعتراف کرده باشد باینکه آن اسناد بخط و مهر اوست .

تبصره - خط و مهر اسنادی را که منکر انکار می کند اساس تطبیق نمی توان قرار داد .

ماده ۳۶۰ - اگر اوراق و نوشته‌جاتی که باید تطبیق شود در یکی از ادارات باشد در موارد ادعای جعلیت باید اوراق مذکوره را بمحل تطبیق بیاورند ادارات دولتی بقرید مسؤولیت مکلفند که حکم محکمه را در این باب مجری دارند و الا مدعی جعلیت که از عدم اجرای حکم محکمه منضرر شده است حق دارد ادعای خسارت را از ادارات بنماید .

ماده ۳۶۱ - اگر حمل اوراق مذکوره ممکن نباشد و یا دارنده آنها در شهر یا محل دیگری اقامت داشته باشد محکمه بموجب راپورت عضو

محکمه حکمی می تواند صادر کند که بموجب آن تدقیق خط و مهر در محلی که نوشته‌جات و اوراق مذکوره واقع است بعمل آید .

ماده ۳۶۲ - اشخاصی که نوشته شدن سند متنازع فیه و یا مهر و امضا شدن سند مزبور را دیده اند و همچنین اشخاصی که در بعضی اتفاقا مطالعه و از اطلاعات آنان میتوان حقیقت مسئله را کشف نمود احضار شده اظهارات آنان بعد از دادن التزام در صحت شهادت استماع و سند مذکوره بانان ارائه و کلام اظهارات آنان در صورت مجلس قید شده بامضای آنان میرسد .

ماده ۳۶۳ - پس از تدقیقات و رسیدگی در خصوص صحت و سقم خط تکذیب شده یا تردید شده لایحه متضمن مراتب رسیدگی و نتیجه آن از طرف عضو محکمه و اهل خبره نوشته و امضا شده با اسناد متنازع فیهها بمحکمه تقدیم می شود و محکمه در حضور طرفین لایحه مزبوره را قرائت و بعد از مذاکرات طرفین قرار لازم در باب اعتبار اسناد متنازع فیهها یا عدم اعتبار می دهد .

### فصل دهم

#### در اظهارات و تقاضا های اتفافی

##### مبحث اول

##### در ایرادات

ماده ۳۶۴ - مدعی علیه که بمحکمه احضار شده است میتواند بدون اینکه جواب مدعی را بدهد در موارد مفصله ذیل ایراد نماید :

- (۱) وقتیکه دعوی راجع بمحکمه دیگری است
- (۲) وقتیکه در همان محکمه یا محکمه دیگری همان مسئله ما بین همان اشخاص در تحت رسیدگی است و یا اگر همان مسئله نیست مسئله ایست که با ادعای مدعی ارتباط کامل دارد
- (۳) در موردی که ادعای مدعی کمالا راجع به مدعی علیه دیگری است .
- (۴) در صورتی که شخصی که اقامه دعوا کرده صلاحیت آن را ندارد .
- (۵) در صورتی که وکیل طرف مقابل وکالت از موکل خود نداشته باشد .

ماده ۳۶۵ - در مورد فقره پنجم ماده قبل حق ایراد را مدعی هم دارد .

ماده ۳۶۶ - نقض قوانین راجعه بترتیب صورت عرضحال باعث نمیشود که مدعی علیه از دادن جواب امتناع نماید .

ماده ۳۶۷ - در فقره اول و چهارم و پنجم ماده (۳۶۴) خود محکمه هم مکلف است قطع نظر از اینکه ایراد از طرف متداعین شده یا نشده از رسیدگی بدعوی امتناع نماید .

ماده ۳۶۸ - خواه مدعی علیه ایرادات مذکوره در ماده (۳۶۴) را در ضمن جواب کتبی که بادعای مدعی میدهد درج کند خواه علیه مدعی محکمه مکلف است که بدو قبل از رسیدگی بماهیت دعوا بایرادی که شده است علیحده رسیدگی کرده قراری بدهد .

ماده ۳۶۹ - قرار محکمه درباب قبول ایراد قابل شکایت است و میتوان قبل از استیناف حکم محکمه درباب ماهیت دعوا قرار مذکور را استیناف نمود قرار محکمه را در باب رد ایراد فقط در موردی میتوان قبل از صدور حکم در اصل دعوا استیناف نمود که ایراد راجع بصلاحیت محکمه باشد موعده این شکایت ازروز اعلام قرار محکمه يك هفته است و بمنظر محکمه است که نسبت باوضاع و احوال کار بمحاکمه اصل دعوا مداومت نماید و یا آنرا تا صدور حکم محکمه استیناف توقیف کند .

ماده ۳۷۰ - در مواردی که مدعی علیه ایرادات مفصله ذیل را بنماید حق ندارد از محکمه بخواهد که بایرادات او علیحده از ماهیت دعوا

رسیدگی شود .

۱ - ایراداتی که مدعی حق اقامه دعوی را ندارد .

۲ - ایراداتی که حق دعوا قبل از اقامه آن بواسطه تادیه مدعی به یا اجرای قرار داد یا تعهد یا بواسطه صدور حکم محکمه عدلیه یا مصالحه و امثال آن ساقط شده است .

بحث دوم

در تامین مدعی به

اول - قواعد عمومی

ماده ۳۷۱ - تامین مدعی را میتوان در ابتدای دعوا یا در حین محاکمه درخواست نمود .

ماده ۳۷۲ - درخواست تامین مدعی را در ابتدای دعوا در صورتی که محکمه می پذیرد که بداند عدم قبول آن باعث تضییع حقوق مدعی در آتی نخواهد شد .

ماده ۳۷۳ - در صورتی که محکمه در خواست تامین مدعی به را که در عرض حال شده است رد نماید مدعی میتواند در حین محاکمه از نو درخواست مزبور را بنماید .

ماده ۳۷۴ - درخواست تامین را فقط در ادعائی میتوان نمود که

قیمت یا عین مدعی به آن معین باشد .

ماده ۳۷۵ - قبول یا رد در خواست تامین مدعی به منوط بنظر محکمه است مگر در صورتی که ادعای مدعی مبنی بر اسناد رسمی و امارات صدق و یا مدعی به در معرض تضییع باشد .

ماده ۳۷۶ - قرار محکمه را در باب درخواست تامین میتوان علیحده از استیناف اصل دعوا استیناف نمود . شکایت از قبول تامین باعث تعویق اجرای آن نمیشود ولی شکایت از قرار محکمه در باب موقوفی حکمی که در باب تامین صادر شده بود باعث تعویق اجرای آن میشود و تامین بحالت خود باقی میماند .

ماده ۳۷۷ - تامین مدعی به را رئیس محکمه با حضور دو نفر عضو محکمه میتواند اجازه بدهد در صورتی که درخواست آن وقتی شده است که محکمه جلسه ندارد و بنظر رئیس محکمه اقدام تامین تاخیر پذیر نیست .

ماده ۳۷۸ - در صورت ماده قبل رئیس محکمه حکمی بعنوان دایره اجرا صادر میکنند که مثل احکام محاکم بموقع اجرا گذارده میشود . ولی رئیس محکمه مکلف است که در اولین جلسه محکمه اقدام خودش را به محکمه اعلام نماید و تصدیق یا تغییر حکم رئیس منوط بنظر محکمه است .



ماده ۳۷۹ - در صورتیکه مدعی علیه بموجب حکم قطعی عدلیه بری الذمه بشود حق خواهد داشت خساراتی را که باو از تامین مدعی به تعلق گرفته است از مدعی مطالبه کند .

دوم - اقسام تامین مدعی به

ماده ۳۸۰ - اقسام تامین مدعی به از قرار تفصیل است . توقیف اموال غیر منقوله مدعی علیه توقیف اموال منقوله و دادن ضامن و در صورت عدم امکان اقسام مذکوره دادن کفیل .

تبصره - مالی که درخواست تامین آن شده باید از مستثنیات دین نباشد

ماده ۳۸۱ -- مدعی باید در حین استدعای تامین قیمت آنرا نیز معین کند .

ماده ۳۸۲ -- اموال غیر منقوله که توقیف می شود باید متناسب باشد با مبلغ مدعی به و مدعی باید در حین درخواست تامین صریحا قید کند که کدام مال غیر منقول مدعی علیه را میتوان توقیف نمود .

ماده ۳۸۳ -- هرگاه اجرای قسمی از اقسام تامین برای ادعای مدعی کافی نباشد نظر بمقدار مدعی به میتوان کلیه اقسام را اجرا نمود .

ماده ۳۸۴ - در موقع تامین توقف غیر مدعی به از اموال مدعی علیه

جایز نیست مگر در صورتیکه توقیف عین مدعی به ممکن نباشد .

۳۸۵ - هرگاه ملکی که عین مدعی به توقیف شود مدعی علیه حق ندارد محصولات آن را نصرف کند یا اشجار آن را ببندد مگر باندازه که برای حفظ خود ملک از خرابی لازم است و در این مورد محکمه می تواند بخواهش مدعی بمقتداعین اجازه نظارت نسبت بمحصولات و کلیه اشجار واقعه در ملک بدهد .

ماده ۳۸۶ - درخواست مدعی علیه را در باب تغییر قسمی از تامین بقسمی دیگر یا مالی بمال دیگر در صورتی محکمه می تواند قبول نماید مگر مدعی راضی باشد باستثناء دو مورد ذیل که رضایت مدعی لازم است .

- ۱ - هرگاه مدعی علیه ثابت نماید که تاملی که تکلیف می کند معادل تامین سابق است و برقراری تامین سابق او را تضییق می نماید .
- ۲ - در صورتی که مدعی علیه در عوض اقسام مذکوره در ماده (۳۸۰) بقدر کفایت وجه نقد یا اسناد معتبره به نرخ روز تامین بدهد .

سوم - در ترتیب توقیف اموال غیر منقوله

ماده ۳۸۷ - حکم کتبی محکمه در باب توقیف بداره ثبت اسناد ارسال و در آن صریحا اسم و اسم پدر و لقب و شغل مدعی علیه و

موضوع ادعا و مقدار مدعی به واسطه ملك توقیف شده قید می شود حکم مذکور توسط دایره ثبت اسناد بدایره اجرا فرستاده می شود .

ماده ۳۸۸ — مدعی می تواند سواد این اقرار را هر چند نسخه که لازم باشد برای ارائه به مقامات رسمی از محکمه بخواهد و مادام که قرار محکمه در اعتبار خود باقی است سواد های مزبوره حکم اصل قرار محکمه را دارد .

ماده ۳۸۹ — بعد از زوال جهت توقیف رفع آن نیز بموجب حکم کتبی محکمه که بداره ثبت اسناد ارسال می شود بعمل می آید و مدعی علیه حق گرفتن سواد را بطوریکه در ماده قبل مصرح است دارد اعتبار سواد همان است که در آن ماده قید شده .

ماده ۳۹۰ — مخارج تحصیل حکم کتبی محکمه در توقیف و رفع آن و مخارج سواد حکم مذکور و مخارج اداره ثبت اسناد موافق تعرفه است که قانونا مصرح است

چهارم — ترتیب توقیف اموال منقوله

ماده ۳۹۱ — اموال منقوله مدعی علیه در محل خود توقیف میشود توقیف اموالی که ضایع شدنی است ممنوع است

ماده ۳۹۲ — در ضمن درخواست توقیف مدعی باید معین کند که

کدام مال باید توقیف شود و نزد کی است و در کجا واقع است و نکات مذکوره در حکم کتبی محکمه نیز باید صریحا قید شود

ماده ۳۹۳ — توقیف اموال منقوله به ترتیبی باید بعمل آید که قانون اجرای احکام عدلیه معین کرده است

ماده ۳۹۴ — بعد از اینکه صوری از اموال توقیف شده بر داشته شد باید در همانجا که واقع است مهر و موم شده و از صاحب آن اموال التزام حفظ آن اموال گرفته شود و در صورت تقریب مجازات صاحب اموال بطوری است که در قانون اجرای احکام عدلیه مقرر است

ماده ۳۹۵ — هرگاه صاحب اموال از دادن التزام امتناع نماید اموال مزبوره به شخص دیگری بطوری که قانون اجرای احکام عدلیه معین می کند سپرده خواهد شد

ماده ۳۹۶ — هرگاه اموال منقوله یا وجوه نقدی که باید توقیف شود در نزد شخص ثالثی باشد ورقه اجرائیه در باب توقیف آن بشخص ثالث ابلاغ و قبض رسید دریافت میشود و مراتب را فوراً بمدعی علیه نیز اعلام مینمایند سایر اقدامات در این باب به ترتیبی است که در قانون اجرای احکام عدلیه مقرر است

پنجم — در باب ضمانت

ماده ۳۹۷ — برای تامین مدعی به ممکن است يك یا چند نفر ضامن

بشوند در صورتیکه ضامن يك نفر نباشد هر کدام از آنان باید صریحاً قید کنند که چه مقدار از مدعی بهرا تضمین مینمایند

ماده ۳۹۸ - ضامن میتواند فقط ضمانت تادیه وجه را بنماید یعنی قید نماید که در صورت ثبوت مدعی به برعهده من است که فلان مبلغ را بپردازم و یا صریحاً ضمانت تادیه فوری وجه را نماید ضمانت اولی را ضمانت مقید و دومی را ضمانت مطلق یا کامل نامند

ماده ۳۹۹ - ضمانت اشخاص مفصله ذیل قبول نمیشود .

(۱) اعضاء محاکم و اداره مدعی العموم .

(۲) وکلای رسمی عدلیه برای موکلین خود .

(۳) کلیه اشخاصی که بموجب قانون قرار داد یا تعهدی را ندارند

(۴) مفلسین

ماده ۴۰۰ - قبول ضمانت راجع به محکمه است که قرار تامین مدعی به را داده است .

ماده ۴۰۱ - مدعی علیه در عوض خود ضامن میدهد یا باید ضامنها را شخصاً در محکمه حاضر کند و یا ضمانت نامه بخط و مهر و امضای خود آنان که در اداره ثبت اسناد تصدیق شده به محکمه تقدیم کند در هر دو مورد مدعی علیه مکلف است در صورت تقاضای مدعی استطاعت ضامنهای

خود را در محکمه ثابت کند

ماده ۴۰۲ - رئیس محکمه بعد از حاضر شدن ضامن یا وصول ضمانت نامه بخط و مهر ضامن روزی را معین میکند و طرفین در جلسه محکمه حاضر شده در باب پذیرفتنی ضامن مذاکره نمایند :

ماده ۴۰۳ - محکمه از ضامنی که حاضر شده اطلاعات لازم را در باب عایدات و محل اقامت و شغل و اوضاع و احوالی که بموجب ماده (۳۹۹) میتواند مانع ضمانت او بشود از او بخواهد :

ماده ۴۰۴ - در موردی که مدعی در روز معین حاضر نشود محکمه میتواند ضمانتی را که برای کلیه مدعی به یا قسمتی از آن کافی است قبول کند :

ماده ۴۰۵ - ضمانت ضامنی که خورش در محکمه حاضر شده در صورت مجلس قید و باضای او میرسد و این تصدیق صورت مجلس همان اثر ضمانت نامه را دارا که بخط و مهر و امضای ضامن باشد

ماده ۴۰۶ - هرگاه حکم قطعی محکمه را محکوم علیه مجری نداشت ضامن کامل مکلف است که بعد از ابلاغ ورقه اجرائیه مبلغی را که ضمانت کرده است فوراً بپردازد ولی ضامن مقید در صورتی مسئول است که دارائی محکوم علیه کفایت تادیه محکوم به را ننماید یا محکوم علیه از اداء امتناع نماید .

ماده ۴۰۷ -- قبل از صدور حکم قطعی مدعی بهیچوجه حتی ندارد تادیه مدعی به را از ضامن بخواهد ولی بعد از صدور حکم مذکور مدعی میتواند توقیف مال ضامن کامل را بازدازه که ضمانت کرده است موقتا تا وقتی که محکوم به اداء نشده است بخواهد .

بحث سوم

در جلب شخص ثالث

ماده ۴۰۸ -- مدعی علیه در صورتی که خود را محق به جلب شخص ثالثی به محکمه دانسته خواستار آن بشود باید عرضحال در اینباب به محکمه قبل از موعدی که برای حضور او در محکمه معین شده است بدهد .

ماده ۴۰۹ -- مدعی نیز در صورتیکه بخواهد برای جواب باعتراض مدعی علیه شخص ثالثی را به محکمه جلب کند میتواند در جلسه اول محکمه این اظهار را بنماید وای عرضحال خود را در این باب باید لااقل فردای آن روز بدهد .

ماده ۴۱۰ -- باید در عرض حال اسم و شهرت و شغل و محل اقامت شخص ثالث وجهه جلب او به محکمه صریحا قید شود

ماده ۴۱۱ -- محکمه يك نسخه از سواد عرض حال راجع به جلب

شخص ثالث را به مشار الیه و دیگری بطرف مقابل از متداعین ابلاغ می نماید

ماده ۴۱۲ -- بعد از وصول عرضحال بر رئیس محکمه مشارالیه نظر به محل اقامت شخص ثالث و طبیعت کار موعدی را برای حضور او معین می کند و اگر جلسه محکمه معین شده باشد آن را تغییر میدهد

ماده ۴۱۳ -- هرگاه یکی از متداعین درباب شخص ثالث اعتراضی نماید محکمه باید بعد از رسیدگی باظهارات طرفین قرار لازم را بدهد

ماده ۴۱۴ -- هرگاه شخص ثالث حاضر نشد محکمه رسیده گی را تعقیب می کند در این صورت و در صورتیکه شخص ثالث جواب داده از حضور خود استنکاف ورزد طرفی که جلب شخص ثالث را خواستار شده است میتواند از محکمه نامین مدعی به را نسبت بشخص ثالث بخواهد

ماده ۴۱۵ -- شخص ثالث در صورتیکه حاضر شد مجاز است که تمام نوشتهجات کار را که در دفترخانه محکمه است ملاحظه نماید و توضیحات کتبی بدهد و در تمام مذاکرات شفاهی شرکت نماید .

ماده ۴۱۶ -- مخارج احضار شخص ثالث بعهده کسی است که جلب او را خواستار شده است ولی اگر شخص ثالث حاضر نشد طرفی که خواستار جلب او شده بود بعد از ختم دعوی اصلی می تواند اقامه دعوی بر او نماید .



مبحث چهارم

دخول شخص ثالث بدعوا

ماده ۴۱۷ - هر گاه شخص ثالثی بملاحظه نفعی که برای او از محقق شدن یکی از متداعیین حاصل است بخواهد در دعوائی شرکت نماید میتواند در هر مرحله از مراحل کار عرضحال داده اظهار نماید که با کدام یک از متداعیین میخواهد شرکت نماید و سواد عرضحال شخص ثالث به متداعیین ابلاغ میشود.

ماده ۴۱۸ - از قرار محکمه که راجع به رد یا قبول عرضحال مذکوره در ماده قبل صادر می شود متداعیین و شخص ثالث میتوانند قبل از استیناف اصل دعوا شکایت نمایند.

ماده ۴۱۹ - هر گاه دخالت شخص ثالث مربوط به محقق شدن مدعی یا مدعی علیه نبوده و مقصود از دخالت او اظهار حق است مستقلاً نسبت بمالی که موضوع دعوا ما بین متداعیین است باید در عرضحال صریحاً قید شود که طرف او یکی از متداعیین است یا هر دو طرف و تمام جهات و دلایل را ذکر نماید.

ماده ۴۲۰ - ترتیبات رسیدگی در موارد دخول شخص ثالث همان است که کلیه برای رسیدگی به دعاوی مقرر است و عرض حال را باید



خود شخص ثالث یا رکب ثابت الو کاله اش بدهد و سواد آن به متداعیین ابلاغ شود.

مبحث پنجم

در رد حکام عدلیه

ماده ۴۲۱ - حکام عدلیه در موارد مفصله ذیل باید از رسیدگی امتناع نمایند و متداعیین نیز حق خواهند داشت آنها را رد کنند.

(۱) وقتی که خود حاکم یا عهال او یا اشخاصیکه با حاکم قرابت نسبی تا درجه سوم دارند و همچنین اشخاصی که با مشارالیه قرابت نسبی تا تا درجه سوم دارند یا محاکمه راجع به خدمه حاکم است.

(۲) وقتی که حاکم یا عهال او وارث یکی از متداعیین است و یا با یکی از متداعیین دعوا دارد.

(۳) وقتی که حاکم قهیم یا ولی یکی از متداعیین است یا کفیل امور او است و یا آنکه یکی از متداعیین مباشر امور حاکم است.

ماده ۴۲۲ - امتناع حاکم از رسیدگی یا رد او باید لا اقل در جلسه اول رسیدگی بعمل آید مگر آنکه جهت رد حاکم در حین محاکمه حادث شود.

ماده ۴۲۳ - اظهار رد باید کتبی باشد و یا شفاهی اظهار شفاهی در صورت مجلس قید و باضای اظهار کننده میرسد در اظهار رد باید جهات

آن با دلایل ذکر شود .

ماده ۴۲۴ — خواهش رد به محکمه ابلاغ و محکمه مکلف است که لا اقل تا جلسه دیگر جواب بدهد هر گاه جواب مذکور بدون عذر موجه پیش از مدت معینه به تعویق افتد دلیل بر اعتراف حاکم مردود خواهد بود .

ماده ۴۲۵ — جواب حاکمی که رد را قبول نکرده است بی حضور او در جلسه مشاوره (سری) محکمه با حضور مدعی العموم مطرح مذاقه می شود .

ماده ۴۲۶ — قرار محکمه در باب قبول رد حاکم قطعی است و قابل شکایت نیست ولی قرار محکمه در باب عدم پذیرفتن رد قابل شکایت است قبل از استیناف حکم در اصل دعوا .

ماده ۴۲۷ — شکایت نامه به محکمه که قرار داده است در ظرف سه روز از اعلام قرار مزبور داده می شود و محکمه مکلف است که شکایت نامه را بلا تاخیر به محکمه عالی با استخراج از صورت مجلس و منضمات آن و سواد قرار محکمه بفرستد مادام که محکمه عالی در باب شکایت رای نداده است حاکم مردود نمی تواند در همان کار رسیدگی نماید .

ماده ۴۲۸ — هر گاه چند نفر از اعضاء محکمه رد شوند و عده باقی مانده برای رسیدگی کافی نباشد رسیدگی توقیف شده اظهار رد و جواب های اعضاء مردوده به محکمه عالی فرستاده میشود که تکلیف را معین کنند و محکمه عالی در صورتیکه خواهش رد را قبول کرد برای تکمیل عده اشخاصی که موافق قانون تشکیلات صلاحیت دارند قایم مقام معین می کنند و یا آن کار را بمحکمه دیگری در همان درجه باشد محول می کند .

ماده ۴۲۹ — در محکمه تمیز در صورتیکه دارای بیش از یک شعبه باشد به مسائل راجعه به رد و امتناع حکام عدلیه در مجلس عمومی رسیدگی میشود .

مبحث ششم — در توقیف و تعقیب و بطلان محاکمه

ماده ۴۳۰ — توقیف محاکمه در موارد مفصله ذیل بعمل می آید :

۱ - برضایت اصحاب دعوا .

۲ - در صورت فوت یا جنون یا معیوب الحقوق شدن یکی از متداعین و یا و کپل یکی از آنان .

ماده ۴۳۱ — در موارد فقره دوم ماده قبل در صورتی که محاکمه بدرجه صدور حکم رسیده باشد یعنی مذاکرات شفاهی طرفین ختم شده

باشد محکمه می تواند عقیده مدعی العموم را در مواردی که قانون تقاضا می کند شنیده حکم بدهد .

ماده ۴۳۲ در صورتی که توقیف مجازات برضایت اصحاب دعوا شده باشد طرفین باید همان وقت بمحکمه اعلام نمایند که کدام يك از آنان مخارج مجازات را بعهده بگیرند .

ماده ۴۳۳ - هر گاه یکی از متداعین از بابت مخارج مجازات مقروض محکمه باشد در صورت توقیف مجازات فوراً حکم بتادیه مخارج مزبوره می شود بدون آنکه محکمه منتظر تعقیب مجازات ( بعد از توقیف ) بشود

ماده ۴۳۴ - در موقع عزیمت یکی از متداعین بمحل ماموریت نظامی یا ماموریت دولتی یا مسافرت عادی مجازات توقیف نمیشود و محکمه فقط مهلت کافی بعازم مسافرت یا ماموریت برای تعیین وکیل میدهد .

ماده ۴۳۵ - در صورت توقیف مجازات محکمه می تواند بخواهش یکی از اصحاب دعوا مدعی به را موافق قانون تامین نماید .

ماده ۴۳۶ - تعقیب مجازات بعد از توقیف برضایت متداعین و بخواهش یکی از آنان بعمل می آید و در صورت آخری باید عارض کتباً خواهش تعقیب مجازات را نموده از محکمه احضار طرف را بخواهد .

ماده ۴۳۷ - تعقیب مجازات در همان محکمه بعمل می آید که توقیف شده است .

ماده ۴۳۸ - هر گاه مجازات توقیف شده و در مدت يك سال از تاریخ توقیف خواهش تعقیب مجازات نشود آن مجازات کان لم یکن فرض خواهد شد و برای تجدید مجازات عارض باید عرضحال مجدد بدهد .

ماده ۴۳۹ - هر گاه در دوسیه مجازات توقیف شده اقرار و اعترافات طرف و اطلاعات مطلعین ضبط شده باشد و بعد در حین مجازات مجدداً اشخاص مذکور ( مطلعین ) در حال حبس نباشند متداعین می توانند در مجازات مجدد از دوسیه مجازات توقیف شده استفاده نمایند .

## فصل بیازدهم

در حکم

مبحث اول

در صدور حکم

ماده ۴۴۰ - بعد از ختم مذاکره شفاهی متداعین و اظهار عقیده مدعی العموم محکمه هر گاه بتواند فوراً رای می دهد والا رئیس و اعضاء باطاق مخصوص رفته بعد از مشاوره در امریکه موضوع مجازات اظهار علم خودشان را می نمایند .

ماده ۴۴۱ - اتخاذ رای باین ترتیب بعمل می آید که رئیس محکمه اول از رای اکثرین عضو محکمه از جهت مقام شروع کرده بعد از همه رای خود را اظهار می نماید .

ماده ۴۴۲ - رای محکمه با اکثریت آراء اعضاء آن معلوم میشود .

ماده ۴۴۳ - رای محکمه باید کتبا نوشته شده بامضای رئیس و اعضاء محکمه برسد و این رای کتبی در جلسه علنی محکمه باید قرائت شود ولو اینکه مذاکره شفاهی طرفین در جلسه سری بعمل آمده باشد محکمه بعد از امضاء رای کتبی حق تغییر آن را ندارد .

ماده ۴۴۴ - در رای کتبی باید نکات مفصله قید شود :

- ۱ - تاریخ جلسه محکمه .
- ۲ - اسم و شهرت اعضاء محکمه که رای داده اند و مدعی العموم که عقیده خود را اظهار داشته .
- ۳ - اسم و شهرت مدعی و مدعی علیه .
- ۴ - موضوع دعوی و جهات و دلایل حکم و تصریح اجرای موقت در صورتی که در آن باب رای داده شده باشد و همچنین تصریح اینکه مخارج محاکمه برعهده کبست .

ماده ۴۴۵ - در امور غامضه که مشاوره طولانی لازم داشته باشد

هیئت حاکمه می تواند دادن رای را تا جلسه دیگر که نهایت آن پنج روز است بناخیز اندازد ولی رئیس محکمه مکلف است که این نکته را در جلسه علنی محکمه اعلام کند .

ماده ۴۴۶ - بعد از قرائت رای کتبی محاکمه رئیس روزی را معین می کند که حکم محکمه نوشته شده برای قرائت بطرفین داده شود و آن روز قانونا روز اعلام حکم محسوب میشود .

ماده ۴۴۷ - حکم محکمه باید در ظرف پنج روز از اعلام رای کتبی انشاء و بامضای رئیس و اعضاء و منشی محکمه برسد .

ماده ۴۴۸ - رای محکمه یا راجع بماهیت دعوا است کلبتا و یا به بعضی مسائل در حین رسیدگی بدعوا حادث و مطرح میشود رای محکمه در صورت اولی حکم و در صورت ثانوی قرار نامیده میشود .

ماده ۴۴۹ - احکام و قرار های محکمه را یکی از اعضا که در وقت دادن رای جزو اکثریت بوده بانضمام رئیس انشاء می کند در حکم باید علاوه بر رای کتبی نکات مفصله تصریح شده باشد .

۱ - تقاضای متداعبین و عقیده مدعی العموم ( در صورتیکه اظهار عقیده نموده )

۲ - دلایل محکمه که مدرک حکم است





ماده ۴۵۰ — بعد از اینکه حکم تهیه شد طرفین میتوانند آن را در دفتر خانه محکمه قرائت نموده و سوادى از آن یا از صورت مجلس و اعلانات و احکامات محکمه راجع به آن حکم بگیرند

ماده ۴۵۱ — بجای سواد طرفین حق دارند که خلاصه حکم را که عبارت از رای کتبی محکمه و ملاحظاتی که مبنای رای محکمه بوده بخواهند سواد ها و خلاصه احکام با مضای رئیس محکمه و منشی برسد

ماده ۴۵۲ — هر گاه منشی (دفتر دار) قبل از اینکه حکم موافق قانون با مضای برسد سواد آن را بکسی بدهد از شغل خود معزول و بخدمت دولتی قبول نخواهد شد

ماده ۴۵۳ — هر گاه مدعی های عمومی بعد از مذاقه در اصل احکام ملاحظه کنند که برخلاف قوانین صادر شده است بوظیفه خود رفتار نمایند

ماده ۴۵۴ — هیچ حکم یا قراری را نمیتوان مجری داشت مگر اینکه بطرفین یا بواکيل آنان اعلام شده باشد

ماده ۴۵۵ — هر گاه واکيل استعفا کرد یا فوت شده باشد اعلامات لازمه با قید جهت آن بموکل می شود

مبحث دوم - در احکام غیابی

ماده ۴۵۶ — در اموریکه رسیدگی به آن از خصایص محاکم عدلیه



است در صورتیکه یکی از متداعین یا هر دو طرف در موعد مقرر در جلسه محاکمه حاضر نشوند قواعد ذیل باید مرعی شود

۱ - هر گاه مدعی علیه حاضر نشد مدعی میتواند از محکمه خواهش کند که به توضیحات شفاهی او رسیدگی گردد حکم بدهد و یا آنکه مدعی علیه را مجددا احضار کند

۲ - هر گاه مدعی حاضر نشد بدون اینکه از محکمه خواهش کرده باشد که در غیاب او رسیدگی کرده حکم بدهد محکمه رسیدگی را موقوف نموده و بخواهش مدعی حکم خسارت وارده بر مدعی علیه را بواسطه احضار بی جهت میده و یا آنکه بخواهش مدعی علیه شروع بر رسیدگی کرده و اقداماتیکه باید محکمه قانونا برای تهیه حکم از قبیل رسیدگی بدلائل و غیره بنماید بعمل می آورد در صورت موقوفی محاکمه مدعی میتواند عرض حال مجدد داده تجدید محاکمه نماید

ماده ۴۵۷ — هر گاه هیچ کدام از طرفین حاضر نشدند بدون اینکه از محکمه خواهش رسیدگی را در غیاب خودشان کرده باشند رسیدگی بدعوا از نوبت خارج و بدان کار رسیدگی نخواهد شد مگر اینکه یکی از متداعین رسیدگی بدعوا را بخواهد

ماده ۴۵۸ — هر گاه مدعی علیه حاضر نشد ولی در جواب کتبی خود از محکمه خواهش نمود که غیاب او بموجب جوابی که داده است رسیدگی کرده و حکم بدهد این حکم محکمه غیابی محسوب نخواهد شد در این مورد

مدعی علیه میتواند از محکمه خواهش کند که سواد حکم محکمه را باقامتگاه واقعی او برساند موقوف بنظر محکمه است که حضور مدعی علیه را در این موارد برای دادن توضیحات شفاهی بخواهد یا نه

ماده ۴۵۹ - مدعی علیه نیز می تواند خواهش کند که محکمه در غیاب او رسیدگی کرده حکم بدهد و چنین حکمی غیابی محسوب نخواهد شد هرگاه حضور مدعی را محکمه برای دادن توضیحات شفاهی لازم بداند نمی تواند او را احضار کند و اگر مدعی حاضر نشد محکمه رسیدگی را موقوف میدارد و یا بخواهش مدعی علیه شروع بر رسیدگی می کند

ماده ۴۶۰ - در صورتیکه مدعی اقامه دلایلی کند که محتاج رسیدگی باشد مدعی علیه در موعد مقرر حاضر نشود محکمه بدون اینکه حکم در ماهیت دعوا نماید قرار در باب رسیدگی بدلیل مبدء و این قرار محکمه در حکم حضوری محسوب بوده از این جهت قابل اعتراض نخواهد بود

ماده ۴۶۱ - هرگاه مدعی علیه غایب قبل از اینکه محکمه رای بدهد حاضر شد محکمه حضور او را پذیرفته توضیحات شفاهی او را منظور خواهد داشت و حکمی که پس از آن صادر می شود غیابی محسوب نخواهد شد .

ماده ۴۶۲ - هرگاه در کاری مدعی علیه متعهد باشند و بعضی حاضر شده برخی حاضر نشوند حکم محکمه بعد از رسیدگی نسبت به سهم آنان

که حاضر نشده اند غیابی خواهد بود همین طور است در موارد مدعی های متعدد حکمی که با حضور بعضی از آنان صادر می شود نسبت بغائبین از آنان غیابی محسوب خواهد بود .

ماده ۴۶۳ - سواد حکم غیابی به محکوم علیه غایب در اقامتگاهی که انتخاب کرده و به محکمه اطلاع داده است ابلاغ میشود و هرگاه مدعی علیه غایب اقامتگاه خود را اطلاع نداده است در اقامتگاهی که مدعی به محکمه نشان داده است ابلاغ می شود .

ماده ۴۶۴ - هرگاه اقامتگاه محکوم علیه غایب را مدعی معین ننماید حکم غیابی اعلان می شود و هرگاه مدعی علیه غایب مال غیر منقولی دارد سواد حکم بدانجا نیز فرستاده می شود .

ماده ۴۶۵ - محکوم علیه غایب می تواند بر حکم غیابی اعتراض نماید و مدت این اعتراض هشت روز است قبل از انقضاء مدت مزبوره اجرای حکم غیابی جایز نیست مگر در مواردی که محکمه قانوناً حکم اجرای موقت را داده باشد .

ماده ۴۶۶ - مدت مذکوره در ماده قبل از تاریخ ابلاغ واقعی سواد حکم غیابی بمدعی علیه غایب حساب می شود حق مسافت هم برای هر چهار فرسخ محل اقامت محکوم علیه غایب از مقر محکمه یک روز منظور می شود .



ماده ۴۶۷ هر گاه محکوم علیه غایب در مدت مقررہ اعتراض ننمود اعتراض او دیگر پذیرفته نخواهد شد ولی مشارالیه می تواند در مدت مقررہ حکم صادر را استیناف نماید .

ماده ۴۶۸ - در اعتراض خود بر حکم غیابی محکوم علیه غایب باید یا جواب دعوای مدعی را بدهد یا اگر جواب خود را سابقا داده است بدان اشاره کرده نسخ حکم غیابی را خواستار شود .

ماده ۴۶۹ - عرضحال اعتراض در دو مورد به صاحبش عودت داده می شود .

۱ - در صورت انقضای مدت اعتراض

۲ - در صورتیکه و کپل و کالت نامه خود را بعرض حال ضمیمه نکرده باشد و مراتب در صورت مجلس محاکمه قید می شود

ماده ۴۷۰ - عرضحال اعتراض بلا اثر میباشد و قرار محکمه در آن باب بصاحب آن اعلام میشود که نواقص را رفع نماید

۱ - وقتیکه موافق تعرفه که قانونا مقرر است مخارج محاکمه وادیه نشده باشد

۲ - وقتی که عده سوادها بقدر کفایت نباشد . در صورتیکه سواد سندی را با اعتراض نامه منضم نموده باشد

ماده ۴۷۱ - قرار محکمه را در باب عدم قبول اعتراض بر حکم غیابی



می توان قبل از صدور حکم محکمه در اصل دعوا استیناف نمود و بلی قرار محکمه را در باب قبول اعتراض فقط می توان با حکم در اصل دعوا استیناف کرد

ماده ۴۷۲ - همین که محکمه اعتراض محکوم علیه غایب را قبول کرد سوادى از اعتراض و منضمات آنرا بطرف مقابل فرستاده روز جلسه را معین و بطرفین اعلام می کند بعد از رسیدگی مجدد محکمه حکمی می دهد که حکم سابق را از اعتبار میاندازد

ماده ۴۷۳ - اعتراض محکوم علیه غایب حکم اجرای موقت را توقیف نمی کند مگر اینکه در اول اعتراض یا در حین محاکمه ثانوی مادام که حکم مجدد صادر نشده است محکوم علیه غایب توقیف اجرای موقت حکم غیابی را بخواهد باین خواهش مدعی علیه محکمه مکلف است که بتقبل یا عدم قبول در ظرف سه روز جواب بدهد

ماده ۴۷۴ - در موارد مستعجله در توقیف اجرای موقت حکم غیابی رئیس محکمه می تواند رای بدهد ولی مکلف است که بعد موافق ماده (۳۷۸) رفتار نماید

ماده ۴۷۵ - هر گاه محکوم علیه غایب بعد از اعتراض و قبول اعتراض او برای رسیدگی ثانوی باز حاضر نشد و حکم غیابی ثانوی صادر شد محکوم علیه غایب دیگر نمیتواند برای حکم غیابی ثانوی مجددا اعتراض نماید ولی میتواند حکم ثانوی را در مدت مقررہ استیناف نماید

ماده ۴۷۶ - هر گاه مدعی در مدت يك سال اجرای حکم غیابی را که صادر و موافق قانون به محکوم علیه غایب اعلام شده تقاضا نکند دیگر حق تقاضای اجرای آنرا نخواهد داشت

بحث سوم - در اجرای موقت احکام

ماده ۴۷۷ - احکام مجازات ابتدائی مادام که اعتبار احکام قطعی را نیافته است اجرا نمی شود مگر اینکه خود محکمه در باب اجرای موقت در احکام قرار بدهد .

ماده ۴۷۸ - اجرای موقت احکام فقط بخواهش یکی از متداعبین می شود و آنها مخصوص است بموارد ذیل مفصله ذیل :

۱ - وقتی که حکم بموجب اسنادی صادر شده که اعتبار آنها محقق است و یا آنکه حکم بموجب اسناد عادی صادر شده ولی طرف اعتبار آن اسناد را اعتراف کرده .

۲ - وقتی که موعد اجاره منقضی شده و بموجب حکم محکمه مستاجر محکوم شده است برد یا تسلیم یا تخلیه عین مستاجر .

۳ - در موقعی که محکمه حکم کرده است که عین مدعی به از انصرف عدوانی خارج شده بمالك ذبحق تسلیم شود .

۴ - وقتی که در منازعات رجعه باجیر نمودن و اجیر شدن محکمه در باب مرخصی اجیر صادر شده است .

۵ - در کلیه مواردی که اوضاع و احوال مدلل کند که بواسطه تاخیر اجرای حکم یا قرار محکمه خسارت کلی برای محکوم له حاصل خواهد شد و یا آنکه تاخیر باعث عدم اجرای حکم یا قرار در آنپه خواهد بود .

ماده ۴۷۹ - نامبری که در مورد اجرای موقت از محکوم له خواسته می شود بطوری است که در ماده (۳۸۰) معین است .

ماده ۸۰ - - محکمه می تواند نسبت بخواهش اجرای موقت موضوع کلی قرار اجرای بعضی از اجراء آن را بدهد ولی در صورتی که تفکیک جزء از کل ممکن باشد .

ماده ۴۸۱ - - در صورتی که از اجرای موقت حکم برای محکوم علیه خسارتی وارد بیاید که نتوان مقدار آن را صحیحاً معین کرد و تا مین از محکوم له گرفت خواهش اجرای موقت پذیرفته نمی شود و او اینکه محکوم له تا مین لازم را بدهد موافق ماده (۴۷۹)

ماده ۴۸۲ - - هر گاه محکمه ابتدائی در حکم یا قراری که میدهد در اجرای موقت آن حکم یا قرار رایی نداده باشد دیگر نمی تواند مجدداً در آن باب رای بدهد و محکوم له فقط می تواند بمحکمه استئناف رجوع نموده اجرای موقت را بخواهد .

ماده ۴۸۳ - - محکمه استئناف خواهش محکوم له را بطرف ابلاغ کرده رسیده گی کرده حکم می دهد بدون اینکه رسیده گی بخواهش اجرای موقت را منوط برسیده گی بماهیت دعوی بدارد .



## باب سیم در استیناف احکام

### فصل اول

#### مواد عمومی

ماده ۴۸۴ - احکام غیر قطعی مجازات ابتدائی در موعدی که قانون معین می نماید قابل استیناف است .

ماده ۴۸۵ - احکام مفصلة الذیل قابل استیناف نیستند .

۱ - احکامی که از مجازات ابتدائی استینافا صادر شده ( نسبت با احکام مجازات صلحیه ) .

۲ - احکام غیر قطعی مجازات ابتدائی که بواسطه انقضای موعده استیناف قطعی شده اند .

۳ - احکام مجازات ابتدائی که برطبق احکام عدول مجتهدین جامع شرایط کنیا صادر شده است .

۴ - احکامی که برطبق حکم حکم یا مصدقین صادر شده است که متداعیین بموجب سند در تعیین آنان تراضی کرده رای آنان را قاطع دعوی دانسته اند .



۵ - در صورتیکه متداعیین بموجب سند تراضی کرده باشند که بدعوی آنان فقط يك دفعه رسیدگی و بطور قطعی حکم صادر شود .

۶ - احکام مستند باقرار اسناد یا صورت مجلس در دو مورد مذکور فقره چهارم و پنجم باید بامضای اصحاب دعوا مههور و ممضی باشد .

ماده ۴۸۶ - دعوائی که غیر قابل استیناف است در صورتی که متداعیین هم باستیناف آن راضی باشند و در حکم محکمه ابتدائی هم ذکر نشده باشد که آن حکم بطور قطعی صادر شده است استیناف نمی شود حتی اگر اتفاقا در آن حکم قید شده باشد که استیناف آن ممکن است باز آن حکم را استیناف نمی توان نمود .

ماده ۴۸۷ - اگر دعوی را جهات عدیده باشد ممکن نسبت یکی از آن جهات را تقریبا استیناف نمود ولی ممکن است قرار هائی را که قبل از صدور حکم یا باحاکم داده می شود در مواردی که قانون اجازه داده است علیحده از حکم استیناف نمود رجوع بمواد (۱۶۲) و (۱۶۳) و (۳۶۹) و (۳۷۶) و (۴۱۸) و (۴۲۶) و (۴۷۱) و (۴۸۴) و (۵۰۴)

ماده ۴۸۸ - قرار هائیکه از محکمه در خصوص دعوی صلاحیت صادر میشود قابل استیناف است لکن در صورتیکه رسیدگی بدعوی از وظایف محکمه بود که رسیدگی کرده است و بپیک سبب قانونی نقل آن به محکمه دیگر هم ممکن بوده ولی قبل از شروع به محاکمه نقل آن رابه

محکمه دیگر درخواست ننموده اند در این صورت قرار دیکه در این خصوص داده میشود قابل استیناف نخواهد بود

ماده ۴۸۹ - لازم است تقاضای استیناف از طرف مدعی یا مدعی علیه و یا قایم مقام آنان مثل وراث و اوصیاء و و کلاء ماذون بر استیناف و سایر اشخاصیکه قانونا این سمت را دارند بشود

### فصل دوم

#### در موعده استیناف

ماده ۴۹۰ - مهلتی که برای استیناف احکام مجازات ابتدائی معین شده است برای اشخاصیکه در ایران مقیمند (۳۱) روز است و برای کسانی که در خارج مقیمند مدت موافق ماده (۲۱۷) است مهلت استیناف از تاریخ ابلاغ حکم بطرفین یا محل اقامت آنان محسوب می شود هرگاه محل اقامت یکی از متداعیین که در ایران مقیمند در شهریکه مقر محکمه استیناف است نباشد بر مدت مقرر به هر چهار فرسخ مسافت یک روز علاوه می شود

ماده ۴۹۱ - در موارد حکم غیابی مدت استیناف از روز انقضای مهلت اعتراض محسوب میشود

ماده ۴۹۲ - مهلت استیناف قرارهای محکمه که قابل شکایت استینافی

است از روز اعلام آن قرارها بطرفین یک هفته است

ماده ۴۹۳ - اگر صدور حکم از روی سند مجهول باشد مدت مهلت استیناف از تاریخ اقبای جعلیت آن سند در محکمه محسوب میشود و اگر یکی از طرفین را سندی بوده باشد که مدار حکم بر آن سند است و محکومیت طرف مذکور بواسطه اکتان آن سند در دست طرف مقابل باشد مهلت استیناف از تاریخ وصول آن سند بدست صاحب خود شروع میشود در صورت اخیری صاحب سند باید روز وصول سند را بدست خود فقط بموجب نوشته ثابت نماید

ماده ۴۹۴ - در صورت فوت یا جنون مستانف قبل از انقضای مدت استیناف جریان استیناف توقیف شده و ابتدای مدت از تاریخ ابلاغ حکم وراث یا قیم یا قایم مقام مستانف محسوب خواهد شد ابلاغ حکم را میتوان بتمام وراث من حیث المجموع نمود بدون تعیین اسم و شغل آنان .

ماده ۴۹۵ - با انقضای مدت استیناف حق استیناف هر یک از طرفین ساقط می شود ولی اگر در مدت استیناف از طرف قایم مقام استیناف نشده باشد متضرر حق خواهد داشت که در محکمه ابتدائی بر قایم مقام خود اقامه دعوا نماید .





### فصل سوم

#### در عرضحال و مقدمات رسیدگی استینافی

ماده ۴۹۶ — استیناف دعوا بتقدیم عرضحال میشود و این عرضحال باید مستقیماً به محکمه استیناف داده شود و تاریخ تقدیم و ثبت آن ابتدای دعوی استینافی خواهد بود لازم است در آن عرضحال اسم و شهرت و شغل و محل اقامت مستأنف و مستأنف علیه و حکم و قرار یک استیناف می شود و اینکه صدور حکم از کدام محکمه است و تاریخ ابلاغ آن بمستأنف و جهت استیناف و طلب حضور مستأنف علیه یا وکیل او به محکمه درج شود.

ماده ۴۹۷ — بعرضحال مذکور باید ضمیمه شود:

- ۱ - لایحه که متضمن ادعاء و اعتراضات مستأنف باشد.
- ۲ - التزامنامه مستأنف که هر گاه غیر محقق درآید خسارات وارده بر مستأنف علیه را از مصارف محاکم ابتدائی و استینافی خواهد پرداخت.
- ۳ - قبض صندوق محکمه در باب ودیعه نهادن مبلغی که عبارت است از صدی چهار مبلغ محکوم به حکم محکمه ابتدائی و هر گاه موضوع استیناف مالی نباشد مطابقاً ده تومان است.
- ۴ - وکالت نامه مصدقه و کپی در صورتیکه عرضحال را وکیل تقدیم می کند.



ماده ۴۹۸ — از مبلغ مذکور در ماده قبل در صورتیکه مستأنف غیر محقق درآید بمستأنف علیه درازای مصارف مجازات و خسارات وارده بر او که ثابت شده تادیه خواهد شد و تادیه مصارف مجازات بر تادیه خسارات مقدم است و اگر مستأنف محقق شد مبلغ مذکور به او مسترد می شود هر گاه مصارف و خسارات مستأنف علیه بعد از ثبوت حقانیت او پیش از مبلغی است که در صندوق گذاشته شده است مستأنف بموجب التزامنامه بحکم محکمه خواهد پرداخت.

ماده ۴۹۹ — هر عریضه استینافی که دارای شرایط مذکوره در ماده (۴۹۶) و (۴۹۷) نباشد قبول نخواهد شد عدم قبول عرضحال باید در ظرف سه روز از تاریخ ورود عرضحال بدفتر خانه محکمه استیناف از طرف دفتر خانه مذکوره به ارض اعلام شود که نواقص را رفع نماید و اگر بمرتب شدن عریضه جدیدی محتاج باشد مستأنف را تا انقضای مهلت استیناف این حق خواهد بود هر گاه بواسطه مسامحه یا اهمال مامورین محکمه اعلام مذکور در موعد مقرر بعمل نیاید و مهلت استیناف منقضی شود مستأنف میتواند به محکمه شکایت نماید و محکمه بعد از ثبوت حقانیت مستأنف مهلت استیناف او را تجدید نموده مراتب را بمدعی العموم اطلاع می دهد.

ماده ۵۰۰ — در صورتیکه مهلت استیناف منقضی شده باشد عرضحال مستأنف بموجب قرار محکمه استیناف باو مسترد میشود.

ماده ۵۰۱ — سواد مصدق عرضحال با منضمات آن بمستأنف علیه



ابلاغ میشود و مشارالیه در ظرف يك هفته يك لایحه که متضمن جواب های او است ترتیب داده و به محکمه تقدیم می نماید پس از آن جلسه رسیدگی معین و بطرفین اعلام میشود هر يك از مستانف و مستانف علیه باید شخصا یا وکیل آنان در روز معین برای رؤیت دعوا در محکمه استیناف حضور بهم رسانند و اگر یکی از آنان بر خلاف این قاعده رفتار کرد بموجب درخواست طرف حکم غیابی داده میشود ولی در این صورت محکوم علیه غایب می تواند بر حسب قانون در محکمه استیناف بان حکم اعراض نماید

ماده ۵۰۲ -- در موارد استیناف احکامی که با ترتیبات اختصاری صادر شده است ترتیب لایحه از طرف مستانف و مستانف علیه لازم نیست بلکه مستانف باید فقط عرضحال استینافی بضمیمه قبض صندوق و التزامنامه که در ماده (۴۹۷) مذکور است تقدیم نماید و نسخه ثانوی عرضحال با حضاریه بطرف مقابل ابلاغ و برای جلسه که معین شده است احضار می شود

ماده ۵۰۳ -- اگر در يك حکم یا قرار یکی استیناف شده اجرای موقتی آنها درج نشده باشد استیناف آن حکم یا آن قرار اجرای آنها را بتأخیر مباداند

ماده ۵۰۴ -- هرگاه اجرای وقت حکم یا قرار یکی قابل استیناف است قانونا جایز بوده و این نکته در حکم یا قرار تصریح نشده باشد مستانف علیه میتواند قبل از رسیدگی بدعوی استیناف عریضه تقدیم



کرده و تامین بدهد که در صورت محکومیت خود مبلغ محکوم به را رد نماید و پس از آن از محکمه استیناف اجرای موقتی آن حکم یا قرار را درخواست کند و همچنین اگر محکمه ابتدائی بدون سبب قانونی قرار اجرای موقتی حکم را داده باشد مستانف میتواند که بروفق اصول مستانف علیه را معجلا به محکمه استیناف جلب و اجرای موقتی آن حکم را منع نماید

ماده ۵۰۵ -- اگر محکمه ابتدائی در مواردی که قانونا مازون به اصدار حکم قطعی بوده در حکم خود قطعی بودن حکم را قید نماید و یا قید کند که آن حکم قابل استیناف است استیناف آن حکم قبول نخواهد شد و هرگاه محکمه در مواردیکه مازون باصدار حکم قطعی نبوده در حکم خود قطعی بودن آنرا قید کرده باشد استیناف آن حکم قبول خواهد شد در مورد اخیر محکمه استیناف اجرای حکم را تعطیل نمی کند تا وقتی که غیر قطعی بودن آن ثابت شود بعد از ثبوت باید معجلا طرفین را احضار و تکلیف حکم را معین نماید

## فصل چهارم

در شرایط و ترتیب رسیدگی استینافی

ماده ۵۰۶ -- ممکن نیست که در محکمه استیناف ادعای جدیدی نمود یعنی ادعائی غیر از آنکه در محکمه ابتدائی شده است ولی دعاوی مفصله





ادعای جدید محسوب میشود

- ۱ - اگر مستأنف تقاضای تادیه قیمت مالی را نماید که در محکمه ابتدائی محکوم به بوده است که طرف فروخته و یا مفقود داشته
- ۲ - در صورتیکه در مقابل اصل ادعا که راجع بمطلب باشد ادعای تقاص یا حساب بشود
- ۳ - ادعای وجه اجاره و پس افتادن آن و سایر متفرعات از قبیل ضرر و زیان که بعد از صدور حکم ابتدائی به مدعی به اصلی تعلق گرفته
- ۴ - وقتیکه ابراز دلایل جدیدی برای ابطال ادعای اصلی بشود

ماده ۵۰۷ - - کسی غیر از صاحبان دعوی که در محاکمه ابتدائی بوده اند حق ندارد داخل دعوی استینافی شود

ماده ۵۰۸ - - اگر مستأنف دعوی خود را بدون عذر موجه قانونی سه ماه منوالی ترك نماید بنا بخواهش مستأنف علیه محکمه در سقوط دعوی استینافی قرار داده و حکم محکمه ابتدائی بمنزله حکم قطعی محسوب میشود

ماده ۵۰۹ - - اصول و قواعدی که در مجاکم ابتدائی در خصوص ترتیبات محاکمه و صدور حکم رعایت میشود در مجاکم استیناف نیز مرعی خواهد بود مگر در مواردیکه صریحا تکلیف آنها در این باب کتاب معین است



ماده ۵۱۰ - محکمه استیناف هرگاه دید حکمی که تقاضای استیناف آن شده قابل استیناف نبود قرار داده عرضحال را رد و حکم محکمه ابتدائی را تایید می کند و هرگاه بعد از رسیدگی مستأنف را محقق دید مجددا بماهیت دعوا رسیدگی نموده حکم میدهد .

ماده ۵۱۱ - هرگاه باحکامی که از محکمه استیناف غیابا صادر می شود اعتراض شود بدعوی اعتراضی در خود محکمه استیناف بروفق اصول مجازات رسیدگی می شود .

ماده ۵۱۲ - احکام حضوری که از مجاکم استیناف صادر می شود و همچنین احکامی که غیابا صادر شده و در موعد مقرر برای اعتراض عریضه اعتراض داده نشده باشد قطعی محسوب می شود .

ماده ۵۱۳ هر يك از طرفین که در محکمه استیناف غیر محقق در آمد تادیه کلیه مصارفی که طرف کرده و مطالبه می نماید اعم از مصارف محکمه ابتدائی و استیناف به نحوی که در ماده (۴۹۷) و (۴۹۸) مذکور است محکوم خواهد شد .

## باب چهارم

در وسایل فوق العاده برای اعتراض بر حکم

### فصل اول

در اعتراض شخص ثالث بعد از صدور حکم

ماده ۵۱۴ - اگر در خصوص دعوائی حکمی صادر شود که بر حقوق شخص ثالث خللی وارد آورد و آن شخص چه اصاله و چه بنوسط و کبیل نه در حین مجازات و صدور حکم بمحکمه احضار شده و نه در مجازات دخالت کرده باشد ممکن است که بر آن آن حکم اعتراض نماید .

ماده ۵۱۵ - در مورد ماده قبل شخص ثالث حق دارد که بهر گونه حکم و قرار صادر از محاکم ابتدائی و استئناف اعتراض نماید و همچنین چون حکم حکم در حق غیر از کسانی که او را معین کرده اند نافذ و مجری نیست شخص ثالث می تواند بر حکم او هم اعتراض نماید .

ماده ۵۱۶ - اعتراض مذکور در دو ماده قبل بر دو قسم است اعتراض اصلی و اعتراض طاری (غیر اصلی) اعتراض اصلی عبارت است از اعتراضی که ابتداء از طرف شخص ثالث واقع شود در حالی که فیما بین

او و شخصی که حکم در حق او صادر شده است سابقا دعوائی بوقوع نرسیده باشد اعتراض طاری (غیر اصلی) اعتراض یکی از طرفین است بر حکمی که سابقا از يك محکمه صادر شده و در اثنای مجازات طرف دیگر برای اثبات مدعای خود آن حکم را ابراز نمود .

ماده ۵۱۷ - هرگاه محقق شود که دعوائی شخص معترض بی اصل است معترض بتحمل خساراتی را که از بابت اعتراض او بطرف مقابله وارد آمده و ثابت شده محکوم می شود .

ماده ۵۱۸ - اعتراض اصلی را باید بموجب عریضه تقدیم نمود و این عریضه بمحکمه رجوع می شود که حکم معترض علیه از آنجا صادر شده و احضار طرفین نیز بعمل می آید .

ماده ۵۱۹ - اعتراض طاری (غیر اصلی) کتباً یا شفاهاً بدون اینکه محتاج به تقدیم عرض حال جدید و احضار طرفین باشد بمحکمه که دعوی در آنجا رؤیت می شود بیان خواهد شد ولی اگر درجه آن محکمه پست تر از محکمه باشد که حکم معترض علیه را صادر کرده است لازم است که معترض عریضه بمحکمه که حکم را صادر کرده است تقدیم نماید و طرفین موافق اصول بان محکمه احضار شوند .

ماده ۵۲۰ - ممکن است که اعتراض طاری (غیر اصلی) تارو زاجرای



حکم معترض علیه اقامه شود و بعد از اجرای حکم معترض علیه هم شخص ثالث می تواند اعتراض نماید و هرگاه مدلل نماید که حقوقی که اساس و ماخذ اعتراض است بجهتی از جهات قانونی ساقط نشده است .

ماده ۵۲۱ -- در صورت وقوع اعتراض طاری غیر اصلی از طرف شخص ثالث هرگاه محکمه موافقی اصول کیفیت مسئله مشاهده کند حکمی که در خصوص اعتراض مذکور صادر می شود تغییر در اصل دعوی خواهد داد حکم اصل دعوی را بتأخیر انداخته منتظر نتیجه دعوی اعتراض می شود والا به دعوی اصلی رسیدگی کرده منفرداً قطع می نماید .

ماده ۵۲۲ -- اعتراض شخص ثالث اجرای احکام قطعی را بتأخیر نمی اندازد ولی اگر ثابت گردد که از اجرای حکم معترض علیه خطر یا ضرری واقع خواهد شد که چیران آن در آنپه ممکن نخواهد بود محکمه که دعوی اعتراض در آن اقامه شده است بعد از تحصیل تأمین صحیح از شخص معترض قراری در تأخیر اجرای حکم معترض علیه بمدت معین می دهد .

ماده ۵۲۳ -- اگر محقق شود که اعتراض شخص ثالث مقبول است از حکم معترض علیه فقط مواد راجعه بحقوق شخص معترض رد می شود و باقی مواد حکم بحال خود باقی میماند ولی اگر مواد حکم مذکور غیر قابل تفکیک باشد در اینصورت کلیه آن حکم رد می شود .



## فصل نهم

در اعاده محکمه - ( تجدید نظر )

### مبحث اول

#### در موارد اعاده محکمه

ماده ۵۲۴ -- در صورت وجود یکی از جهات اعاده محکمه در احکامی که بطور قطعی حضوراً از محاکم ابتدائی و استیناف صادر شده و همچنین در احکامی که غیاباً صادر و قطعی شده ( بواسطه انقضای مدت اعتراض در محکمه استیناف و انقضای مدت استیناف احکام غیابی محکمه ابتدائی ) می توان اعاده محاکمه نمود .

ماده ۵۲۵ -- در این صورت باید خود یا وکیل شخصی که مستدعی اعاده محاکمه است عریضه منضم اسدعای خود تقدیم وجهت یا جهاتی را که برای اعاده محاکمه قانون نامعین شده است در عریضه خود بیان نماید .

ماده ۵۲۶ -- جهات اعاده محاکمه از قرار تفصیل است .

- ۱ - صدور حکم در مطلبی که موضوع اعاده نبوده .
- ۲ - در صورتیکه حکم بمقدار بیشتر از مدعی به صادر شده است .

۳ - در صورتی که از محکمه ابتدائی یا استیناف حکم قطعی صادر شده و حکم مذکور مغایر با حکم سابق است که همان محکمه در خصوص همان دعوا و مابین همان اصحاب دعوا داده است بعبارة اخری در صورت صدور حکم جدیدی برخلاف حکم سابق بدون اینکه سبب قانونی وجود داشته و موجب این مغایرت باشد .

۴ - در موری که در مفاد يك حکم مواد متضاد باشد .

۵ - در صورتیکه طرف مقابل مستدعی اعاده محاکمه چپله و تقابلی نموده باشد که در حکم محکمه اثری داشته باشد .

۶ - اگر ثابت گردد که اسناد و نوشتهجاتی که اساس حکم و قرار محکمه اتخاذ شده است مزور و مجهول بوده است .

۷ - اگر بعد از صدور حکم اسناد و نوشتهجاتی که راجع بان حکم است بدست صاحب آن بیاید و ثابت شود که آن اسناد و نوشتهجات را طرف مقابل مکتوم داشته و یا باعث کتمان آنها بوده .

۸ - هرگاه محقق شود که در مواردیکه قانون دخالت مدعی العموم را در محاکمه حقوقی تقاضا می کند محاکمه بدون مداخله او شده و حکم بر علیه طرفی صادر شده که حضور مدعی العموم برای حفظ منافع اوست .

مبحث دوم

در موعد اعاده محاکمه

ماده ۵۲۷ - مدت مهلت معینه برای اعاده محاکمه همان است که برای استیناف قانونا معین شده است و هرگاه عرضحال اعاده محاکمه در ظرف همان مدت تقدیم نشود قبول نخواهد شد .

ماده ۵۲۸ - اگر حکم در حضور طرفین صادر شده باشد مدت استدعای اعاده محاکمه در غیر از موارد مندرجه در مواد (۵۳۰) الی (۵۳۳) از تاریخ ابلاغ حکم بطرفین یا به محل اقامت آنان و اگر غیابی باشد از انقضای مدت معینه برای اداء-راض و استیناف یعنی از تاریخ قطعی شدن بران حکم محسوب می شود .

ماده ۵۲۹ - اگر سبب اعاده محاکمه فقره اول و دوم ماده (۵۲۴) و طرفی که منضرر شده است اداره خیرات عمومی باشد از موعد مقرر مستثنی است .

ماده ۵۳۰ - در مورد ماده قبیل هر وقت مدعی (اداره خیرات عمومی) بتواند ثابت کند که حکم در خارج از موضوع ادعا یا زیاد تر از مقدار مدعی به صادر شده حق اعاده محاکمه را خواهد داشت .

ماده ۵۳۱ - مدت اعاده محاکمه در مواردی که از خصایص محاکم

در حق صغار که ولی یا قیم نداشته اند از تاریخ ابلاغ حکم بصغار یا به محل اقامت آنان بعد از وصول بعد بلوغ محسوب می شود و هرگاه ولی یا قیم داشته اند در روز ابلاغ حکم بولی یا قیم محسوب می شود .

ماده ۵۲۲ -- اگر سبب اعاده مجازات مجعول یا مزور بودن اسنادی باشد که ابراز شده یا بواسطه جعله و تقلبی که طرف مقابل کرده و یا بجهت وجود بعضی اسناد و نوشتهجات مکتومه در نزد طرف مقابل یا اشخاص دیگر که ابراز آنها در حین مجازات نشده در این سه مورد مهلت قانونی برای تقدیم عرضحال اعاده مجازات از روز ثبوت جعلیت اسناد یا محقق شدن جعله و تقلب طرف مقابل در محکمه که صلاحیت دارد یا روز وصول نوشتهجات مکتومه بدست صاحب آنها محسوب خواهد شد ولی در مورد کشف تقلب و اسناد مکتومه لازم است که ادبای بروز آن بواسطه اسناد کتبی باشد .

ماده ۵۲۳ -- اگر محکوم علیه قبل از انقضای مدت اعاده مجازات وفات کند یا مجنون شود ابتدای مدت از تاریخ ابلاغ حکم بورقه یا ولی محسوب خواهد شد .

بجای سیم

در استدعای اعاده مجازات و ترتیب رسیدگی

ماده ۵۲۴ -- عرضحال اعاده مجازات باید بهمان محکمه داده شود که

حکم را صادر کرده است و همان هیئت حاکمه که حکم را داده اند اعاده مجازات می نمایند اگر استدعای اعاده مجازات برای ابطال حکمی باشد که از يك محکمه صادر شده و در محکمه دیگر در حین رسیدگی بدعوای دیگری جزء دلایل اقامه شده است و استدعای اعاده مجازات به محکمه آخری داده شود آن محکمه مکلف است که عرضحال اعاده مجازات را به محکمه که آن حکم را صادر کرده است رجوع نماید و خودش موافق احوال و کیفیت مسئله کاری را که در تحت رسیدگی است تا ختم اعاده مجازات توقیف نماید و یا رسیدگی را تعقیب کرده به انجام برساند .

ماده ۵۲۵ -- عریضه اعاده مجازات قبول نمی شود مگر اینکه عارض برای تادیبه ضرر و زیانی که بطرف مقابل میتواند وارد شود مبلغی در صندوق محکمه بودیعه گذاشته قبض آن را بعرضحال ضمیمه کند مبلغ مذکور در اعاده مجازات معادل با صدی پنج مبلغ یا قیمت محکوم به خواهد بود و دیعه گذاشتن مبلغ مذکور باعث نمی شود که منضرر بنوائد پیش از آن مبلغ ادعای خسارات نماید هرگاه استدعای اعاده مجازات را جمع بدولت و ادارات دولتی است و دیعه مبلغ مذکور لازم نیست در مواردی که بتوان محکوم به را تقدیر کرد (موضوع آن مالی نباشد) مقطوعا بیست و پنج تومان و دیعه گذاشته می شود .

ماده ۵۲۶ -- استدعای اعاده مجازات اجرای حکمی را که اعاده آن استدعا شده است بتأخیر نمی اندازد و اگر تاخیر اجرای آن استدعا

شده باشد محکمه نمیتواند بمجرد استدعا بهیچوجه من الوجوه حکم بتاخیر  
اجری نماید .

ماده ۵۳۷ -- در محاکمه که بموجب استدعا اعاده محاکمه می شود  
غیر از جهاتی که در ماده (۵۲۶) مندرج است سبب دیگری را نمیتوان  
موضوع محاکمه قرار داد .

ماده ۵۳۸ -- اگر ظاهر گردد که استدعای اعاده محاکمه مبنی بر  
اساس نیست استدعای مذکور رد و عارض بتادیه خسارت طرف مقابل از  
وجه نقدی که در صندوق محکمه ودیعه گذاشته است محکوم می شود و هرگاه  
طرف مقابل ثابت نماید خسارت او بیش از مبلغی است که در صندوق  
محکمه ودیعه گذاشته است عارض غیر محق بتادیه باقی خسارت طرف مقابل  
نیز محکوم می شود .

ماده ۵۳۹ -- اگر اسبابی که برای اعاده محاکمه ذکر شده  
موافق قانون موجود باشد قراری در محکمه داده می شود که بموجب  
آن استدعای اعاده محاکمه قبول شود و مبلغی که در صندوق محکمه  
امانت است بصاحب آن رد شود و اجرای حکم سابق به تاخیر افتد و  
طرفین بحالت قبل از صدور حکم سابق که باعث اعاده محاکمه شده  
است معاودت مینمایند ولی اگر محکوم به سابق حاوی چند ماده بوده  
و اعاده محاکمه راجع به بعضی از آن مواد باشد اجرای بقیه مواد به  
تاخیر نمی افتد .

ماده ۵۴۰ -- پس از اینکه محکمه در باب قبول اعاده محاکمه قرار  
لازم دادبماهیت دعوی در همان محکمه با حضور طرفین رسیدگی و تحقیقات  
شده حکم جدیدی صادر می شود .

ماده ۵۴۱ -- در خصوص حکمی که بر حسب استدعای اعاده محاکمه  
صادر شده است دیگر استدعای اعاده محاکمه نمیتوان نمود .

## فصل سوم

### در تمیز احکام

#### مبحث اول

##### در مواد عمومی

ماده ۵۴۲ -- احکام مفصله الذیل قابل تمیز هستند :

- ۱ - احکام (حضوری) محاکم استیناف
- ۲ - احکام غیابی محاکم استیناف که مدت اعتراض بر آنها منقضی  
شده است .
- ۳ - احکام قطعی محاکم ابتدائیه
- ۴ - احکام قابل استیناف که از محاکم ابتدائی چه حضورا و چه غیابا  
صادر شده ولی بواسطه انقضای مدت استیناف قطعی گشته اند .

ماده ۵۴۳ -- احکام مفصله قابل تمیز نیست .

۱ - احکامی که از محاکم عدلیه بر طبق احکام عدول مجتهدین جامع الشرایط صادر شده .

۲ - احکامی که مستند باقرار صریح باشد .

۳ - حکم حکم و مصدقین که طرفین در انتخاب آنان تراضی نموده و بموجب التزام قانونی حکم آنانرا قاطع دانسته اند .

۴ - در صورتی که طرفین بالانزام قانونی ملتزم بسقوط حتی تمیز شده باشند

ماده ۵۴۴ -- مهلت تمیز برای سکنه ایران دو ماه است و برای کسانی که مقیم ممالک خارجه اند سه ماه وابتدای این مدت ازقرار تفصیل است  
۱ - برای احکام مجازات استیناف ا - در صورتیکه حکم حضوری باشد از روز ابلاغ آن بطرفین ب - در صورتیکه غیابی باشد از روز انقضای مدت اعتراض بر آن

۲ - برای احکام محاکم ابتدائی (ا) در صورتیکه حکم حضوری بطور قطعی صادر شده باشد ازروز ابلاغ آن بطرفین (ب) اگر حکم حضوری قابل استیناف بوده واستیناف نشده باشد از روز انقضای مدت استیناف (ج) هرگاه حکم محکمه ابتدائی غیابی باشد از روز انقضای مدت استیناف

ماده ۵۴۵ -- مدت تمیز بواسطه فوت محکوم علیه توقیف شده وابتدای مدت از تاریخ ابلاغ حکم پورته یا قیم آنان محسوب خواهد شد

مبحث دوم

در تریب استدعای تمیز

ماده ۵۴۶ -- استدعای تمیز بموجب تقدیم عرضحال می شود واین عرضحال در طهران مستقیما به محکمه تمیز و در خارج طهران به محکمه استیناف و اگر نباشد به محکمه ابتدائی تقدیم خواهد شد و قبض رسید دریافت میشود

ماده ۵۴۷ -- عرضحال در ظرف مدت مذکور در ماده (۵۴۴) به یکی از مقامات مذکور باید داده و ثبت شود و الا مدت تمیز منقضی خواهد شد و لازم است که در عرضحال تاریخ روز و ماه و سال و اسم و شهرت و شغل و محل اقامت مدعی و مدعی علیه و اینکه حکمی که تمیز میشود از کدام محکمه صادر شده و تاریخ ابلاغ حکم محکمه کی بوده است و چه مغایرتی با قانون دارد صریحا قید شود

ماده ۵۴۸ -- به عرضحال مذکور در ماده قبیل باید منضم شود

۱ - صورت حکمی که تمیز میشود

۲ - لایحه منضم مواد ادعا و ادله مستدعی تمیز و ایضاح و تفصیل اعتراضات او

۳ - قبض صندوق محکمه ابتدائی یا استیناف در وصول مبلغی که برای



ضمانت ضرر و زیان طرف مقابل در صورت محقق بودن او بودیعه گذاشته میشود مقدار این مبلغ مساویست با صدی پنج قیمت محکوم به حکمی که تمیز میشود و هر گاه محکوم به را نتوان تقدیر کرد ( یعنی موضوع حکم مالی نباشد ) پانزده تومان مقطوعاً و دیعه گذاشته می شود

ماده ۵۴۹ - عرضحالی که بروفتی دو ماده قبل نباشد قبول نمی شود و اگر مدت تمیز منقضی نشده باشد به مستدعی تمیز در ظرف سه روز از طرف دفتر خانه اعلام میشود که نواقص عرضحال را رفع کند و اگر مدت تمیز منقضی شده باشد عرضحال بصاحبش رد میشود

ماده ۵۵۰ - هر گاه دفتر خانه محکمه ابتدائی یا استئنافی نواقص عرضحال تمیزی را در موقع خود بعارض اعلام ننماید و مدت تمیز منقضی گردد عارض می تواند به محکمه تمیز شکایت نماید و محکمه مذکور بعد از رسیدگی و اثبات حقایق عارض دو هفته مهلت میدهد که نواقص عرضحال خود را تکمیل نماید و هر گاه در مدت مذکوره عارض نواقص مذکوره را رفع نکرد عرضحال قطعا رد میشود و هر گاه محکمه ابتدائی یا استئنافی بدون سبب قانونی عرضحال را رد کند پس از شکایت بدیوان تمیز محکمه تمیز قراری در برقراری حق نمیر عارض داده و مهلتی که در هر حال نباید پیش از مهلت قانونی باشد برای تقدیم عرضحال معین می کند و مراتب را در هر دو مورد بمدعی العموم محکمه تمیز اعلام میدهد

ماده ۵۵۱ - استدعای تمیز اجرای احکام را تا وقتی که احکام نقض



نشده است بناخیر نمی اندازد ولی هر گاه اجرای حکم موجب ضرر و زیانی برای مستدعی شود که تدارک آن در آتی ممکن نباشد و مستدعی تمیز تا مین صحیح بطوریکه برای تامین مدعی به مصرح است بدهد براینکه در صورت عدم حقایق مثل محکوم به را تسلیم طرف مقابل خواهد نمود اجرای حکم بتاخیر می افتد هر گاه لازم شود که محکوم به نقدی و دیعه گذاشته شود در طهران بصندوق وزارت عدلیه و در ولایات بصندوق محاکم تسلیم میشود

ماده ۵۵۲ - سواد عرض حال ولایچه که موافق ماده ( ۵۴۸ ) باید منضم بعرض حال باشد از طرف دفتر دار محکمه مصدق شده و در عرض يك هفته از تاریخ تقدیم آن بمدعی علیه ابلاغ میشود و مدعی علیه نیز مکلف است که در ظرف يك هفته از تاریخ وصول سواد عرض حال و لایحه با لایحه جوابیه متضمن اظهارات و مدافعات و تمام ادله که بر ضد اعتراضات مدعی دارد ترتیب داده و بدفترخانه محکمه که تقدیم عرضحال شده است بدهد

ماده ۵۵۳ - در صورتیکه عریضه تمیزی به محکمه ابتدائی یا استئنافی تقدیم شده باشد دفتر دار محکمه مکلف است سواد عرضحال و منضمات آنرا مصدق نموده و بمدعی علیه ابلاغ نماید و پس از اینکه لایحه جوابیه را در ظرف يك هفته دریافت داشت توضیحات طرفین را رئیس محکمه دراف یاد داشت اگر لازم باشد با اولین پست بمحکمه تمیز ارسال دارد و اگر عرض حالی که مستدعی بطریق مذکور در فوق بدفترخانه محکمه تقدیم نموده





است جامع شرایط مقضیه نباشد بمشار الیه اخطار میشود که شرایط را تکمیل نماید ولی اگر مستدعی تمیز آن را تکمیل نکند و هم چنین در صورتیکه مدعی علیه در ظرف يك هفته لایحه جوابیه را ندهد عربضه تمیزی بتأخیر نیاقتاده فوراً بمحکمه تمیز فرستاده میشود در این صورت دفتر دار ابتدائی یا استیناف باید در یاد داشتی که بعربضه مذکور منضم و به محکمه تمیز ارسال میدارد و تاریخ تقدیم عرضحال و منضمات آنرا و کیفیت اخطاری که بمستدعی شده است تصریح نماید و هر يك از مامورین محاکم که بواسطه عدم رعایت این ماده و ماده (۵۵۰) سبب تأخیر ارسال عربضه و باعث ضرر یکی از طرفین شده مورد مجازات خواهد بود

### مبحث سیم

#### در احضار متداعین و ترتیب رسیدگی

ماده ۵۵۴ — پس از وصول عربضه به محکمه تمیز و انقضای يك هفته از ابلاغ آن بمدعی علیه بحسب ترتیب قیمت عرایض در دفتر مخصوص روز حضور در محکمه معین شده و طرفین یا وکیل آنان به محکمه احضار می شوند و اگر مدعی علیه در طهران اقامت داشته باشد مهلتی که در ورقه احضاریه معین میشود نباید کمتر از يك هفته از تاریخ ابلاغ ورقه مذکور باشد و اگر در خارج باشد برای هر چهار فرسخ مسافت يك روز بر مدت مذکور اضافه میشود

ماده ۵۵۵ — اوراق احضاریه که بخارج داده میشود باید از طرف



رئیس محکمه تمیز بر رئیس محکمه ابتدائی که در محل اقامت احضارشونده واقع است فرستاده شود رئیس مذکور مکلف است که ورقه مذکور را به محض وصول به شخص یا به محل اقامت احضار شده موافق اصول احضار ابلاغ و رسید احضار شونده را در ضمن مراسله جوابیه بر رئیس محکمه تمیز ارسال دارد

ماده ۵۵۶ — رئیس هر شعبه عرایض و اعتراضات و اجوبه و اسناد طرفین را بادوسپه محکمه که حکم آن تمیز می شود بانظریات بیک یا چند نفر اعضای شعبه برای تحقیق و تدقیق داده ومدتی که زیادتیر از ده روز نباشد از برای دادن راپورت معین می نماید .

ماده ۵۵۷ — بعد از اینکه ممیز تحقیقات خود را تمام و در حضور اعضاء قرائت نمود بدوا دیوان تمیز در مسئله رد یا قبول عرضحال تمیزی موافق قانون مذاقه نموده قرار رد یا قبول را میدهد و هرگاه قرار قبول داد شروع پرسپدگی تمیزی دراصل دعوی می نماید و رئیس شعبه آنچه را که صلاح بداند از متداعین استفسار می کند و سؤال و جواب را منشی نوشته طرفین در خاتمه آن مهر و امضا می نمایند .

ماده ۵۵۸ — بعد از اتمام اسقبضاح از طرفین در راپورت ممیز آنچه ضرورت داشته باشد اصلاح میشود .

ماده ۵۵۹ — ترتیب رسیدگی و اتمام مذاکره و گرفتن رای به



طریقی است که موافق اصول محاکمات مقرر است .

ماده ۵۶۰ — بعد از اینکه اعضاء شعبه حقوق رای دادند طرفین احضار و رای دیوان تمیز از نقض و ابرام بر آنها قرائت می شود .

ماده ۵۶۱ — صورت رای با امضاء اعضاء شعبه باید بمنشی تسلیم شود که در دفتر باقید ممره و تاریخ ثبت نماید .

ماده ۵۶۲ — محکمه تمیز بدعوا از روی لوایح و نوشتهجات رسیده گی و تدقیق می کند احضار طرفین بمحکمه فقط برای توضیح اظهارات و اعتراضات و جواب هائی است که در عربضه و لوایح آنها بیان شده است بنا براین بعد از آنکه در روز معین نوشتهجات موجوده در حضور طرفین یا در غیاب یکی از آنان در صورت عدم حضور بعد از احضار قرائت شد محکمه به تدقیقات تمیزی مباشرت کرده و حکمی که صادر میشود معین خواهد بود .

ماده ۵۶۳ — اگر تدقیق دعوی در روز معین تمام نشد و بجلسه دیگری محول گشت روز حضور معین شده بطرفین اعلام می شود و اگر طرفین در روز مذکور حاضر نشدند در غیاب آنان بر رسیدگی مداومت خواهد شد .

ماده ۵۶۴ — هرگاه علاوه بر نوشتهجات و اوراقی که طرفین تقدیم



کرده اند اطلاع بسایر نوشتهجات مقتضی باشد محکمه تمیز می تواند سایر اوراق را خواسته مطالبه نماید .

ماده ۵۶۵ — مقصود از تمیز تدقیق در حکمی است که تمیز شده و در صورت توافق حکم مذکور با قوانین و اصول محاکمه آن حکم ابرام و الا نقض می شود .

### مبحث چهارم

در موارد نقض و ابرام

ماده ۵۶۶ — در موارد چهارگانه ذیل احکام نقض می شود (۱) اگر محکمه که حکم داده است خارج از صلاحیت قانونی خود بدعوائی رسیده گی کرد (۲) هرگاه رسیده گی موافق صلاحیت قانونی محکمه بوده ولی حکم بر خلاف قانون صادر شده (۳) اگر بادعائی بر خلاف اصول محاکمه رسیده گی شده و عدم رعایت اصول مذکوره بدرجه اهمیت دارد که حکم را از اعتبار حکم قانونی میباندازد (۴) اگر احکامی که از دو محکمه در یک موضوع و ماده صادر شده میان هم دیگر باشند

ماده ۵۶۷ — هرگاه قضیه در محکمه رؤیت شده باشد که رسیده گی بان اصالتا از خصایص آن محکمه نبوده و همچنین اگر بدعوائی تجارته در محکمه حقوق و یا بدعوائی حقوقی در محکمه تجارته و یا بدعوائی که از خصایص محاکم شرعیه است در محاکم عرفیه و یا بدعوائی که از



خصایص محکمه ابتدائیه است در محکمه استیناف و یا بدعوائی که از خصایص محکمه استیناف است در محکمه ابتدائی یا خارج از مرجع استینافی آن دعوی رسیده گی شده باشد حکم صادر نقض می شود و لو اینکه در اثنای رسیدگی خواه در محکمه ابتدائی و خواه در استیناف از قبل هیچیک از متداعیین در این خصوص اعتراض نشده باشد ولی اگر دعوائی از خصایص یکی از محاکم تجارته بوده و در محکمه تجارته دیگر رسیده گی شده و یا راجع به یکی از محاکم ابتدائیه بوده و در محکمه ابتدائیه دیگر رویت شده و در اثنای رسیدگی هیچیک از طرفین اعتراض نکرده اند حکم صادر نقض نمی شود.

ماده ۵۶۸ - حکم صادر در خصوص دعوائی مادام که محکم مذکور با قوانین جاریه که در حین وقوع آن دعوی معتبر و مجری بوده مخالف نباشد نقض نمی شود

ماده ۵۶۹ - هرگاه عین مفاد حکم مطابق یکی از مواد قانونی است ولی اسباب موجه حکم باماده قانونی دیگری که معنی دیگری دارد تطبیق شده آن حکم نقض می شود.

ماده ۵۷۰ - اگر در دعوائی که از قراردادی ناشی شده بمفاد صریح سند یا قانون و نظامنامه مملقه بان قرار داد معنی دیگری داده شود حکم صادر در آن خصوص نقض میشود



ماده ۵۷۱ - اصول و کفیهاتی که برای تأیید مفاد حکمی در خود حکم مندرج است در محکمه تمیز محقق و معتبر محسوب است و ای چنانچه از اوراقی که اساس آن سند اصول و کفیهات است و یا از اسناد و نوشتهجاتی که طرفین در حین محاکمه ابراز می کنند عدم صحت مندرجات مذکوره ثابت گردد حکم مذکور نقض میشود

ماده ۵۷۲ - هرگاه در یکی از محاکم بر خلاف اصول محاکمه بدعوائی رسیده گی شده باشد در دومورد حکم آن محکمه نقض می شود

۱ - هرگاه اصول محاکمه که رعایت نشده بوظایف محکمه راجع بوده و عدم رعایت اصول مزبور صحیح است بدرجه اهمیت داشته که در حکم محکمه نافذ و مؤثر بوده و بهمان جهت نمی توان حکم محکمه را حکم قانونی دانست

۲ - اگر مدعی یا مدعی علیه بعدم رعایت اصلی از اصول ترتیبات محاکمه اعتراض نموده باشند و بان اعتراض رسیده گی نشده باشد

ماده ۵۷۳ - اگر احکام متغایر از یک محکمه و یا از محاکم ابتدائیه که در حوزه یک محکمه استیناف هستند صادر شده و در موقع اعاده محاکمه یا استیناف بر خلاف قوانین مقررہ نسخ نشده باشد در محکمه تمیز نقض می شود

ماده ۵۷۴ - هرگاه احکام متغایر از دو محکمه صادر شده و احکام مذکوره متعلق به یک دعوی و راجع به متداعیین معین باشد بدون اینکه صورت

قضیه تغییر کرده باشد در این صورت حکم ثانوی نقض و حکم اولی نیز در صورتیکه مخالف قانون باشد نقض میشود

ماده ۵۷۵ - اگر يك حکم مغایر صریح قانون باشد با اصول ترتیبات محاکمه رعایت نشده باشد و آن عدم رعایت بدرجه اهمیت داشته باشد که از حکم محکمه مؤثر و آن را از اعتبار حکم قانونی بپاندازد آن حکم نقض میشود ولو دلابلی که بمستدعی تمیز برای نقض اقامه می کند کافی و موجب نقض نباشد

مبحث پنجم

در اقدام محکمه تمیز بعد از نقض

ماده ۵۷۶ - محکمه تمیز باصل و ماهیت دعوائیک حکم ان را نقض می کند رسپدگی ننموده رسپدگی را به محکمه که قانون معین می کند محول می دارد

۵۷۷ - اگر حکم بواسطه عدم صلاحیت محکمه نقض شده محکمه تمیز دعوی را مستقیماً بمحکمه که صلاحیت رسپدگی را دارد محول می کند و در سایر موارد بشعبه دیگر همان محکمه که حکم منقوض را داده است رجوع می کند و اگر محکمه پیش از يك شعبه نداشته باشد خود دیوان تمیز محکمه را که در عرض محکمه حاکمه است معین و رسپدگی مجدد را بدان ارجاع مینماید .

ماده ۵۷۸ - اگر یکی از دو حکم مغایر هم که بصورت قطعی صادر شده موافق قانون بوده و دیگری نقض شود مجدداً بدعوی رسپدگی نمی شود ولی هرگاه هر دو نقض شوند دعوی بمحکمه که موافق ماده قبل محول می شود تا بعد از رسپدگی حکم مجدد صادر شود .

ماده ۵۷۹ - برای تصحیح حکم منقوض یا تجدید رسپدگی بدعوی بعد از نقض تقدیم عریضه جدید لازم نیست بلکه ارائه حکم محکمه تمیز کافی است .

ماده ۵۸۰ - هرگاه حکمی در محکمه تمیز بواسطه وجود يك یا چندین سبب از اسبابی که موجب نقض می شود نقض شده و برای تجدید رسپدگی به محکمه مرجوعه محول گشته اگر مفاد حکم منقوض بینی بر آن بوده مستند باشد و مجدداً یکی از طرفین نقض آن را بخواهند هیئت عمومی محکمه تمیز در خصوص آن حکم تحقیقات جدیده بعمل آورد و عندالزوم آن را نقض می کنند و اگر حکمی که در خصوص نقض ثانوی داده می شود مستند به همان علل و اسبابی باشد که موجب نقض حکم اولی شده بود محکمه که دعوی به آن محل می شود بامثال حکم محکمه تمیز مکلف است .

ماده ۵۸۱ - در حکمی که در محکمه تمیز صادر می شود باید اسم و شهرت و شغل و محل اقامت طرفین و حکمی که به تمیز رجوع شده است

و خلاصه اعتراضات و ادله طرفین و اسبابی که موجب نقض یا تصدیق آن  
آن حکم می شود ذکر شود .

ماده ۵۸۲ -- تمام احکام دیوان تمیز باید بقوسط مدعی العموم دیوان  
مذکور بوزیر عدلیه تقدیم شود .

### مبحث ششم

در تمیزی که از طرف مدعی العموم تقاضا می شود

ماده ۵۸۳ - چنانچه در ماده ( ۱۶۳ ) قانون تشکیلات عدلیه  
مقرر است مدعی العموم دیوان تمیز حق ندارد برای محافظت قانون حکم  
قطعی را که بر خلاف قوانین صادر شده تمیز نماید .

ماده ۵۸۴ - تقاضای تمیز از طرف مدعی العموم دیوان تمیز مدت  
ندارد هر وقت مطلع شد میتواند تمیز نماید .

ماده ۵۸۵ - رسیدگی تمیزی که تقاضای آن از طرف مدعی العموم  
شده چون برای حفظ قانون است بدون حضور متداعین بعمل می آید و  
هر گاه محکم نقض شد بلا ارجاع خواهد بود .

ماده ۵۸۶ - نقض محکمه تمیز در مورد سه ماده قبل فایده برای  
متداعین نخواهد داشت .

## باب پنجم

در مواعد

## فصل اول

قواعد عمومی در حساب کردن مواعد

ماده ۵۸۷ -- مواعیدی را که قانون معین کرده باید بنظر و تصویب  
محکمه معین شود و مواعیدی را که محکمه معین می کند باید موافقت داشته  
باشد با امکان انجام امری که برای ایفای آن موعد تقاضا یا تعیین شده  
( ماه که در مواعد قانون معین شده و میشود سی روز تمام است )

ماده ۵۸۸ - هر گاه روز آخر موعد و مصادف شود با روز تعطیل  
ادارات آن روز که ادارات تعطیل است بحساب نمی رود و روز آخر موعد  
روزی خواهد بود که ادارات بعد از تعطیل باز میشوند .

تبصره - در تعطیل ادارات اعیان ملی و مملکتی و روزهای  
مخصوص سوگواری مذهبی رعایت خواهد شد

ماده ۵۸۹ - هر گاه در روزی که برای تعیین متداعین در محکمه  
معین شده است محکمه جلسه نداشته یا مانعی برای رسیدگی داشته باشد  
انقضای موعد روزی خواهد بود که محکمه جلسه داشته و حاضر باشد .



ماده ۵۹۰ - در مواعیدی که محکمه روز و تاریخ انقضای آن را مخصوصاً معین کرده است در همان روز و تاریخ منقضی میشود .

## فصل دوم

### در دادن مهلت و تجدید مواعد

ماده ۵۹۱ - دادن مهلت فقط يك دفعه جایز است باستثناء دو مورد ذیل که می توان پیش از یکدفعه مهلت داد (۱) در صورت تراخی متداعین یا صاحب دعوا (۲) در صورتی که تقاضا کننده مهلت ثابت نماید که عدم انجام کاری که محکمه خواسته است بواسطه حدوث مواععی بوده که رفع آن مواعع در حیطه اقتدار تقاضا کننده نبوده است .

ماده ۵۹۲ - دادن مهلت بعد از انقضای مدت قانونی در موارد ذیل ممنوع است .

۱ - برای اعتراض بر حکم غیابی و تقدیم عرضحال استینافی چه از حکم و چه از قرار محکمه و عرضحال راجع با اعتراض شخص ثالث بعد از صدور حکم و اعاده مجازات و تمیز .

۲ - وقتی که متداعین بعد از انقضاء مواعیدی که معین شده بود مجدداً استمهال نمایند مگر اینکه در مورد فقره ثانوی محکمه ثابت نمایند

که در اعلام مدت مزبور سهو یا خطائی شده است که بدان جهت رعایت قوانین راجع بموعده را ممکن نبود .

ماده ۵۹۳ - مرض متداعین را با امکان تو کپل نمی توان جهت عدم استفاده از موعده و استمهال قرار داد .

ماده ۵۹۴ - خواهش تجدید موعده در صورتی پذیرفته است که مواعع یا معاذیر تقاضا کننده مشروع بوده و رفع مواعع در حیطه اقتدار او میباشد .

ماده ۵۹۵ - خواهش تجدید موعده منقضی بمحکمه راجع است که اوراق و نوشتهجات بان محکمه ارسال شده است و همان محکمه بتقاضای مزبور رسیدگی کرده قرار می دهد .

ماده ۵۹۶ - هر گاه کسی استدعای تجدید موعده نماید باید در ظرف دو هفته استدعای مزبور بعمل آید و ابتدای این موعده از تاریخی است که محکمه قرار خود را در باب انقضای موعده مقرر اعلام نموده است حق مسافت يك روز برای هر چهار فرسخ بر موعده مزبور علاوه می شود .

ماده ۵۹۷ - سواد خواهش تقاضا کننده بطرف مقابل اعلام و تاریخ

حضور طرفین در محکمه معین و بازان ابلاغ می شود .

ماده ۵۹۸ -- در صورت قبول خواهش تقاضا کننده موعده جدیدی معین و این موعده جدید به هیچوجه نباید پیش از موعده که قانونا مقرر است باشد و ابتدای موعده مجدد از تاریخ اتلام قرار محکمه در باب قبول خواهش تجدید موعده حساب خواهد شد .

## باب ششم

در اجرای احکام عدلیه

## فصل اول

در قواعد عمومی

مبحث اول

در مقدمات اجرا

ماده ۵۹۹ -- هیچ حکمی از احکام مجازات عدلیه بموقع اجرا گذاشته نمیشود مگر اینکه قطعی شده یا قرار اجرای موقت آن در مواردی که قانون معین می کند از محکمه که صلاحیت دارد صادر شده باشد .

ماده ۶۰۰ -- احکام مجازات عدلیه فقط وقتی بموقع اجرا گذاشته

می شود که محکوم له این تقاضا را از محکمه بکشد و محکوم له که اجرای حکم خود را می خواهد باید کتبا یا شفاه صبور ورقه اجرائیه را تقاضا نماید .

ماده ۶۰۱ -- ورقه اجرا باید بامضای رئیس و منشی محکمه رسیده بهر محکمه مامور باشد هرگاه مدعی یا مدعی علیه متعدد باشند یا حکم راجع باموال منقول یا غیر منقول متعدد باشد میتوان بعده هر کدام ورقه اجرائیه داد .

ماده ۶۰۲ -- در ورقه اجرائیه باید اسم مامور اجرا صریحا نوشته شود و بعد از تبلیغ ورقه اجرائیه تمام عملیات اجرای بهمه اوست .

ماده ۶۰۳ مامور اجرا مکلف است بتقاضای محکوم علیه اصل ورقه اجرائیه را باو ارائه دهد .

ماده ۶۰۴ -- حکمی که موضوع آن معین نیست قابل اجرا نمیباشد

ماده ۶۰۵ -- محکوم علیه و محکوم له میتوانند هر يك دو نفر شاهد برای حضور در حین عملیات اجرا دعوت نمایند ولی عدم حضور شهود مانع از اجرای حکم نخواهد بود .

ماده ۶۰۶ -- محکوم له حق دارد وسيله اجرای حکم را بمامور اجرا



بنماید و هر گاه مشار الیه آن وسیله را در نظر نگرفت تقاضا کند که این نکته در دفتر مشارالیه نوشته شود.

ماده ۶۰۷ — محکوم له حق دارد در حین عملیات اجرا حاضر باشد ولی نمی تواند دخالت در امر اجرا نموده تعلیماتی بدهد که از وظایف مامور اجرا است.

ماده ۶۰۸ — مامور اجرا باید مطابق مفصله را در دفتر خودش درج نماید (۱) اسم و اسم پدر خود و محکمه که از آن ماموریت دارد (۲) مفاد حکم محکمه که بموقع اجرا گذاشته می شود و تاریخ وصول ورقه اجرائیه باو (۳) اسم و شهرت و شغل محکوم له و محکوم علیه و شهودی که حاضرند (۴) تاریخ شروع با اجرا و محلی که در آنجا حکم اجرا می شود (۵) اقداماتی که کرده است و تاریخ هر اقدامی (۶) تصریح به مهلت هائی که داده شده است یا توقیفاتی که در حین اجرا بعمل آمده است (۷) مقدار محکوم به و تاریخ تسلیم آن بمحکوم له (۸) حق اجرائی که به خزانه تسلیم شده است.

ماده ۶۰۹ — مامور اجرا بتقاضای محکوم له و محکوم علیه باید سواد مصدقی از مندرجات دفتر خود باوان بدهد و حق سواد در تعرفه معین است.

ماده ۶۸۰ — بعد از مباشرت با اجرا مامور اجرا حق ندارد اجرای



حکم را تعطیل یا توقیف و یا قطع نماید مگر بقرار محکمه که حکم داده است یا بابر از قبض محکوم له که از محکوم علیه مبلغ محکوم به رسیده است و یا بالاخره رضایت نامه کتبی محکوم له در تعطیل یا توقیف و یا قطع اجرا تخلف مامور اجرا از وظایف خود باعث مجازاتی که معین شده است خواهد بود.

ماده ۶۱۱ — مامور اجرا محکوم به را به محکوم علیه تسلیم نموده قبض رسیده بگیرد و هر گاه محکوم به نباید بمشار الیه داده شود بمحکمه که حکم داده است تسلیم میشود.

ماده ۶۱۲ — در صورتی که مال محکوم علیه کفایت حق طلبکار یا طلبکاران را ننماید مامور اجرا مبلغ محکوم به را بمحکمه تسلیم مینماید که موافق فصل ششم این باب رفتار بشود.

ماده ۶۱۳ — اجرای حکم را مامور اجرا در روی ورقه اجرا قید کرده بمحکمه که آنرا داده است مسقرد میدهد و بمحکوم علیه قبض اجرای حکم را میدهد.

ماده ۶۱۴ — هر گاه محکوم علیه در حین اجرا فوت شود تا زمان معین شدن ورقه یا قیام (در صورت صغیر بودن آنها) اجرا توقیف میشود.

ماده ۶۱۵ — شکایت از مامورین اجرا و تخلفات آنان از حدود



قانونی بمدعی العموم محکمه راجع است که مامور اجرا در آن محکمه ماموریت دارد و ای منازعات راجعه به مفاد احکام راجع است بمحکمه که حکم داده است

ماده ۶۱۶ - شکایات مزبوره باید در ظرف دو هفته از تاریخ وقوع ماده شکایات یا اظهارات بعمل آید والا بی اثر خواهد ماند

ماده ۶۱۷ - شکایات از مامورین اجرا باعث تعویق یا توقیف اجرای حکم نمی شود مگر اینکه قرار محکمه که صلاحیت رسیدگی را دارد بتقاضای مدعی العموم در آن باب صادر شود

ماده ۶۱۸ - در مورد حدوث اختلاف و منازعه در مفاد حکم تقدیم احضار نامه باعث تاخیر اجرای حکم خواهد شد تا زمانیکه محکمه حکم را داده است قرار لازم را بدهد

ماده ۶۱۹ - بعد از وصول اظهار نامه محکمه سواد اظهار نامه را بطرف مقابل ابلاغ نموده معجلا مشار الیه را برای رسیدگی احضار می کند ولی عدم حضور احضار شده باعث تعویق رسیدگی و دادن قرار نمی شود

### مبحث دوم

#### در کیفیت اجرا

ماده ۶۲۰ - هرگاه محکوم علیه طوعا مدلول حکم محکمه را قبول نموده مامور اجرا بموجب مواد آتیه مدلول حکم را اجرا مینماید

ماده ۶۲۱ - هرگاه محکوم به عین معین از منقول یا غیر منقول است و برای مامور اجرا ممکن است که گرفته بمحکوم له تسلیم نماید عینا گرفته بذی حق خواهد داد و اگر برای تسلیم آن یا تخلیه محل مدتی لازم باشد باندازه لزوم مهلت داده میشود

ماده ۶۲۲ - اگر محکوم علیه اقدام بنصرف محکوم به نکند مامور اجرا موافق قانون اقدام کرده بنصرف محکوم له می دهد و هرگاه محکوم به عین معین است ولیکن محکوم علیه اصرار در انکار دارد و یا مخفی کرده است و دست رسی بان شکی نیست محکوم علیه ممتنع محسوب خواهد شد

ماده ۶۲۳ - هرگاه محکوم علیه ممتنع مال منقول یا غیر منقول دیگری دارد برای اداء دین او در ازای عین محکوم به توقیف می شود ( رجوع بفصل دوم این باب) و اگر مال دیگری که دست رس بان باشد نداشته باشد یا مال منقول یا غیر منقول محکوم علیه ممتنع ایفای دین او را ننماید موافق مواد آتیه رفتار میشود

ماده ۶۲۴ - در صورتی که محکوم علیه مدعی افلاس شد و اثبات نمود یا افلاس او از سابق معلوم یود شخص او از توقیف مصون است ولیکن ذمه مدیون مشغول است و هر وقت تمکن حاصل نماید محکمه بموجب اظهار طلبکار در صدد مطالبه حق او بر میاید

تنبيه - مقصود از مفلس غیر از ورشکسته به تقصیر است یا ورشکسته

به بی احتیاطی که مجازات آنان در قانون مجازات معین شد

ماده ۶۲۵ - اگر افلاس محکوم علیه معلوم نیست و خودش هم در صدد اثبات افلاس بر نیامده و امتناع از ادای دین دارد محبوس میشود و هرگاه در اتنای حبس افلاس او محقق شد رها می شود .

ماده ۶۲۶ -- اگر طاب کار خودش قبل از انقضای مدت حبس استدعای خلاصی محبوس را ننماید مجددا حق استدعای حبس او را نخواهد داشت .

ماده ۶۲۷ - هرگاه محکوم له ثابت نماید که محکوم علیه در صدد فرار است حق دارد توسط مامور اجرا ضامن یا کفیل از او بخواهد در صورتی که محکوم علیه امتناع از دادن ضامن یا کفیل نماید به تقاضای محکوم له توقیف میشود .

## فصل دوم

در توقیف اموال منقوله

مبحث اول

در مواد عمومی

ماده ۶۲۸ - عدم حضور محکوم له و محکوم علیه و شهود مانع از اجرای توقیف نخواهد بود .

ماده ۶۲۹ - مامور اجرا باید در موارد مفصله ماموری از نظمیه برای حضور در عملیات توقیف دعوت نماید ( ۱ ) هرگاه در باب خانه یا اطاق بسته است و یا قفل است و باز نمیکند ( ۲ ) هرگاه توقیف درغیاب محکوم بعمل میباشد .

ماده ۶۳۰ - اشیاء مفصله که از مستثنیات دین است توقیف نمیشود ( ۱ ) لباس و اشیاء و اسبابی که برای ایفای حوائج ضروریه مدیون و خانواده او لازم است ( ۲ ) آذوقه موجوده بقدر احتیاج یک ماهه مدیون و نفقه و کسوه اشخاص واجب النفقه ( ۳ ) اسناد مدیون باسنتهای کاغذهای قیمتی و سهام شرکت ها ( ۴ ) لباس رسمی و نیم رسمی مدیون و همچنین اسلحه و اسب اهل نظام حاضر خدمت ( ۵ ) اسباب و آلات زراعتی و حرفتی و صنعتی که برای شغل مدیون لازم است و همچنین دوابی که برای زراعت لازم است .

مبحث دوم

در ترتیب صورتبندی اموال منقوله

برداشته می شود

ماده ۶۳۱ - قبل از توقیف اموال منقوله باید صورتهای مرتب شود که در آن کتبه اسامی اشیاء نوشته شود و در موقع لزوم کپل و وزن و عدد اشیاء معین شود در صورت اشیاء طلا و نقره هرگاه عبارت آنها معین



باشد قید می شود در جواهرات عدد و اندازه و صفات و اسامی آنها معین می شود و در کتاب ها اسم کتاب و مؤلف و تاریخ طبع و در صورت تصویر و پرده های نقاشی مفاد پرده و طول و عرض آنها و اسم نقاش و در مال التجاره چه در اقرار باشد و چه در جای دیگر اسم مال التجاره و عدد عدل و نمره آنها تصریح می شود از اسهام و کاغذهای قیمتی عدد و نوع و قیمت اسمی آنها در صورت معین می شود .

ماده ۶۲۲ -- در صورت اشیاء کلمه باید نو یا مستعمل بودن آنها قید شود .

ماده ۶۲۳ -- در مواردی که صورت اشیاء موجود باشد مامور اجرا صورت جدیدی ترتیب نداده بهمان صورت رسیده گی کرده اختلاف را قید می کند .

ماده ۶۲۴ -- هرگاه نسبت به اشیائی که باید توقیف شود اشخاص ثالث اظهار حقی نمایند مامور اجرا اسم مدعی و چگونگی اظهار او را قید می کند .

ماده ۶۲۵ -- عدد و کپل و وزن باید با تمام حروف و با اعداد نوشته شود صورت باید قبطان کشیده و ممهور به مهر مامور اجرا باشد .

ماده ۶۲۶ -- در صورت باید تاریخ شروع و انجام نوشته شده و



تصحیحات که در صورت سهو و اشتباه بعمل میاید در آخر صورت تصریح و به امضای مامور اجرا برسد تراشیدن و پاک کردن در صورت ممنوع است .

ماده ۶۲۷ -- در مواردی که داین و مدیون و شهود حاضر باشند صورت با امضای آنها میرسد . هرگاه امتناع از امضا نمایند مراتب در صورت قید می شود .

ماده ۶۲۸ -- اشخاص مذکور در ماده قبل می توانند ایرادات خود را در باب صورت مرتبه به مامور اجرا اظهار نمایند و هرگاه مامور اجرا ایرادات آنان را قبول نکرده در آخر صورت جهت آنرا قید می کند .

ماده ۶۲۹ -- به تقاضای داین و مدیون مامور اجرا باید سوادی از صورت مرتبه بانها بدهد حقی که از آنها گرفته می شود موافق تعرفه است .

ماده ۶۳۰ -- هرگاه از اموال منقوله در جای محفوظ معینی باشد مامور اجرا مدخل آنجا را بسته و مهر و موم می نماید . و هرگاه اشیاء جای محفوظ و معین نباشد بهر کدام از اشیاء کاغذی وصل کرده مهر می کنند داین و مدیون نیز می توانند مهر خود را پهلوی مهر مامور اجرا بزنند .

ماده ۶۴۱ - هرگاه طول توقیف باعث فساد بعضی اشیاء توقیف شده بشود باید اشیاء مزبوره را جدا کرده طوری توقیف نمایند که بتوان سرکشی و مراقبت نمود .

ماده ۶۴۲ - هرگاه داین و مدیون در موقع عملیات توقیف حاضر نشوند یا حاضر شوند و ایرادی نمایند بعد حق ایراد و شکایت را از اقدامات مامور اجرا نخواهند داشت باستثنای مواردی که توقیف باید معجلاً بدون انتظار حضور داین و مدیون مجری شود ( مثلاً در مورد توقیف اشیائی که ضایع شدنی است )

بحث سوم

در تقویم اموال منقوله

ماده ۶۴۳ - تقویم اموال منقوله در حین توقیف بعمل می آید و در صورت درج می شود . تقویم را داین می کند با حضور مدیون و در صورت اختلاف در قیمت اشیاء هر کدام از طرفین حق دارند تقاضای تقویم مقوم را نمایند مخارج مقوم بعهده شخصی است که او را خواستار شده است .

ماده ۶۴۴ - هرگاه طرفین در انتخاب مقوم تراضی نمایند یا طرفی حاضر نشود یا امتناع از تقویم نماید مدعی العموم و در غیاب او رئیس

محکم که مقوم را معین می کند . عده مقومین باید طاق باشد و در صورتی که اکثریت حاصل نشود حدوسط قیمت های مقوم را مامور اجرا اختیار می کنند .

بحث چهارم

در حفظ اموال توقیف شده

ماده ۶۴۵ - اموالی که باید توقیف شود در همانجا که هست توقیف میشود و در صورت لزوم بجای محفوظی نقل میشود . در هر حال باید اموال توقیف شده را بشخص مسؤول سپرد .

تبصره - اموال دیگری را باسم مال مدیون در غیر خزانه مدیون نمی توان توقیف کرد .

ماده ۶۴۶ - هرگاه در انتخاب چنین شخص مسؤولی داین و مدیون تراضی نکردند مامور اجرا معین میکنند .

ماده ۶۴۷ - مامور اجرا باید حتی القدر کسی را معین نماید که دارای داشته و بدون نقل اشیاء بجای دیگر مسؤول حفظ آن شود .

ماده ۶۴۸ - مامور اجرا نمی تواند بدون تراضی کتبی طرفین اموال توقیف شده را باشخاص ذیل بسپارد : (۱) باقوام و اقربای خود تا درجه سوم (۲) بداین و مدیون و عیال آنان و همچنین باشخاصی که بداین و

مدیون قرابت نسبی و سببی نادرجه سوم دارند و بمخدوم و خدمه آنان مگر اینکه شخص دیگری برای حفظ اموال توقیف شده پیدا نشود.

ماده ۶۴۹ -- سراد صورت اموال توقیف شده بشخصی که مسؤولیت حفظ را بر عهده گرفته داده شده و قبض رسیده دریافت میشود.

ماده ۶۵۰ -- شخص حافظ حق الحفظ میگیرد. و هرگاه داین ومدیون در این باب تراضی نکرده حق مزبور موافق تعرفه مقرر خواهد بود.

ماده ۶۵۱ -- حافظ اشیاء توقیف شده حق ندارد اشیاء توقیف شده را استعمال نماید یا بکسی بدهد والا از حق الحفظ مقرر محروم و بعلاوه مسؤول خسارات وارده خواهد بود.

ماده ۶۵۲ -- هرگاه حافظ اموال توقیف شده در اموال مذکوره تعدی نماید علاوه بر تادیه خسارت وارده از يك ماه الی یکسال بسته به اهمیت نقصیر حبس خواهد شد.

ماده ۶۵۳ -- هرگاه اشیاء توقیف شده منافعی داشته باشد حافظ اشیاء مزبوره باید حساب آنها بدهد.

ماده ۶۵۴ -- حق الزحمه حافظ اشیاء توقیف شده را در صورتیکه مدیون امتناع از ادای دین کرده مشارالیه باطلاع مامور اجرا میپردازد و در

صورتیکه اشیاء فروخته شود از بقیه اشیاء مبیعه داده میشود و هرگاه مدیون امتناع نکرده باشد داین تادیه می کند

مبحث پنجم

در توقیف اموال منقوله مدیون

که در نزد اشخاص ثالث است

ماده ۶۵۵ -- هرگاه معلوم شود که وجه نقد یا اموال منقوله دیگری از مدیون نزد اشخاص ثالث میباشد ورقه اجرائیه در باب توقیف آن بشخص ثالث ابلاغ و رسیده ورقه دریافت میشود و مراتب فوراً بمحکوم علیه نیز کتباً اعلام مینمایند

ماده ۶۵۶ -- بموجب رسیده می سپارند اشخاص ثالث مکلفند که اموال توقیف شده را بصاحب آن بدهند

ماده ۶۵۷ -- مقامات رسمی بعد از گرفتن ورقه اجرائیه مکلفند که از اموال محکوم علیه که در نزد آنهاست چیزی بمشار الیه ندهند مگر اشیائی که از مستثنیات دین است

ماده ۶۵۸ -- نقض دوماده قبل موجب مسؤولیت شخص ثالث ومقامات رسمی در مقابل محکوم له خواهد بود. و در صورتیکه محکوم علیه مفلس

باشد کسی که مال را بمحکوم علیه داده باید تادیه خسارت محکوم له را بقدر آنچه داده بنماید

ماده ۶۵۹ - هرگاه بموجب قرار داد اشخاص ثالث وجهی باقساط معین بمحکوم علیه دادنی باشند در التزامی که بعد از ابلاغ ورقه اجرائیه میدهند باید صریحا قید نمایند که چند قسط پرداخته شده و تادیه اقساط دیگری بر ذمه آنها هست یا نه چه وقت خواهند داد و بعد از ابلاغ ورقه اجرائیه باشخاص ثالث اقساط را باید در نزد خود آنان توقیف نمود یا در نزد امینی که متداعین یا داین و مدیون انتخاب کرده اند. و هرگاه تراضی نکنند در نزد امینی که محکمه معین می کند

ماده ۶۶۰ - در مورد ماده قبل هرگاه معلوم شود اشخاص ثالث اطلاعاتی که داده اند موافقت با واقع امر ندارد و کمتر از آنچه نزد آنان بود صورت داده اند باید از عهده خسارت محکوم له بر آیند

ماده ۶۶۱ - در صورتیکه حقوق دیوانی مدیون توقیف شود مراتب ذیل لازم الرعایه است (۱) هرگاه مدیون معطل یا صاحب اولاد باشد فقط ربع حقوق او بداین تادیه میشود و الا ثلث (۲) خرج مسافرت و مواجب اهل نظام که در جنگ هستند توقیف نمیشود

ماده ۶۶۲ - در مواردیکه طلب داین باید از حقوق دیوانی پرداخته شود ورقه اجرائیه بداره بتوجه مدیون با اداره لازمه دیگر ابلاغ و کسر

از حقوق و تادیه آن بداین بعهده رئیس آن اداره است

فصل سوم

در توقیف اموال منقوله

مبحث اول

مواد عمومی

ماده ۶۶۳ - در مواردی که محکوم علیه امتناع از ادای محکوم به نموده و محکوم به غیر منقول باید بتصرف طلب کار داده شود. و همچنین در مواردی که تادیه دین باید از اموال غیر منقوله داین بعمل آید مأمور اجرا اطلاع نامه بمدیون فرستاده اعلام میدارد که هرگاه در ظرف دو ماه از تاریخ ابلاغ آن طلب داین تادین نشود مال غیر منقول بتصرف محکوم له داده خواهد شد یا از مال مذکور ادای دین بعمل خواهد آمد در همان وقتی که اعلان مذکور بعمل می آید مال غیر منقول مدیون توقیف و بدایره ثبت اسناد اطلاع داده میشود

ماده ۶۶۴ - از روز وصول اعلام مذکور مدیون نمی تواند مال غیر منقول را بکسی دیگر انتقال بدهد مگر بشرط معین در ماده (۶۶۵) و نیز حق ندارد از اشیاء و اسباب متعلقه بمال غیر منقول چیزی بفروشد یا انتقال دهد. از اشجار و جنگل فقط باندازه میتواند بپاندازد که برای حفظ

مال غیر منقول از خرابی لازم باشد . تخلف از مفاد این ماده مستلزم حبس است که بسته با اهمیت تقصیر بنظر محکمه از يك ماه الی شش ماه معین خواهد شد و بعلاوه در موقعیکه محکوم علیه معین باشد مسؤل خساراتی است که بر داین وارد آمده است

ماده ۶۶۵ - در مدت دو ماه که معین شده قبل از انقضای مدت مزبوره مدیون میتواند مال غیر منقول توقیف شده را بفروشد یا رهن بگذارد

(۱) در موردی که قبل از اجرای صیغه معامله مبلغ محکوم به را با اطلاع محکمه که مال توقیف شده در حوزه آن واقع است بمدیون پرداخته قبض رسیده دریافت دارد

(۲) در صورت رضایت داین در فروش مال غیر منقوله بنوسط مدیون

ماده ۶۶۶ - قراردادها و تعهدات راجعه بمال غیر منقول در صورتیکه قبل از ابلاغ اطلاع منعقد شده باشد بعد از آنهم در قوت خود باقی است ولی هر گاه قرار داد یا تعهدی بعد از ابلاغ اطلاع نامه منعقد شده باشد مدیون میتواند نقض آنرا از محکمه بخواهد . در صورتیکه ثابت کند قرار داد های مذکوره بر ضرر و مال غیر منقول منعقد شده است

مبحث دوم

در ترتیب صورت اموال غیر منقوله

ماده ۶۶۷ - بعد از انقضاء موعده مذکوره در ماده (۶۶۳) مامور

اجرا بترتیب دأدن صورت اموال غیر منقوله مباشرت می کند و تاریخ اقدام خود را بمدیون اطلاع میدهد .

ماده ۶۶۸ - در صورت مزبور باید قید شود (۱) تاریخ و مفاد ورقه اجرائیه که بموجب آن اجرای حکم بعمل میاید (۲) محلی که مال غیر منقول در آنجا واقعست یعنی در کدام ولایت و بلوک و ناحیه یا شهر و محله واقعست (۳) توصیف مال غیر منقول بطریق اختصار (۴) مال مزبور منعلق به کی است مال يك مالك است یا مشاع است اشخاص دیگر حق بان مال دارند یا نه و اگر دارند چه نوع حقی است بچه مبلغ مرهون شده است .

ماده ۶۶۹ - و نیز در صورت باید تصریح شود (۱) حدود ملك و همایه های آن (۲) مساحت ملك از هر طرفی و اراضی و جنگل هر گاه معین باشد و مزارع و عدد و قنوات (۳) سایر اطلاعات راجعه به وضع ملك ( از وضع زراعت و حشم و اسباب زراعت و مسافت از شهر و راه های معبره و غیره ) که کاشف از حال و وضع ملك تواند شد .

ماده ۶۷۰ - در صورتیکه بتوان مساحت تحقیقی ملك را معین کرد باید مامور اجرا مقدار بذرا افشان و حاصل را تحقیق کرده در صورت قید نماید -

ماده ۶۷۱ - در صورت راجعه بخانه باید قید شود (۱) خانه از

چه ساخته شده (۲) اندازه خانه از عرض و طول و ارتفاع (۳) عده اطاق ها و انبار و زیر زمین و غیره هر گاه خانه بچند قسمت یا حیاط علیحده تقسیم شده باشد که متصل بهم دیگر باشند صورت هر يك جدا گانه برداشته می شود .

ماده ۶۷۲ - در صورت راجعه بکار خانه جات اطلاعات مصرحه در ماده قبل قید می شود بعلاوه عدد ماشین و آلات و تعیین حاصل کار خانه .

ماده ۶۷۳ - مدیون در حین ترتیب صورت باید اسناد راجعه بمالك یا مال غیر منقوله را بمامور اجرا ارائه بدهد و هر گاه ندهند حتی ندارد بعد ها از عدم صحت صورتی که بمامور اجرا ترتیب داده است شکایت کنند .

ماده ۶۷۴ - هر گاه حدود یا قسمتی از ملك متنازع فیه باشد مراتب در صورت قید شده نصریح می شود که طرف منازعه کهست و در کجا به منازعه رسیدگی می شود .

ماده ۶۷۵ - هر گاه قسمتی از ملك برای اداء دین کافی است صورت همان قسمت مرتب میشود مگر اینکه قسمت را از کل نتوان تجزیه کرد یا اگر قابل تجزیه باشد تجزیه باعث خرابی ملك شود .

ماده ۶۷۶ - صاحب ملكی که قابل تجزیه است حق دارد که قسمتی از آن را در مقابل دین خود از کل تجزیه کرده همان را برای عملیات اجرا بمامور اجرا واگذار کند .

مبحث سوم

در تقویم اموال غیر منقوله

ماده ۶۸۸ - داین باید قیمت ملك را تا اتمام ترتیب صورت اموال غیر منقوله کتبا معین و امضا نموده به مامور اجرا بدهد این تقویم نامه داین به مدیون در صورتی که در حین ترتیب صورت حاضر بوده تبلیغ می شود .

ماده ۶۷۷ - صاحب ملك هر گاه تقویم داین را نازل دید حق دارد در ظرف يك هفته از تاریخ ابلاغ تقویم نامه باو قیمت ملك را از روی حد وسط فایده خالص سه سال آخری ملك معین نموده و بمامور اجرا بدهد هر گاه صاحب ملكی کمتر از سه سال مالك بوده حد وسط فایده خالص زمان مالکیت خود را معین میکند .

تبصره - مقصود از فایده خالص منافی است که برای مالك بعد از وضع مخارج عادیه مرسومه ملك و مالیات و عوارض دیوانی از هر قبیل می ماند .

ماده ۶۷۹ - مدیون باید اطلاعاتی را که در جواب کتبی خود می



دهد که مبتنی بر اسناد و صورت حساب نموده هر گاه لازم شود اسناد و نوشته‌جات مزبور را ارائه دهد .

ماده ۶۸۰ - جواب کتبی مدیون بدین تبلیغ میشود و مشار الیه مختار است یا تقویم مالک را قبول کند و یا در صورت رد در ظرف یک هفته باطلاعات مندرجه در آن کتباً عرض نماید .

ماده ۶۸۱ - در صورتیکه مابین داین و مدیون در باب حد وسط فایده خالص ملک را موافقت نشود باطلاعات اهل خیره رجوع میشود و خیره باید طاق باشد و هر گاه طرفین تراضی در انتخاب آنان نکردند مدعی العموم معین میکنند و هر گاه مدعی العموم نباشد رئیس محکمه .

ماده ۶۸۲ - هر گاه مدیون حاضر نباشد مدعی العموم اهل خیره را معین میکنند .

ماده ۶۸۳ - بعد از تعیین حد وسط فایده خالص مال غیر منقول قیمت عادله مال مزبور معین میشود باینطور که از تحقیقات محلی باید معلوم کرد که نسبت حد وسط خالص عایدی در عرض سه سال اخیری به قیمت ملک چيست و از نسبت مزبوره و حد وسط خالص عایدی ما غیر منقول توقیف شده در عرض سه سال که از خیره معین کرده اند قیمت ملک را معین نمود .

ماده ۶۸۴ - بعد از ترتیب صورت مال غیر منقول و تقویم آن مأمور اجرا اوراق را چه بمال مزبور را بمحکمه که باید مال غیر منقول را به تصرف مدیون بدهد یا از قیمت آن ادای طلب داین را بنماید می فرستند .

ماده ۶۸۵ - تحقیقات محل بترتیبی بعمل می آید که در اصول مجازات حقوقی مذکور است .

### بحث چهارم

#### در حفظ مال غیر منقول توقیف شده

ماده ۶۸۶ - مال غیر منقول بعد از ترتیب صورت و تقویم در تصرف مالک سابق موقفا می ماند با رعایت شرایطی که در ماده ( ۶۶۲ ) مذکور است .

ماده ۶۸۷ - مدیون در مورد ماده قبل مکلف است مال غیر منقول را موافق صورت تحویل گرفته و موافق آن تحویل بدهد .

ماده ۶۸۸ - در صورتیکه مال غیر منقول در دست مدیون بماند مشار الیه مکلف است که حساب عایدات آن را بدهد .

ماده ۶۸۹ - در صورتی که منافع مال غیر منقوله توقیف شود منافع

مذکور به امپنی که داین و مدیون بقراضی معین کرده اند سپرده می شود و در صورت عدم قراضی بشخص امپنی که مدعی العموم و اگر مدعی العموم نباشد رئیس محکمه کتبا معین می کنند .

### فصل چهارم

#### در تادیه طلب داین

ماده ۶۹۰ — هر گاه بعد از انقضای موعدی که برای تادیه طلب داین معین شده طلب مزبور را مدیون ادا نکرد باطلاع مدعی العموم ( و در جائیکه مدعی العموم نباشد به اطلاع رئیس محکمه ) و رضایت داین عین مال توقیف شده را بقدر طلب بقیمتی که تقویم شده بداین می دهند اگر داین راضی نشد که از عین بردارد بترتیبی که در فصل پنجم مذکور است باطلاع مدعی العموم از مال باندازه طلب داین در معرض فروش گذارده می شود و طلب داین تادیه میشود و هر گاه مال قابل تجزیه نباشد تماما فروخته شده و معادل طلب داین تادیه و بقیه بصاحب مال مسترد میشود

ماده ۶۹۱ — هر گاه مال نزد داین مرهون باشد بعد از انقضای مدت دین بمدیون اطلاع داده میشود که برای ادای دین حاضر شود در صورت عدم حضور و تادیه دین مال مرهون تقویم شده و برضایت داین معادل طلب از عین مال مرهون باو داده میشود والا در حکم ماده قبل خواهد بود

### فصل پنجم

#### در فروش اموال توقیف شده

#### مبحث اول

#### در فروش مال منقول

ماده ۶۹۲ — بعد از ترتیب صورت مال و تقویم آن داین و مدیون باید بمامور اجرا اعلام نمایند که بتراضی در باب محل و موعد فروش چه قراری داده اند هر گاه طرفین در این باب تراضی نکردند مامور اجرا از قرار ذیل رفتار می کند

ماده ۶۹۳ — محل فروش را مامور اجرا معین مینماید و باید محل مزبور خارج از محل هائیکه از طرف دولت یا بلدیة معین شده است نباشد و اگر محل ها منعقد شد یا معین نشده باشد در محلی فروش بعمل میاید که برای منافع مدیون ترجیح داشته باشد

ماده ۶۹۴ -- در مواردی که حمل اموال منقوله بمحل دیگری باعث مخارج زیاد است اشیاء توقیف شده در محلی که حفظ میشود بفروش میرسد

ماده ۶۹۵ -- فروش در حضور مامور اجرا و مامور نظمیة و یک نفر

از طرف مدعی العموم باید بعمل آید

ماده ۶۹۶ -- موعده فروش را مامور اجرا نظر بکمیت و کیفیت اشیاء توقیف شده معین می کند و موعده مزبور نباید کمتر از يك هفته و بیش از دو ماه باشد ابتدای این موعده از روز اتمام ترتیب صورت و تقویم است در اشیاء ضایع شدنی یا اشیائی که حفظ آنها باعث مخارج زیادی است میتوان موعده را کمتر قرار داد

ماده ۶۹۷ -- تاخیر از موعده مقرر در ماده قبل برضایت طلب کاران یا طلب کار ممکن است

ماده ۶۹۸ -- اعلان فروش را مامور اجرا بعمل آورده و در اعلام باید محل و تاریخ ( روز و ساعت ) فروش و اسم صاحب مال و تقویم آن تصریح شود .

ماده ۶۹۹ -- اعلان باید لا اقل يك هفته و در موارد فوری لا اقل يك روز قبل از تاریخ فروش در اداره نظمیة محل و معابر نصب شود و هرگاه قیمت مال بیش از شصت تومان باشد باید در روز نامه هم اعلان مزبور درج شود .

ماده ۷۰۰ -- داین و مدیون می توانند علاوه بر اعلاناتی که بواسطه

مامور اجرا بعمل می آید خودشان هم بخرج خودشان اعلانات لازمه را در مطبوعات و غیره بعمل آورند .

ماده ۷۰۱ در صورت تغییر روز فروش بحکم محکمه یا تراضی طرفین باید تغییر روز و جهت آن مجددا اعلان شده و مراتب در دفتر مامور اجرا قید شود .

ماده ۷۰۲ -- مصنفات یا مترجمات خطی و همچنین مصنفات و مترجمات چاپی که هنوز برای خرید فروش منتظر نشده بدون رضایت مصنفین یا مترجمین در حال حیات آنان و بدون رضایت وراثت و قایم مقام آنان در حال ممات بمرض بیع نمیاید

ماده ۷۰۳ -- هرگاه کسی مصنفات یا مترجمات دیگری را برای طبع و انتشار خود یا حق طبع را خریده یا باو منتقل شده باشد فروش مصنفات یا مترجمات مذکوره یا حق طبع جایز است ولی هرگاه تعهدی منتقل الیه نسبت بمصنف یا مترجم قبول کرده باشد خریدار ثانوی باید قبلا اجرای تعهد مزبور را بعهده بگیرد .

ماده ۷۰۴ -- ابتهاع مصنفات و مترجمات و پرده های نقاشی و سایر صنایع مستظرفه حق مالکیت اولی یا صناعی را بخرنده نمیدهد .

ماده ۷۰۵ -- در روز هائی که برای فروش معین شده است مردم

می تواند اشیاء را معاينه نمايند فروش در دو ساعت بظهر مانده شروع و يك بغروب مانده ختم می شود و هرگاه در روز معين تمام نشد بروز ديگر محول ميشود .

ماده ۷۰۶ -- داین می تواند مثل سایر مردم در خرید شرکت نماید وای اشخاصی که صورت را ترتیب داده اند یا تقویم کرده اند و همچنین اجزاء اداره نظمی و مامورین اجرا و سایر اشخاصی که مباشر امر فروش هستند نمیتوانند در خرید شرکت کنند صاحب مال می تواند خواهش کند که بعضی از اموال او را مقدم یا مؤخر بفروشند و یا اینکه خردش قیمت مال را حاضر کرده منع از فروش نماید

ماده ۷۰۷ -- در وقت فروش مامور اجرا قیمت هر چیز را بطوریکه داین و مدیون یا مقوم معین کرده امد اعلان کرده می پرسد کی بیشتر میدهد و قیمتی را که خریده تکلیف می کند دو دفعه بلند اعلام مینماید تا آنکه یقین حاصل نماید که دیگر کسی بیشتر نمیدهد آنوقت سه دفعه می گوید کی بیشتر میدهد و در دفعه آخری چکش را میزنند و بعد از آن دیگر اضافه قیمت قبول نمیشود و مال متعلق بکسی است که بالا ترین قیمت را قبل از زدن چکش آخری قبول کرده .

ماده ۷۰۸ -- تاریخ فروش و نمره شبلی فروخته شده و بالا ترین قیمتی که داده شده است و اسم و شهرت خریدار در دفتر مامور اجرا

نوشته شده بامضای خریدار میرسد و اگر نتواند امضا کند کسی دیگر از طرف او امضا می کند و جهت قید می شود

ماده ۷۰۹ -- مشتری باید تمام قیمت را نقد بدهد مگر اینکه طرف اطمینان داین و مدیون و مامورین اجرا باشد یا داین قبول کند .

ماده ۷۱۰ -- هرگاه مامور اجرا مشاهده کند که مال فروخته شده برای ادای طلب داین کافی است فروش را توقیف نموده بقیه مال را بصاحب آن مسترد میدارد .

ماده ۷۱۱ -- در موارد ذیل فروش بعمل نخواهد آمد (۱) هرگاه مشتری حاضر نشود یا پیش از يك نفر نباشد (۲) در صورتی که هیچ کس پیش از قیمتی که برای اشیاء در حین تقویم معین شده مشتری نشود .

ماده ۷۱۲ -- در صورتیکه فروش بواسطه حاضر نشدن مشتری بعمل نیاید طلب کاران می توانند خواهش اعلان فروش جدید را بنمایند یا اینکه اشیاء را بقیمتی که معین شده بر دارند رای طلب کاران در این مورد نسبت با کثرت مبالغ طلب آنان مناط اعتبار است .

ماده ۷۱۳ -- در صورتیکه در دفعه دوم هم فروش بعمل نیاید اشیاء توقیف شده بصاحب آن مسترد شده طلب کاران میتوانند در صورتیکه

راضی به بر داشتن عین مال نباشند تادیه طلب خود را از مال دیگر مدیون بخواهند .

ماده ۷۱۴ - در موارد ذیل فروش از درجه اعتبار ساقط است  
( ۱ ) هر گاه معلوم شود که شپئی فروخته شده مال مدیون نبوده است .

( ۲ ) وقتی که کسی مال را خریده است که حق خریدار نداشته است

( ۳ ) وقتی که مال را زودتر از موعد مقرر فروخته اند

( ۴ ) در صورتی که کسی را بدون جهت قانونی مانع از خریدن شده اند یا بالا ترین قیمت را که تکلیف کرده است رد کرده اند

( ۵ ) در صورتیکه مزایده بدون اعلان مدعی العموم بعمل آمده باشد در مورد فقره اول این ماده عین مال بصاحب واقعی آن بر میگردد خریدار باید پول خود را از مدیون مطالبه نماید و هر گاه معلوم و محقق شود که مواضعه در این باب مابین مدیون و طلبکاران بوده خریدار پول خود را از مدیون و طلبکاران مطالبه نماید .

### مبحث دوم

#### در فروش اموال غیر منقوله

ماده ۷۱۵ ترتیبات فروش اموال غیر منقوله مثل اموال منقوله

است باستثنای مواردی که تکلیف آنها در این مبحث معین است

ماده ۷۱۶ - صورت اموال غیر منقوله بر رئیس محکمه ابتدائی که مال غیر منقول در حوزه آن واقع است داده میشود و مشارالیه مأمور اجرا را برای فروش مال معین میکنند داین و مدیون نیز میتوانند در انتخاب مأمور مزبور تراضی نمایند فروش در شهری که مقر محکمه ابتدائی است بعمل میاید

ماده ۷۱۷ - موعد فروش مال غیر منقول که کمتر از سبصد تومان قیمت داشته باشد یکماه است و مال که از سبصد الی پنج هزار تومان قیمت داشته داشته باشد دوماه و برای اموال غیر منقوله که قیمتش از پنج هزار تومان است سه ماه . ابتدای تاریخ مزبور از روز اعلان فروش است ( چه توسط اوراق چه در مطبوعات )

ماده ۷۱۸ - در اعلان باید تصریح شود ( ۱ ) اسم و شهرت صاحب ملك و طلبکار ( ۲ ) اسم خود و اسم پدر و محل اقامت مأمور اجرا ( ۳ ) محل مال غیر منقول و تعریف مختصر آن ( ۴ ) تصریح اینکه تمام ملك فروخته میشود یا قسمتی از آن و کدام قسمت ها ( ۵ ) ملك مرهون است یا نه و هر گاه مرهون است نزد کيست و با اجازه او فروخته میشود ( ۶ ) تاریخ و محل فروش ( ۷ ) قیمتی که از آن مزایده شروع خواهد شد .

ماده ۷۱۹ - لا اقل باید یکماه قبل از تاریخ فروش در خود ملك

و در ملك محلی که فروش بعمل خواهد آمد اعلان مزبور نصب شود .

ماده ۷۲۰ - اوراق راجعه بملك از صورت مرتبه و تقویم باید در دفتر خانه محکمه برای اشخاصی که میخواهند تحصیل اطلاعات نمایند حاضر باشد .

ماده ۷۲۱ - برای فروش هر مال غیر منقولی ورقه ترتیب داده می شود که در آن اسم ملك و قیمتی را که فروش از آن شروع میشود درج مینمایند .

ماده ۷۲۲ - در حین فروش يك نفر امین از طرف رئیس محکمه و مدعی العموم حاضر شده نظارت می نمایند و بعد از قرائت ورقه مامور اجرا میپرسد که کی بیشتر میدهد قیمت هائی که تکلیف میشود در ورقه با اسم تکلیف کنند، درج و بحضور اعلام میشود و بعد ورقه بامضای شخصی که بالاترین قیمت را داده است و داین و مدیون و مامور اجرا و امین ناظر میرسد .

ماده ۷۲۳ - هر گاه فروش بعمل نیامد و کسی بر قیمت تقویم نپذیرد طلبکاران می توانند ملك را بقیمتی که تقویم شده بردارند یا تقاضای فروش جدید را در همان محل یاد شهری که بیشتر مرگزیت داشته باشد بنمایند .

ماده ۷۲۴ - هر گاه در دفعه ثانی هم فروش بعمل نیامد طلبکاران

باید ملك را بقسمتی که مقوم معین کرده است قبول کنند و یا تادیبه دین خود را از مال دیگر مدیون بخواهند .

ماده ۷۲۵ - در موارد ذیل فروش از درجه اعتبار خارج ساقط است : (۱) هر گاه معلوم شود که ملك مال مدیون نبوده است (۲) وقتی که کسی ملك را خریده است که حق خرید را نداشته است (۳) وقتی که مال را زودتر از موعد مقرر فروخته اند (۴) در صورتی که کسی را بدون جهت قانونی مانع از خریدن شده اند یا بالاترین قیمتی را که تکلیف کرده است رد کرده اند (۵) در صورتی که مزایده بدون اطلاع مدعی العموم بعمل آمده باشد در مورد فقره اول این ماده عین ملك بصاحب واقعی آن بر میگردد و خریدار باید پول خود را از مدیون مطالبه نماید و هر گاه محقق شود که در این باب مواضعه مابین مدیون و طلبکار بوده خریدار پول خود را از مدیون و طلبکاران باید مطالبه نماید .

ماده ۷۲۶ - هر گاه ملك مشاع باشد صورتی از تمام ملك برداشته میشود و ای سهم مدیون بفروش میرسد مگر اینکه سایر شرکاء فروش تمام ملك را بخواهند . در این صورت حاصل فروش مابین داین و شرکاء به اندازه سهم آنان تقسیم میشود و اگر منازعه مابین شرکاء و مدیون در سهم هر يك باشد بعد از رسیدگی محکمه حاصل فروش تقسیم میشود .

ماده ۷۲۷ - مالك ملكی که صورت آن مرتب و تقویم شده است حق

دارد از محکمه توقیف مزایده را بخواهد در صورتیکه بتواند ثابت کند که منافع خالص ملک در عرض دو سال برای ادای دین او کافی است خواهش توقیف بمحکمه داده میشود که مزایده در حوزه آن بعمل می آید

ماده ۷۲۸ در مورد ماده قبل مدیون باید نامینات صحیحه در باب رسانیدن اقساط بدهد و انتخاب یکی از اقسام منوط بتراضی طرفین است. هرگاه در راس وعده دامن قسط مقرر را پرداخت طلب کار می تواند فروش ملک را مجدد تقاضا کند یا قسط را از موضوع تامین بردارد

ماده ۷۲۹ - شخص ثالث که حقی بملک توقیف شده دارد یا ملک توقیف شده را مال خود میداند میتواند برای توقیف مزایده عرضحال بمحکمه که صلاحیت دارد بدهد. و در این مورد شخص ثالث با داین و مدیون احضار میشوند و بمحکمه که باید مزایده در حوزه آن بعمل آید مراتب اطلاع داده میشود

ماده ۷۳۰ - در صورتیکه محکمه شخص ثالث را قوی یافت مزایده را توقیف ومدعی به داین را ماصدور حکم موافق قوانین تامین می نماید ولی هرگاه حق شخص ثالث راجع به قسمتی از ملک باشد مزایده سایر قسمت ها توقیف نمیشود

ماده ۷۳۱ - شکایات از عدم رعایت قوانین راجعه بترتیب صورت

وتقویم و سایر اقدامات مامور اجرا در عرض يك هفته از تاریخ وقوع ماده شکایت بمدعی العموم داده میشود و مشار الیه مامور اجرا را تغییر داده به ماده شکایت رسیدگی می کند

ماده ۷۳۲ - شکایت از بی ترتیبی مزایده در ظرف يك هفته بعد از وقوع آن بمدعی العموم داده میشود ومدعی العموم هر گاه شکایت را صحیح دانست مراتب را بمحکمه رجوع می کند. قبل از صدور حکم محکمه در این مورد ملک بنصرف خریدار داده نمیشود

## فصل ششم

### در تقسیم حاصل فروش مابین طلبکاران متعدد

ماده ۷۳۳ - هرگاه حاصل فروش مال مدیون ایفای دین را اتمام نماید باید بمحکمه ابتدائی تسلیم شود. و هرگاه طلبکاران تراضی در باب تقسیم آن نکردند بترتیب ذیل رفتار میشود

ماده ۷۳۴ - رئیس محکمه یکی از اعضاء را معین می کند که تقسیم را مرتب کند. تقسیم نامه بطلبکاران ارائه میشود که هر شکایتی دارند در ظرف يك هفته از تاریخ ارائه تقسیم نامه بمحکمه بدهند

ماده ۷۳۵ - هرگاه شکایتی اظهار نشود محکمه تقسیم نامه را امضا

می کند والا رسیدگی کرده فرار قاطع میدهد .

ماده ۷۳۶ -- طلبکاریکه ورقه اجرائیه خود را بعد از امضای ورقه تقسیم نامه بمحکمه ابراز کرده است حق شرکت در تقسیم آن ندارد . ولی طلبکار مزبور وهمچنین طلبکارانی که بنام حق خودشان فرسپده اند می توانند ایفای حق خودشانرا از سایر اموال مدیون بخواهند و هرگاه مدیون چیزی نداشته باشد اعلام افلاس اورا تقاضا کند

### فصل هفتم

#### در اتخاذ وسایل برای تأدیه دین

ماده ۷۳۷ -- هرگاه مال منقول و غیر منقول مدیون کفایت ادای دین را ننماید طلبکار میتواند از محکمه بخواهد که مدیون را حاضر کرده استعمال نماید که وسایل دیگری برای ادای دین دارد یا نه و اگر دارد کدام است و محکمه که مدیون در حوزه آن اقامتگاه دائمی یا موقتی دارد مدیون را احضار و اظهارات او را در صورت مجلس مینویسد

ماده ۷۳۸ -- مدیون میتواند خودش بدون احضار محکمه که در حوزه آن اقامت دارد حاضر شده در محکمه اظهاراتی راجع باداء دین خود یا عدم قدرت بر اداء بنماید

ماده ۷۳۹ -- مدیون بعد از احضار در موعد مقرر در محکمه حاضر میشود و هرگاه محل اقامت مدیون در مقر محکمه ابتدائی نباشد و بواسطه بعد مسافت نتواند در محکمه ابتدائی حاضر شود در نزدیک ترین محکمه صلح اظهارات خود را مینماید و صورت مجلس معجلا از محکمه صلح بمحکمه ابتدائی فرستاده میشود که برای موعد مقرر در محکمه ابتدائی حاضر باشد

ماده ۷۴۰ -- هرگاه مدیون در محکمه ابتدائی یا محکمه صلح حاضر نشد رئیس محکمه حکم میدهد که او را بمحکمه ابتدائی یا محکمه صلح جلب نمایند (موافق جلب در موارد اسور جزائی) . و هرگاه مدیون فرار کرد یا پنهان شد اقدام لازمه در پیدا کردن مدیون بعمل آمده حکم محکمه و قرار محکمه در جلب او اعلان میشود

ماده ۷۴۱ -- بعد از پیدا کردن مدیون مشارالیه را بمحکمه حاضر می کنند و محکمه رسیدگی کرده قرار توقیف او را بواسطه عدم اطاعت حکم محکمه در باب احضار میدهد و مدیون از توقیف خارج نمی شود مگر باقیات افلاس خود یا بدادن کفیل (ضامن تر) .

ماده ۷۴۲ -- هرگاه مدیون مجکوم علیه افلاس خود را ثابت نکند ولی معلوم شد که افلاس از روی تقصیر هست بمحکمه که صلاحیت رسیدگی دارد جلب و موافق قانون مجازات مجکوم خواهد شد





ماده ۷۴۳ -- هرگاه مدیون قادر بر ادای دین باشد ولی امتناع از ادای آن نماید واستیفای دین از مال او ممکن نباشد محکمه بتقاضای داین حکم حبس او را تا زمانیکه ادای دین نماید خواهد داد .

ماده ۷۴۴ -- هرگاه مدیون بعد از دادن کفیل فرار کرد یا پنهان شد کفیل ملزم است به اداء دین او و اگر نداد در حکم خود محکوم علیه است

ماده ۷۴۵ -- در موارد ماده (۷۴۳) که حبس اسباب وصول دین است اشخاص مفصله حبس نمی شوند : (۱) صغار و مجانین و اشخاصی که پیش از هفتاد سال دارند . (۲) زنان حامله یا زنانیکه از وضع حملشان چهل روز نگذشته است . (۳) اولیای اطفال در صورتیکه آنها بواسطه توقیف والدین بيمعاش بمانند . (۴) مریض در صورتیکه طیب حرکت یا توقیف مریض را مضر بدانند .

ماده ۷۴۶ -- مدیون که توقیف خود را برخلاف قانون می داند می تواند از مامور اجرا تقاضا نماید که او را نزد رئیس محکمه ابتدائی ببرند و مامور اجرا مکلف است بقبول مسؤلیت که این تقاضای او را مجری دارد رئیس محکمه هرگاه توقیف را برخلاف قانون دید فوراً حکم استخلاص مدیون را میدهد .

ماده ۷۴۷ -- در دفتر مامور اجرا باید قید شود : (۱) ورقه که



مدرك حبس است . (۲) مقدار دین . (۳) مدت توقیف . (۴) محل اقامت طلبکار . (۵) محارج اجرای قرار محکمه در باب توقیف .

ماده ۷۴۸ -- هرگاه مدیون در محکمه برای دادن توضیحات راجعه بادی دین حاضر شد با حضور طب کاران باظهارات او رسیدگی می شود و هرگاه معلوم شود که مدیون مفلس نبود افلاس او جعلی است حکم بتوقیف او شده موافق قانون مجازات میشود .

ماده ۷۴۹ -- هرگاه مدیون مستخدم دولت باشد مامور اجرا فوراً قرار محکمه را در باب توقیف بر رئیس اداره منبوعه مدیون اطلاع میدهد که اگر مال دیوان نزد او باشد گرفته شود . قرار محکمه در باب توقیف مدیون توسط رئیس اداره باید فوراً بموقع اجرا گذاشته شود .

## باب هفتم

### در اصلاح و حکمیت

#### فصل اول -- در صلاح متداعیین

ماده ۷۵۰ -- در هر مرحله از مراحل و هر دوری از ادوار محاکمه حقوقی طرفین می توانند بمحکمه اعلام نمایند که میخواهند مناظره خود را بصلح تمام نمایند



تبصره - صلح متداعین در محکمه تمیز باعث توقیف رسیدگی محکمه مذکور نمیشود ولی حکمی که صادر میشود فقط برای محافظت قانون است و اثری برای متداعین نخواهد داشت

ماده ۷۵۱ - در صورتیکه در محاکمه مدعی یا مدعی علیه متعدد باشند هر کدام از آنان می توانند علیه از سایرین با طرف یا اشخاصی که طرف هستند صلح نمایند

ماده ۷۵۲ - اشخاصیکه میخواهند محاکمه خود را بصلح تمام نمایند یا باید عرضحال بمحکمه داده تقاضای صلح را بنمایند و یا هرگاه در خارج صلح کرده اند صلح نامه را در اداره ثبت اسناد یا در محکمه صلح بتصدیق برسانند و یا در محکمه حاضر شده اقرار بصحت صلح کنند

ماده ۷۵۳ - عرضحال تقاضای اصلاح که ممضی بامضای طرفین دعوی است بمحکمه داده میشود که مشغول رسیدگی است و هرگاه عرضحال مزبور با پست یا توسط وکیل بمحکمه ارسال میشود باید قبلا در مباشرت ثبت اسناد یا محکمه صلح یا در یکی از ادارات رسمی مصدق شود

ماده ۷۵۴ - در صورتیکه صلح باید در محکمه داده شود قبلا از ترتیب صلح نامه محکمه سوالات لازمه را از طرفین نموده یقین حاصل می نماید که طرفین راضی بصلح هستند بشرایطی که تراضی حاصل کرده اند و



بعد صورت مجلس مرتب بامضای طرفین واعضاء محکمه میرسد و بعد عقد صلح جاری میشود

ماده ۷۵۵ - هرگاه صلح طرفین صورت نگیرد گذشت هائی که طرفین هنگام تراضی بصلح بهم دیگر کرده اند لازم الرعایه نیست

ماده ۷۵۶ - اموریکه بصلح میکنند بکلی قطع و تمام شده محسوب است و طرفین و وراثت و قائم مقام آنان دیگر بهیچ وجه نمی توانند امور مزبوره را از سر بگیرند

## فصل دوم

### در حکمیت

ماده ۷۵۷ - کلیه اشخاصیکه صلاحیت دعوا را دارند می توانند منازعه خود را به حکمیت یک یا چند نفر که بعده طاق بتراضی انتخاب کرده اند واگذار نمایند

ماده ۷۵۸ - تراضی طرفین بقطع دعوا از طریق حکمیت باید در قرار نامه مخصوصی تصریح شود قرار نامه مذکور بامضای طرفین دعوا باشدخاصی که حکمیت مسئله را قبول کرده اند باید برسد قرار نامه مذکور باید در ضمن عقد لازم مرتب و طرفین در قرار نامه باید بقسطعیت اذعان یا

اکثریت آراء حکم ملتزم شوند

ماده ۷۵۹ - در قرار نامه مذکور باید صریحا قید شود (۱) اسم و اسم پدر و شغل طرفین و حکم (۲) موضوع منازعه که باید بحکمیت قطع شود غیر از اطلاعات مذکور شرایط دیگری هم که مخالف قانون نباشد میتوان ذکر کرد

ماده ۷۶۰ - هرگاه موعده معینی برای حکم حکم در قرار نامه معین نشده باشد باید حکم خود را در ظرف دو ماه از تاریخ ثبت قرار نامه در دفتر محکمه بدهد

ماده ۷۶۱ - تا انقضای مدت مذکور در ماده قبل طرفین حق ندارند بمحکمه رجوع نمایند یا تعقیب محاکمه را از محکمه بخواهند

ماده ۷۶۲ - قرار نامه باید در اداره ثبت اسناد یا در محکمه صالحه یا در محکمه که مشغول رسیدگی بدعوائی است که به حکمیت رجوع شده مصدق شود هرگاه تصدیق قرار نامه بوجه وسيله از وسایل مزبوره ميسر نشود در موردی که دعوا در محکمه رسیدگی میشود باید طرفین و حکم ها در محکمه حاضر شده اقرار بصحت قرار نامه نمایند و اقرار آنان ضبط شود

ماده ۷۶۳ - هرگاه دعوائی در محکمه در تحت رسیدگی است ابراز قرار نامه مصدق حکمیت دعوا را در هر مرحله از مراحل و هر دوری

از ادوار محاکمه با شناسای محاکمه تمیزی توقیف مینماید ولی تا مین مدعی به اگر بعمل آمده است بقوت خود باقی مینماید مگر اینکه در قرار نامه حکمیت رفع آن قید شده باشد

تبصره - هرگاه در دور تمیزی کاری به حکمیت قطع شد حکم دیوان تمیز فقط برای محافظت قانون است و اثری برای متداعین نخواهد داشت

ماده ۷۶۴ - تغییر حکم قبل از صدور حکم آنان فقط در موارد ذیل جایز است (۱) بتراضی طرفین (۲) بتقاضای يك طرف در صورتی که بعد از ترتیب قرار نامه در صورتیکه قرار نامه حکمیت قرابت سببی تا درجه سیم مابین حکم یکی از متداعین و طرف مقابل او حادث یا محاکمه مابین آنان حاصل شود تقاضای تغییر حکم در مورد دوم این ماده نظر بمبلغ مدعی به راجع است یا بمحکمه صلاح و یا بمحکمه ابتدائی

ماده ۷۶۵ - حکم ها در رسیدگی و حکم تابع ترتیب اصول محاکمات حقوقی نیستند ولی باید مخالفت قوانین را ننمایند و همچنین مناسبت شرایط قرار نامه حکمیت را بنمایند کلمه اسناد و نوشتهجات را طرفین بحکم ها می دهند

ماده ۷۶۶ - در موارد ذیل حکمیت مرفوع می شود (۱) در صورت



ترازی طرفین (۲) در صورت فوت یا جنون یکی از متداعبین (۳) اگر در حین رسیدگی کشف اوضاع و احوالی شود که مربوط به جنحه یا جنایت در حکم حکم نافذ و مؤثر بوده و تمکین جهت حقوقی از جزائی ممکن نباشد (۴) هرگاه طرفین بعد از فوت یا جنون یا رد بعضی از حکم ابجای آنان کسی را انتخاب نمایند یا کار را به حکمت حکمها بیک بعد طاق باقی مانده اند و گذار نکنند .

ماده ۷۶۷ - هرگاه حکم ها در موعد مقرر حکم ندهند طرفین می توانند نرضی خودشان و حکم ها موعد جدیدی بر این صدور حکم معین کنند .

ماده ۷۶۸ - هرگاه ترازی متداعبین و حکم ها در تعیین موعد جدیدی حاصل نشود یا حاصل شود و حکم ها نتوانند حکم خودشان را در موعد مقرر در اصل نسخه ندهند نوشته شده بدهند حکمت ملغی می شود .

ماده ۷۶۹ - حکم ها حکم را موافق انصاف و دلیل می دهند قبل از صدور حکم حکم ها مشاوره نموده و رای آنها با اکثریت مناط اعتبار است .

ماده ۷۷۰ - در حکم باید اسم و شهرت متداعبین و حکم ها

موضوع منازعه و اسباب و مدرك حکم تصریح شود و به امضای حکم ها برسد .

ماده ۷۷۱ - هرگاه بعضی از حکم ها از امضای حکم امتناع نمایند سایرین امضا نموده و این امتناع را در حکم قید می نمایند حکمی که با امضای اکثریت حکم ها رسیده است همان اعتبار دارد که با امضای تمام حکم ها رسیده باشد مگر اینکه اتفاق را طرفین مناط قاطعت قرار داده باشند .

ماده ۷۷۲ - حکم حکم قابل استئناف و تمیز نیست .

ماده ۷۷۳ - بعد از ابلاغ و یا اعلام حکم حکم بطرفین وظیفه حکم ها با انجام رسیده و حکم حکم نظر بمبالغ مدعی به در مدت يك هفته به محکمه صلح یا محکمه ابتدائی که حکم حکم در حوزه آن صادر شده است داده می شود .

ماده ۷۷۴ - احکام حکم بتقاضای یکی از متداعبین نسخ می شود (۱) در صورتی که حکم آنان بعد از انقضاء موعدی که معین شده بود صادر شده باشد . (۲) در صورتیکه قرار نامه با امضای تمام اشخاصیکه باید موافق ماده (۷۵۸) آن را امضا نمایند نرسیده باشد .

ماده ۷۸۵ - احکام حکم ها در موارد ذیل باطل و از درجه اعتبار ساقط است (۱) نسبت باشخاصی که در ترتیب قرار نامه حکمت شرکت نداشته

اند یا اگر داشته اند مازون نبوده اند (۲) نسبت بمطالبی که موضوع حکمیت نبوده (۳) نسبت بمسائل ودعاوی که مربوط بجنحه و جنایت است (۴) نسبت باموری که از خصایص رسیدگی عدول مجتهدین جامع الشرایط است .

ماده ۷۷۶ — شکایت از حکمیت و تقاضای نسخ و افتادن حکم حکم از اعتبار بمحکمه راجع است که اصل حکم حکم ها بدان محکمه تقدیم شده .

ماده ۷۷۷ — مدت شکایت از حکم حکم یکماه است و ابقدای مدت مزبور از روز اعلام یا ابلاغ حکم محکوم محسوب میشود .

ماده ۷۷۸ — احکام حکمها موافق قداعدی که برای اجرای احکام مجازات عدلیه مقرر است بموقع اجرا گذاشته میشود .

ماده ۷۷۹ — ورقه اجرائیه را محکمه که حکم حکم بدان تقدیم شده است میدهد .

## باب هشتم

در مخارج عدلیه

## فصل اول

در مخارج مجازات

ماده ۷۸۰ — مخارج مجازات عبارتست (۱) از حق تمیزیکه بر اوراقی که بمحکمه داده میشود تعلق میگیرد (۲) از حقی که برای خرج احکام اخذ میشود .

ماده ۷۸۱ — حق تمیز از عرضحال کتبی یا شفاهی و عرضحال مقابل و اعتراض بر حکم غیابی و اعتراض شخص ثالث بعد از صدور حکم و عرضحال یا شکایت نامه استینافی و عرضحال اعاده مجازات و تمیزی و وکالت نامه و التزام نامه و ورقه اجرائیه یک قران است باستثنای مجازات صلحیه که از اوراق مذکوره آنچه بمجازات صلحیه داده میشود ده شاهی اخذ میشود .

ماده ۷۸۲ — خرج احکام صادره از مجازات صلحیه و ابتدائی نسبت بمبلغ مدعی به از قرار نومانفی بکشاهی است .

ماده ۷۸۳ — ربع خرج احکام درجین دادن عرضحال و سه ربع دیگر

در حین صدور حکم اخذ میشود . هر گاه در عریضه قدر مدعی به معین نشده باشد با حضور مدعی معین میشود در صورتی که تعیین مقدار مدعی به در وقت دادن عرضحال ممکن نباشد در مجازات صلحیه دو قران و در مجازات ابتدائی پنج قران گرفته میشود و بقیه در بعد از تعیین مدعی به در حین صدور حکم اخذ میشود .

ماده ۷۸۴ - محکمه مکلف است که مقدار مدعی به را قبل از صدور حکم معین نماید و هر گاه قیمت آنرا نتوان معین کرد یعنی مدعی به موضوع مالی نداشته باشد بقیه خرج حکم در مجازات صلحیه هشت قران و در مجازات ابتدائی دو تومان گرفته می شود .

ماده ۷۸۵ - خرج احکام مجازات استیناف و حکمی که بعد از اعتراض به حکم غیابی صادر می شود دو مقابل خرج حکم معمولی است ماده (۷۸۲) ولی از محکوم به حکمی که مورد استیناف یا اعتراض است دریافت می شود .

ماده ۷۸۶ - برای استیناف قرارها باید موافق اصول مجازات حقوقی استیناف آنها علیحده از خود حکم جایز است در مجازات ابتدائی دو قران و در سایر مجازات پنج قران دریافت می شود ربع خرج ابتداء اخذ و سه ربع دیگر در حین صدور حکم دریافت می شود .

ماده ۷۸۷ - در مورد اعتراض شخص ثالث و اعاده مجازات و تمیز



خرج حکم سه مقابل خرج حکم معمولی است (۷۸۲) و تابع قواعد ماده (۷۸۵) است .

ماده ۷۸۸ - خرج حکم در محکمه که پس از نقض محکمه تمیز رسیده گی می کند تومانی نهم شاهی است از محکوم به حکمی که نقض شده است .

ماده ۷۸۹ - خرج قرار اجرای موقت که در محکمه عالی داده می شود قبل از دخول در اساس دعوی بطوری است که برای سایر قرارها مقرر است

ماده ۷۹۰ - در ارجاع بشرع و قرار رجوع به حکمیت و قرار رجوع به مصدقین و اهل خیره خواه بعد از قبول عرضحال در حین رسیده گی در مجازات صلحیه یکقران و در سایر مجازات پنج قران اخذ میشود .

ماده ۷۹۱ - از قرار توقیف اموال در مجازات صلحیه دو قران و در سایر مجازات یک تومان دریافت میشود .

ماده ۸۹۲ - در خواهش کتبی یا شفاهی تامین دلایل که از مجازات صلحیه می شود یک قران و از صورت مجلسی که مشعر بر اقدامات محکمه صلحیه در تامین دلایل است پنج قران دریافت می شود .

## فصل دوم

### در خرج اجرای حکم

ماده ۷۹۳ - حقی که برای اجرای حکم بعد از اجراء اخذ میشود عشر مبلغ محکوم به است .

ماده ۷۹۴ - مخارجی که در حین اجرای حکم پیش میاید از قبیل حق الزحمه اهل خیمه و نقویم اموال منقوله و غیر منقوله و حق حفظ اموال هر گاه بتراضی داین ومدیون معین نشده باشد تا وقتی که تعرفه آن مقرر و اعلام شود موافق اجرة المنزل معارفی توسط رئیس محکمه معین می شود .

## فصل سوم

### در مخارج دفتر خانه

ماده ۷۹۵ - خرج نواد احکام و اوراقی که از دفتر خانه طرفین مجازند بگیرند برای هر صفحه در محاکم صلحیه يك قران در سایر محاکم دو قران گرفته میشود پانزده سطر يك صفحه محسوب است و هر سطر بیست و پنج کلمه حساب می شود .

ماده ۷۹۶ - خرج مهر محکمه برای تصدیق مطابقت سواد با اصل يك قران است .

ماده ۷۹۷ - برای سایر تصدیقاتی که از دفتر خانه محکمه در حدود صلاحیت آنها داده می شود در محاکم صلحیه دو قران و در سایر محاکم چهار قران است

## فصل چهارم

### در باب اشخاصی که استطاعت تادیه مخارج

عدایه را ندارند

ماده ۷۹۸ - اشخاصی که افلاس و عدم استطاعت خود را در محکمه ثابت کرده اند از تادیه مخارج عدایه معافند .

ماده ۷۹۹ - اشخاص مذکوره باید تصدیقنامه از اداره که در آن خدمت می کنند یا از محکمه صلح یا از معاریف موثقه که آنان را میشناسند در محکمه ارائه نمایند .

ماده ۸۰۰ - در تصدیقنامه باید اطلاعات صحیحه در باب دارائی و وضع معیشت و ترتیب گذران خانه مدعی افلاس یا عدم استطاعت او داده شود

ماده ۸۰۱ - هرگاه معلوم شود که مدعی افلاس در اظهار خود کاذب بوده است دو مقابل وجهی که از تادیه آن معاف شده است از او دریافت خواهد شد .

ماده ۸۰۲ -- رسیدگی بعدم استطاعت مدعی افلاس از کلیه مخارج عدلیه معاف است .

ماده ۸۰۳ -- هرگاه مدعی افلاس محکوم له واقع شود مخارج عدلیه از محکوم به بعد از اجرای حکم موضوع خواهد شد .

ماده ۸۰۴ -- معافیت مدعی افلاس از مخارج عدلیه باعث معافیت او از تادیه خسارت طرف او در صورت محکومیت او نخواهد بود .

## فصل پنجم

### در تعلق مخارج عدلیه

ماده ۸۰۵ -- در مواردیکه اقدام محکمه بموجب قانون مستلزم تادیه حقی است اداء حق بعهده شخصی است که از محکمه آن اقدام را مطالبه مینماید ولی درخین صدور حکم یا پس از آن مخارج مزبور بطوریکه در مواد آتی مذکور است بیکدیگر از متداعین تعلق میگیرد .

ماده ۸۰۶ - هرگاه طرفین یا یکی از آنان در ضمن عقد لازم ملتزم شده باشند که در صورت محکوم علیه شدن مخارج عدلیه و خسارت طرف (یعنی محکوم له) را تادیه نماید محکمه محکوم علیه را بنادمه حقوق مزبوره الزام می نماید .

ماده ۸۰۷ - هرگاه التزام مذکور در ماده قبل داده نشده باشد مخارج عدلیه را رجوع کننده (یعنی شخصی که خواستار اقدام یا قرار یا حکمی میشود) تادیه مینماید چه عارض باشد و چه معروض ولی محکوم له حق دارد تادیه مخارج عدلیه و خساراتی که بر او وارد شده است پس از صدور حکم قطعی از محکوم علیه بخواهد و محکمه پس از رسیدگی و ثبوت خسارت و تعیین مقدار آن حکم آنرا میدهد .

ماده ۸۰۸ - خرج مواردیکه قانون اصول محاکمات استتفا مینماید به محکوم علیه در صورت محکومیت او تعلق نخواهد گرفت رجوع بماده (۲۱۶) و (۳۱۶) و (۳۲۷) .

ماده ۸۰۹ - دعاوی که از پنج تومان کمتر است از خرج عدلیه معاف است .

ماده ۸۱۰ - در صورت اصلاح ذات البین بشرط ذیل رفتار میشود هرگاه اصلاح در جلسه اول محکمه واقع شود فقط ربع دوم مخارج محاکمه





مطالبه میشود و هر گاه صلح در جلسات دیگر یا در وقتی صادر شود که رسیدگی دعوی بدرجه صدور حکم رسیده است (یعنی مذاکرات شفاهی طرفین و عقیده مدعی العموم اصفا شده) ربع دوم و سوم دریافت میشود و هر گاه طرفین بعد از صدور حکم صلح نمایند این صلح آنان مؤثر تادیه در خرج محاکمه نخواهد بود.

ماده ۸۱۱ - در مورد مابه قبل هر گاه طرفین معین نکردند که خرج محاکمه بعهده کی است با المناصفه از طرفین مطالبه میشود.

ماده ۸۱۲ - هر گاه بموجب حکم محکمه هر دو طرف هر يك از جهت محکوم له و محکوم علیه باشند مخارج محاکمه نسبت به مبلغ مدعی به یا محکوم به بماده (۷۸۲) الی (۷۸۸) نسبت به بی حق بودن هر يك از طرفین به هر کدام تعلق می یابد.

کتاب قانون محاکمات حقوقی که دارای هشتصد و دوازده ماده است که هشتصد و چهار ماده آن از طرف وزارت جلاله عدلیه بعد از جلب نظریات آقای مشیر الدوله و مسیو پرنی مستشار عدلیه پیشنهاد شده و هشت ماده آن محض تکمیل وظایف محاضر شرعیه و محاکم عدلیه و تصحیح سایر مواد و تطبیق آن با قوانین مقدسه اسلامیه از طرف علماء

اعلام و نظار با احترام مجلس مقدس شورای ملی شهید الله ارکانه پیشنهاد و در ابتدای کتاب اضافه شده در کمسیون عدلیه تماما تصحیح و تصویب گردید  
بتاریخ ۱۹ شهر ذی قعدة الحرام ۱۳۲۹

# قانون موقتی

محاکم تجارت

# قسمت دوم

قانون موقتی

دوره سوم تقنینیه

قانون

محاکم تجارت

فصل اول

در تشکیل محاکم تجارت

ماده ۱ - تعیین عده محاکم صلحیه و ابتدائی تجارت در نقاطی که از جهت توسعه امور تجاری قابل محاکم مزبوره میباشد پس از تصویب وزارت عدلیه بموجب فرمان دولتی خواهد بود

ماده ۲ - حوزه هر يك از محاکم صلحیه و ابتدائی تجارت همان حوزه محکمه صلحیه ابتدائی حقوقی است که آن محکمه تجارت در حوزه محکمه مزبوره تشکیل می شود - و هر گاه چند محکمه تجارت در حوزه يك محکمه حقوق لازم باشد برای هر يك از محاکم مزبوره يك حوزه مخصوصی بتصویب وزارت عدلیه معین میشود

ماده ۳ - هر يك از محاکم صلحیه و بدایت تجارت در تحت ریاست يك نفر رئیس تشکیل می یابد و در محکمه بدایت یا رئیس مزبور در صورت تعدد اطاق های محکمه بقدر لزوم معاون خواهد داشت - رئیس محکمه ریاست یکی از اطاق ها و معاونین ریاست اطاقهای دیگر را در عهده میدارند - اطاقی که رئیس در آن ریاست مینماید اطاق اول نامیده می شود رئیس در



صورت لزوم ریاست هر يك از اطاقهای دیگر را که بخواهد مینماید

ماده ۴ - در هر يك از محاکم صلحیه و بدایت غیر از رئیس دو نفر عضو و در محکمه بدایت يك نفر عضو عالی البدل میباشد

ماده ۵ - محکمه صلحیه تجارت در تحت ریاست يك نفر امین صلح که از طرف دولت معین میشود تشکیل می یابد در هر محکمه دو نفر عضو می باشند اعضاء محکمه صلحیه تجارتنی مثل اعضاء محاکم ابتدائی تجارت انتخاب میشوند

ماده ۶ - در هر محکمه تجارت يك دفترخانه مقرر است که در تحت مدیری دفتر دار محکمه می باشد دفتر دار مزبور بعده اطاقهای محکمه تجارت تقریر نویس و بقدر حاجت ثبت و ضبط خواهد داشت

ماده ۷ - شرایط و اوصاف رؤسای محاکم تجارت و معاونین آنان و دفتر دار ها و تقریر نویسها بطوری است که در قانون تشکیلات عدلیه برای رؤسا و معاونین و دفتر دار ها و تقریر نویس های محاکم ابتدائی مقرر است

ماده ۸ - رؤسای محاکم تجارت و معاونین آنان موافق قانون تشکیلات عدلیه از طرف دولت معین می شوند

ماده ۹ - اعضاء محاکم تجارت از طرف تجار موافق مواد آتیبه انتخاب می شوند

ماده ۱۰ - رؤسای تجار تخبانها و تجاریکه از جهت امانت و دیانت و

ترتیب و نظم امور تجارتي خود و عقل اقتصادی معروف و دارای دستک و دفتر منظم می باشند اعضاء محکمه تجارت حوزه خود را مطابق مواد آتی و نظام نامه مخصوص انتخاب می کنند

ماده ۱۱ - انتخاب کنندگان علاوه بر اوصاف قبل باید دارای شرایط ذیل باشند

۱ ( تابعیت ایران ) ۲ سن لا اقل بیست و پنج سال ( ۳ عدم ورشکستگی بتقصیر یا تزویر ) ۴ عدم محکومیت بارتکاب جنحه و جنایت ( ۵ عدم اخراج از خدمت دوات بعات محکومیت ) ۶ نبودن در تحت قبه و مهت

ماده ۱۲ - انتخاب مزبوره در تحت نظر رئیس محکمه استیناف و اگر نباشد در تحت نظر رئیس محکمه ابتدائی آن حوزه بعمل می آید

ماده ۱۳ - اعضاء محکمه تجارت باید دارای همان شرایطی باشند که برای اعضاء محاکم حقوقی مقرر است - علاوه بر صفاتی که در انتخاب کنندگان شرط شده سن آنان باید کمتر از سی سال نباشد و از جهت معلومات باید از قوانین و عادات تجارتي تا اندازه که معمول ممالک است و همچنین از اصول محاکمات تجارت مطلع باشند

ماده ۱۴ - انتخاب اعضاء محکمه تجارت برای مخفی و برای مدت دو سال است ولی پس از انقضاء يك سال در دوره اول نصف از اعضاء منتخبه بقرعه خارج و بجای آنان اعضاء جدید برای مدت دو سال انتخاب میشوند

ماده ۱۵ - اشخاصی که بدرسنی و وظایف خود را انجام داده اند میتوانند مجدداً بسمت عضویت انتخاب نمود

ماده ۱۶ - هرگاه عضوی فوت شود یا استعفا نماید و یا موافق اصول تشکیلات عدلیه پس از محاکمه اخراج شود عضوی که در موقع انتخاب پس از او دارای اکثریت بوده است بجای او منصوب میشود و عضویت او فقط برای بقیه زمانی است که از مدت انتخاب عضو خارج شده یا استعفا یا متوفی باقی مانده است

ماده ۱۷ - جلسه محکمه تجارت وقتی قانونی محسوب است که غیر از رئیس دوفتر از اعضاء حاضر باشند و رای محکمه به اکثریت مناط اعتبار است - در مواردیکه عضوی از حضور در محکمه معذور باشد عضو علی البدل برای ثبات عضو غائب دعوت میشود ( عضو علی البدل از همان منتخبین تجار خواهد بود

ماده ۱۸ - اعضاء محاکم تجارت قبل از مباشرت بشغل خودشان قسم یاد میکنند که بدرسنی و صحت وظایف خود را انجام دهند در صورتی که محکمه تجارت در شهری باشد که محکمه استیناف در آن تشکیل شده قسم مزبور در محکمه استیناف و اگر نباشد در محکمه ابتدائی و هرگاه محکمه ابتدائی نیز نباشد در خود محکمه تجارت باحضور رئیس و نظار انتخابات بعمل میاید و در هر صورت باید قسمنامه را به محکمه استیناف آن حوزه فرستند که اسامی اعضاء محکمه تجارت در دفتر مخصوص ثبت شود و مدعی العموم باید در حین اتمام بقیه حاضر باشد

ماده ۱۹ - ترتیبات داخلی محاکم تجارت موافق قوانینی است که

برای محاکم حقوقی مقرر است

ماده ۲۰ - محاکم تجارت و اعضاء آنها در تحت نظارت عالیه وزیر و نظامات وزارت عدلیه میباشد

ماده ۲۱ - مشاغل اعضاء محاکم تجارت مجانی و بلا عوض خواهد بود در صورتی که اعضاء محاکم تجارت در تمام يك دوره به درستی و امانت وظایف خود را انجام دهند به پیشنهاد وزارت عدلیه بمقام معاونت افتخاری ریاست شعبه تجارت نایل خواهند شد و اگر در تمام دو دوره وظایف را به نحو مرقوم بجا آورند مقام ریاست شعبه مزبوره را افتخارا دارا خواهد شد

ماده ۲۲ - ترتیب انتخابات اعضاء محاکم تجارت بموجب نظامنامه جداگانه خواهد شد

## فصل دوم

### در صلاحیت محاکم

ماده ۲۳ - محاکم تجارت بامور راجعه بمعاملات تجارتي که طرفین یا يك طرف آن تاجر باشند رسیده گی مینماید (معاملات تجارتي عبارت از نقل و انقالی است که غرض از آن صرف انتفاع باشد)

ماده ۲۴ - کلیه معاملات تجار معامله تجارتي محسوب است مادامی که خلاف آن محقق نشده باشد

ماده ۲۵ - دعاوی راجعه باموال غیر منقول از صلاحیت محاکم تجارتي خارج است

ماده ۲۶ - کلیه دعاوی راجع بورشکستگي تجارتي از صلاحیت محاکم تجارت است مطابق قانون ورشکسته

ماده ۲۷ - صلاحیت محاکم صلحه تجارتي در موارد ذیل است (۱) وقتی که اصل مدعا به پیش از دو بیست و پنجاه تومان نباشد (۲) وقتی که موضوع ادعای متقابل یا ادعای تقاضا (تفریقا) از ادعای اصلی پیش از دو بیست و پنجاه تومان نباشد (۳) خسارتي که طاری بر دعوی اصلی (تا دو بیست و پنجاه تومان) میشود بالغ بر مقدار باشد

ماده ۲۸ - در جاهائیکه محکمه تجارت تشکیل نشده امور راجعه بمحکمه مزبوره در محکمه حقوق رویت میشود و محاکم حقوق درین موارد موافق قوانین و اصول محاکمات تجارتي رسیده گی کرده حکم میدهند

ماده ۲۹ - دعاوی راجعه بخسارات در صورتیکه اصل دعوا تجارتي باشد بمحکمه تجارت راجع است

ماده ۳۰ مدعی میتواند بهر يك از محاکم مفصله که بخواهد رجوع نماید (۱) بمحکمه واقعه در محل اقامت خود بترتیب مقرر در ماده (۱۵۱) اصول محاکمات حقوقی (۲) بمحکمه که مدعا علیه در حوزه آن اقامت دارد (۳) بمحکمه که در حوزه آن تعهد بعمل آمده و مال التجاره تسلیم شده (۴) بمحکمه که در حوزه آن باید وجه تادیه



شود - درین دو صورت اخیر نیز باید ماده ۱۵۱ ( اصول محاکمات حقوقی مراعات شود

### فصل سوم

#### اصول محاکمات در محاکم تجارته

ماده ۳۱ - باسئمنای قواعدی که درین فصل مصرح است سایر قواعد و ترتیبات محاکم تجارته موافق اصول وقواعدی است که برای محاکم حقوقی مقرر است

#### مبحث اول در عرض حال

ماده ۳۲ - ترتیب دادن عرض حال وسایر قواعد راجعه بان بنحوی است که برای محاکم حقوقی مقرر است

#### مبحث دوم

#### در احضار مدعی علیه و تامین مدعا به

ماده ۳۳ - موعد احضار نماید کمتر از دو روز از تاریخ ابلاغ احضار نامه باشد ولی دره وارد فوری رئیس محکمه میتواند طرفین را برای همان روز یا اولین جلسه آئبه بمحکمه احضار کند

ماده ۲۴ - محکمه بتقاضای مدعی برای تامین مدعا به و حفظ حقوق



او در مورد تضییع و تفریط تقاضای تامین را پذیرفته و قرار تامین را صادر میکنند ولی مدعی که تامین میخواهد در صورتیکه محکمه اطمینان باعتبار او داشته باشد التزام میسپارد که در صورت محکومیت خسارت مدعی علیه را که از تامین حاصل شده بپردازد و الا ضامن معتبر میدهد یا مبلغی معادل مدعا به در صندوق محکمه ودیعه میگذارد باقی شرایط و کفیات تامین بطوری است که در اصول محاکمات حقوقی مقرر است

ماده ۳۵ - قرار محکمه در تامین مدعا به قابل استیناف و در صورتیکه قرار در غیاب مدعی علیه بوده قابل اعتراض است عرض حال اعتراض بر قرار غیابی بخود محکمه و عرض حال استینافی بمحکمه استیناف داده میشود

ماده ۳۶ - دادن عرض حال اعتراض بر حکم غیابی یا استینافی از طرف مدعی علیه قرار محکمه تجارت را در باب پول تامین مدعا به بناخیر نمی اندازد و قرار مزبور موقتا قابل اجراء است

ماده ۲۷ - هرگاه از محکمه تجارت غیابا قرار تامین مدعا به صادر شده و پس از آن بواسطه اعتراض مدعی علیه قرار مزبور موقوف گردیده و مدعی از قرار ثانی (موقوفی قرار تامین مدعا به) بمحکمه استیناف شکایت کند قرار ثانی مادام که محکمه استیناف آنرا نسخ نکرده بحال خود باقی خواهد ماند

## مبحث سوم

## در رسیدگی محکمه

ماده ۳۸ - طرفین میتوانند شخصا در محکمه حاضر شوند یا وکیل بفرستند حدود و ترتیبات و کات بنحوی است که در قوانین محاکمات حقوقی مقرر است

ماده ۳۹ - هرگاه محکمه تجارت توضیحات شفاهی موکل را لازم بداند میتواند خود موکل را احضار کند و اگر موکل عذر موجه در عدم حضور در محکمه داشته باشد یکی از اعضاء محکمه را با دو نفر شاهد معین مینماید که توضیحات شفاهی موکل را استماع نموده و صورت آنرا کتبا بمحکمه بدهد

ماده ۴۰ - ترتیب محاکمه در محاکم تجارته اختصاری است

## مبحث چهارم

## در دلایل

ماده ۴۱ - ترتیب اقامه دلایل و ابراز اسناد کتبی و اعتبار اسناد و تحقیقات راجعه بدلائل موافق مقررات اصول محاکمات حقوقی است و اعتبار دفاتر تجارته همان است که در قوانین محاکمات حقوقی مندرج است

## مبحث پنجم

## در حکم

ماده ۴۲ - اتخاذ رای و صدور حکم بطوری است که برای محاکمات حقوقی مقرر است

ماده ۴۳ - موارد ابلاغ در محاکمات تجارته از قرار ذیل است (۱) دعاوی راجعه بدولت و اموال عمومی (۲) در موارد نقض قوانین موافق ماده (۱۳۶) اصول محاکمات حقوقی (۳) در دعاوی متعلقه بصلاحت محاکم ورد حکام عدلیه (۴) در دعاوی متعلقه بصغیر و بجنون و سفیه که قیام باوای خاص دارند (۵) در دعاوی راجعه بافلاس

ماده ۴۴ - احکام محاکم تجارته کلیه قابل اجرای موقت است بشرطی که محکوم له مطابق مقررات اصول محاکمات حقوقی در اجرای موقت تامین بدهد

ماده ۴۵ - قرار محکمه تجارت در باب اجرای موقت قابل اجراء است و او اینکه محکوم علیه از آن قرار استیناف خواسته باشد - ولی هرگاه محکوم علیه غایب برقرار اجرای موقت در همان محکمه که قرار مزبور را داده است اعتراض نماید تا رسیدگی محکمه با اعتراض و صدور قرار جدید : اجرای موقت بناخیر میآید

## مبحث ششم

## در احکام غیابی

ماده ۴۶ -- هرگاه مدعی حاضر نشد محکمه عدم حضور او را در صورت مجلس قید کرده رسیدگی را موقوف می نماید - پس از موقوفی محاکمه مدعی می تواند عرض حال جدید داده اقامه دعوا نماید

ماده ۴۷ -- مدت اعتراض بر حکم غیابی از تاریخ ابلاغ حکم به محکوم علیه باقامتگاه اوسه روزه است حق مسافت از محل اقامت مدعی علیه نامحکمه هر چهار فرسخ يك روز است

ماده ۴۸ -- بعد از وصول اعتراض محکمه طرفین را احضار و مجددا رسیدگی مینماید و بعد احضار طرفین نباید کمتر از دو روز از روز ابلاغ احضار نامه بطرفین باشد

ماده ۴۹ -- باقی ترتیبات حکم غیابی موافق مقررات قوانین مجازات حقوقی است

## مبحث هفتم

## در اظهارات عارض

ماده ۵۰ -- ایراد عدم صلاحیت شخصی یا مجلی محکمه یا این که دعوا

راجع بمدعی علیه دیگری است یا همان دعوا بادعوی دیگری که مناسبت نامه با آن دعوا دارد در محکمه دیگر در تحت رسیدگی است و همچنین ایراد عدم صلاحیت طرف یا وکیل او باید در اول جلسه محکمه قبل از شروع بمحاکمه بعمل آید والا طرف توجه و اعتنا نخواهد بود ولی ایراد عدم صلاحیت ذاتی محکمه ( رجوع بفصل دوم ) در هر حالی از احوال پذیرفته است

ماده ۵۱ -- محکمه تجارت در صورت ایراد بدوا قرار در باب قبول یارد عرض حال داده پس از آن در صورت قبول برسدگی شروع می نماید - قرار محکمه در باب رد یا قبول ایراد راجع بصلاحیت قبل از صدور حکم قابل استیناف است

ماده ۵۲ -- هرگاه ادعای جعلیت در محکمه تجارت نسبت به سندی بشود و صاحب سند آن را از اعداد دلایل خارج نکرده استرداد ننماید محکمه امتناع از رسیدگی این امر نهوده کار را بمحکمه حقوق رجوع می کند درین صورت هرگاه محکمه تجارت دعوی جعلیت را باصل دعوا مربوط دانست رسیدگی را توقیف کرده منتظر حکم محکمه حقوق میشود و اگر ادعای جعلیت را باصل دعوا مربوط ندانست برسدگی مداومت می دهد .

ماده ۵۳ -- هرگاه اظهار بی اطلاعی نسبت بسندی یا تردید در





صحت آن بشود محکمه تجارت بر حسب اصولی که برای محاکم حقوقی در تطبیق خط و مهر و خواستن تقیده اهل خبره و غیره مقرر است رفتار می نماید

ماده ۵۴ -- تعیین اهل خبره بتراضی طرفین بعمل می آید ولی اگر تراضی ننمایند یا در انتخاب کردن کوناهمی کنند محکمه می تواند بعهده طاق خبره معین کند

ماده ۵۵ -- مددعین می توانند خبره و صدقی را که محکمه معین نموده است با ادله موجهه رد نمایند و این رد از روز اعلام بطرفین در ظرف سه روز جایز خواهد بود تبصره سایر مباحث راجعه بحکم و مصدقین و ترتیب رد مطابق قانون محاکمات حقوقی است

### مبحث هشتم

در استیناف احکام محاکم تجارت

ماده ۵۶ -- محاکمه استینافی برای احکام محاکم تجارت موافق قواعد محاکمه اختصاری بعمل میاید

ماده ۵۷ -- محاکم استیناف حق ندارند اجراء احکام محاکم تجارت را در مواردی که قرار اجراء وقت آن احکام داده شده است بواسطه تقدیم عرضحال استینافی از حکم یا قرار اجراء موقت بتعویق

قسمت دوم -- قانون محاکم تجارت -- ۳۰۳ --

بیاندازند ولی طرفین را مجلا احضار کرده بقرار اجرای موقت رسیده گی می نماید

ماده ۵۸ -- مدت اعتراض بر احکام غیابی محکمه استیناف سه روز است  
ماده ۵۹ -- هر گاه محکوم له استینافی ادعای خسارت در محکمه استیناف نماید محکمه مزبوره رسیده گی کرده حکم آنرا میدهد

ماده ۶۰ -- سایر قواعد راجعه بعرضحال استینافی و ترتیبات محاکمه در محکمه استیناف نسبت باحکام محاکم تجارت همان است که برای احکام محاکم حقوقی مقرر است

ماده ۶۱ -- مدت استیناف ده روز است و حق مسافت و سایر ترتیبات راجعه بمدت موافق اصول محاکمات حقوقی است

### مبحث نهم

در نمبر احکام محاکم تجارت

ماده ۶۲ -- مدت تقاضای تمیز برای احکام مفصله بترتیب ذیل مقرر می شود (۱) برای احکام غیابی قابل استیناف محکمه تجارت از روز انقضاء مدت استیناف ده روز ۲ - برای احکام حضوری قطعی محاکم تجارت از روز ابلاغ حکم بمحکوم علیه ده روز ۳ برای احکام حضوری قابل استیناف محاکم تجارت از روز انقضاء مدت استیناف ده روز .

برای احکام حضوری محکمه استیناف از روز ابلاغ آن ده روز (۵) برای  
احکام غیابی محکمه استیناف از روز انقضاء مدت اعتراض ده روز  
قواعد تقدیم عرض حال و سایر ترتیبات محاکم تمیزی بنجوی است  
که در اصول محاکمات حقوقی مقرر است

بتاریخ ۲۴ شعبان ۱۳۳۳

# قسمت سوم

## قوانین موقتی

### دوره چهارم تقنینیه

برای احکام ضروری محکمه استیناف از روز ابلاغ آن ده روز (۵) برای احکام غیر این محکمه استیناف از روز اتمام مدت اعتراض ده روز خواهد بود. در موارد خاص و سایر ترتیبات محاکم نیز بنحوی است که در اصول محاکمات حقوق مشروحه است.

### قانون مدنی

### حقوقه زمیندارانه

### قیمتینقا و لویچه شرعا

قضای حقوق منقذی است که در این باب مندرج است. این قانون در روز ۱۳۳۳ شمسی در طهران تصویب گردید و در روز ۱۳۳۴ شمسی در کابل و در روز ۱۳۳۴ شمسی در تبریز اجرا گردید.

### قانون موقتی

### امتحان حکام و صاحبان مناصب

واجزاه و مستخدمین عدلیه

این قانون در روز ۱۳۳۳ شمسی در طهران تصویب گردید و در روز ۱۳۳۴ شمسی در کابل و در روز ۱۳۳۴ شمسی در تبریز اجرا گردید. این قانون در مورد امتحان حکام و صاحبان مناصب و مستخدمین عدلیه صادر شده است.

# قانون موقتی امتحان حکام و صاحبان مناصب

و اجزاء و مستخدمین عدلیه

مصوبه ۲۱ سرطان ایت ژیل ۱۳۰۱

مشمول بر چهار فصل

## فصل اول

مواد عمومی

ماده ۱ - نظر بفقره چهارم از ماده (۱۴۷) اصول تشکیلات عدلیه از شرایط حتمی استخدا در وزارت عدلیه دادن امتحان است و احدی بدون امتحان در خدمت این وزارت خانه پذیرفته نخواهد شد

ماده ۲ - چون ابلاغ دوات راجع بامتحان در (۲۳) ذی القعدة ۱۳۳۲ صادر و منتشر گردیده اشخاصی که قبل از آن تاریخ موظفا یا افتخارا وارد در خدمت وزارت عدلیه شده اند در صورتیکه دارای سایر شرایط باشند از دادن امتحان معاف خواهند بود

ماده ۳ - دیپلم مدارس داخله و خارجه دارنده را از دادن امتحان

قضائی عرفی مستثنی نمی نماید و هر کس مایل استخدا در وزارت عدلیه باشد باید امتحان داده تصدیق نامه دریافت دارد ولی اشخاصی که از مدرسه حقوقی که مواد پر گرام آن از مجلس شورای ملی گذشته باشد تصدیق نامه حاصل کنند از دادن امتحان معاف خواهند بود

ماده ۴ - هر گاه چند نفر از اشخاص که پس از دادن امتحان در یک رتبه واقع شده اند داو طلب خدمتی باشند که یک نفر متصدی بیشتر لازم نداشته باشد ترجیح و انتخاب یکی از آنان باختیار وزارت عدلیه است

## فصل دوم

در مقدمات و ترتیب دادن تقاضا نامه

ماده ۵ - امتحان در وزارت عدلیه بر دو گونه است اول امتحان داوطلبان قضاوت عرفی دوم امتحان اجزای اداری

ماده ۶ - امتحان کسانی که داو طلب قضاوتند در هیئت ممتحنه قضائی و امتحان اجزای دوایر وزارتی و دفتر داران و تقریر نویسندگان محاکم و منشیان و قباغان و ضباطان محاکم و دوایر در هیئت ممتحنه اداری خواهد بود

ماده ۷ - اشخاص حاوی شرایط مقرر در ماده ۱۴۷ و ۱۴۸ اصول تشکیلات پس از اخذ تصدیق نامه باید لا اقل شش ماه مجازا خدمت کرده طرز عملیات را بیاموزند پس از آن وزارت عدلیه در صورت پیدایش

محل شغلی بازان رجوع خواهد کرد و اسامی سایرین جزء منتظرین خدمت وزارت عدلیه ثبت میشود ولی کسانی که امتحان قضاوت داده اند بدواً به عضویت ابتدائی یا معاونت مدعی العموم بدایت یا استنطاق درجه دوم یا اشغالی که در رتبه آنها است نایل میشوند و ارتقاء آنان مطابق قانون ترفیع رتبه خواهد بود و همچنین کسانی که امتحان اداری داده اند بدواً شاغل مقام قضائی و ضباطی و منشی گری و تقریر نویسی خواهند شد

تبصره - مستخدمین وزارت عدلیه که پس از ذی القعدة ۱۳۳۲ داخل خدمت شده اند از ترتیب فوق مستثنی نیستند و باید امتحان بدهند ولی در صورتی که تصدیقنامه تحصیل کردند از خدمت مجانی معاف می باشند و با تصدیق هیئت ممتحنه تا درجه چهارم قضاوت (ریاست شعبه استئناف و وکالت عمومی استئناف) می توانند نایل شوند باین معنی که کسانی که شاغل مقامی بالاتر از مقام عضویت بدایت تا مقام ریاست شعبه استئناف باشند با تصدیق هیئت ممتحنه می توانند مقام بالاتر از عضویت بدایت را تا آن مقامی که داشته اند حایز شوند

ماده ۸ - امتحان در وزارت عدلیه لدی الاقتضا از اول میزان شروع می شود و ترتیب آن از این قرار است که در اول اسد اعلانی از طرف وزارت عدلیه منتشر میشود که داوطلبان مرکز و ایالات و ولایات تا آخر سنبله تقاضا نامه خود را بکابینه وزارت (شعبه پرسنل) داده و از کابینه رسید دریافت نمایند و هیئت امتحان در اول میزان تشکیل خواهد شد

ماده ۹ - تقاضا نامه باید حاوی نکات ذیل باشد - ۱ - اسم و لقب و شهرت و سن و محل تولد و مسکن و اسم پدر و نام فامیلی و مذهب و تابعیت تقاضا کننده - ب - تحصیلات او و اینکه کجا تحصیل کرده و فعلاً دارای چه معلوماتی است - ج - مشاغل را که در اوقات مختلفه داشته و شغلی که فعلاً داراست و اینکه مخارج او بطور متوسط بچه اندازه است - د - چه شغلی را در عدلیه داوطلب است قضائی یا اداری - ه - چه اشخاصی می توانند معرف او واقع شوند

ماده ۱۰ - رئیس کابینه وزارت عدلیه پس از اینکه تقاضا نامه بکابینه رسیده هر گاه نقصی در آن مشاهده کند فوراً بتقاضا کننده اعلام میدارد که آنرا تکمیل نماید و پس از تکمیل و همچنین در صورت عدم نقصان آنرا در دفتر ثبت کرده رسیده بتقاضا کننده میدهد و هر گاه نقصی در آن مشاهده کرد که قابل اصلاح نباشد مراتب را در ضمن راپورت نوشته ضمیمه تقاضا نامه خواهد کرد

## فصل سوم

### در هیئت ممتحنه

ماده ۱۱ - هیئت ممتحنه قضائی تشکیل می شود از وزیر یا معاون وزارت عدلیه که ریاست و نظم مجلس میدهد او است رئیس و مدعی العموم دیوان تمیز و دو نفر از فقهاء عظام و دو نفر از مطلقین بصیر از قوانین

مملکتی و دو نفر از منحصین ادبیات فارسی و عربی بانتخاب و دعوت وزارت عدلیه بملاوه رئیس کابینه

ماده ۱۲ - هیئت ممتحنه اداری تشکیلی می شود از معاون کل رئیس کابینه رئیس اداره امور عدلیه یک نفر متخصص در ادبیات مدیر پرسنل و مدیر کابینه

ماده ۱۳ - در هیئت ممتحنه اکثریت آراء قاطع است ولی تصدیق و تردید فقهاء در امتحان فقاقت و منحصین قانون در آگاهی از قوانین مملکتی شرط اهم است بنحوی که در ماده ۲۷ مذکور می باشد

## فصل چهارم

### در امتحان

ماده ۱۴ - اشخاصی که داوطلب مقام قضاوتند باید از مواد ذیل امتحان بدهند - ا - ادبیات فارسی کتب و قرائت در حدود گلستان و کابل و دفته ب - ادبیات عربی فیز کتب و قرائت در حدود کتب و مقدماتی و ادبی از قبیل جامی و شرح نظام انوار الربیع ابن خلیکان و امثال آنها - ج - امتحان کتبی و شفاهی در حدود شرایع و تبصره بدرجه که معلوم شود امتحان دهنده قوه فهم مسائل را با رجوع بکتاب فقهیه دارا میباشد - د - قوانین موضوعه مملکتی کتب و شفاه از قانون اساسی و مطبوعات و قوانین عدلیه از تشکیلات و محاکمات حقوقی و جزائی و سؤال از فلسفه آنها

ماده ۱۵ - اشخاص فوق الذکر در صورتیکه از عهده امتحان علمی مذکور در ماده (۱۴) برآیند یک امتحان عملی نیز باید بدهند و آن عبارت است از اینکه هیئت ممتحنه اختیار از قوه آنان مینماید در استخراج مدرک حکم از دوسپه کار معینی یا قضاوت دعوائی و در تشخیص اعتراضات وارده بر جریان یک محاکمه از روی دوسپه که خائمه یافته است

تبصره - هیئت ممتحنه ممکن است لای الاقضاء نسبت بقضائی که لا اقل پنج سال متوالی در عدلیه مشغول قضاوت بوده اند امتحان ادبی و فقهی را در ضمن امتحان عملی از دوسپه بنماید

ماده ۱۶ - اشخاصیکه میخواهند جدیداً داخل استخدام عدلیه شوند میتوانند تقاضا کنند امتحان عملی خود را پس از طی مدت استخدام افتخاری بدهند و این تقاضا مانع از گرفتن تصدیقنامه نیست ولی این نکته باید در تصدیقنامه قید شود و بطور کلی قبل از دادن امتحان عملی احدی با استخدام وزارت عدلیه پذیرفته نخواهد شد پس هرگاه دارنده تصدیق بعد از مدت خدمت افتخاری از عهده امتحان عملی برنماید خدمت افتخاری او (ششماه) تجدید میشود تا وقتی که امتحان عملی را بدهد

ماده ۱۷ - امتحان اجزای اداری وزارت عدلیه کتبی و شفاهی و مواد آن عبارت است از املاء و انشاء ادبیات فارسی و عربی بقدر کفایت و خط خوب خوانا و دفتر داری و استحضار از قوانین عدلیه بالاخص قانون تشکیلات و مواردی از قوانین که اجرای آن بعهده داوطلب خواهد

بود و در هر مورد امتحان کتبی بر امتحان شفاهی مقدم است

ماده ۱۸ - امتحان مامورین اجرا و احضار خط و سواد فارسی است باندازه لزوم و اسامی حضار از مواد راجعه باحضار و اجرا از قوانین محاکمات حقوقی و جزائی

ماده ۱۹ - نمره هائی برای امتحان معین میشود که حد اعلاى آن ده است و هر يك از متخصمین پس از امتحان کتبی و شفاهی نمره امتحان را مطابق عقیده خود معین مینماید

ماده ۲۰ - علاوه بر معلومات مذکور در ماده (۱۴) هر گاه داوطلبان معلومات دیگری هم از علوم متنوعه و قوانین داخله و خارجه داشته باشند می توانند اظهار کنند و البته در نظر هیئت منبجنه داشتن این گونه معلومات موجب مزیت و رجحان خواهد بود خاصه اگر تصدیقنامه در دست داشته باشند یا امتحان آنها بخوبی از عهده بر آید

ماده ۲۱ - حضور نصف بعلاوه يك از اعضاء منبجنه با رعایت این نکته که امتحان کنندگان هر فنی که در ماده (۱۱) ذکر شده در وقت امتحان آن علم مخصوص حضور داشته باشد برای شروع با امتحان کافی است

ماده ۲۲ - تحریر صورت مجلس و ضبط دوسبها و اوراق بعهدده رئیس کابینه است و پس از نوشتن صورت مجلس آنها با اعضاء حضار میرسانند

ماده ۲۳ - هر يك از اعضاء هیئت منبجنه بعد از آنکه رای خود را داد و در صورت مجلس ثبت شد حق رجوع از آنها ندارد

ماده ۲۴ - تصدیق نامه ها باید با امضای معینین برسد و در صورت مجلس و اسامی رای دهندگان و مخالفین ثبت خواهد شد

ماده ۲۵ - در صورتیکه مستخدمین اداری و همچنین و کالی عدلیه بخواهند داخل شعبه قضائی شوند باید مثل اشخاص جدید بر طبق مواد همین قانون امتحان بدهند

ماده ۲۶ - امتحان اعضاء و مباشرین و اجزاء ثبت اسناد مطابق رتبه هائی خواهد بود که در قانون ثبت اسناد برای آنان معین گردیده

ماده ۲۷ - در امتحان قضاوت فقاهت و قانون مقدم بر سایر امتحانات است باین معنی که اگر کسی از عهده امتحان فقه یا قانون بخوبی بر نیاید (نمره او پنج یا کمتر باشد) قابل قضاوت نخواهد بود اگر چه سایر مواد امتحان را از عهده بر آید

ماده ۲۸ - رؤسای اول محاکم و مدعیان عمومی استیناف و شعب ان و رؤسای اول و مدعیان عمومی بدایت ایالات و ولایات باید در مرکز امتحان بدهند و ای برای امتحان اعضاء استیناف و رؤسای شعب و و کلاء عمومی بدایت و امناء صلح و سایر اعضاء و اجزاء (در صورتیکه در مرکز نباشند) مراکز امتحانی از طرف وزارت عدلیه معین و هیئت منبجنه مشخص شده و در همانجا امتحان خواهند داد

ماده ۲۹ - هیئت منبجنه امانت و دیانت و شرافت و صحت عمل و امتحانات عملی داوطلبان را اختیار و رسیدگی کامل مینماید و همچنین

در صحت مندرجات تقاضانامه داوطلبان تحقیقات کافیه بجای آورده راپورت جامعی بدون ملاحظه و از روی حقیقت بوزارت عدلیه داده و در ضمن تصدیقنامه نیز که بدوطلبان میدهید اطلاعاتی که از این بابت تحصیل کرده تصریحاً یا تلویحاً خواهد نکاشت

۳۰ — نظر باینکه برای اداره کردن کارهای عمومی و خصوصاً حکومت بین افراد و نوشتن معلومات به تنهایی کافی نیست و عمده مطمح نظر و حسن اخلاق و پیرایش از آرایش است هیئت ممتحنه همه وقت اوصاف مزبوره را بر دانش و آگاهی مقدم خواهد داشت و باید در مواردی که شکی از سوء اخلاق خاصه عدم دیانت و ارتکاب ارتشائی حاصل کند نهایت اهمیت را بان بدهد و هرگاه نتوانست بهیچ وسیله اخراز واقع نماید مراتب را در ضمن راپورت بوزیر عدلیه اظهار میکنند

ماده ۳۱ — کلیه مستخدمین قضائی که با مراعات شرایط مقرره پس از دادن امتحان و انبیا بین وارد خدمت شده حکم یا فرمان استخدا خود را دریافت داشته و همچنین قضائی که قبل از ذی القعدة ( ۱۳۳۲ ) بقضاوت پذیرفته شده اند افضال یا منزل مقام آذان مشروط بمحاکمه و حکم مجلس محاکم عالی است

ماده ۳۲ — پیشخدمندان عدلیه در پیشگاه هیئت ممتحنه بمعرض امتحان در نمی آیند لکن باید خط و سواد فارسی داشته باشند و مراقبت این امر برعهده پرسنل عدلیه است

ماده ۳۳ — اشخاصی که قبل از ذی القعدة ۱۳۳۲ وارد خدمت وزارت عدلیه شده و پس از آن تاریخ باستخدام وزارتخانه دیگر برقرار شده اند هرگاه تقاضای استخدام وزارت عدلیه را داشته باشند ورود آنان بوزارت عدلیه مجدداً موقوف بدادن امتحان و گرفتن تصدیقنامه خواهد بود



بر صحت آنکه در صورتی که در شرایطی که در این کتاب ذکر شده است  
در صورتی که در این کتاب ذکر شده است

۲ - نظر بر این است که برای آنکه در این کتاب ذکر شده است  
در این کتاب ذکر شده است

۳ - در این کتاب ذکر شده است  
در این کتاب ذکر شده است

۴ - در این کتاب ذکر شده است  
در این کتاب ذکر شده است

# قانون موقتی

## و رسیدگی به

## شکایات از احکام صادره

از محاضر شرعیه

فaint, bleed-through text from the reverse side of the page, including the title 'قانون موقتی' and other illegible words.

## قانون موقتی

رسیدگی به شکایات از احکام صادره از محاضر شرعیه

مصوبه ۲۷ اسد ایت تپیل ۱۳۰۱

### فصل اول

در طریقه تقدیم عرضحال و مقدمات رسیدگی  
بشکایات از احکام محاضر شرعیه

ماده ۱ — عرضحال اعتراض بر احکام محاضر شرعیه باید بمحکمه داده شود که دعوی را بمحضر شرع ارجاع کرده

ماده ۲ — مدت اعتراض بر حکم صادره از محضر شرع بیست روز پس از اعلام آن است و قبل از گذشتن این مدت محکمه از صدور حکم بر طبق آن باید خودداری نماید و کلیه محاکم مکلفند پس از وصول حکم شرعی بدون تفویض وقت نهایت در ظرف سه روز آنرا برویت متداعیین برسانند مگر اینکه یکی از متداعیین در خارج باشد که باید بنحویکه برای ابلاغ کلیه احکام مقرر گردیده باو ابلاغ شود

ماده ۳ — عرضحال اعتراض باید حاوی تمام اعتراضاتی باشد که شاکی بر حکم شرعی وارد میداند وبعلاوه شاکی باید کلیه اسناد ومدارک

ماده ۱۳ — پس از تعیین آقایان مجتهدین محکمه مراتب را بلافاصله بمعزی الیهم اطلاع وسواد عرضحال و اعتراضات را بضمیمه سواد مدافعات حاکم قضیه (اگر بمحکمه فرستاده باشد) ارسال میدارد و معزی الیهم مخبر خواهند بود که بالاتفاق رسیدگی و انشاء حکم کنند و یا منفردا هر کدام رای خودرا نوشته بمحکمه ارسال دارند ولی در هر صورت باید رای آقایان کتبی و مفاد آن واضح بوده و در دوسه محاکمه وارد شود

ماده ۱۴ — رای اکثریت آقایان ثلاث قاطع است باینطریق که اگر اعتراضی بر حکم وارد ندانستند حکم محکمه بر طبق حکم شرعی صادر و اجرا خواهد شد و هرگاه اعتراض را وارد و مؤثر در حکم دانستند محکمه که مرجع امر است مجددا طرفین را بمحضر شرعی دیگر رجوع مینماید

ماده ۱۵ — آقایان مجتهدین باید در ظرف پانزده روز عقیده خود را کتبا بمحکمه بفرستند یا استعفا دهند و هرگاه این مدت منقضی شد محکمه بنحو مقرر در ماده ۱۰ و ۱۱ تجدید انتخاب خواهد نمود

ماده ۱۶ — هرگاه بعضی از مجتهدین عقیده خودرا نوشته و بعضی مسامحه ویاتوقف کنند بجای مجتهد مزبور دیگری بنحو مقرر انتخاب خواهد شد

ماده ۱۸ — مدلول این قانون شامل اعتراضات و شکایات از احکام شرعیه نیز خواهد بود که قبل ازاعلان ونشر این مواد بوزارت عدلیه رسیده و هنوز احکام مزبور مجری نشده است

ماده ۱۸ — این قانون در هر يك از حوزه های قضائی تا موقعی لازم الاجراست که محاضر شرعیه ومجلس فوق العاده مطابق کتاب دوم قانون اصول تشکیلات عدلیه در آن حوزه تشکیل نگشته است

ماده ۸۱ - پس از وصول عرضحال مزبور ضمیمه نماید و پس از تقدیم آن دیگر اعتراضی جدید پذیرفته نخواهد شد  
ماده ۸۲ - پس از وصول عرضحال محکمه مکلف است از اصدار حکم بر طبق حکم شرعی خود داری کند و شرحی بمامور اجرا بنویسد که محکوم به غیر منقول را در تحت نظر گرفته از مداخلات متداعین اصلا و منفعة جلو گیری کند و محکوم به منقول را از محکوم علیه دریافت و در توقیف نگاهدارد  
ماده ۸۳ - محکمه باید بلا تاخیر سوادی از اعتراضات شاکی برای مجتهدی که حکم را داده است ارسال دارد که اگر مدافعتی داشته باشد در مدت يك هفته بمحکمه بفرستد و نیز محکمه فوراً سواد اعتراضات معترض را برای محکوم له ارسال خواهد نمود و مشارالیه هم مکلف است که در ظرف يك هفته مدافعات خود را بمحکمه تقدیم دارد و پس از مضي مدت مزبور دیگر مدافعاتی پذیرفته نخواهد شد  
ماده ۸۴ - پس از وصول عرضحال و اعتراضات محکمه بلا فاصله طرفین را برای تعیین مجتهدین احضار مینماید و فاصله این احضار برای زیاد تر از يك هفته نخواهد بود بعلاوه برای هر چهار فرسخ يك روز بنحوی که در اصول محاکمات حقوقی مقرر است منظور میشود  
ماده ۸۵ - هر گاه شاکی و یا وکیل او در موعد مقرر در محکمه حاضر نشد محکمه شکایت او را لغو دانسته الغای آنرا اعلام خواهد کرد

ماده ۸۶ - پس از وصول عرضحال محکمه مکلف است از اصدار حکم بر طبق حکم شرعی خود داری کند و شرحی بمامور اجرا بنویسد که محکوم به غیر منقول را در تحت نظر گرفته از مداخلات متداعین اصلا و منفعة جلو گیری کند و محکوم به منقول را از محکوم علیه دریافت و در توقیف نگاهدارد  
ماده ۸۷ - محکمه باید بلا تاخیر سوادی از اعتراضات شاکی برای مجتهدی که حکم را داده است ارسال دارد که اگر مدافعتی داشته باشد در مدت يك هفته بمحکمه بفرستد و نیز محکمه فوراً سواد اعتراضات معترض را برای محکوم له ارسال خواهد نمود و مشارالیه هم مکلف است که در ظرف يك هفته مدافعات خود را بمحکمه تقدیم دارد و پس از مضي مدت مزبور دیگر مدافعاتی پذیرفته نخواهد شد  
ماده ۸۸ - پس از وصول عرضحال و اعتراضات محکمه بلا فاصله طرفین را برای تعیین مجتهدین احضار مینماید و فاصله این احضار برای زیاد تر از يك هفته نخواهد بود بعلاوه برای هر چهار فرسخ يك روز بنحوی که در اصول محاکمات حقوقی مقرر است منظور میشود  
ماده ۸۹ - هر گاه شاکی و یا وکیل او در موعد مقرر در محکمه حاضر نشد محکمه شکایت او را لغو دانسته الغای آنرا اعلام خواهد کرد

ماده ۸ - اگر طرف شاکی و یا وکیل او در موعد مقرر حضور بهم نرسانند محکمه در غیاب او هر سه نفر مجتهد را بقرعه از اشخاصی که دارای شرایط مقرر باشد انتخاب مینمایند

### فصل دوم

ماده ۹ - رسیدگی به شکایات و اعتراضات با حکامی که بر طبق ارجاع و احکام صلاحیت یا ابدائی با استیفاء از محاضر شرعیه صادر شده باشد بسمت نفر از مجتهدین عظام رجوع میشود و شرایط مجتهدین معززی الیه همانست که در ماده ۴ کتاب دوم اصول تشکیلات عدلیه مقرر گردیده

ماده ۱۰ - طریق انتخاب آقایان مجتهدین باین ترتیب است که یک نفر را محکوم له و یک نفر را محکوم علیه و سبب را بشرایط طرفین انتخاب مینمایند

ماده ۱۱ - هر گاه در انتخاب مجتهد ثالث اراضی حاصل نشد محکمه با حضور طرفین یا وکلای آنان (در صورتیکه وکل حق حضور خود را بواکيل مفوض کرده باشد) یک نفر را از میان سه نفر از مجتهدین محل که غالباً طرف رجوع هستند بقرعه انتخاب خواهد کرد

ماده ۱۲ - سه نفر مجتهدین مزبور باید از ساکنین حوزه محکمه که حکم شرعی در آن حوزه صادر شده است باشند و در صورت نبودن این علیه در آن حوزه از ساکنین حوزه محکمه مافوق ضمیمه و یا منتخب خواهند شد

### بخش پنجم از ماده ۱

## قانون موقتی

### راجع بتاسیس

### محاکم صلح نواحی

### و اصلاح بعضی از مواد اصول محاکمات حقوقی

# قانون موقتی

راجع بتاسیس محاکم صلح نواحی و اصلاح بعضی

از مواد اصول محاکمات حقوقی

مصوبه سوم سنبله ایت ثبل ۱۳۰۱

ماده ۱ - محاکم صلحچه مینموانند با رعایت مواد قانون موقتی اصول محاکمات حقوقی راجع بصلاحت محاکم مزبور بدعاوی که میزان مدعی به آن بیش از چهارصد تومان نباشد رسیدگی نمایند

ماده ۲ - احکام امنای صلح در صورتیکه مدعی به بیش از سی و پنج تومان نباشد قطعی و غیر قابل استئناف خواهد بود

ماده ۳ - برای رسیدگی بدعاوی که مدعی به آن بیش از سی و پنج تومان نیست بااستثنای دعاوی غیر منقوله و همچنین برای رسیدگی بدعاوی خلافی وزارت عدلیه مینمواند محاکم صلح مخصوصی تاسیس نماید احکام محاکم مزبوره قطعی و غیر قابل استئناف خواهد بود صلحچه های مزبوره بصالحچه ناحیه موسوم و امین صلح آنها از جهت رتبه مساوی با معاون عضو محکمه ابتدائی خواهد بود

ماده ۴ - اشخاصیکه مینموانند در محاکم صلح نواحی اقامه دعوی نمایند نمیتوانند ادعای خود را که ناشی از يك مدرک است تجزیه کرده و

# قانون موقتی

## تعیین مجازات اداری

برای عدم رعایت مواد ۲۵۳ - ۴۴۵ - ۴۴۶ - ۴۴۷

اصول محاکمات حقوقی

دعاوی صلح در صورتیکه مدعی به بیش از سی و پنج تومان نیست بااستثنای دعاوی غیر منقوله و همچنین برای رسیدگی بدعاوی خلافی وزارت عدلیه مینمواند محاکم صلح مخصوصی تاسیس نماید احکام محاکم مزبوره قطعی و غیر قابل استئناف خواهد بود صلحچه های مزبوره بصالحچه ناحیه موسوم و امین صلح آنها از جهت رتبه مساوی با معاون عضو محکمه ابتدائی خواهد بود

### قانون موقتی

تعیین مجازات اداری برای عدم رعایت مواد

۲۵۳ ر ۴۴۵ ر ۴۴۶ ر ۴۴۷ اصول مجازات حقوقی

مصوبه سوم سنبله ایت لیل ۱۳۰۱

ماده ۱ - در مورد کلاه دعاوی بموجب ماده ۲۵۳ قانون موقت اصول مجازات حقوقی پیش بینی شده است رعایت قواعد مجازات اختصاری برای مجازات ابتدائی اجباری است و در صورت تخلف از مفاد این ماده رؤسای مجازات مطابق ماده ۱۸۸ قانون اصول تشکیلات عدلیه محکوم بکسر مقرری ششماه یا تنزل رتبه و اعضاء مجازات محکوم بکسر ثلث مقرری از یک ماه الی ششماه خواهند بود .

ماده ۲ - مجازاتهای مذکوره در ماده قبل در مورد رؤساء و اعضاء مجازات استیناف و ابتدائی هم جاری خواهد شد در صورتیکه مفاد ماده ۴۴۵ - ۴۴۶ - ۴۴۷ - قانون اصول مجازات حقوقی را رعایت ننمایند

ماده ۳ - در مورد دو ماده فوق تکرار تخلف در ظرف ششماه از تاریخ تخلف اول موجب بکسر رتبه تشدید مجازات اداری خواهد بود .

برای هر قسمت عرض حال جداگانه بدهند مگر اینکه در محاکمه مزبوره از بقیه ادعای خود صرف نظر نمایند

ماده ۵ - در کلاه مجازات صلح مدت اعتراض بر حکم غیابی یک هفته خواهد بود

ماده ۶ - هیچ يك از فرارهای صادر از مجازات صلح و یا ابتدائی قبل از صدور حکم در ماهیت دعوی قابل استیناف نیست مگر قرار عدم صلاحیت و قرار رد دعوی و قرار داد عرض حال

ماده ۷ - مواد و یا قسمت از مواد قانون موقتی اصول مجازات حقوقی که مخالف این قانون است منسوخ و از درجه اعتبار ساقط است

ماده ۱ - مجازات اداری برای عدم رعایت موافقت...

ماده ۲ - مجازاتهای مذکور در ماده قبل در مورد رؤساء و اعضاء...

ماده ۳ - در مورد دوم در مورد تکرار تکلیف در طرف ششماه از تاریخ...

ماده ۴ - مجازاتهای مذکور در ماده قبل در مورد رؤساء و اعضاء...

ماده ۱ - مجازات اداری برای عدم رعایت موافقت...

# قانون موقتی

## ثبت اسناد و املاک

ماده ۱ - مجازات اداری برای عدم رعایت موافقت...

# قانون

## ثبت اسناد و املاك

مصوبه ۲۱ حمل تنگروزیل ۱۳۰۲

### باب اول

#### در تشکیل اداره ثبت اسناد و املاك و ترتیب دفاتر آن

ماده ۱ - دوائر ثبت اسناد و املاك برای دو مقصود تشکیل میشود :  
اول ثبت تا املاك اینکه مالکیت مالکین و حقوق ذوی الحقوق نسبت بانها رسماً تعیین و محفوظ گردد : دویم ثبت اسناد برای اینکه رسماً دارای اعتبار شود .

### فصل اول

#### در تشکیل اداره ثبت اسناد و املاك

ماده ۲ - برای مرکزیت دادن بکلیه دوائر ثبت اسناد و املاك اداره مخصوصی در وزارت عدلیه تاسیس می شود که یکی از ادارات مستقله مرکزی وزارت عدلیه محسوب است اداره مزبور مشتمل بر دو دائره است .

ماده ۱ - دایره پرسنل و مراسلات ( دایره ضبط اسناد و املاك )  
ماده ۳ - رئیس کل اداره ثبت اسناد و املاك بتصویب وزارت عدلیه و بر طبق فرمان همایونی منصوب میشود : وزیر عدلیه فقط اشخاصی را میتواند پیشنهاد کند که علاوه بر لیاقت و اطلاعات لازمه فضاوت از نقطه نظر مراتب خدمت نیز استحقاق این مقام را داشته باشد .

ماده ۴ - در هر حوزه محکمه ابتدائی يك دایره ثبت اسناد و املاك تاسیس میشود دایره مزبور ممکن است لدى الاقضا در نقاط مختلف حوزه مذکور دارای شعب باشد . نصب کلیه مستخدمین دوائر و شعب ثبت اسناد و املاك مطابق قانون اسناد خواهد بود .

ماده ۵ - هر يك از دوائر ثبت اسناد و املاك مشتمل است بر يك شعبه ثبت که در تحت اداره يك نفر رئیس شعبه توسط مامورین متخصص اینکار (مباشرتین ثبت) اداره میشود و يك شعبه ضبط وزارت عدلیه میتواند در نقاطی که مقتضی بداند برای ثبت و ضبط يك شعبه تاسیس نماید .

ماده ۶ - عده مباشرین ثبت در هر يك از دوائر ثبت منوط به مقتضیات محل و تدریج ضرورت میباشد تعیین و تشخیص آنها بموجب پیشنهاد مدیر کل ثبت اسناد و املاك با وزیر عدلیه خواهد بود .

ماده ۷ - کلیه مستخدمین ثبت اسناد باید دارای همان شرایطی باشند که مطابق قانون موقتی اصول تشکیلات عدلیه برای قضات و یا مستخدمین هم مرتبه



آنها معین شده است بهلاوه شرط عدم اعتقاد به ~~کشفیدن~~ ثریک و نیز کلیه مستخدمین ثبت اسناد باید همان امتحانی را بدهند که مطابق مقررات قانون موقتی امتحان حکام و صاحبان مناصب عدلیه مقرر است

ماده ۸ - مباشرین ثبت نمی توانند وظایف خود را انجام دهند مگر در حوزه محکمه ابتدائی که در آن ماموریت دارند و اقدامات آنها در جاه دیگر خارج از حوزه مذکور باشد اثر قانونی ندارد

ماده ۹ - ماموریت کلیه مستخدمین ثبت اسناد قابل تبدیل است

ماده ۱۰ - هر دایره ثبت دارای مهری خواهند بود که شکل و اندازه آن را وزارت عدلیه در ضمن نظامنامه که برای اجرای این قانون ترتیب میدهد معین خواهد کرد

ماده ۱۱ - هر مباشر ثبتی که جدیداً معین میشود پس از مراسم تحلیف و قبل از تصدی به ماموریت باید دو نمونه از امضای خود را بدهد یکی از نمونه های مزبوره در دفتر دایره محلی و دیگری در اداره کل ثبت اسناد و املاک در طهران ضبط خواهد شد

ماده ۱۲ - در صورت فوت یا انفصال و یا عزل مباشر ثبت مدیر دایره ثبت اسناد و املاک حوزه ابتدائی با حضور مدعی العموم آن حوزه ذیل دفاتر مباشر مزبور را بستمه دفاتر را توقیف و بمباشری که بجای او معین میشود تسلیم خواهد کرد

### فصل سوم

#### دفاتر ثبت اسناد و املاک

ماده ۱۳ - هر دایره ثبت اسناد و املاک دارای دفاتر ذیل خواهد بود و هر دفتری باید تسخیرین باشد

۱) دفتر املاک (۲) دفتر معاملات راجع باموال غیر منقوله (۳) دفتر معاملات اموال منقوله (۴) دفتر اسناد متفرقه (۵) دفتر ودایع (۶) دفتر احکام محاکم (۷) دفتر صورت اسامی اشخاصی که ورشکسته و یادر تحت قیمومت و یا ولایت شرعی هستند (۸) دفتر عایدات (۹) دفتر امتیازات (۱۰) دفتر نماینده عمومی (اندریکاتور)

ماده ۱۴ - وزارت عدلیه میزان عرض و طول هر یک از دفاتر مذکوره در ماده ۱۳ و ماده ۲۰ و همچنین نمونه صفحات و عده ستونها و مطالبی را که باید در هر یک از ستون ها درج شود بموجب نظامنامه مخصوصی که بصحبه همایونی باید برسد معین خواهد کرد

ماده ۱۵ - کلیه دفاتر مذکوره در ماده قبل باید مجلد بوده و تمام صفحات آن را در بدو امر مدعی العموم بدایت محل نمره گذاشته و بامضاء خود ممضی و بمهر پار که مههور نماید مجموع عده صفحات هر دفتر را باید مدعی العموم با تمام حروف در صفحه اول و آخر دفتر قبل نماید

ماده ۱۶ -- عده مجلدات دفتر املاك بعهده بلوكات و مجلات (فاحیه) شهر های هر حوزه محكمه ابتدائی خواهد بود و در هر يك از مجلدات مذكوره لا اقل يك ورق مشتمل بر دو صفحه متقابل برای هر ملك منظور میشود و صفحات مزبوره دارای يك نمره ترتیبی خواهد بود تمام معاملات راجعه بانتقال املاك در صفحه دفتر املاك كه مربوط بان ملك است بترتیب تاریخ قید می شود

ماده ۱۷ -- كلیه دفاتر مذكوره در ماده ۱۳ باستثناء دفتر املاك سنوی بوده و در آخر هر سال مباشرین ثبت اسناد و املاك دفاتر خود را بسته عده اسنادی را كه ثبت شده است معین و صورت مجلسی از شرح ختم دفتر در آخرین صفحه كه بسته میشود مرتب کرده امضاء می نمایند پس از آن دفاتر بسته شده را بمدير دایره ثبت اسناد و املاك حوزه خود تسلیم می کنند

ماده ۱۸ -- مدير مزبور در آخر هر سال از بسته شدن دفاتر بطریق مزبور در ماده ۱۷ اطمینان حاصل کرده صحت آنرا تصدیق و صورت مجلس سابق الذکر را امضاء می نماید پس از آن يك نسخه از اصل هر يك از دفاتر را بدفتر راكد حوزه خود و نسخه دیگر را بدفتر راكد اداره كل ثبت اسناد و املاك در طهران ارسال خواهد داشت

ماده ۱۹ -- دفتر املاك سنوی نبوده و مدامی كه صفحه سفید دارد استعمال می شود و مقررات راجعه به بستن دفاتر و ترتیب صورت مجلس

که در دو ماده فوق مذکور است پس از اختم آن بعمل آمده يك نسخه از آن در دفتر راكد حوزه كه ملك در آن واقع شده و نسخه ثانوی بدفتر راكد اداره كل ثبت اسناد و املاك در طهران ارسال خواهد شد

ماده ۲۰ -- هر دایره ضبط دودفتر مخصوص خواهد داشت اولاً - دفتر ثبت خلاصه سواد هائیکه مطابق این قانون داده میشود ثانیاً - دفتر عایداتی که از این ممر دریافت می شود

ماده ۲۱ -- برای آنکه تمام وقف نامه ها در دوائر ثبت اسناد و املاك ثبت شود دوائر ضبط سواد آنها را از دفاتر مختلفه كه متدرجا بدایره ضبط میرسد استخراج کرده و در دفتر مخصوص ثبت خواهد نمود و در آخر دفتر مزبور فهرستی از اعیان موقوفه بترتیب حروف تهجی مرتب خواهد کرد

## فصل سوم

در نظارت بامور مباشرین ثبت اسناد و املاك

و در مسؤولیت آنها

ماده ۲۲ -- كلیه اعضاء و مستخدمین دوائر ثبت اسناد و املاك در تحت نظارت رئیس كل اداره مزبوره خواهند بود

ماده ۲۳ -- رئیس كل اداره ثبت اسناد و املاك حق نظارت خود

را مستقیماً و یا بتوسط مدیر های دوائر ثبت اسناد و املاک ایالتی و ولایتی بموقع اجرا میگذارد و همچنین میتواند اجرای تحقیقات راجعه به تخلفات مرئوسین خود را بر رؤسای اول محاکم استیضاف یا مدعیان عمومی محاکم مزبوره و یا رؤساء محاکم ابتدائی و یا مدعیان عمومی محاکم مزبوره ارجاع نماید ولی قضات و صاحب منصبان مزبوره مذکور نمیتوانند خود مستقیماً اقدام به تحقیق کنند مگر مدعیان عمومی آنها در صورتیکه مستخدمین اداره ثبت اسناد و املاک متهم بارتکاب جنحه و یا جنایت باشند در این صورت نیز مدعیان عمومی باید فوراً رئیس کل اداره ثبت اسناد و املاک را مستحضر سازند

ماده ۲۴ - محاکمه اداری کلیه اعضاء و مستخدمین اداره ثبت اسناد و املاک و همچنین مراتب خدمت و حقوق و وجه الضمانه که ممکن است با آنها تعلق بگیرد مطابق مقررات قانون استخدام کشوری خواهد بود

## فصل چهارم

### جرایم و مجازات های مخصوص

ماده ۲۵ - هر گاه اجزای اداره ثبت اسناد و املاک عامداً یکی از جرمهای ذیل را مرتکب شوند از هر گونه خدمت دولتی اخراج و بمجازاتیکه برای جعل و تزویر خطوط رسمیه و یا استعمال اسناد مجعوله مقرر است محکوم خواهند شد - اولاً اسنادیکه بجهات ظاهره از سندیت افتاده ثبت نمایند مثل

اسناد مجعوله و محکوم که وقلم رفته و امثال آنها قانها - اسناد راجعه به معاملات را بدون حضور طرفین و یا وکلای ثابت الوکاله آنان و یا بدون حضور شخصی که خودش صلاحیت دارد که قایم مقام طرفین باشد و یا وکیل ثابت الوکاله او ثبت نماید و همچنین اگر اسنادی را که قایم بیکطرف باشد بدون حضور طرف مزبور و یا قائم مقام قانونی او ثبت کنند - ثالثاً سندی را باسم کسانی که آن معامله را نکرده اند ثبت کنند - رابعاً - تاریخ سند یا ثبت سندی را مقدم و یا مؤخر در دفتر ثبت کنند خامساً - تمام یا قسمتی از دفاتر ثبت را مفقود یا مخفی کنند یا ورقی از آن دفاتر را بکشند و یا بوسایل مزوره دیگر ثبت سندی را از اعتبار و استفاده بپندارند سادساً - در ثبت سند بقراشیدن یا پاک کردن تصرف کنند سابعاً - اسناد انتقالی را با علم بعدم مالکیت انتقال دهند ثبت کرده باشد

ماده ۲۶ - هر گاه اجزاء اداره ثبت اسناد و املاک قبل از اخراج هویت اشخاص و یا باصلاحیت اصحاب معامله و یا قابلیت موضوع معامله سندی را عمداً ثبت کنند از یک سال تا سه سال از شغل خود منفصل خواهند بود

ماده ۲۷ - همچنین مجازات ماده قبل درباره اشخاصیکه عمداً سندی را ثبت کنند که مفاد آن مخالف قوانین جاریه باشد مقرر خواهد بود

ماده ۲۸ - هر گاه اجزای اداره ثبت اسناد و املاک تصدیقاتی بدهند که مخالف واقع باشد محکوم خواهند شد بمجازاتیکه برای اجزاء ادارات دولتی بجهت ساختن و جعل و تزویر خطوط رسمی مقرر است

ماده ۲۹ - هر گاه اجزای اداره ثبت اسناد و املاک مبلغ حق ثبت را عمداً کمتر از تعرفه مقرر اخذ نمایند در دفعه اول دو برابر و در دفعه دوم سه برابر و در دفعه سوم چهار برابر آنچه که کسر گرفته اند از حقوق آنها ماخوذ و به خزانه دولت تسلیم میشود و در دفعه چهارم علاوه بر مجازات مقرر برای دفعه سیم از شغل خود فetz منفصل میشوند.

ماده ۳۰ - هر گاه معلوم شود که یکی از اجزاء اداره ثبت اسناد و املاک تمام یا قسمتی از وجوه دولتی را تصاحب و یا تلف نموده و یا اینکه علاوه بر تعرفه مقرر وجهی اخذ کرده و به حساب دولت نیاورده باشد علاوه بر استرداد وجوه مزبوره و انفصال دائمی از خدمات به مجازات خبیانت در القات محکوم خواهد شد. و اگر وجوه زیادی را اخذ و به حساب دولت آورده باشد بعلاوه استرداد وجه محکوم به یکسال انفصال موقت خواهد بود.

ماده ۳۱ - هر گاه اجزای اداره مزبوره مقررات این قانون را در اصلاح جای سفید و کلمات زائده و عده و فاصله سطور و همچنین دستور العمل های وزارت عدلیه را در ترتیب نگاهداشتن دفاتر و غیره رعایت ننمایند در دفعه اول ثلث مقرری یکماهه آنان و در دفعه دوم تمام مقرری یکماهه مقطوع و در دفعه سوم ششماه از خدمت منفصل میشوند.

ماده ۳۲ - در موارد تقصیراتی که مجازات آنها بموجب این فصل معین نشده است اجزاء اداره ثبت اسناد و املاک که مرتکب جرم عمومی و یا تقصیر اداری می شوند موافق مقررات قانون جزای عمومی و یا قانون استخدام تعقیب و مجازات خواهند شد.

باب دوم

در ثبت املاک

ماده ۳۳ - مدیر ثبت اسناد هر حوزه مکلف به حفظ دفتر املاک حوزه خود و اجرای ترتیبات مقرر برای ثبت املاک و حافظ اعتبارات قانونی آن خواهد بود.

فصل اول

در تقاضای ثبت املاک

ماده ۳۴ - ثبت املاک اختیاری است مگر در مورد نقل و انتقال خالصجات دولتی و اموال غیر منقوله ایالات و ولایات و بلوکات و بلدییه ها و یا نقل و انتقال املاک غیر منقول که در حدود قوانین بین اتباع خارجه و یا اتباع ایران و خارجه واقع می شود.

ماده ۳۵ - اشخاص ذیل حق تقاضای ثبت دارند (۱) مالک در صورتی که ملک مابین چند نفر مشاعاً مشترک باشد هر یک از شرکاء

۲ - کسانی که در ملک حقوقی از قبیل حق السکنی و حق العبور و حق الشرب و حق المجری و حق القوابیه و غیره دارند نسبت بحق خودشان

ماده ۳۶ - اولیای محجور و امثال آن میتوانند بنام آنها تقاضای ثبت بکنند. منولیان موقوفات عامه مجبوراً موقوفات خاصه اختیاری تقاضای

ثبت می نمایند . املاك مجبوسه مشمول این ماده خواهد بود

ماده ۳۷ - تقاضانامه ثبت باید با مضاء مستدعی ثبت یا وکیل  
تأیید الوکاله او بوده و بمدير ثبت تقدیم شده قبض رسيد دریافت شود  
هر گاه مستدعی ثبت نتواند امضاء کند مدير ثبت این نکته را قید نموده  
و پس از اطمینان از هویت او تصدیق خواهد کرد که تقاضانامه از طرف  
مستدعی ثبت داده شده است در صورتیکه تقاضا بتوسط وکیل بشود باید  
وکالت نامه متضمن این اختیار ضمیمه آن باشد تقاضانامه شامل نکات ذیل  
خواهد بود

- ۱ - اسم و اسم خانوادگی و سمت و محل اقامت و مشخصات دیگر و  
تأیید مستدعی ثبت و وکیل او در صورتیکه تقاضا بتوسط وکیل شده باشد
- ۲ - اسم و وصف مال غیر منقول که تقاضای ثبت آن شده با تعیین محل  
و مشخصات و حدود و ابنیه و اجزاء و متعلقات آن
- ۳ - تخمین قیمت ملك و میزان منافع سالانه آن
- ۴ - شرح حقوقیکه برای اشخاص در آن ملك است با تعیین صاحبان حقوق

ماده ۳۸ - در موقع تقدیم تقاضانامه باید تقاضا کننده کلیه اسناد و  
قبالجات ملك و مدارك راجعه بان را با سواد آنها بدایره ثبت اسناد و  
املاك بیاورد مدير یا مباشر ثبت باید سواد های مزبوره را پس از تطبیق  
با اصل و رسانیدن با مضاء تقاضا کننده ضبط کرده و اصل اسناد را رد نماید .

و اگر سند مالکیت او منحصر بتصرف است ادله و امارات تصرف فعلی  
خود را باید کتبا بداره ثبت اسناد و املاك تسلیم نماید و در هر حال  
تقاضا کننده ثبت باید نحوه تصرف خود را که مطابق این قانون او را  
برای تقاضای ثبت مجاز میدارد محرز نماید نسبت با املاکی که مالك خاص  
ندارد تقاضای ثبت از اشخاص پذیرفته نمیشود

ماده ۳۹ - در موقع تقاضای ثبت مستدعی ثبت باید مبلغی بمیزان  
تخمینی مخارج مقدماتی آن بودیعه بگذارد

## فصل سوم

### مقدمات ثبت املاك

#### مبحث اول

در اعلان و تعیین حدود و وقت

ماده ۴۰ - پس از تقدیم تقاضا نامه مدير ثبت در ظرف مدت ده  
روز لایحه ترتیب میدهد مشتمل بر خلاصه و مفاد تقاضانامه و تعیین روز  
و ساعتی برای تحدید حدود موقت ملكی که تقاضای ثبت آن شده است

ماده ۴۱ - لایحه مذکور در ماده فوق را مدير ثبت اسناد در ظرف  
مدت مذکور در ماده فوق در جراید حوزه خود منتشر نموده سوادى از

آنها را برای اعلان در محکمه صالح و در ب مساجد مهمه و اماکن عمومی و در صورتیکه تقاضای ثبت راجع باینجه باشد در ب اینجه مذکورہ نزد امین صلح و کمپسر و کدخدای محل و کدخدا های املاک مجاور ارسال خواهد داشت کمپسر و کدخدا ها و امین صلح فوراً سواد لایحه را اعلان میکنند و اعلان مزبور تا روز تعیین حدود باید در اماکن مزبور باقی باشد و تصدیقی راجع باینکه اعلان واقع شده برای مدیر ثبت مفرستند

ماده ۴۲ -- مدیر ثبت یا معاون او عملیات راجعه به تعیین حدود موقت را با کمک يك نفر نقشه کش و حضور تقاضا کننده یا وکیل او اجرا خواهد نمود . در موقع تعیین حدود مدیر ثبت اسناد و املاک مطابق ترتیبات اصول محاکمات حقوقی اشخاص ذیل را احضار مینماید

(۱) مستدعی ثبت (۲) صاحبان املاک مجاور (۳) اشخاصیکه اعتراض یا دخالت نموده اند اشخاص مذکور دعوت می شوند تا در عملیات تعیین حدود حضور بهم رسانیده یا وکیل قانونی خود را برای حضور اعزام دارند

ماده ۴۳ -- تعیین حدود در تاریخی که معین شده است بعمل میاید تقاضا کننده یا وکیل او حدود ملکی را که میخواهد ثبت کنند تعیین نموده و صاحبان املاک مجاور و دخالت کنندگان ایرادات و اعتراضات خود را بیان می نمایند . برای تعیین حدودی که تقاضا کننده اظهار کرده و تعیین قسمت هائی که مورد اعتراض اشخاص خارج واقع شده نقشه کش نصب علامات کرده و از کلیه نقشه مختصری ترتیب میدهد

ماده ۴۴ -- مدیر ثبت اسناد یا نماینده او صورت مجلسی از تعیین حدود باقیبند مطالب ذیل ترتیب میدهد

(۱) تعیین ماه و روز یا روز هائیکه عملیات در آن واقع شده (۲) اسم و اسم خانواده گئی و شغل و سمت و محل اقامت اشخاصی که حضور داشته اند (۳) اتفاقاتی که در حین عملیات رخ داده و اظهارات اشخاصی که دخالت نموده اند (۴) نصب علامات و وعده و دلالت آنها (۵) اسنادیکه تقاضا کننده و معترضین تقدیم داشته اند صورت مجلس فوق را مدیر ثبت اسناد یا معاون او و نقشه کش و کلیه حضار و دخالت کنندگان امضا میکنند و در صورتیکه نتوانند یا نخواهند امضاء کنند این نکته در صورت مجلس قید میشود . به صورت مجلس فوق نقشه تعیین حدود موقت و کلیه اسنادی که تسلیم شده است ضمیمه گشته و فهرستی نیز از ضمایم برداشته می شود

ماده ۴۵ -- هر گاه مستدعی ثبت یا نماینده از طرف او برای تعیین حدود حاضر نشود عملیات موقوف میشود و فقط غیبت تقاضا کننده در صورت مجلس ذکر خواهد شد و درینصورت تقاضا نامه مسکوت عنه ضبط خواهد شد و مخارجی که شده است از وجه تودیعی موضوع و بقیه به مستدعی ثبت رد میشود و اگر مشارالیه تقاضای خود را مجدد تعقیب نماید باید مخارج آن را ثانیاً تودیع کند

ماده ۴۶ -- هر گاه تعیین حدود موقت بعمل آید مدیر ثبت اسناد باید در ظرف ده روز اعلانی بوسائل مذکورہ در ماده ۴۱ و سایر وسائل ممکنه

از قبیل چار و غیره منتشر خواهد نمود مشتمل بر اسم ملك و مشخصات حدودی که موقفا تعیین شده و اسم مستدعی ثبت و منصرف فعلی و عنوان تصرف و اینکه اعتراضات راجعه به ثبت ملك در ظرف مدت شش ماه در دایره ثبت اسناد و املاك و در دفتر صالحه پذیرفته خواهد شد و پس از انقضای مدت مزبور اعتراض پذیرفته نمیشود و اعلان مزبور در هر ماهی یکمرتبه تجدید خواهد شد

ماده ۴۷ -- هرگاه موضوع ثبت ابنیه و املاك كوچكى باشد که حدود آنها کاملا معین و مشخص است از اقداماتی که بایستی در محل بعمل آید و در این مبحث مذکور شده ممکن است صرف نظر شود ولی اعلان مذکور در ماده ۴۶ باید بعمل آید .

مبحث دوم

در اعتراضات

ماده ۴۸ -- در مدت ششماه از ابتدای انتشار در چراید و اعلام مذکور در ماده ۴۶ اشخاص ذی نفع میتوانند در ثبت ملك بطریق ذیل اعتراض و دخالت کنند .

- ۱) بوسطه اعتراض هرگاه نسبت بمالكیت مستدعی ثبت كلاً یا بعضاً و یا در حدود ملك مناقشه داشته و یا حقی برای خود قائل باشد .
- ۲) بوسطه تقاضای ثبت در صورتیکه فقط حقی در ملك برای خود قائل باشد

ماده ۴۹ - اعتراضات و یا تقاضاهای ثبت مذکور بدفتر ثبت اسناد و املاك یادفتر محکمه صلح تقدیم میشود و هرگاه اعتراض شفاهی باشد صورت مجلسی از آن ترتیب داده میشود و در ضمن اعتراض یا تقاضای ثبت باید حقوق ومدارك و اسنادیکه مبنای اعتراض است مذکور شود هرگاه اعتراض یا تقاضا بمحکمه صلح داده شده باشد امین صلح فوراً آنرا نزد مدیر ثبت ارسال میدارد

ماده ۵۰ -- ولی یا قیم و یا مدعی العموم میتوانند بوسطه اعتراض تقاضای ثبت بنام مجبور و یا صغیر و یا غائب مفقود الاثر مداخله نمایند .

ماده ۵۱ -- هیچ اعتراضی و یا تقاضای ثبتی پس از انقضای مدت شش ماه از تاریخ الصاق و انتشار اعلان پذیرفته نخواهد شد

مبحث سوم

در رسیدگی با اعتراضات

ماده ۵۲ -- در صورتیکه کلمه ترتیبات قانونی مذکور در مواد سابقه بعمل آمده و احدی در ظرف مدت مذکور در ماده ۴۸ اعتراض یا تقاضایی ننموده باشد مدیر ثبت اسناد و املاك ملك را در دفتر املاك ثبت می نماید .

ماده ۵۳ - در صورتی که اعتراض یا تقاضایی در ظرف مدت مقرر واقع شده باشد مدیر ثبت اسناد و املاك فوراً سوادى از آنرا بمستدعی ثبت ابلاغ می نماید و مستدعی ثبت از تاریخ ابلاغ تا مدت دو ماه وقت خواهد داشت تمکین خود را نسبت با اعتراض و تقاضا اعلام دارد یا آنها را مرفوع نماید در صورتیکه مستدعی ثبت تمکین خود را اعلام نمود یا اعتراض و تقاضا کننده اظهار خود را استرداد کرد مدیر ثبت اسناد و املاك به

ثبت ملك اقدام خواهد نمود .

ماده ۵۴ -- هر گاه پس از ابلاغ سواد اعتراض یا تقاضا بمستدعی ثبت دو ماه بگذرد و مشار الیه جوابی ندهد مدیر ثبت اسناد و املاك باید بتوسط اخبار کتبی که بر رؤیت مستدعی ثبت میرسد به مشار الیه اخطار کند که اگر پس از این اخطار باز در ظرف دو هفته از طرف مستدعی ثبت اقدامی نشود تقاضای او راجع به ثبت ملك با کلبه عملیات که شده است باطل و لغو خواهد شد .

ماده ۵۵ -- هر گاه در ظرف مدت دو ماه مذکور در ماده ۵۳ و یا در ظرف دو هفته مذکور در ماده ۵۴ مستدعی ثبت بمدير ثبت اسناد و املاك اطلاع دهد که نسبت بادعای معترضین تمکین ندارد و اعتراض یا تقاضای ثبت را هم نمیتواند دوستانه مرتفع کند مدیر ثبت اسناد و املاك فوراً بمستدعی ثبت و کلبه معترضین و تقاضا کنندگان کتبا اخطار می نماید که برای قطع و فصل امر بمحکمه مقتضیه رجوع نمایند .

ماده ۵۶ -- مستدعی ثبت می تواند بمحکمه صالحه عرضحال رفع مزاحمت تقدیم کند معترضین و تقاضا کنندگان نیز میتوانند برای اثبات اظهارات خود در محکمه مقتضیه اقامه دعوی نمایند . محکمه مرجوعه مکلف است که این دعاوی را موافق مقررات اصول محاکمات حقوقی با رعایت طریقه محاکمه اختیاری قطع و فصل نماید

تبصره -- اگر پس از رسیدگی معلوم شود که ادعای مدعی مستند

باسناد مجعوله و یا بقصد استفاده نامشروع بوده است علاوه بر جبران خسارات وارده در صورت اولی مدعی بمجازات جعل و تدویر و یا استعمال اسناد مجعوله و در صورت ثانیه بمجازات مداس محکوم خواهد شد

## فصل سوم

### در ثبت ملك

ماده ۵۷ -- پس از اتمام عملیات مقدماتی مذکوره در فصل دوم مدیر ثبت ملك را که تقاضای ثبت آن شده باقی بود مذکور در ماده ۳۷ در دفتر املاك ثبت کرده و وقوع ثبت را در حاشیه و یا ذیل و یا ظهر اسناد مستدعی ثبت قید و با امضای خود ممضی و بهر دایره ثبت اسناد و املاك مهور مینماید پس از آن سوادى از ثبت ملك بمستدعی ثبت میدهد سواد مزبور نسبت بموضوع تقاضا سند رسمی خواهد بود

ماده ۵۸ -- پس از ثبت شدن يك ملك در دفتر املاك ( بجز مورد ارث ) نقل و انتقالات و یا معاملات جدیده راجعه بان ملك را دولت به رسمیت نخواهد شناخت مگر اینکه نقل و انتقالات و یا معاملات مزبوره در دایره ثبت اسناد و املاك ثبت شده باشد

ماده ۵۹ -- در صورتی که ملك ثبت شده بوجهی از وجوه بدیگری منتقل شود سند انتقال در دفتر معاملات ثبت و در ذیل صورت ثبت ملك



خلاصه آن قید میشود و بهمین ترتیب کلیه انتقالات بترتیب تاریخ در ذیل یکدیگر قید خواهند شد

ماده ۶۰ - در موقعی که ملکی و یا حقوقی که تعلق به صغیر یا محجور و امثال آنها داشته باشد در دفتر املاک ثبت شود سن صغیر و یا عالت حجر در صورت ثبت باید قید شود و پس از اینکه حالت حجر مرتفع یا صغیر کبیر شد می تواند تقاضا کند که رفع حجر یا کبیر او در دفتر تصریح شود

ماده ۶۱ - هر دفعه که بموجب نقل و انتقالی سند مالکیت جدیدی در ثبت اسناد نسبت بملکی تنظیم شود و مدیر ثبت اسناد و املاک در کلیه صفحات دفتر املاک که شامل سند مقدم بر آن اسناد است و مخصوصی با مهر دائره ثبت اسناد و املاک وضع مینماید که دلالت بر خروج مال از مالکیت مالک سابق کند و سواد سند مالک سابق را هم از دست او گرفته همان علائم را بران وضع و در دفتر ضبط حوزه خود ضبط می نماید و این فقره را با مرکب قرمز در ستون ملاحظات دفتر املاک در مقابل سند سابق ذکر می کند. در صورتیکه محقق شود سواد سند مفقود شده است این نکته نیز در ستون ملاحظات قید میشود

ماده ۶۲ - حق گرفتن سواد کامل سند مالکیت منحصر بمالك است و در سواد مزبور قید می شود که بمالك داده میشود و مدیر ثبت اسناد و املاک مطابقت آن را با اصل تصدیق و امضاء کرده بمهر دائره ثبت اسناد و املاک مهر می نماید در صورتیکه ملك بین دو یا چند نفر مشاع باشد هر يك

از شرکاء میتوانند سوادى از سند مالکیت و نقشه آن اخذ نمایند و لیکن دایره ثبت اسناد و املاک باید در روی سوادها و نقشه که میدهد قید نماید که راجع بخصه فلان شریک است. سایر اشخاص ذی نفع میتوانند تصدیق راجع بحقوق مخصوصی که در آن ملك دارند از اداره ثبت اسناد و املاک بگیرند و در این تصدیقات نیز باید اسم **کیرنده** تصریح شود. مراجعه بدفتر املاک برای عموم جایز است.

ماده ۶۳ - هر امر جدیدی که بتوسط مدیر ثبت اسناد و املاک در دفتر املاک راجع بملك ثبت شده ثبت میشود مدیر ثبت اسناد و املاک در سواد سابق ملك نیز آن را ذکر نماید و کلیه مدیر مزبور باید همیشه مطابقت سند را با ثبتی که در دفتر املاک شده است تصدیق کنند.

## فصل چهارم

### در آثار ثبت ملك

ماده ۶۴ - ثبت ملك در دفتر املاک سند مالکیت کسی است که ملك بنام او ثبت شده است و دولت فقط او را مالك رسمی خواهد شناخت یا کسی را که بپکی از جهات شرعیه ملك مزبور باو منتقل شده و سند انتقال آن نیز در دفتر املاک ثبت شده باشد یا اینکه ملك مزبور از مالك رسمی باریث باو رسیده باشد.

ماده ۶۵ -- ثبت حقوق مذکور در ماده ۳۵ در دفتر ثبت املاك سند رسمی حقانیت صاحبان حقوق مزبوره است اعم از اینکه در ضمن ثبت خود ملك یا علیحده ثبت شده باشد .

ماده ۶۶ -- پس از ثبت ملك دعاوی راجعه بتضمین حقی در ضمن ثبت در محاکم عدلیه از کسی پذیرفته نخواهد شد و ای اگر در ضمن ثبت تقلب و تزویری اعمال شده باشد اشخاصی که باین ترتیب مضرر شده اند میتوانند بر علیه کسانی که تقلب نموده اند اقامه دعوی نموده جبران ضررات خود را مطالبه کنند و هر گاه تقصیر از طرف مدیر یا مباشرین ثبت اسناد و املاك بوده و مشارالیه هم قادر بجبران خسارت وارده نباشند جبران خسارت برعهده دولت خواهد بود

باب سوم

در ثبت اسناد و وظائف مباشرین

فصل اول

مواد عمومی

ماده ۶۷ -- ثبت اسناد اختیاری است مگر در موارد ذیل  
(۱) اجازه و یا امتیازاتی که از طرف دولت نسبت به عین و یا منافع اراضی و یا ابنیه و یا سواحل و یا دریاچه ها و یا مرداب ها و یا شطوط و غیره و همچنین

کلیه امتیازات دیگری که از طرف دولت داده میشود .

(۲) کلیه نقل و انتقالات راجعه به عین و یا منافع املاکی که قبلا در دفتر املاك ثبت شده است

(۳) کلیه نقل و انتقالات راجعه بحقوقی که قبلا در دفتر املاك ثبت شده است

(۴) کلیه نقل و انتقالات راجعه بعین اموال غیر منقوله دولت و ایالات و ولایات و بلوکات و بلدییه ها

(۵) کلیه کفقرات ها و قرارداد های راجعه به معاملات که بکطرف آن دولت و یا ایالت و یا ولایت و یا بلوک و یا بلدییه است

(۶) کلیه فرامین متعلقه به امتیازات دولتی که باشخاص داده میشود

(۷) وقف نامه های راجعه باملاکی که قبلا در دفتر املاك ثبت شده است

(۸) اجاره نامه های راجع باملاك موقوفه در صورتیکه مدت آنها بیش از ده سال باشد

ماده ۶۸ -- اگر در موارد ماده قبل عین غیر منقول و یا حقی که سند راجع بان است قبلا در دفتر املاك ثبت نشده باشد باید قبل از ثبت شدن سند عین و یا حق مزبور مطابق باب دوم این قانون در دفتر املاك ثبت شده و پس از آن خود سند ثبت گردد

ماده ۶۹ -- مباشرین ثبت اسناد نمی توانند هیچ نقل و انتقالی را

ماده ۷۶ -- هرگاه مباشر ثبت در هویت اشخاص شکی داشته باشد باید دو نفر از اشخاص معروف و معتمد حضورا هویت آنان را تصدیق نموده و مراتب در دفتر ثبت و همچنین در خود اسناد و تصدیقاتی که داده می شود قید کرده . در مورد این ماده برای هر يك نفر شخص مجهول الهویه معرفی دو نفر شخص معروف و معتمد علیحده لازم است

ماده ۷۷ -- وقتی که مباشرت ثبت نتواند بوسیله شهود معروف و معتمد هویت اشخاص را معین کند باید از ثبت نمودن اسناد امتناع نماید

ماده ۷۸ -- مباشر ثبت نمیتواند اسناد را چه به منفعت خود یا کسانی را که در تحت ولایت یا وصایت یا قیمومت او واقعند و یا با او قرابت نسبی تا درجه چهارم یا سببی تا درجه سیم دارند و یا در خدمت او هستند ثبت نماید - درینصورت عمل ثبت بعهده مباشر دیگری که در آن حوزه مأموریت دارد و اگذار خواهد شد و اگر مباشر منحصر بفرد باشد مشارالیه با حضور امین صالح محل سند را ثبت خواهد کرد

ماده ۷۹ -- مباشر ثبت باید نمره و تاریخ ثبت را در روی هر سندی که ثبت می شود قید کرده بامضای خود ممضی و به مهر دائره مهور نماید

## فصل سوم

در اعتبار اسناد ثبت شده

### مبحث اول

اموری که برای رسمیت یافتن اسناد باید در ضمن ثبت منظور شود

ماده ۸۰ - اسناد باید خرفا بحرف من البدو الی الختم متنا و هامشا سجلا و ظهرا ثبت شود

ماده ۸۱ - مباشر ثبت نمیتواند اسناد اشخاصی را که طرفین یا طرف معامله آنها غیر بالغ یا مجنون یا سفیه یا به نحوی از انحاء قانونی ممنوع از تصرف هستند ثبت نماید مگر آنکه آن معامله را کسی نموده باشد که قانونا حق معامله را دارد

ماده ۸۲ - شهود باید از اشخاص بالغ و معروف و موثق باشند علاوه براین تصدیقنامه هویت خود را که بامضای کمپرسر پلیس یا مدعی العموم رسیده باشد ارائه دهند

ماده ۸۳ - شهادت شهودی (مطلعين) که دارای صفات ذیل باشند پذیرفته نخواهد شد

اولا کور یا گنگ یا کر یا دیوانه یا غیر بالغ ثانیاً اشخاص ذی نفع در

معامله ثالثا خدمه مباشرین و خدمه سایر اعضاء ثبت اسناد و املاک رابعا اقارب اصحاب معامله تا درجه چهارم و همچنین خدمه اصحاب معامله خامسا اشخاصی که بواسطه ارتکاب بیجنايت محکوم شده اند سادسا اشخاصی که از حقوق اجتماعی محروم شده اند سابعا اشخاصی که معروف بفساد عقیده و منجاها بفسق باشند .

ماده ۸۴ - مباشر ثبت نمی تواند اسناد راجعه بمعاملاتی را که مخالف قانون باشد ثبت نماید .

ماده ۸۵ - هرگاه اصحاب معامله یا مطلعین زبان فارسی را ندانند و مباشر ثبت نیز زبان آنها را نداند مراجعه ب مترجم ماهر امین لازم است

ماده ۸۶ - علاوه بر مقرراتی که بموجب مواد مخصوصه مصریح شده است مباشر ثبت باید کلیه اموری را که برای استحکام و صحت ثبت بعمل آمده است در روی سندی که ثبت شده و همچنین در ستون ملاحظات یا ستونهای مخصوص دفتر قید نماید

ماده ۸۷ - اگر برای ثبت نمودن اسناد ابراز تصدیق هویت یاوکالت نامه یا هر ورقه معتبر دیگری لازم باشد اوراق مزبوره باید پس از ثبت شدن در دفتر اسناد مشرفه در دائره ثبت اسناد ضبط شده و تاریخ و نمره ثبت در روی آنها قید شود

ماده ۸۸ - مباشر ثبت باید قبل از ثبت سند حقی را که بان تعلق

می گیرد باصحاب معامله یا وکلای آنها اعلام نموده و آنرا دریافت دارد

ماده ۸۹ - عبارت ثبت باید خوانا و واضح بوده و اعداد راجعه به مبلغ و تاریخ و نمره لااقل باید يك مرتبه بانمام حروف در روی سندی که ثبت شده است نوشته شود

ماده ۹۰ - فاصله سطور از همدیگر باید يك اندازه بوده سطور در يك جا شروع شده و در يك جا ختم شود بنحوی که از ستون معین خود تجاوز نکنند بالا بردن سطور در آخر سطر اکیداً ممنوع است و هر جا که سطر بانتها رسیده با ترتیب باید بقیه مطلب را بسطر نو ببرد جای سفید و تصحیح و اضافه اکیداً ممنوع است

ماده ۹۱ - اگر مباشر ثبت اشتباهها جای سفیدی گذاشته و یا مجبور به تصحیح و یا اضافه باشد صحت ثبت منوط بر رعایت حتمی شرایط ذیل خواهد بود  
اولا - جای سفید باید بوسیله دو خطی که همدیگر را تقاطع نماید از جهت استفاده انداخته شود

ثانیا - برای کلمات زیادی باید خط نازکی با مرکب قرمز کشیده شود  
ثالثا - تصحیح و اضافات باید درستون ملاحظات نوشته شده بامضای مباشر ثبت برسد و ربط آن بوسیله راده که با مرکب قرمز نوشته میشود معین گردد  
ابطال جای سفید و همچنین حذف کلمات زیادی تصحیح و اضافات باید در آخر ثبت قبل از امضا قید شود مباشرینی که مفاد این ماده را رعایت نکنند

به تناسب بخلف مستوجب مجازات‌های مندرجه در این قانون یا قانون جزای عمومی خواهند بود

ماده ۹۲ - تراشیدن و پاک کردن و الحاق کردن بهر نحوی از انحاء در دفتر ثبت اسناد و املاک بکلی ممنوع است کلمه الحاقات و آنچه که بیای کلمات تراشیده شده و یا در محل پاک شده نوشته میشود از درجه اعتبار ساقط است و مباشر ثبتی که رعایت این ماده را ننماید علاوه بر جبران خسارات وارده مطابق ماده ۲۵ این قانون مجازات میشود و این مجازات علاوه بر مجازاتی است که مطابق قانون جزای عمومی ممکن است به متخلفین از این ماده تعلق بگیرد

ماده ۹۳ - اصحاب معامله و یا وکلای آنها و شهود باید ثبت سند را ملاحظه نموده و مطابقت آن با اصل بتوسط مشارالیه و مباشر ثبت تصدیق گردد

ماده ۹۴ - در صورتیکه اصحاب معامله و یا یکی از آنها کر و گنگ و یا کور باشند علاوه بر مطالعه معمولی هر یک از اشخاص مزبوره باید بمعیت خود یک نفر از معتمدین خود را حاضر نمایند که در موقع قرائت ثبت و امضاء آن حضور بهم رسانند شخص معتمد مزبور در مورد اشخاص کر و گنگ باید از جمله اشخاصی باشد که بتواند با آنها با اشاره حرف زند در مورد این ماده مراتب در اسنادیکه ثبت میشود و در سنون ملاحظات باید قید گردد .

ماده ۹۵ - امضای ثبت سند پس از قرائت آن بتوسط اصحاب معامله و یا وکلای آنها حاکی از رضایت آنها خواهد بود .

ماده ۹۶ - در موقعی که معامله راجع باشخص بی سواد است علاوه بر مطالعه معمولی حضور یک نفر مطلع باسواد نیز که طرف اعتماد شخص بی سواد باشد لازم است ثبت سند باید برای شخص بی سواد قرائت شده و این قرائت و همچنین رضایت مشارالیه باید در دفتر ثبت قید و مطابق ماده ۹۳ امضاء گردد .

ماده ۹۷ - قبل از ثبت سندیکه متعلق بشخص بی سواد است مباشر ثبت اسناد و املاک باید بوسیله سؤالاتی که از او می نماید یقین حاصل کند که شخص مزبور مندرجات سند را کاملاً می فهمد

ماده ۹۸ - صاحب سندی که کر و گنگ بوده ولی می تواند بخواند باید شخصا در دفتر قید و امضاء کند که سند را خوانده و مفاد آن را تصدیق دارد .

ماده ۹۹ - هر گاه یکی از اصحاب معامله بواسطه مرض یا عذر موجه دیگری نتواند در اداره ثبت اسناد و املاک حضور بهم رساند و و کبلی هم معین و اعزام ننماید مباشر ثبت مکلف است بمعیت طرف دیگر معامله و شهود و مدعی العموم بمنزل مشارالیه رفته موافق مقررات این قانون عملیات خود را انجام دهد و مخارج حرکت مباشر بمعیت طرفی است که باعث آن شده است .

ماده ۱۰۰ - هر گاه سندی بواسطه تقصیر یا غفلت مباشر از اعتبار افتاده باشد مباشر مذکور باید علاوه بر مجازات‌های مخصوصه مقرر از

عهده کلیه خسارات وارده نیز بر آید

### مبحث دوم

در رسمیت و اعتبار اسناد ثبت شده

ماده ۱۰۱ - برای اینکه اسناد ثبت شده رسمیت و اعتبار داشته باشد رعایت شرایط ذیل لازم است

اولا ثبت اسناد باید بتوسط مباشر ثبت بعمل آید و در مورد ثبت ملك بتوسط مدیر ثبت اسناد و املاك مطابق باب دوم این قانون

ثانیا متصدی ثبت باید از هر جهت صلاحیت و حق ثبت نمودن را دارا باشد .

ثالثا تمام مقررات این قانون که در اعتبار ثبت مؤثر است باید رعایت شود .

ماده ۱۰۲ - سندی که مطابق شرایط مندرجه در ماده قبل ثبت شده است دارای رسمیت و اعتبار بوده تمام محتویات و امضا های مندرجه در آن معتبر خواهد بود مگر اینکه جعلیست سند رسماً ثابت شود .

ماده ۱۰۳ - اسناد ثبت شده در قسمت راجعه بمعاملات و تعهدات مندرجه در آنها نسبت بطرفین و یا طرفیه که تعهد کرده و کلیه اشخاصی که قائم مقام قانونی آنان محسوب میشوند رسمیت و اعتبار خواهند داشت

ماده ۱۰۴ - کلیه معاملات راجعه با اموال غیر منقوله که بر طبق مقررات باب دوم این قانون ثبت شده است نه فقط نسبت بطرفین معامله و قائم مقام قانونی آنها معتبر و رسمی است بلکه نسبت باشخاص ثالث نیز دارای اعتبار کامل و رسمیت خواهد بود

ماده ۱۰۵ - قضاتی که از قبول رسمیت و اعتبار اسناد ثبت شده استنکاف نمایند علاوه بر اخطار از طرف دیوان عالی تمیز در مجلس محاکمه انتظامی تعقیب میشوند و در صورتیکه این تقصیر قضات بدون عذر موجه و قانونی باشد و بهمین جهت ضرر مسلم نسبت بصاحبان اسناد رسمی متوجه شود مجلس محاکمه انتظامی علاوه بر مجازات اداری قضات مزبوره را بتادیبه خسارات وارده نیز محکوم خواهد نمود

### مبحث سوم

در دادن سواد اسناد ثبت شده

ماده ۱۰۶ - مباشرین ثبت نمیتوانند سواد اسنادی را که ثبت نشده است تصدیق نمایند

ماده ۱۰۷ - باستثنای مقررات مذکوره در باب دوم در موضوع سواد اسناد راجعه باملاك ثبت شده مباشرین ثبت در صورت تقاضا سواد مصدق اسناد ثبت شده را بصاحبان اسناد و قائم مقام آنها و محاکم و مدعیان عمومی و مستنطقین و اشخاصی که از محاکم تصدیق برای اخذ سواد مپاورند

میدهند سواد های مزبوره باید از هر جهت مطابق باشد با سندی که در دفتر ثبت اسناد و املاک ثبت شده است

ماده ۱۰۸ - سواد مصدق اسنادی که در سال جاری ثبت شده است بنوسط مباشر ثبت و سواد آفهای که در سنوات ماضیه ثبت شده است بنوسط دفتر دار اداره میشود

ماده ۱۰۹ - اسم شخصی که سواد باو داده میشود و همچنین تاریخ دادن سواد باید در ستون ملاحظات دفتر قید شود و همچنین در روی خود سواد باید قید شود که سواد بفلان شخص یا بفلان محکمه داده میشود

ماده ۱۱۰ - از اسنادی که در دفتر ثبت اسناد و املاک ثبت شده است مباشرین ثبت پس از گرفتن حقوقی که در این قانون معین است سواد مصدق داده تصدیقات دیگری نسبت بان سند نمیتوانند بدهند

۱۱۱ - مباشری که سواد میدهد باید در تحت مسؤولیت خود مطابقت سواد را با سندی که ثبت شده است قید و امضا نماید

ماده ۱۱۲ - سواد که مطابقت آن با اصل تصدیقات شده است بمنزله اصل سند خواهد بود

### مبحث چهارم

#### در ودایع

ماده ۱۱۳ - اشخاصی که سند خود را میخواهند در اداره ثبت اسناد و

املاک تودیع کند باید آنرا در پاکت و یا لفافه دیگری که بالاک مهر شده باشد گذاشته و شخصا روی پاکت تاریخ تودیع را با تمام حروف در حضور مباشر ثبت قید کنند و در صورتیکه خط نداشته باشند باید دو نفر شاهد تاریخ تودیع را در روی لفافه و یا پاکت نوشته امضا و مهر کنند مباشر ثبت پس از تصدیق صحت نمره ترتیبی آن را تعیین نموده و بالاک پاکت و یا لفافه را بمهر اداره ثبت اسناد و املاک ممهور نماید و در دفتر مخصوص همان نمره ترتیبی را که اتخاذ کرده است باسم تودیع کننده و تاریخ تودیع و اسامی شهود اگر باشند قید می کنند و بمهر و امضاء تودیع کننده و شهود نیز خواهد رسید

ماده ۱۱۴ - اشخاصی که سند خود را تودیع می نمایند میتوانند قبل از آنکه آنها را در پاکت و یا لفافه دیگری گذاشته ممهور کند تقاضای سواد نمایند در این صورت اداره ثبت اسناد و املاک سواد مصدق خواهد داد ولی باید در روی سواد مزبور قید شود که این سواد مطابق با اصلی است که در اداره ثبت اسناد و املاک تودیع شده و به هیچوجه رسمیت ندارد مگر اینکه آن سند قبلا مطابق مقررات این قانون ثبت شده باشد در این صورت دائره ثبت اسناد و املاک میتواند سواد مصدق سند را بطوری که در این قانون مقرر است بدهد

ماده ۱۱۵ - در موقع تودیع اسناد مباشر ثبت باید صورت مجلسی ترتیب داده کلیه مشخصات و ممیزات پاکت و یا لفافه تودیهی را در آن

قبض و بامضای خود و تودیع آئینده ممضی دارد و این صورت مجلس در ستون ملاحظیات دفتر ودایع نوشته خواهد شد

ماده ۱۱۶ - استرداد اسناد تودیع شده باین ترتیب بعمل میاید که در ستون ملاحظیات دفتر ودایع و در مقابل ثبتی که از تودیع سند بعمل آمده شخصی که سند را پس میگیرد با حضور دو نفر شاهد رسیده نوشته و آنرا امضا نماید تاریخ استرداد باید در ذیل رسیده با تمام حروف قید شود و همچنین اسم مباشر و مبلغ حقوق دیوانی که اخذ میشود درج خواهد شد

مبحث ششم

در اجرای مفاد اسناد رسمی

ماده ۱۱۷ - کلیه اسناد رسمی راجعه با اموال منقوله مستقلا و بدون احتیاج حکمی از محاکم عدلیه لازم الاجراء خواهد بود مگر اینکه شخص ثالثی مدعی آن باشد

ماده ۱۱۸ - کلیه اسناد رسمی راجعه بمعاملات املاکی که مطابق مقررات باب دوم این قانون ثبت شده است مستقلا و بدون مراجعه بمحاکم لازم الاجراء است و ادعای شخص ثالث نسبت بانها مانع اجرا نخواهد بود

ماده ۱۱۹ - دایره ثبت اسناد و املاک سواد سند را که باید اجرا شود و صاحب سند تقاضای اجرای آن را نموده دستور اجرا را مطابق

ماده ۱۲۰ - در ذیل سواد درج کرده بمهر مخصوص اجرا ممهور نموده نزد مامور اجرا میفرستند

ماده ۱۲۰ - عبارت دستور اجرا از این قرار است عموم ضابطین عدلیه و کلیه مامورین اجرا و قوای دولتی مامور و مکلف هستند که هر یک در آنچه راجع بایشان است ادای وظیفه و مساعدت برای اجرای مداول این ورقه بعمل آورند نظر باین منظور ورقه حاضر صادر و ممضی و ممهور میشود بقاریخ . . .

ماده ۱۲۱ نقش مهر مخصوص اجرا شامل عبارت ذیل خواهد بود  
وزارت عدلیه  
دایره ثبت اسناد و املاک فلان محل  
اجرا شود

ماده ۱۲۲ - اسناد معاملات تجارتنی راجعه با اموال منقوله که در دفتر ثبت اسناد و املاک ثبت می شود ترتیب اجرای آن موافق مقررات قانون تجارت خواهد بود

ماده ۱۲۳ - ادعای جعلی که از مجرای جزائی بعمل آمده باشد عملیات راجعه با اجرای اسناد رسمی لازم الاجرا را موقوف نمیکند مگر پس از اینکه مسنطق رای مجرمیت متهم را صادر و مدعی العموم هم موافقت کرده باشد



## باب چهارم

### تعرفه ثبت اسناد و املاك

ماده ۱۲۴ - حقوقی که در اداره ثبت اسناد و املاك اخذ می شود مطابق تعرفه ذیل خواهد بود .

۱ - برای ثبت ملك در دفتر املاك به علاوه مخارج مقدماتی که در فصل اول باب دوم مذکور است

۱۰٪

۱/۲٪

۲ - برای ثبت اسناد راجعه باموال غیر منقوله

۱/۲٪

۳ - برای ثبت اسناد راجعه باموال منقوله

۱۰٪

۴ - برای ثبت اسناد راجعه بمنافع غیر منقوله

و اجیر نامه از هر قبیل

در این مورد حق ثبت برای تمام مدت اخذ خواهد شد .

۵ - برای ثبت اسناد راجعه به نقل و انتقالی که خارج از عناوین فوق العاده و ممکن است تقویم شود ۱/۲٪

۶ - برای ثبت اسنادی که تعیین قیمت آنها ممکن نباشد برای هر سند ۱ تومان

۷ - ثبت اسناد و نوشتهجات تجارتي از هر قبیل غیر از شرکت نامه و

بروات و حوالجات : - ۱/۲٪

۸ - برای ثبت بروات و حوالجات تجارتي از هر صد تومان يك قران

کسر صد تومان بمنزله صد تومان می باشد

۹ - حق ثبت امتیازنامه هائیکه از طرف دولت اعطا میشود ۱۰۰ تومان

۱۰ - حق ثبت اجاره نامه های متعلقه بمعادن و حمل و نقل از راه خشکی

یا دریا و هر اجاره نامه دیگر از این قبیل : ۱ /

۱۱ - ثبت قوانین متعلقه بامتیازات دولتی از قبیل لقب و نشان ۱۰ تومان

۱۲ - وقف نامه ها ۵ تومان

۱۳ - برای مخارج حرکت مباشر در خارج شهر در مورد ماده ۹۹ بغير

از کرایه حمل و نقل شبانه روزی يك تومان

در داخل شهر فقط مخارج حرکت نادیه خواهد شد

۱۴ - مخارج حرکت در مورد ثبت املاك علاوه بر مخارج حمل و نقل

که بعهده تقاضا کننده است برای مدیر ثبت اسناد و املاك شبانه روزی ۲۰

قران برای معاون ویا کسان دیگر ۱۵ قران

۱۵ - حق الودیعه اسناد و اوراق بهر بسته مهوره ماهی ۲ قران

حق الودیعه شش ماهه قبلا اخذ خواهد شد

۱۶ - دادن سواد مصدق از اسناد ثبت شده برای هر صفحه که نمونه آن

را وزارت عدلیه معین می نماید ۵ قران کسر صفحه يك صفحه تمام محسوب

خواهد شد

۱۷ - حق الاجراء اسناد لازم الاجراء پس از اجراء

۱۸ - سواد مصدق امتیاز نامه و اجاره نامه معادن و حمل و نقل از راه خشکی

یا دریا و شرکت نامه چهار برابر سواد های دیگر ۵۰٪  
 ۱۹ - برای تصدیق صحت هر امضا  
 ۲۰ - برای اسناد نوشته جاتی که داخل هیچیک از عناوین فوق نمیشود ۲۰٪  
 ماده ۱۲۵ - سواد هائیکه از طرف محاکم و مدعیان عمومی و مستنطقین تقاضا میشود از حقوق دولتی معاف خواهد بود ولی در صورتیکه سواد های مزبوره را بدون علت و سبب تقاضا کرده باشند علاوه بر مجازات اداری دو برابر حق معمولی از تقاضا کننده اخذ خواهد شد  
 ماده ۱۲۶ - در موقع اخذ حقوق مبلغ های کمتر از یک صد دینار یک صد دینار محسوب خواهد شد

۵۱ -  
 ۵۲ -  
 ۵۳ -  
 ۵۴ -  
 ۵۵ -  
 ۵۶ -  
 ۵۷ -  
 ۵۸ -  
 ۵۹ -  
 ۶۰ -

# قانون موقتی

## راجع باشد خاصه که مال غیر را

### انتقال میدهند

و یا تمک میکنند و مجازات آنها

۱ -  
 ۲ -  
 ۳ -  
 ۴ -  
 ۵ -  
 ۶ -  
 ۷ -  
 ۸ -  
 ۹ -  
 ۱۰ -

## قانون موقت

راجع باشخاصی که مال غیر را انتقال میدهند و یا تملك میکنند

و مجازات آنها

مصوبه دوم جوزا ۱۳۰۲ شمسی

ماده اول - اگر کسی اقرار نمود و یا محقق شد که مال شخص ثالثی را (\*) بدون مجوز قانونی بنحوی از انحاء عینا و یا منفعة نقل بغیر نموده و بنصرف او داده است توقیف و حبس خواهد شد تا اینکه عین و یا عوض مال و همچنین خسارات وارده بر مالک و مشتری را رد نماید .

ماده دوم - اگر کسی اقرار نمود و یا محقق شد که مال ثالثی را با علم به مستحق المنعیر بودن آن (\*) بدون مجوز قانونی بنحوی از انحاء تملك کرده و بتصرف خود در آورده است توقیف و حبس خواهد شد تا عین مال یا عوض آنرا با خسارات وارده بر مالک رد نماید .

ماده سوم - در مورد دوماده فوق مزور جزاء تعقیب و بمجازاتیه که کمتر از يك سال حبس و یا کمتر از هفتاد تازیانه باشد محکوم خواهد شد .

(\*) جمله « بدون مجوز قانونی » بر حسب تصویب کمسیون پارلمانی عدلیه در تاریخ ۱۲ جوزا ۱۳۰۲ در مواد اول و دوم اضافه شده است

## قانون موقتی

راجع به تقسیم محاکم ابتدائی

بدرجات مختلفه و تشکیل

صاحبه های با صلاحیت نا محدود

## قانون موقت

راجع به تقسیم محاکم ابتدائی بدرجات مختلفه و تشکیل

صلاحیه های باصلاحیت نامحدود

مصوبه ۳ جوزا ۱۳۰۲ شمسی

ماده اول - وزارت عدلیه محاکم ابتدائی مملکت را از جهت امور راجعه بانها و قلت و کثرت دعاوی بسه درجه تقسیم خواهد نمود .

ماده دوم - تشکیل محاکم صلح درجه اول با صلاحیت نامحدود که بموجب ماده هفتم قانون استخداام حکام محاکم عدلیه پیش بینی شده است با رعایت احتیاجات محلی بنظر وزارت عدلیه خواهد بود .

ماده سوم - محاکم صلح با صلاحیت نامحدود به علاوه همه اختیاراتی که مطابق قانون موقت اصول محاکمات حقوقی و یا جزائی برای محاکم صلح مقرر است همان حدود و صلاحیت را در امور حقوقی و جزائی و تجارتمی خواهند داشت که بموجب قانون مزبور فوق برای محاکم ابتدائی مقرر شده است .

ماده چهارم - استیناف احکام صادره از محاکم صلح با صلاحیت نامحدود در صورتیکه میزان مدعا به آن بیش از چهار صد تومان نباشد

و یا راجع بامور جزائی و یا تجارتمی باشد که قانونا رسیدنی بانها داخل در صلاحیت محاکم صلح است با رعایت قواعد اصول محاکمات حقوقی و یا جزاء و تجارت به نزدیکترین محکمه ابتدائی رجوع خواهد شد استیناف احکامی که مدعا به آن بیش از چهار صد تومان باشد و یا راجع بامور جزائی و تجارتمی باشد که داخل در صلاحیت محکمه جنحه و یا تجارت است با رعایت قواعد اصول محاکمات حقوقی یا جزا و یا تجارت بمحکمه استینافی رجوع خواهد شد که محکمه صلح با صلاحیت نامحدود در حوزه آن واقع شده است



## قانون موقت

تصرفات در قانون اصول محاکمات حقوقی راجع به محاکم صلاحیه

مصوبه ۳۲ جوزا شمسی ۱۳۰۲

ماده واحده - مواد قانون اصول محاکمات راجع به محاکم صلاحیه بطریق ذیل اصلاح میشود

۱ - ماده ۸ نسخ و بجای آن ماده ذیل بر قرار میگردد .

ماده ۸ امور راجعه بمحاکم صلاحیه از قرار ذیل است .

اولا - دعاوی راجعه به اموال اعم از منقول و غیر منقول و دیون و منافع در صورتیکه مدعا به پیش از چهارصد تومان نباشد و هر گاه محدود به زمان معین نباشد یا مدت آن طولانی باشد باید قیمت ده سال آن را میزان قرار داد .

ثانیا - دعاوی ضرر و خسارات ناشی از امتیازات از قبیل حق الطبع و حق التصنیف و امثال و غیر آن دعاوی حقوقی ناشیه از امور جزائی در صورتیکه در هر يك از این دو مورد مدعا به پیش از چهارصد تومان نباشد ثالثا - مطالبه نخلیه ید از اعیان مرهونه و مستاجر و امثال آن در صورتیکه منافع یکساله اعیان مذکوره پیش از چهار صد تومان نبوده و اصول مالکیت محل نزاع نباشد و در صورتیکه نزاع در اصل مالکیت

باشد حد نصاب صلاحیه ( چهار صد تومان معتبر است .

رابعا - کلیه دعاوی راجعه بحقوق مالی مثل حق العبور و حق المجری و حق المرتع و دعاوی ممانعت از حق کسی در ملك دیگری یا مزاحمت کسی از تصرف مالك در ملك خودش و دعاوی راجعه بحقوق غیر مالی مثل حق الحضانه و حق الولایه و حق الوصایه و غیر آن .

خامسا - دعاوی تصرف عدوانی در غیر منقول تا هر مقدار باشد .

سادسا - دعاوی راجع باشباهتیکه قیمت معینی ندارد مثل اعیان اوراق و اسناد و فرامین و نشانههای دولتی و لپکن دارای نوعی از اعتبار و متعلق اغراض و مقاصد است

سابعا - مطالبه وفاء بشروط و عهدیکه در ضمن معاملات واقع میشود یا در معامله بناء بران بوده از قبیل دادن قبالة و سند معامله یا معتبر کردن آن اعم از اینکه متعاملین قبل از معامله تفصیلا تبانی بر آن نموده باشند یا عادتا بمبتای معاملات بر آن باشد .

ثامنا - خواهش تامین و حفظ دلایل و امارات مدعا به هر چه و هر مبلغ باشد .

تاسعا - تقاضای اصلاح در هر دعوائی و تا هر مقداری که مدعا به باشد .

عاشرا - رسیدگی در دعاوی تا هر میزان در صورتیکه طرفین دعوی بمحاکمه صلاحیه تراضی نمایند .

۲ - ماده ۱۴ نسخ و بجای آن ماده ذیل بر قرار میشود

ماده ۱۴ - هر دعوائی که در اثنای رسیدگی بدعوی اصلی اقامه شود اعم از اینکه از طرف مدعی باشد یا مدعی علیه بعنوان دعوی متقابل یا شخص ثالث و یا دعوی اصلی از يك منشاء ناشی شده یا مربوط بان باشد راجع به همان صلحیه است که دعوی اصلی در آنجا اقامه شده است لیکن اگر فصل دعوی اصلی متوقف بر دعوی طاری باشد که از حیث مبلغ خارج از وظیفه صلحیه است با دعوی اصلی به حکمه ابتدائی ارجاع میشود دعوی متقابل بموجب عرضحال جداگانه اقامه میشود لیکن دعوی مقاصد و تهاثر و هر عنوانی که دفاع محسوب شود محتاج به عرضحال جداگانه نیست .

ماده ۲۲ بطریق ذیل اصلاح میشود

۳ - ماده ۲۲ - مقدار مدعا به مبلغی است که در عرضحال صورتیجا قید شده است اجرت المثل و خساراتی که بعد از تقدیم عرضحال بمدعی به تعلق میگیرد ممکن است علاوه شود ولو اینکه مجموعا زیاده بر حد نصاب صلحیه شود مواردیکه تعیین مقدار مدعا به یاقیمه آن در ابتدای دعوی ممکن نیست داخل در صلاحیت صلحیه است مگر اینکه زاید بودن آن بر حد نصاب صلحیه اجمالا معلوم باشد .

۴ - ماده ۲۷ - نسخ و بجای آن ماده ذیل برقرار میشود .

ماده ۲۷ - موعده مقرر برای حضور مدعی علیه در محکمه نیاید از تاریخ ابلاغ احضار نامه بمدعی علیه کمتر از يك روز باشد مگر در موارد فوری و نیز برای هر چهار فرسخ مسافت از اقامتگاه مدعی علیه تا محکمه يك روز علاوه میشود .

ماده ۴۰ و ۴۱ بطریق ذیل اصلاح میشود

ماده ۴۰ - دعوی تصرف عدوانی از کسی ممنوع است که قبلا خود یا قائم مقام قانونی او منصرف بوده و عدوانا از تصرف او خارج کرده باشند مشروط بر اینکه پیش از یکسال از تاریخ تصرف عدوانی او نگذشته باشد .

ماده ۴۱ - در مورد دعوی تصرف عدوانی محکمه صلح داخل رسیدگی در نحوه تصرف مدعی و اسناد راجعه بان نمیشود و فقط در باب تصرف عدوانی تحقیقات نموده مال غیر منقول را بتصرف متصرف اول میدهد و بعد از ختم دعوی تصرف عدوانی محکوم علیه اگر در نحوه تصرف ادعا داشته باشد در صورتیکه میزان مدعا به خارج از صلاحیت صلحیه نیست در صلحیه اقامه دعوی میکنند والا بمحکمه صالحه رجوع مینمایند .

۶ - ماده ذیل در تحت نمره ۴۱ مکرر بعد از ماده ۴۱ اضافه میشود .

ماده ۴۱ مکرر - در مورد دعوی مندرگوره در فقره ششم ماده ۴۱ هر کس مدعی علیه محکوم به رد عین مدعا گردید و عین محکوم به را رد ننمود مشارالیه بتادیبه ضرر و خساراتی که از عدم رد عین محکوم به دارد بتصدیق اهل خیره معین میگردد محکوم خواهد شد .

ماده ۴۴ - بطریق ذیل اصلاح میشود

ماده ۴۴ - رسیدگی که موافق ماده قبل توقیف شده بمجلس شروع نمیشود مگر بخواهش یکی از اصحاب دعوی یا قائم مقام آنها که صلاحیت محاکمه داشته باشد .

۸ - ماده ذیل در تحت نمره ۴۵ مکرر بهر از ماده ۴۵ اضافه میشود.

ماده ۴۵ - مکرر - مدعی یا مدعی علیه حق تقاضای شخص ثالث دارد و همچنین شخص ثالث میتواند وارد دعوی شود ( رجوع بمواد ۴۱۸ الی ۴۲۰ )

۹ - در ماده ۴۶ پس از عبارت ( در حین رسیدگی ) عبارت و یا تشخیص صلاحیت خود ) اضافه میشود.

۱۰ - ماده ۵۹ نسخ و بجای آن ماده ذیل برقرار میشود.

ماده ۵۹ - در مواردیکه تحقیق محلی و استطلاع از مطلعین و استعلام از اهل خیره یا استفاده از دلایل که در نزد طرف یا غیر است اقتضا دارد و یا مستند دعوی دفاتر تجارنی و امثال آن است اشخاصی که ظنین هستند بر اینکه استفاده از دلایل فوق الذکر بعدها معتذر یا معتبر خواهد شد میتوانند از محکمه خواست تامين آنها را بنمایند و مقصود از تامين در این موارد فقط ملاحظه و صورت ثبت برداشتن این گونه دلایل است.

۱۱ - ماده ۸۲ بطریق ذیل اصلاح میشود.

ماده ۸۲ - اگر ادعای جعلیت نسبت باسناد کتبی که برای صدور حکم اهمیت دارد اقامه شود محکمه بدو بطرفی که آن اسناد را ابراز کرده تکلیف میکند که آنها را پس بگیرد هر گاه صاحب اسناد باین تکلیف راضی نشد امین صالح بطرفی که ادعای جعلیت اسناد را کرده است عاقبت و ختم آن دعوی را

در صورت عدم ثبوت خاطر نشان میکنند اگر با وجود آن مدعی جعلیت در ادعای خود ثابت و مصر باشد هر گاه جاعل را معین کرده امر بمحکمه جزا احاله میشود ( رجوع بمواد محاکم ابتدائی در باب جعلیت ) والا امین صالح بدعوی جعلیت رسیدگی کرده حکم میدهد در موردیکه محکمه صالح حکم بجعلیت سندی میدهد باید سند را باسواد حکم خود نزد مدعی العموم محکمه ابتدائی که در حوزه آن واقع است بفرستد.

۱۲ - ماده ۸۳ نسخ میشود.

۱۳ - ماده ۹۲ بطریق ذیل اصلاح میشود.

ماده ۹۲ - هر گاه محکوم علیه از حکم امین صالح استیناف بدهد در صورتیکه اقامتگاه دائمی یا اموال غیر منقول ندارد محکمه صالح میتواند بتقاضای محکوم له محکوم به را تامين نماید و این در صورتی است که مدعی به قبلا تامين نشده باشد.

۱۴ - ماده ۹۸ بطریق ذیل اصلاح میشود.

۹۸ - هر گاه محکمه در ضمن حکم قرار تادیه محکوم به را با قساط داده و محکوم علیه در سر وعده قسط را ادا نکرد محکمه صالح بتقاضای محکوم له حکم تادیه بلا تاخیر تمام محکوم به را میدهد.

۱۵ - فقره ۷ ماده ۱۰۴ بطریق ذیل اصلاح میشود.

۷ - امضاء فقیه یا امین صالح.



۱۶ - ماده ۱۰۵ بطریق ذیل اصلاح میشود .  
 ماده ۱۰۵ - هر گاه مدعی علیه بعد از دو مرتبه احضار در محکمه صالحه حاضر نشده و توضیحات کتبی هم موافق ماده ۱۰۶ نفرستاده حاکم صالح بخواهش مدعی شروع بر رسیدگی نموده بعد از تحقیقات حکم غیابی میدهد و هر گاه مدعی در جلسه محاکمه حاضر نشد بمحکمه هم اطلاع نداد که در غیاب او رسیدگی نماید حاکم صالح رسیدگی را موقوف میدارد ولی مدعی میتواند تجدید رسیدگی و محاکمه را تقاضا نماید و باید بهمان محکمه عرض حال مجدد بدهد در صورت عدم تعقیب مدعی بقضای مدعی علیه محکمه عرض حال مدعی را ابطال کرده حکم خسارتی را که بمدعی علیه از احضار او وارد شده است میدهد .  
 ۱۷ - ماده ۱۱۰ بطریق ذیل اصلاح میشود .  
 ماده ۱۱۰ - سواد حکم غیابی بمحکوم علیه غایب باید ابلاغ شود و در ظرف هشت روز از روز رؤیت حکم محکوم علیه غایب حق دارد اعتراض نموده تجدید رسیدگی را بخواهد و هر گاه در مدت مقرر اعتراض نکرد حکم حاکم صالح بموقع اجرا گذاشته خواهد شد و غایب همیشه بر حجه خود باقی میماند ولی احکام غیابی امین صالح بعد از انقضای مدت اعتراض قابل استیناف است و بعد از انقضای مدت استیناف و تمیز بموقع اجرا گذاشته خواهد شد .  
 ۱۸ - ماده ۱۱۵ بطریق ذیل اصلاح میشود .

ماده ۱۱۵ - احکام امین صالح را در صورتیکه مبلغ مدعی به بیش از سی و پنج تومان بوده باشد یا آنکه قیمة مدعی به معلوم نباشد میتواند در محکمه ابتدائی حقوق استیناف نمود و مدت استیناف در احکام حضوری از تاریخ اعلام حکم و در احکام غیابی از تاریخ انقضای مدت اعتراض بیست و یک روز است بعد از انقضای مدت مزبوره حکم امین صالح قطعی میشود .  
 ۱۹ - ماده ۱۱۹ بطریق ذیل اصلاح میشود .  
 ماده ۱۱۹ - قرار هائی را که امین صالح میدهد فقط با حکم می توان استیناف نمود مگر قرار عدم صلاحیت .  
 ۲۰ - ماده ۱۲۰ نسخ میشود .  
 ۲۱ - ماده ۱۲۱ بطریق ذیل اصلاح میشود .  
 ماده ۱۲۱ - در مورد ماده ۱۱۸ و ۱۱۹ شکایت باید در ظرف یک هفته از تاریخ اقدامی که باعث شکایت یا ابلاغ قرار می که داده شده است بعمل آید مگر شکایت از تعطیل و تعویق که مدت ندارد و در هر وقت قابل استماع است .  
 ۲۲ - ماده ۱۲۴ بطریق ذیل اصلاح میشود .  
 ماده ۱۲۴ - مستانف علیه میتواند تا روزیکه برای محاکمه معین شده است توضیحات کتبی خود را بمحکمه ابتدائی بدهد طرفین حق دارند اسقاط حضور خود را بنمایند و در صورتیکه محکمه محاکمه را تمام دانست میتواند حکم بدهد و آن حکم حضوری خواهد بود .

ماده ۱۳۶ - بطریق ذیل اصلاح میشود - ماده ۵۱۱

ماده ۱۳۶ - همینکه امین صلح اظهارات مدعی یا مدعی علیه را صحیح دانست رضایت خود را در ورقه رد یا در صورت مجلس قید و امضاء کرده عرضحال عارض را بامضات آن نزد نزدیکترین محکمه صلح برای رسیدگی میفرستد و هرگاه صلحیه دیگر نباشد یکی از اعضاء ابتدائی کار امین صلح

را انجام میدهد - ماده ۶۱۱

ماده ۱۳۷ - در صورت عدم تقیید مدعی متقاضی مدعی علیه یا متقاضی

حالت مدعی را ابطال کرده حکم بخیراتی را که بمقتضای عدالت از اخصار او

میکند - ماده ۱۶۱

ماده ۱۳۸ - در صورت عدم تقیید مدعی متقاضی مدعی علیه یا متقاضی

ماده ۱۳۹ - در صورت عدم تقیید مدعی متقاضی مدعی علیه یا متقاضی

ماده ۱۴۰ - در صورت عدم تقیید مدعی متقاضی مدعی علیه یا متقاضی

ماده ۱۴۱ - در صورت عدم تقیید مدعی متقاضی مدعی علیه یا متقاضی

ماده ۱۴۲ - در صورت عدم تقیید مدعی متقاضی مدعی علیه یا متقاضی

ماده ۱۴۳ - در صورت عدم تقیید مدعی متقاضی مدعی علیه یا متقاضی

ماده ۱۴۴ - در صورت عدم تقیید مدعی متقاضی مدعی علیه یا متقاضی

ماده ۱۴۵ - بطریق ذیل اصلاح میشود - ماده ۱۳۸

ماده ۱۳۸ - در صورت عدم تقیید مدعی متقاضی مدعی علیه یا متقاضی

ماده ۱۳۹ - در صورت عدم تقیید مدعی متقاضی مدعی علیه یا متقاضی

ماده ۱۴۰ - در صورت عدم تقیید مدعی متقاضی مدعی علیه یا متقاضی

ماده ۱۴۱ - در صورت عدم تقیید مدعی متقاضی مدعی علیه یا متقاضی

# قانون موقتی

## راجع بتصرفات در قانون

## اصول محاکمات موقتی

ماده ۱۴۲ - در صورت عدم تقیید مدعی متقاضی مدعی علیه یا متقاضی

ماده ۱۴۳ - در صورت عدم تقیید مدعی متقاضی مدعی علیه یا متقاضی

ماده ۱۴۴ - در صورت عدم تقیید مدعی متقاضی مدعی علیه یا متقاضی

ماده ۱۴۵ - در صورت عدم تقیید مدعی متقاضی مدعی علیه یا متقاضی

ماده ۱۴۶ - در صورت عدم تقیید مدعی متقاضی مدعی علیه یا متقاضی

ماده ۱۴۷ - در صورت عدم تقیید مدعی متقاضی مدعی علیه یا متقاضی

## قانون موقت

راجع بتصرفات در قانون اصول محاکمات حقوقی

مصوبه ۳۲ جوزا ۱۳۰۲ شمسی

ماده واحده - در مواد مفصله ذیل اصول محاکمات حقوقی تغییرات مشروحه آتی داده میشود

۱ - ماده ذیل بعد از ماده (۱۴۵) در تحت نمره ۱۴۵ مکرر برقرار می گردد

ماده ۱۴۵ - مکرر - امور عرفیه که قطع و فصل دعاوی ناشیه از آن مخصوص محاکم عدلیه است اموری است که بر حسب قواعد معموله و یا قوانین موضوعه مملکتی راجع به سیاست یا اقتصاد و یا تنظیمات اجتماعی در تمام یا قسمتی از مملکت مقرر است از قبیل دعاوی مفصله ذیل

دعاوی ناشیه از مطبوعات و محاکمات عدلیه و اجراء احکام و دعاوی که ناشی از تخلف از قواعد و یا قوانین مزبوره فوق میشود و دعاوی ناشیه از امثبازات و تعهدات دولت مطلقا اعم از اینکه این دعاوی بین اشخاص باشد و یا بین دولت و اشخاص - و دعاوی ناشیه از اسناد رسمی و دوایر دولتی و اسنادیکه در ثبت اسناد ثبت شده است و دعاوی جعل و تزویر نسبت با اسناد و نوشتهجات

۲ - ماده ۱۴۸ بطریق ذیل اصلاح میشود

ماده ۱۴۸ - بعد از قرار محاکمه رجوع بماده ۲۴۲ مکرر و بعدها در غیر موارد مذکوره در ماده (۱۴۵) (۱۴۶) در امور مشترکه اگر متداعیین نراضی برسپدگی محاکم عدلیه نمایند محکمه رسپدگی خواهد کرد والا بمحض شرع ارجاع خواهد نمود

۳ - ماده ذیل در تحت عنوان ماده ۱۵۶ مکرر بعد از ماده ۱۵۶ اضافه میشود

ماده ۱۵۶ - مکرر دعاوی راجعه بترکه متوفی در صورتیکه دعوی مابین وراث باشد و یا از طرف اشخاصی اقامه شود که خود را ذی حق در تمام یا قسمتی از ترکه میدانند و یا راجع بوصایای متوفی باشد در محل اقامتگاه دائمی متوفی اقامه میشود - و دعاوی راجعه بشرکت مادام که شرکت باقی است در مرکز حقوقی و یا در مرکز عملیات شرکت اقامه میشود و هرگاه دعوی راجع بشعبه از شعب شرکت باشد ممکن است در محکمه که شعبه در حوزه آن واقع است رسپدگی شود - دعاوی افلاس در محکمه اقامتگاه مدعی افلاس و دعاوی حق الوکاله و مخارج و خسارت محاکمه در محکمه که اصل دعوی بداینها در آنجا رسپدگی شده است اقامه میشود

۴ - ماده ۱۵۹ نسخ و بجای آن ماده ذیل برقرار میشود

ماده ۱۵۹ - هر دعوائی که در اثنای رسپدگی بدعوائی اصلی اقامه شود و با دعوائی اصلی از يك منشاء ناشی شده و مربوط به آن باشد اعم

از اینکه از طرف مدعی باشد یا بعنوان دعوای متقابل از طرف مدعی علیه و یا از طرف شخص ثالثی راجع به محکمه ایست که دعوای اصلی در آنجا اقامه شده است مگر اینکه خارج از صلاحیت ذاتی آن محکمه باشد

۵ - ماده ۱۶۲ و ۱۶۳ و ۱۶۴ نسخ و بجای آن مواد ذیل بر قرار می شود.

ماده ۱۶۲ - هر محکمه باید خودش معین کند دعوائی که در محکمه اقامه شده است بان محکمه راجع است یا نه و نباید از محکمه دیگر در آن باب تعلیمات بخواهد و هر گاه از طرف احد متداعیین نسبت بصلاحیت محکمه اعتراض بشود موافق مواد راجعه بایرادات رفتار خواهد شد ( رجوع به مواد ۳۶۲ و مابعد )

ماده ۱۶۳ - هر گاه در موضوع يك دعوی دو محکمه در باره خود هر دو اثبات یا نفی صلاحیت نمودند اختلاف در صلاحیت متحقق میشود - در صورتی که طرفین اختلاف دو محکمه ابتدائی باشند که در يك حوزه استیفاقی واقعند حل اختلاف راجع بان محکمه استیفاقی است و هر گاه در يك حوزه استیفاقی نباشد تسویه اختلاف راجع بدیوان تمیز خواهد بود

ماده ۱۶۴ - هر يك از متداعیین که حل اختلاف را بخواهند باید تقاضا نامه خود را در دو نسخه بمحکمه استیفاقی و در صورتیکه حل اختلاف باید در دیوان تمیز بعمل آید بدیوان تمیز ارسال دارند و بعد از آن

بقررتی که برای رسیدگی بقرارهای محاکم ابتدائی در محکمه استیفاقی مقرر است اقدام میشود - محاکمه ابتدائی موقتا تا صدور حکم محکمه عالی باید توقیف شود

۶ - در متن ماده ۱۶۶ عدد (۱۶۲) به عدد (۱۶۳) تبدیل میگردد

۷ - تبصره ذیل به آخر ماده ۱۷۹ اضافه میشود

تبصره - هر گاه موکل در وکالت نامه تصریح نماید باینکه اقرار و کپل بر علیه او بمنزله اقرار خود موکل است فیها و الا محکمه ادبی الاقتضاء خود موکل را احضار خواهد کرد

۸ - ماده ۱۸۴ ضمیمه ماده ۱۸۳ شده و ماده ذیل در تحت نمره ۱۸۴ بعد از ماده (۱۸۳) اضافه میشود

۱۸۴ و کپلی که در وکالت نامه حتی تقدیم عرض حال بمحکمه عالی تر باو داده شده

هر گاه پس از صدور رای و یا در موقع ابلاغ استعنا کنند و از رؤیت امتناع نمایند مؤثر در امر ابلاغ نیست و ابتدای مدت استیفاقی یا تمیز از روز ابلاغ حکم بو کپل معتبر است و هر گاه از این جهت خسارتی بموکل وارد نماید مسئول خواهد بود

۹ - ماده ذیل در تحت نمره ۱۸۴ مکرر بعد از ماده ۱۸۴ اضافه میشود

ماده ۱۸۴ مکرر - و کلاهی متداعین نمی توانند متراضیا جلسه رسیدگی را که از طرف محکمه معین شده است تاخیر اندازند مگر اینکه در این موضوع اختیار کتبی از موکلین خود به محکمه تقدیم دارند

۱۰ - ماده (۱۹۱) نسخ و بجای آن ماده ذیل بر قرار میشود

ماده ۱۹۱ - عرضحال باید دارای منضمات ذیل باشد :- ۱ - تمام ادله مثبتة دعوی از اسناد و احکام و صورت شهود و مطلعین و قرائن محلی و غیرها با قید اینکه ادله مثبتة منحصر بهمین است ۲ - هر گاه اسناد در زبان غیر فارسی نوشته شده باشد ترجمه اسناد مزبوره بزبان فارسی ۳ - وکالت نامه و کپل هر گاه و کپل عرضحال بدهد

عرضحال باید در دو نسخه باشد و اسناد و ادله مثبتة هم اگر مدعی اصل آنها را بمحکمه بدهد باید يك سواد مصدق از آنها نیز بعرضحال منضم نماید و اگر اصل اسناد را بمحکمه نمیدهد باید دو سواد ضمیمه عرضحال نماید

۱۱ - فصل پنجم از باب دوم اصول محاکمات حقوقی بطریق ذیل اصلاح می شود

### فصل پنجم

در اقدامات محکمه قبل از رسیدگی بدعوی

#### مبحث اول

ابلاغ عرضحال بمدعی علیه

ماده ۲۰۰ - رئیس محکمه در روی عرضحال که قبول شده اسم عضوی را که مقدمات کار در تحت نظر او باید تهیه شود معین مینماید و بدفتر محکمه امر میدهد که عرضحال را بمدعی علیه ابلاغ کند

ماده ۲۰۱ - ابلاغ نامه ماده قبل در دو نسخه نوشته شده و نسخه ثانوی عرضحال مدعی با منضماتش بان ضمیمه میشود ابلاغ نامه باید حاوی نکات و مشروحات ذیل باشد

- (۱) تاریخ ابلاغ نامه (۲) اسم و شهرت و محل اقامت مدعی و مدعی علیه
- (۳) اسم مامور ابلاغ (۴) تعیین شعبه محکمه که رسیدگی خواهد کرد
- (۵) موعد جواب کتبی (۶) نتیجه عدم ارسال جواب در موعد

هر گاه در ابلاغ نامه رعایت نکات مفصلا نشده باشد ابلاغ نامه باطل است و حکم بطلان باید از محکمه که ابلاغ نامه فرستاده است داده شود

ماده ۲۰۲ - ابلاغ نامه با نسخه ثانوی عرضحال و منضمات بمدعی علیه

در محلی که بمدعی نشان داده است ابلاغ میشود اقدام بصدور ابلاغ باید منتهی در ظرف سه روز از طرف دفتر بعمل آید

ماده ۲۰۳ - ابلاغ نامه بتوسط مامور ابلاغ و احضار ابلاغ میشود اگر مدعی علیه در حوزه محکمه دیگری اقامت دارد توسط آن محکمه ابلاغ میشود و اگر در جایی اقامت دارد که محکمه نیست توسط اداره نظمیته و اگر نباشد توسط حکومت ابلاغ خواهد شد هرگاه مدعی علیه در خارجه باشد ابلاغ نامه بتوسط وزارت خارجه تبلیغ میشود

ماده ۲۰۴ - ابلاغ نامه با منضمات آن بخود مدعی علیه ابلاغ میشود و هرگاه مامور نتواند بشخص او برساند بیکي از اهل خانه یا کسان او که منصدی امور او هستند تبلیغ میشود و اگر اشخاص مذکور نباشند یا نخواهند رسید بدهند مامور ابلاغ در شهر یا اداره نظمیته یا کمپسری و در ده بکند خدا تسلیم کرده در نسخه ثانی ابلاغ نامه رسید می گیرد و در این صورت مامورین مذکور مکلف هستند که عرض حال و منضمات آنرا بمدعی علیه رسانند رسید بگیرند و الا مسؤول خساراتی خواهند بود که ممکن است از صدور حکم غیابی و غیره بمدعی علیه وارد شود

ماده ۲۰۵ - در حین ابلاغ مامور تاریخ تبلیغ را در نسخه ابلاغنامه که تسلیم می کند قید می نماید و رسیدی که در نسخه ثانی گرفته می شود باید مورخ باشد هرگاه گیرنده ابلاغ نامه نخواهد یا نتواند رسید بدهد مامور این نکته را در نسخه ثانی با جهت آن یاد داشت می کند

ماده ۲۰۶ - مامور ابلاغ در مواقع لازمه دو نفر شاهد از اهل محل یا از اداره نظمیته با خود همراه بر میدارد که در صورت امتناع مدعی علیه از قبول ابلاغ نامه از مراتب مطلع و شاهد باشند و این نکته در نسخه ثانی ابلاغ نامه قید و بامضای شهود میرسد

ماده ۲۰۷ - نسخ میشود

ماده ۲۰۸ - در دعاوی راجعه به شرکتهای مطلقا ابلاغنامه بمدیر یا مباشر امور شرکت تسلیم میشود و همچنین در دعاوی راجعه بورشکسته يك نسخه ابلاغنامه بکسی داده میشود که بحکم محکمه مامور اداره کردن امور مفلس است و نسخه دیگر بخود مفلس و در نسخه ثالث و رابع رسید گرفته میشود

ماده ۲۰۹ - در صورتیکه مدعی علیه یکی از ادارات رسمی باشد ابلاغ بر رئیس آن اداره میشود

ماده ۲۱۰ - نسخ میشود

ماده ۲۱۱ - مامور ابلاغ در موارد ذیل نمیتواند ابلاغ نماید (۱) باشخاصی که اسلاف یا اعیان او هستند (۲) به برادر و خواهر و برادر زاده و خواهر زاده و غیره تا اقربای درجه سوم (۳) به اعیان و اقربای اعیان خود تا درجه سوم (۴) به مخدوم و خدمه خود (۵) در مظان نهمت

ماده ۲۱۲ - نسخ میشود

ماده ۲۱۳ - در صورتیکه ابلاغنامه موافق مقررات این فصل ترتیب یافته باشد یا تبلیغ نشود بحکم محکمه که آنرا فرستاده است از درجه اعتبار ساقط میشود

ماده ۲۱۴ - در صورتیکه مدعی نتواند محل اقامت مدعی علیه را معین کند عرضحال و خلاصه ضمائم آن در مطبوعات اعلان میشود

ماده ۲۱۵ - نسخ میشود

ماده ۲۱۶ ابلاغ در مطبوعات سه دفعه مقوالی باید اعلان شود مقصود از مطبوعات روزنامه های رسمی یا نیم رسمی پای تخت در ولایات است و همچنین بعضی از روزنامه ها بیکه در زبان خارجه طبع میشود ولی بمحل مدعی اعلان در سایر جرائد هم که زیاد منتشر میشود جایز است جز آنکه مخارج اعلان در روزنامه جات غیر رسمی جزو خسارت مدعی در صورتیکه ذی حق شود محسوب نخواهد شد

مبحث دوم

موعد وصول جواب مدعی علیه بمحکمه

ماده ۲۱۷ - موعدی که محکمه برای وصول جواب مدعی علیه معین میکنند از این قرار است

(۱) هر گاه مدعی علیه در ایران اقامت داشته باشد دو هفته (۲) هر

گاه در خارجه اقامت داشته باشد برای ممالک دول هم جوار دو ماه و ممالک دول غیر هم جوار سه ماه و برای ممالک بعیده مثل امریکا و اقصای شرق و غیر چهار ماه (۳) اگر محل اقامت مدعی علیه معین نباشد چهار ماه

ماده ۲۱۸ - مواعد مفصله در فقره اول و دوم ماده قبل از روز وصول ابلاغ نامه بمدعی علیه محسوب میشود و برای اشخاصی که در ایران هستند بهر چهار فرسخ محل اقامت گاه مدعی علیه تا مقر محکمه یک روز اضافه می شود موعد مذکور در فقره سوم از روز طبع آخرین اعلان در مطبوعات محسوب است

ماده ۲۱۹ - مدعی علیه در جواب خود میتواند محل اقامت خود را غیر از آن که مدعی تشخیص داده معین کند و مدعی علیه که محل اقامت او معین نشده و بواسطه مطبوعات باو اعلان می شود میتواند عوض جواب تعیین محل اقامت خود را بنماید که عرض حال و منضمات آن حسب التقرر در آن جا ابلاغ شود هر گاه مدعی بعد از اعلان در مطبوعات از محل اقامت مدعی علیه مطلع شد میتواند تقاضای ارسال ابلاغ نامه موافق فقره اول و دوم ماده ۲۱۷ بنماید

ماده ۲۲۰ - در صورتیکه ابلاغنامه بچند نفر مدعی علیه بموجب یک عرضحال باید فرستاده شود طویل ترین موعد که درباره یک نفر از آنان قانونا باید معین شود شامل تمام آنها میباشد

کتاب سوم

مقدمات کتبی دعوی

ماده ۲۲۱ - کلیه نوشتهجات راجعه بمتداعین از محکمه بمحل اقامتی که معین کرده اند فرستاده میشود و مادام که تغییر محل اقامت خودشانرا بمحکمه اطلاع نداده اند نمیتوانند بعدم اطلاع از مفاد نوشتهجاتی که به اقامت گاه اولی آنان فرستاده شده معذور بشوند

ماده ۲۲۲ - هر گاه متداعین یا وکلای آنها محل اقامت خودشانرا معین نکنند کلیه نوشتهجات راجعه بانان در دفترخانه محکمه میماند و متداعین نمیتوانند بعدم اطلاع از مفاد آن نوشتهجات معذور شوند

ماده ۲۲۳ - در موعدهیکه محکمه برای وصول جواب مدعی علیه معین کرده باید مدعی علیه جواب کتبی بادعای مدعی بفرستد و در صورتیکه ادعای و دلائل او را قبول ندارد اوضاع و احوال و دلائلی را که دارد کتبا تصریح کند مدعی علیه در باب تقدیم اسناد و ادله خود باید موافق مواد (۱۹۱) و (۲۹۲) رفتار نماید

ماده ۲۲۴ - بعد از وصول جواب مدعی علیه سواد آن با منضمات در ظرف سه روز بمدعی ارسال و مطالبه جواب میشود و برای این ابلاغ نیز مقررات ابلاغ بمدعی علیه از هر جهة منظور است الا اینکه مهلت جواب در این مورد يك هفته است

ماده ۲۲۵ - جواب مدعی پس از وصول برای مدعی علیه ارسال میشود که اگر جوابی دارد در ظرف يك هفته ارسال دارد و در این موقع رئیس محکمه روز جلسه رسیدگی را نیز تعیین کرده متداعین را برای آنروز احضار می کند مگر در موارد ذیل (۱) مدعی عرضحال خود را استرداد و ترک دعوا کرده باشد (۲) مدعی علیه کاملا و صریحا بدعوی مدعی تسلیم شده باشد (۳) در صورت اصلاح طرفین که اصلاح نامه معتبر بمحکمه رسیده باشد (۴) در صورتی که طرفین حق حضور خود را اسقاط کرده باشند و محکمه باستبضاح محتاج نباشد

ماده ۲۲۶ - در ضمن اوابج کتبی که مدعی و مدعی علیه مبادله میکنند مشار الیهما باید نسبت بصلاحت محکمه وسایر ایرادات و دعوی جعل اسناد و معاينه محلی و تحقیق اهل خبره و عملیات دیگر که قبل از محاکمه یا در حین محاکمه ممکن است بعمل آید هر اظهاری دارند بنمایند

ماده ۲۲۷ - قواعد احضار مانند قواعد ابلاغ است  
ماده ۲۲۸ - اسامی اشخاصی که احضار میشوند اعلان شده در اطلاق



انتظار محکمه بدیوار نصب میشود و این اعلان تا روزیکه برای حضور حاضر  
شونده در محکمه مقرر است باید در اطاق مذکور بماند  
ماده ۲۲۹ - همین که کاری بجلسه رسیدگی محول شد در دفترى که  
نوبت رسیدگی کارها را تعیین می کنند ثبت می نماید

\*\*

۱۲ - مبحث اول فصل ششم از باب دوم اصول مجازات حقوقی  
بطریق ذیل اصلاح میشود

### فصل ششم

در رسیدگی بدعوا و دعوای متقابل و عقیده مدعی العموم  
مبحث اول

#### در رسیدگی بدعوی

ماده ۲۳۰ - قرائت راپورت عضو محکمه و مذاکرات طرفین در جلسه  
علنی محکمه بعمل می آید

ماده ۲۳۱ - هرگاه رسیدگی علنی غیر مناسب باشد  
باقی اجتماعی و مخفی است و آسایش عمومی و یا مضر باخلاق  
محکمه بصوابدید خود و تصدیق مدعی العموم میتواند مشاوره  
نموده قرار در دفتر محکمه ثبت و علانیه اعلان می

شود و نیز در غیر موارد مزبوره فوق محکمه میتواند در صورت تقاضای کتبی  
متداعین قرار مجازات غیر علنی را بدهد

ماده ۲۳۲ - عضو محکمه که تقدمات دتوی تحت نظر او تهیه شده  
راپورتنی از قضیه ترتیب میدهد و در صورتی که اظهارات طرفین محتاج به  
توضیح و تکمیل باشد موارد حاجت را یادداشت مینماید

ماده ۲۳۳ - راپورت کار را عضو محکمه بموجب اسناد یا دلائلی که  
طرفین در عرضحال و جواب بر عرضحال کتبا به محکمه تقدیم کرده اند میدهد  
ولی بهیچ وجه مجاز نیست اظهار عقیده نماید

ماده ۲۳۴ - در جلسه محکمه راپورت مزبور قرائت و مذاکرات  
طرفین شروع میشود هرگاه يك طرف حاضر نباشد غیبت او مانع نیست که  
طرف دیگر توضیحات خود را بدهد

ماده ۲۳۵ - مذاکرات طرفین توضیحاتی است که نسبت باظهارات  
کتبی خود میدهند یا استنباطاتی که محکمه مینماید و در هر صورت اول مدعی  
بعد مدعی علیه توضیحات میدهد

ماده ۲۳۶ - استمهال هر يك از متداعین و تقاضای تعیین جلسه دیگر برای  
تکمیل ادله و اسناد در صورتی جایز است که بتوانند بر محکمه معلوم  
کنند که ابراز ادله و اسناد جدید تا آن زمان متعذر بوده است

ماده ۲۳۷ - برای هر جلسه محاکمه در صورت مجلس مزبور بیانات طرفین را تلاحظیص کرده و بتوسط تقریر نویس نوشته میشود در موارد ذیل عین کلام متداعین باید نوشته شود (۱) و ققیبه یکبار یکی از متداعین مشتمل بر اقرار باشد ۲ - در موردیکه یکی از طرفین بخواهد از کلام طرف استفاده نماید (۳) در صورتیکه محکمه بجهت درج عین عبارت را لازم بداند

ماده ۲۳۸ - مدعی میتواند تقاضای اولی خود را که در عرضحال تصریح کرده است کم و گسر کند و نیز میتواند آنرا زیاد کند یا ماهیت ادعای خود را تغییر دهد یا تقاضائی کند که از عرضحال او مستقیما مفهوم و حاصل نسبت مشروط بر اینکه مدرک این دعاوی همان مدرک ادعای اولی باشد در این صورت باید تقاضای خود را کتبا بمحکمه بدهد و مدعی علیه هر گاه برای جواب حاضر نباشد میتواند استمهال کند

ماده ۲۳۹ - رئیس محکمه و به اجازه او اعضاء محکمه میتوانند در صورت مبهم بودن اظهارات طرفی توضیحات لازمه را خواسته تقاضای جواب صریح در رد یا قبول اوضاع و احوال دلائل و اسناد بنمایند

۲۴۰ - در صورتیکه در یک ادعا چند تقاضا شده باشد و اختلاط آنها بایکدیگر باعث اشکال رسیدگی شود محکمه میتواند آن چند تقاضا را از هم دیگر مفروق نموده قرار بدهد که طرفین توضیحات خودشانرا نسبت به هر تقاضائی جداگانه بدهند

ماده ۲۴۱ - در اثنای مذاکرات شفاهی رئیس محکمه بطرفین تکلیف صلح میکنند و هر گاه صلح کردند مراتب در صورت مجلس نوشته شده بامضای طرفین میرسد در صورتیکه طرفین قبول صلح نکردند محکمه مذاکرات شفاهی را تکمیل کرده بمشاوره می پردازد

ماده ۲۴۲ - در مشاوره و مذاقه در اظهارات و مستندات هر گاه محکمه نسبت به بعضی یا تمام مدعا به مشاهده اقرار کرد اخذ باقرار نموده و در موضوع اقرار دعوی را ختم شده دانسته رای خود را صادر مینماید

ماده ۲۴۲ - مکرر در صورتیکه محکمه مشاهده اقرار نکرد یا آنکه اقرار فقط نسبت بیک جزو از دعوی راجع بود و جزء دیگر باقی ماند محکمه نسبت بانچه مورد اقرار واقع نشده قرار محاکمه را میدهد

ماده ۲۴۳ - در مورد ماده قبل محکمه در ضمن قرار هر گاه موضوع دعوی از امور عرفیه و اختصاصی خود محکمه است موقع محاکمه را تعیین میکند و اگر از امور اختصاصی محاضر شرع است ارجاع به دول مجتهدین می نماید و در صورتی که از امور اختصاصی نیست بطرفین اختیار تراضی محاکمه در خود محکمه یا رجوع به محضر شرع میدهد

ماده ۲۴۳ مکرر - محکمه پس از تعیین محضر موضوع رسیدگی را بر طبق نتیجه دوسه تحریر نموده با دوسه تحقیقات مقدماتی به محضر میفرستد

ماده ۲۴۴ - پس از آنکه حاکم محضر دعوی را خاتمه داد نتیجه به

دوسه ملحق و بمحکمه ارسال میشود تا محکمه بوظیفه خود اقدام نماید  
ماده ۲۴۴ مکرر - در مواردیکه محاکمه راجع به محکمه است همین  
که رئیس محکمه مسئله را بعد از اصغای مذاکرات و دلائل طرفین واضح  
و روشن دید مذاکره را ختم کرده حکم میدهد

ماده ۲۴۵ - مدرك حکم محکمه دلائل کتبی است که طرفین به محکمه  
تقدیم می کنند و هم چنین دلائل شفاهی آنان که در حین مذاکره شفاهی  
اظهار و در صورت مجلس نوشته شده و با مضای طرفین میرسد

۱۳ - ماده ۲۴۳ - نسخ و بجای آن ماده ذیل برقرار میشود

ماده ۲۵۳ - علاوه بر ماده قبل در موارد منضله ذیل قواعد محاکمه  
اختصاری باید رعایت شود : اولاً دعاوی حاصله از معاملات و قراردادهائیکه  
موضوع آن وجه یا اموال منقوله باشد و هم چنین اجاره و استیجار خانه  
و انبار و دکاکین و امثال آن تا آنها ادعای خسارت وارده بر اموال  
منقوله یا غیر منقوله ثالثاً منازعات و اختلافات که از اجرای احکام حاصل میشود

۱۴ ماده ۲۵۵ - نسخ و بجای آن ماده ذیل برقرار میشود

ماده ۲۵۵ - در امور فوریه اگر مسافت اقامتگاه مدعی علیه از محکمه  
بیش از چهار فرسخ نیست رئیس میتواند روز جلسه را زود تر از موعدیکه  
در ماده قبل مقرر شده معین نماید

۱۵ ماده ۲۶۱ - نسخ و بجای آن ماده ذیل برقرار میشود

ماده ۲۶۱ - در مواردیکه صلاحیت محکمه عدلیه برای محاکمه معجز  
شده و یکطرف یا طرفین باطلاع اهل محل متمسک شوند و لو اینکه بطور کلی  
ذکر کنند و اسامی مطلعین را نبرند محکمه میتواند تحقیقات محلی بعمل آورد

۱۶ ماده ۲۷۴ - نسخ و بجای آن ماده ذیل برقرار میشود

ماده ۲۷۴ - هر گاه یکی از طرفین بدفاتر و اسناد تجارنی طرف دیگر  
استناد کنند دفاتر مزبوره باید در محکمه ابراز شود و در صورتیکه تسلیم  
دفاتر و اسناد مزبوره در محکمه ممکن نباشد محکمه عضوی را مامور مینماید  
که با حضور طرفین دفاتر و اسناد مزبوره را معاینه و آنچه لازم است  
خارج نویسن نماید

۱۷ ماده ۲۸۵ و ۲۸۶ نسخ و بجای آن دو ماده ذیل برقرار میشود

ماده ۲۸۵ - اسناد عادی در دو مورد اعتبار اسناد رسمی را دارد  
و در باره طرفین و وراث و قائم مقام آنان معتبر است

اولاً اگر طرفی که سند بر علیه او اقامه شده است صدور آنرا از  
منقصب الیه تصدیق نماید

ثانیاً در صورتیکه در محکمه ثابت شود که سند مزبور را طرفی که رد  
کرده است فی الواقع امضا و مهر نموده است

ماده ۲۸۶ - در مقابل اسناد رسمی یا اسنادیکه اعتبار اسناد رسمی  
را دارد هیچ نوع دفاعی مسموع نیست مگر اینکه طرف ادعای جعلیت نسبت

باستناد مزبور به کنند یا ثابت کند که اسناد مذکور به جهت از جهات قانونی از اعتبار افتاده است

۱۸ - ماده ۲۸۷ نسخ و بجای آن ماده ذیل برقرار میشود

ماده ۲۸۷ - اظهار شك و تردید نسبت باسناد عادی جایز است مگر از طرف شخصی که سند باسم او نوشته شده و مهر و امضای منتسب با او را دارد که در اینصورت هرگاه تصدیق نکند فقط میتواند منکر سند شود یا ادعای جعلیت نماید و در صورت انکار بر مدعی است که صحت انتساب سند را ثابت کند

۱۹ - ماده ۳۲۱ نسخ و بجای آن ماده ذیل برقرار میشود

ماده ۳۲۱ - در صورتیکه اهل خبره بتراضی طرفین تعیین شده باشند رد و یا تغییر آنها پذیرفته نمیشود مگر بتراضی و در صورتیکه در تعیین اهل خبره تراضی نشده باشد رد آنان در مدت سه روز از روز اعلام محکمه بمتداعین راجع به تعیین اهل خبره باید اظهار شود مگر اینکه جهات رد بعد معلوم شود در صورت اخیر رد اشخاص خبره که معین شده اند تا قبل از صدور رای آنها جایز است و جهات رد اهل خبره علاوه بر عدم خبریت همان جهات رد حکام است

۲۰ - ماده ۳۳۶ و ۳۳۷ نسخ و بجای آن ماده ذیل برقرار میشود

ماده ۳۳۶ - هرگاه طرفی منکر خط و مهر سند شود یا در صحت و سقم

سند تردید نماید یا استنکاف از جواب کند بقریب مواد ذیل رفتار خواهد شد  
اظهار تردید یا انکار باید بعد از ارائه سند طرف مقابل تا انتهای جلسه  
اول محاکمه بعمل آید

۲۱ - ماده ۳۳۸ - نسخ و بجای آن ماده ذیل برقرار میشود

ماده ۳۳۸ - در مقابل این اظهار طرف دیگر باید در همان جلسه صریحا اعلام نماید که آن سند را استرداد میکنند یا نه هرگاه صاحب سند اعتراض نکرده و یا سند خود را استرداد نمود محکمه باسناد دیگر رجوع میکنند ولی عدم اعتراض یا استرداد صاحب سند دلیل بر بطلان آن نخواهد بود هرگاه صاحب سند خود را استرداد نکرد با اعتبار آن سند رسیدگی میشود

۲۲ - ماده ۳۵۰ و ۳۵۱ نسخ و بجای آن ماده ذیل برقرار میشود

ماده ۳۵۰ - در موردیکه مدعی جعلیت شخص معینی را که در حال حیات است بساختن سند متهم نماید و تعقیب او ممکن باشد محکمه حقوق سند مزبور را با اوراق راجعه بمسئله جعلیت نزد مدعی عمومی مقررستند و در این صورت محکمه حقوق رسیدگی بکار را ترقیب نموده منتظر ختم عمل در محکمه جزا میشود و یا بخواهش یکی از متداعین رسیدگی بکار را تا اندازه که مربوط بسند متنازع فیه و ادعای جعلیت نسبت دنبال کرده با تمام میرساند

ماده ۳۵۱ - هرگاه بواسطه اتهام شخصی بساختن سندی کار بنوسط مدعی عمومی بمحکمه جزا ارجاع شد و محکمه جزا حکم برائت منهم را صادر نمود و

قراری در باب سند نداد یا به جهتی تعقیب جزائی ممکن نشد بخواهش یکی از متداعین محکمه حقوق میتواند اجرای تحقیقات را در باب سند نموده و قرار رد یا قبول آنرا بدهد

۲۳ - ماده ۳۵۶ نسخ میشود و بجای آن ماده ۳۵۸ و ۳۵۷

۲۴ - ماده ۳۵۷ و ۳۵۸ نسخ و بجای آن دو ماده ذیل برقرار میشود  
ماده ۳۵۷ - هرگاه طرفی که سندی بر علیه او ابراز شده خط و مهر سند را انکار یا در آن تردید نماید و یا مدعی جعلیت آن شود محکمه خط و مهر سند با خط و مهری که صدور آن از صاحب سند مسلم باشد تطبیق میشود و در این مورد در صورت ضرورت ممکن است تطبیق در تحت نظارت یکی از اعضاء محکمه توسط سه نفر از اهل خیره که بتراضی طرفین یا در صورت عدم تراضی بقرعه معین شده اند بعمل آید و مراتب در صورت مجلس قید و بامضای طرفین میرسد

ماده ۳۵۸ - اگر کسی که خط و مهر سند باو نسبت داده شده در حال حیوة است سند با نوشتهجاتی که صدور آنها از او مسلم باشد تطبیق میشود و ممکن است آن شخص مجبور باستکتاب شود

۲۵ - ماده ۳۶۴ نسخ و بجای آن ماده ذیل برقرار میشود

ماده ۳۶۴ - مدعی علیه میتواند بدون اینکه جواب مدعی را بدهد در موارد مفصله ذیل ایراد نماید اولاً وقتیکه دعوی ذاتاً راجع بمحکمه دیگری

است تا آنجا وقتی که دعوی از جهت صلاحیت محلی راجع بمحکمه دیگری است یا آنکه در همان محکمه یا محکمه دیگری همان مسئله مابین همان اشخاص در تحت رسیدگی است و یا اگر همان مسئله نسبت مسئله ایست که با ادعای مدعی ارتباط کامل دارد ثالثاً در موردی که ادعای مدعی کاملاً راجع بمدعی علیه دیگری است رابعاً در صورتی که شخصی که اقامه دعوی کرده صلاحیت آنرا ندارد خامساً در صورتیکه کمال طرف مقابل و کالت از موکل خود نداشته باشد

تبصره - عدم صلاحیت ذاتی عبارت است از عدم صلاحیت محکمه صلاحیت محدود نسبت بامور راجعه بانقضائی یا عدم صلاحیت محکمه حقوق نسبت بامور تجارتنی و جزائی و یا محکمه جزائی و تجارتنی نسبت بحقوقی و یا محکمه ابتدائی نسبت باستئناف و برعکس و یا محکمه عدلیه نسبت بامور راجعه بمحاکم اداری

۲۶ - ماده ۳۶۷ نسخ و بجای آن ماده ذیل برقرار میشود

ماده ۳۶۷ - ایراد مذکور در فقره اول و چهارم و پنجم ماده ۳۶۴ را همه وقت میتوان کرد و خود محکمه مکلف است قطع نظر از اینکه از طرف متداعین شده یا نشده از رسیدگی بدعوی امتناع نماید

۲۷ - ماده ۳۶۹ نسخ و بجای آن ماده ذیل برقرار میشود

ماده ۳۶۹ قرار محکمه در باب قبول ایراد قابل شکایت است و فرار مزبور را میتوان قبل از استئناف حکم محکمه در باب ماهیت دعوی استئناف

نمود قرار محکمه را در باب رد ایراد فقط از موردی میتوان قبل از صدور حکم در اصل دعوی استیناف نمود که ایراد راجع بصلاحت ذاتی محکمه باشد موعده این شکایت از روز اعلام قرار محکمه يك هفته است و بنظر محکمه است که نسبت باوضاع و احوال کار بمحاکمه اصل دعوی مداومت نماید و یا آنرا با صدور حکم محکمه استیناف توقیف کند

۲۸ - ماده ۴۱۸ نسخ و بجای آن ماده ذیل برقرار میشود

ماده ۴۱۸ - از قرار محکمه که راجع برد عرضحال مذکور در ماده قبل صادر میشود متداعین و شخص ثالث میتوانند قبل از استیناف اصل دعوی شکایت نمایند

۲۹ - ماده ۴۲۱ - نسخ و بجای آن ماده ذیل برقرار میشود

ماده ۴۲۱ - حکام عدلیه در موارد مفصله ذیل باید از رسیدگی امتناع نمایند و متداعین نیز حق خواهند داشت آنها را رد کنند

(۱) وقتی که حاکم نفع شخصی در ادعائی که اقامه شده است داشته باشد

(۲) وقتی که حاکم یا زوجه او یا یکی از متداعین قرابت نسبی یا نسبی

قادریه سوم دارند

(۳) وقتی که حاکم قبیله یکی از متداعین است یا کفیل امور او است و یا

یکی از متداعین مباشر امور حاکم است

(۴) وقتی که حاکم یا زوجه او وارث یکی از متداعین هستند

(۵) وقتی که حاکم یا یکی از متداعین یا اشخاصی که با آنها قرابت نسبی یا نسبی نادرجه سوم دارند محاکمه جزائی داشته اند و هنوز یکسال از زمان ختم آن محاکمه نگذشته است

(۶) در صورتیکه مابین حاکم و یکی از متداعین یا زوجه او محاکمه حقوقی در محکمه دیگری مطرح است

(۷) وقتی که حاکم سابقا اظهار عقیده کتبی در باب ادعائی که اقامه شده نموده است

۳۰ - ماده ۴۲۶ و ۴۴۶ نسخ میشود

۳۱ - ماده ۴۴۷ نسخ و بجای آن ماده ذیل برقرار میشود

ماده ۴۴۷ - حکم محکمه باید لااقل در ظرف پنج روز از روز صدور رأی کتبی انشاء شده بامضای رئیس و اعضاء و منشی برسد

۳۲ - ماده ۴۵۶ و ۴۵۷ نسخ و بجای آن دو ماده ذیل برقرار

میشود

ماده ۴۵۶ - در اموری که محاکم عدلیه رسیدگی مینماید اگر یکی از

متداعین جواب کتبی را که باید بمحکمه ارسال دارد در موقع مقرر ارسال

ندارد و تقاضای جلسه حضوری هم نکنند یا در موعد مقرر حاضر نشود و

اسقاط حضور هم ننمایند محکمه به ترتیب ذیل عمل مینماید (۱) هرگاه

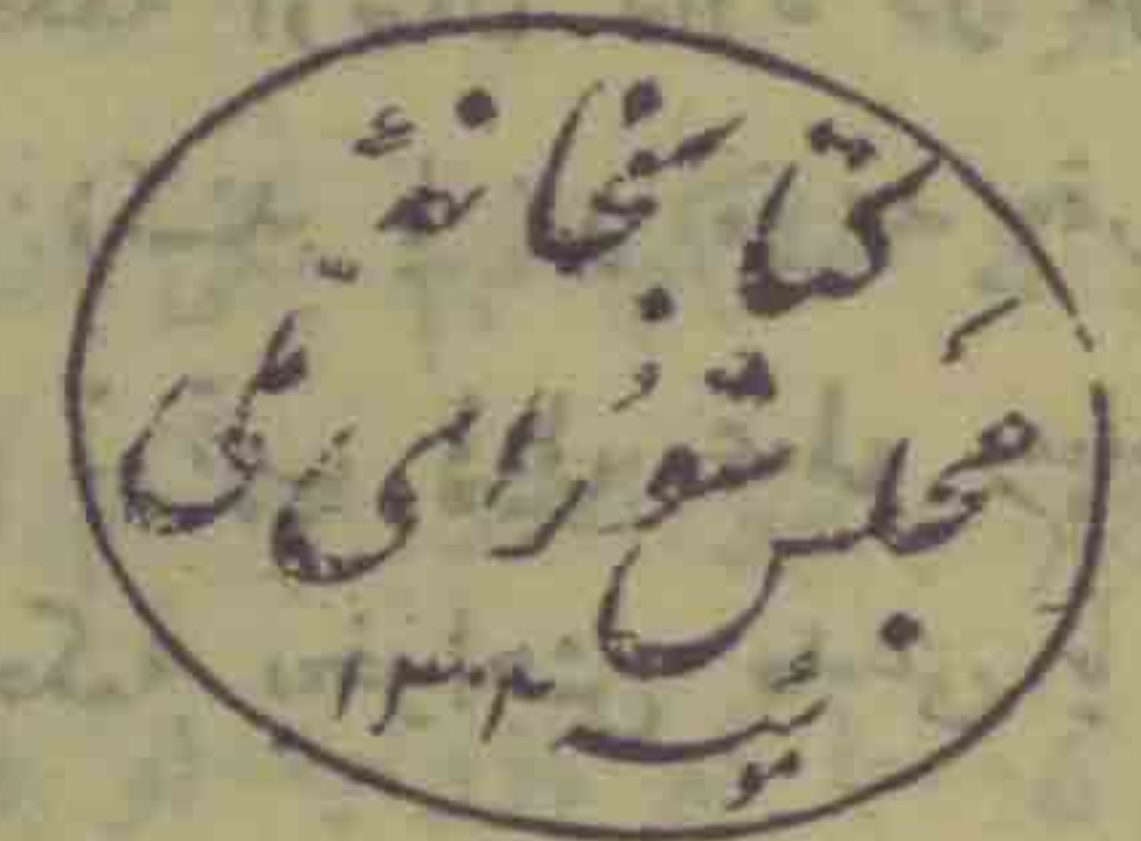
تخلاب از طرف مدعی علیه باشد محکمه بخواهش مدعی یا بقضیه رسیدگی

کرده حکم میدهد و یا مدعی علیه را مجدداً احضار مینماید (۲) اگر نیکباز  
از طرف مدعی باشد محکمه عرضحال او را ابطال و در صورت تقاضای مدعی  
علیه حکم خسارت وارده بر او را میدهد

ماده ۴۵۷ - هر گاه هیچکدام از طرفین حاضر نشوند بدون اینکه خواهش  
رسیدگی غیابی کرده باشند یا یک طرف حاضر شد ولی تقاضای صدور حکم  
غیابی یا ابطال عرضحال ننمود رسیدگی بدعوی از نوبت خارج و بان کار  
رسیدگی نخواهد شد تا وقتی که مدعی رسیدگی بدعوا را بخواهد

۳۳ - ماده ۴۸۲ نسخ و بجای آن ماده ذیل بر قرار میشود

ماده ۴۸۲ - هر گاه مدعی تقاضای اجرای موقت کرده و محکمه ابتدائی  
در حکم خود رایج یا اجرای موقت قرار می ندهد باشد دیگر نمی تواند در  
آن باب رای بدهد و محکوم له فقط میتواند بمحکمه استیناف رجوع نموده  
اجرای موقت را بخواهد و اگر تقاضای اجرای موقت نکرد تا حکم محکمه  
صادر شد مادام که شکایت استینافی نسبت بخود حکم نشده تقاضای اجرای  
موقت از حکم ابتدائی را میتوان از محکمه ابتدائی نمود و پس از استیناف  
از خود حکم هر گاه محکوم له اجرای موقت بخواهد باید از محکمه استیناف  
تقاضا کند



# غلط نامه

صحیح	غلط	صفحه	سطر	*
به سه شعبه	به شعبه	۲۴	۹	*
ماده ۱۱۵	ماده ۱۵۵	۲۴	۱۸	
ماده ۱۱۸	ماده ۱۸۸	۲۵	۸	*
تصویب نکرد	تصویب نکرده	۲۵	۱۵	
تفصیل است	تفصیل ذیل است	۲۶	۱۶	*
دعاوی حقوقی	دعاوی حقوق	۲۷	۱۲	*
بمقتضای	بمقتضیات	۲۸	۹	*
نماید باید در تمام	نماید در تمام	۳۰	۲۰	*
ماده ۱۴۶	ماده ۱۶۴	۳۲	۱۱	*
و تعاقب	و تعقب	۳۲	۱۱	
قبضه	قبضه	۳۴	۱۴	*
خواهد فرستاد	خواهند فرستاد	۳۶	۱۶	*
در عزل و حرکت	در عزل و نصب	۳۷	۲	*
مدعی العموم	مدعی العمومی	۳۷	۱۷	
تقریر نویس	تقریر نویسی	۳۹	۱۷	*
توضیحات لازم	توضیحات لازمه	۴۰	۱۸	*
مشاهده کنند	مشاهده کند	۴۲	۲	*

صحیح	غلط	صفحه	سطر	*
از مواد ( ۱۹۶ )	در مواد (۱۹۶)	۵	۱۱	*
در محکمه	دو محکمه	۵	۱۵	
نسخه دیگر را	نسخه دیگر	۶	۱۲	*
امور حقوقی	امور حقوق	۶	۱۲	
یا اداره	با اداره	۶	۱۷	
مرتب	مرتکب	۷	۲	*
مقتضیات	مقتضیت	۷	۱۴	
خواهد داشت	خواهند داشت	۸	۷	*
عده	عد	۹	۸	*
و قانون و نظامنامه ها	و قانون نظامنامه ها	۱۲	۱۸	*
پس از انعقاد	پس از انقضاء	۱۳	۱۳	*
که تقدیم	که تقدم	۱۴	۱۲	*
خیریات	خیرات	۱۸	۲	*
با قائم مقام	یا قائم مقام	۱۸	۱۹	
مامورین احضار	مامورین احضر	۱۹	۸	*
در جلسه	در جلسات	۲۱	۱۱	*
مزبوره و راپورت	مزبوره راپورت	۲۱	۱۷	



صفحه	سطر	غایط	صحیح
* ۴۳	۲	مقررہ را انجام	مقررہ انجام
۴۳	۸	ادارہ انتظامی است	ادارہ (انتظامی) است
۴۳	۱۰	اداری انتظامی مقرر	اداری (انتظامی) مقرر
* ۴۵	۶	اداری با اسناد	اداری محکمہ با اسناد
۴۵	۹	مادہ ۸۶	مادہ ۱۸۶
۴۵	۱۳	مادہ ۱۷۷	مادہ ۱۸۷
* ۴۷	۲	شدہ باشد مجلس	شدہ باشند مجلس
* ۴۸	۲	در ولایت	در ولایات
* ۴۹	۹	رجوع نہایند	رجوع نہایند
* ۵۲	۱	نکاشتہ	نکاشتہ
۵۲	۱۳	بودہ تقریبت کردہ	بودہ است تقریبت کردہ
* ۵۳	۱۳	مادہ ۲۳۴	مادہ ۲۲۴
* ۵۴	۱۱	برای تلہغ	برای تبلیغ
* ۵۷	۱۴	با جزئی	یا جزائی
* ۵۸	۱	قبمومبت	قبمومت
۵۸	۱۲	منوت	منوط
۵۸	۱۲	رئیس محکمہ	رئیس محکمہ

صفحه	سطر	غایط	صحیح
* ۵۸	۱۳	تخلف در مواد	تخلف از مواد
* ۵۹	۹	یازدہ تومان	پانزدہ تومان
* ۶۰	۲	و بلای	و آلائی
۶۰	۱۰	تخصیل کردہ	تخصیل کرد
* ۶۱	۱۲	نمودہ و با	نمود و با
۶۱	۱۴	مانع دعوی خسارتی	مانع از دعوی خسارتی
* ۶۲	۳	مادہ ۲۲۵	مادہ ۲۵۵
* ۶۳	۴	اسم و شہر	اسم و شہرت
۶۳	۱۵	موکل شدہ	موکل شد
* ۶۴	۲	مادہ ۲۶۴	مادہ (۱)
۶۴	۸	مادہ ۲۶۵	مادہ (۲)
* ۶۵	۶	موفق	موافق
۶۵	۱۱	بری ارجاع	برای ارجاع
* ۶۸	۶	ولو بخلاف	ولو بخلاف
* ۷۰	۲	سری بودن آن را	سری بودن را
* ۷۱	۱۲	محضر شرح	محضر شرح
* ۷۳	۶	ونصب ونصب	و نصب

صفحه	سطر	غاط	صحيح
۷۳	۱۵	کرده باشد	کرده باشند
۷۴ *	۴	اهالی مجلس	اهالی محل
۷۴	۱۰	جمعا	جمیعا
۷۶ *	۳	قوانین موقتی مجاکمات	قوانین موقتی اصول محاکمات
۷۷ *	۵	حقوقی تادو	حقوقی فقط تا دو
۷۸ *	۱۰	چه متعلق	چه متعلق
۷۸	۱۵	حق الحضانه و حق الوصایه و	حق الحضانه حق الوصایه
۷۸	۱۸	غیر عنی	غیر عنی
۷۹ *	۱۱	(۸۴)	(۴۸)
۸۰ *	۴	موفق قانون	موفق قانون
۸۲ *	۱۶	سوادی از اقرار	سوادی از قرار
۸۳ *	۷	مدعی به مکر در ...	مدعی به ( مکر در ... )
۸۴ *	۱۴	می کنند	می کنند
۸۴	۱۷	فرسخ از	فرسخ مسافت از
۸۵ *	۴	احضار شوند	احضار شوند
۸۵	۱۴	یکی و در	یکی و در
۸۶ *	۲	ماده ۲۳	ماده ۳۳

صفحه	سطر	غاط	صحيح
۸۶	۲	کبه محکمه	که محکمه
۸۶	۹	ماده ۲۴	ماده ۳۴
۹۲ *	۱۱	دلایل آن را	دلایل آنان را
۹۴ *	۱۸	موافق ماده (۷۴)	موافق (۷۴)
۹۵ *	۳	برد شهود	برد شهود
۹۵	۱۴	قرابت	قراوت
۹۷ *	۵	داده شده	داده شده است
۹۸ *	۵	با فقیه	یا فقیه
۹۸	۱۶	صورت مجلس	صورت مجلسی
۹۹ *	۷	در دست بوده	در دست مدعی بوده
۹۹	۱۳	کفیل معتبر	کفیل معتبر
۱۰۰ *	۹	محکوم علیه	محکوم علیه
۱۰۰	۱۴	را رسانیده	را رسانید
۱۰۱ *	۹	تخلیه نداده	تخلیه ید داده
۱۰۳ *		بین سطر چهار و پنج این جمله باید اضافه شود:	« ۷- امضای حاکم (فقیه) و امین صلح »
۱۰۶ *	۱۴	تسلیم نماید	ابلاغ نماید
۱۰۸ *	۱۳	تخفیفات	تحقیقات

صحیح	غاط	صفحه	سطر
توقیف نماید	توقیف کند	۱۲۳	۱۸
اعلام عزل بخود او	اعلام بخود او	۱۲۴	۲ *
بدهد و اگر	بدهد اگر	۱۲۴	۱۴
و رسم پدر	و رسم پدر	۱۲۵	۷ *
عرض حال با	عرض حال یا	۱۲۶	۲ *
اسناد در زبان	اسناد بزبان	۱۲۶	۱۴
که مسترد شده است	که مسترد است	۱۲۸	۲ *
معین نکرده	معین نکرده یا	۱۲۸	۶
داخلی محاکم مقرر	داخلی مقرر	۱۲۹	۸ *
تمام قسمت هائیکه	تمام قیمت هائی که	۱۳۰	۵ *
مبدهد (هر گاه محل ....)	مبدهد و هر گاه محل ....	۱۳۱	۶ *
در دعاوی راجعه	دعاوی راجعه	۱۳۳	۷ *
مدعی علیه یکی	مدعی علیه در یکی	۱۳۳	۱۲
مطبوعات احضار میشود	مطبوعات اخطار میشود	۱۳۴	۱۴ *
در زبان خارجه	بزبان خارجه	۱۳۵	۳ *
« ۳ - اگر محل اقامت مدعی علیه معین نباشد چهار ماه »	بین سطر اول و دوم این جمله باید اضافه شود :	۱۳۶	* ۱۱
احضار که در باره	احضار در باره	۱۳۶	۱۱

صحیح	غاط	صفحه	سطر
در تمیز	در تمیز	۱۰۹	۱۵ *
ماده ۱۳۸	ماده ۱۲۸	۱۱۲	۴ *
در تجدید	در تجدید	۱۱۴	۴ *
محاکم عدلیه	بمحاکم عدلیه	۱۱۴	۱۴
ماده (۱۴۵)	ماده ( ۴ )	۱۱۶	۲ *
ماده (۱۴۵)	ماده ( ۴ )	۱۱۶	۵
ادعاء خسارتی	ادعا بر خسارتی	۱۱۸	۵ *
یا واقعند	با واقعند	۱۱۸	۹
بدعوائی دعوی	بدعاوی دعوی	۱۱۸	۱۵
با بعضی	یا بعضی	۱۱۸	۱۷
که از فرار	که از فرار	۱۱۹	۱۰ *
دو نسخه داده میشود یکی	دو نسخه یکی	۱۲۰	۱ *
یا ادارات	با ادارات	۱۲۰	۱۲
باید در خود	باید در	۱۲۰	۱۲
و یا اداره	و با اداره	۱۲۰	۱۵
ابتدائی	ابتدائی	۱۲۱	۵ *
خودش است	خودش است	۱۲۳	۵ *

صحیح	غاط	صفحه	سطر	
و تصرف عدوانی	و تصرف عدوانی	۱۴۴	۴	*
صورتی که مدعی علیه نتوانسته	صورتی که مدعی نتوانسته	۱۴۵	۴	*
بقراضی طرفین	بقراضی طرفی	۱۴۵	۷	
ماده ۲۶۳	ماده ۲۶۵	۱۴۷	۱	*
قرابت نسبی	قرابت نسبتی	۱۴۷	۱۲	
یا سببی تا	یا سببی تا	۱۴۷	۱۲	
و یا با یکی	و یا یکی	۱۴۷	۱۳	
دلایل مثبتیه مسئله	دلایل مثبتیه	۱۴۹	۸	*
محکمه برای	محکمه برای	۱۴۹	۱۵	
در ماده (۲۷۶)	در ماده ( ۲۶۷ )	۱۵۰	۱۲	*
رجوع بدوسپه آن	رجوع بان دوسپه	۱۵۰	۱۷	
در مفاد آن	در مفاد	۱۵۱	۷	*
مگر آنکه	مگر اینکه	۱۵۳	۱۳	*
در باب طلبی	در باب مطالبی	۱۵۴	۹	*
امضا یا مهر	امضا و مهر	۱۵۵	۱۵	*
چند نفر	چند نفر نفر	۱۵۸	۳	*
ماده ۳۱۲	ماده ۲۱۲	۱۵۸	۴	

صحیح	غاط	صفحه	سطر	
معذر شوند	متعذر شوند	۱۳۷	۱۰	*
معذر شوند	متعذر شوند	۱۳۷	۱۳	
رسیدگی را فوراً	رسیدگی فوراً	۱۳۸	۹	*
قرائت راپورت	مرائت راپورت	۱۳۸	۱۵	
یاددلیلی	یا دلایل	۱۳۹	۱۱	*
تغییر بدهد	تغییر دهد	۱۴۰	۱۰	*
یا کلبتیا	یا کتبیا	۱۴۰	۱۰	
موارد مفصله	مواد مفصله	۱۴۰	۱۲	
فقد یا فروش	نقد یا فروش	۱۴۰	۱۷	
ماده ۲۴۱	ماده ۲۴۱	۱۴۱	۳	*
محکمه میتواند	محکمه میتواند	۱۴۱	۳	
با دعوی اصلی	یا دعوی اصلی	۱۴۲	۵	*
رسیدگی بان دعوی	بر رسیدگی در آن دعوی	۱۴۲	۸	
مدعی علیه	مدعی علیه	۱۴۲	۹	
در ضمن دعوی اصلی رسیدگی نمیکند بلکه	در ضمن دعوی اصلی رسیدگی با که	۱۴۲	۹	
لا اقل باید در	لا اقل در	۱۴۲	۱۲	
الی ( ۱۴۴ )	الی ( ۴۴ )	۱۴۳	۵	*

صحيح	غاط	کتاب	صفحه	
مدال شده و	مدال شد و	۱۱	۱۵۸	
به تحقیقات بعمل	تحقیقات بعمل	۴	۱۶۰	*
از مجلی که	از مجلی که	۵	۱۶۰	
ترازی طرفین	ترازی طرفین	۷	۱۶۰	
آن کنیا اظهار	آن اظهار	۹	۱۶۰	
نمی نماید	نمینماید	۱۵	۱۶۱	*
رسیدگی باصل	رسیدگی باص	۴	۱۶۲	*
کنبی آنجا	کنبی در آنجا	۵	۱۶۲	
تدقیق در	تدقیق در	۷	۱۶۴	*
آن با اسناد	آن اسناد	۷	۱۶۴	
مقابل فرسد	مقابل فرسید	۱۳	۱۶۵	*
و تدقیق خط و مهر	و تدقیق و مهر	۱۲	۱۶۶	*
تحقیقات بمحکمه	تحقیقات محکمه	۵	۱۶۷	*
نماید محکمه	سازد محکمه	۸	۱۶۷	
امانت بوده	امانت باشد	۶	۱۶۸	*
دفتر محکمه	دفتر خانه محکمه	۸	۱۶۸	
خواهند شد	خواهد شد	۱۸	۱۶۸	

صحيح	غاط	کتاب	صفحه	
میشود و متفق نشدند	میشود و متفق نشدند	۲	۱۷۰	*
در مورد ادعای	در موارد ادعای	۱۳	۱۷۰	
بعضی اتفاقات	بعضی اتفاقا	۴	۱۷۱	*
ارائه و کلیه	ارائه و کلیه	۷	۱۷۱	
مدعی مبتنی	مدعی مبتنی	۳	۱۷۵	*
رئیس محکمه	رئیس محکمه	۱۳	۱۷۵	
منوط بقرار	منوط بقرار	۱۶	۱۷۵	
توقیف اموال منقوله او دادن	توقیف اموال منقوله و دادن	۶	۱۷۶	*
مدعی به و	مدعی به و مدعی به و	۱۲	۱۷۶	
تامین توقیف	تامین توقیف	۱۶	۱۷۶	
لازم نیست	لازم است	۱۰	۱۷۷	*
سواد این قرار	سواد این اقرار	۳	۱۷۸	*
اینکه صورتی از	اینکه صورتی از	۵	۱۷۹	*
قانون حق قرارداد	قانون قرار داد	۱۰	۱۸۰	*
مدعی علیه که در عوض	مدعی علیه در عوض	۱۴	۱۸۰	
کند که طرفین	کند و طرفین	۳	۱۸۱	*
باب پذیرفتن	باب پذیرفتنی	۴	۱۸۱	

صفحه	سطر	غاط	صحیح
۱۸۱	۹	می تواند ضمانتی	می تواند ضمانتی
۱۸۱	۱۳	نامه را دارا	نامه را دارد
۱۸۱	۱۳	که با خط و مهر	که بخط و مهر
۱۸۱	۱۵	که ضمانت	که ضمانت
۱۸۳	۶	در باب شخص	در باب جلب شخص
۱۸۳	۶	اعتراضی	اعتراض
۱۸۷	۵	عده اشخاصی	عده از اشخاصی
۱۸۷	۶	می کنند و یا	می کند و یا
۱۸۷	۶	دیگری در	دیگری که در
۱۸۷	۱۴	محبوب الحقوق	مسلوب الحقوق
۱۸۸	۱۵	و بخواهش	و یا بخواهش
۱۸۹	۷	اطلاعات مطمئن	اطلاع مطمئن
۱۸۹	۱۶	محا کمه اظهار	محا کمه بوده اظهار
۱۹۰	۹	باید نکات مفصله	نکات مفصله باید
۱۹۱	۳	اعلام کند	اعلام نماید
۱۹۱	۴	گتبی محاکمه	کتبی محاکمه
۱۹۱	۷	پنج روز از اعلام	پنج روز از روز اعلام

صفحه	سطر	غاط	صحیح
۱۹۱	۱۰	مسائل در	مسائل که در
۱۹۲	۱۱	ملاحظه کند	ملاحظه کنند
۱۹۲	۱۴	استعفا کرد	استعفا کرده
۱۹۳	۴	رسیدگی گردد	رسیدگی کرده
۱۹۳	۸	بخواهش مدعی	بخواهش مدعی علیه
۱۹۳	۸	خسارت وارده	خسارات وارده
۱۹۳	۱۸	که غیاب	که در غیاب
۱۹۳	۱۹	این مورد	این موارد
۱۹۴	۴	مدعی علیه نیز	مدعی نیز
۱۹۴	۶	بداند نمی تواند	بداند میتواند
۱۹۴	۹	محتاج رسیدگی	محتاج بر رسیدگی
۱۹۴	۱۷	متعهد باشند	متعدد باشند
۱۹۶	۱	اعتراض نمود	اعتراض ننموده
۱۹۶	۶	بدان اشاره	بان اشاره
۱۹۶	۱۶	در صورتیکه .....	(در صورتیکه ....)
۱۹۷	۱۲	در توقیف	در باب توقیف
۱۹۸	۹	ذیل مفصله ذیل	مفصله ذیل

صحیح	غلط	صفحه	سطر	
قید نماید	قید نماید	۲۰۷	۸	*
محسوب نمیشود	محسوب میشود	۲۰۸	۱	*
بنماید	نباید	۲۰۸	۲	
راجع بطلب	راجع بمطلب	۲۰۸	۴	
استثنای نبوده	استثنای نبود	۲۰۹	۲	*
محقق دید	محقق دید	۲۰۹	۳	
بتأدیہ کلیہ	تأدیہ کلیہ	۲۰۹	۱۲	
بر آن حکم	بر آن آن حکم	۲۱۰	۸	*
ابراز نموده	ابراز نمود	۲۱۱	۴	*
خساراتیکه	خساراتی را که	۲۱۱	۶	
هر گاه	و هر گاه	۲۱۲	۲	*
اصول و کیفیت	اصول کیفیت	۲۱۲	۵	
مدت اعتراض	مدت اعتراض	۲۱۳	۷	*
قانونا معین	قانون نا معین	۲۱۳	۱۲	
موضوع ادعا	موضوع اعاده	۲۱۳	۱۴	
ماده (۵۲۶)	ماده (۵۲۴)	۲۱۵	۱۱	*
ثبت کند	ثبت کند	۲۱۵	۱۵	

صحیح	غلط	صفحه	سطر	
منازعات راجعه	منازعات رجعه	۱۹۸	۱۷	
ماده ۴۸۰	ماده ۸۰	۱۹۹	۶	*
از اجزاء آن	از اجزاء آن	۱۹۹	۷	
مداعبین بموجب	مداعبین بموجب	۲۰۱	۱	*
درفقره چهارم	فقره چهارم	۲۰۱	۴	
تقریقا استثنای	تقریبا استثنای	۲۰۱	۱۱	
یا با حکم	یا با حکم	۲۰۱	۱۲	
رسیدگی بدعوائی	رسیدگی بدعوا	۲۰۱	۱۶	
محکمه بود	محکمه بود	۲۰۱	۱۷	
در آن خصوص	در این خصوص	۲۰۲	۱	*
سند مجعول	سند مجهول	۲۰۳	۲	*
قائم مقام طرفین	قائم مقام	۲۰۳	۱۴	
ابتدائی	ابتدئی	۲۰۴	۱۵	*
مستأنف علیه	بمستأنف علیه	۲۰۵	۲	*
بعمل نیاید	بعمل نیاید	۲۰۵	۱۴	
منقضی شد	منقضی شود	۲۰۵	۱۴	
لا یجہ	بک لا یجہ	۲۰۶	۱	*

صحيح	غاط	سطر	صفحه	
از اعضای شعبه	اعضای شعبه	۸	۲۲۵	*
قید زمره	قید زمره	۵	۲۲۶	*
مطالعه نماید	مطالعه نماید	۲	۲۲۷	*
تمیز شده	تمیز شده	۳	۲۲۷	
کرده	کرد	۱۰	۲۲۷	
همدیگر باشد	همدیگر باشند	۱۴	۲۲۷	
متعلق	متعلقه	۱۷	۲۲۸	*
آن اصول	آن سند اصول	۳	۲۲۹	*
مزبور بدرجه	مزبور صحيح است بدرجه	۹	۲۲۹	
یا اصول	با اصول	۳	۲۳۰	*
در حکم محکمه	از حکم محکمه	۵	۲۳۰	
مستعدی تمیز	بمستعدی تمیز	۶	۲۳۰	
شود مجددا	شود مجددا	۲	۲۳۱	*
بمحکمه موافق	بمحکمه که موافق	۳	۲۳۱	
مفاد حکم ثانوی که صادر میشود	مفاد حکم منقوض مبنی	۱۰	۲۳۱	
بهمان علل و اسبابی که مفاد				
حکم منقوض مبنی				

صحيح	غاط	سطر	صفحه	
عدایه است در حق	در حق	۱	۲۱۶	*
بحد بلوغ	بعد بلوغ	۲	۲۱۶	
یا محقق	یا محقق	۸	۲۱۶	
مدت اعاده	مدت اعاده	۱۳	۲۱۶	
حکم را	آن حکم را	۶	۲۱۷	*
محکمه و دیعه	محکمه و دیعه	۱۲	۲۱۷	
متضرر نتواند	متضرر بتواند	۱۴	۲۱۷	
که نتوان	که بتوان	۱۶	۲۱۷	
دیگر را	دیگری را	۴	۲۱۸	*
نماید که خسارت	نماید خسارت	۹	۲۱۸	
قبول شده	قول شود	۱۴	۲۱۸	
تمیز میشود	تمیز میشود	۱۴	۲۲۱	*
ودیعه	بودیعه	۱	۲۲۲	*
اعلام نماید	اعلام نماید	۱۰	۲۲۲	
حق تمیز	حق تمیز	۱۶	۲۲۲	
بالایحه	بالایحه	۱۱	۲۲۳	*
تاریخ	و تاریخ	۶	۲۲۴	*



صفحه	سطر	غاط	صحيح
۲۴۱	۱۴	افلاس شد	افلاس شده
۲۴۲ *	۱	معین شد	معین شده
۲۴۲	۶	مجبوس را ننماید	مجبوس را نماید
۲۴۲	۹	ضامن با کفیل	ضامن یا کفیل
۲۴۲	۹	بخواهد در	بخواهد و در
۲۴۳ *	۲	در باب خانه	درب خانه
۲۴۳	۳	باز نمی کند	باز نمی کنند
۲۴۳	۴	محکوم بعمل	محکوم علیه بعمل
۲۴۴ *	۱	میشود در	میشود و در
۲۴۵ *	۴	صورت	صورت
۲۴۵	۵	هر گاه	و هر گاه
۲۴۷ *	۱۳	حتى القدر	حتى المقدور
۲۴۹ *	۸	مراتب فوراً	مراتب را فوراً
۲۴۹	۱۱	آن بدهند	آن ندهند
۲۵۰ *	۶	یا نه چه	یا نه و چه
۲۵۰	۱۸	بتوجه مدیون	متموعه مدیون
۲۵۰	۱۸	با اداره لازمه	یا اداره لازمه

صفحه	سطر	غاط	صحيح
۲۳۱	۱۱	مستند باشد	مستند باشد
۲۳۲ *	۷	( ۱۶۳ )	( ۱۳۶ )
۲۳۲	۱۴	نقض شد بلا	نقض شد نقض بلا
۲۳۳ *	۵	قانون معین کرده	قانون معین نکرده
۲۳۳	۹	موعده و مصادف شود	موعده مصادف بشود
۲۳۳	۱۴	تعیین متداعین	حضور متداعین
۲۳۴ *	۹	تقاضا کننده	تقاضا کننده
۲۳۴	۱۵	مجدداً	مجدد
۲۳۵ *	۱	مدت مزبوره	مدت مهلت مزبوره
۲۳۶ *	۷	احکام عدلیه	احکام محاکم عدلیه
۲۳۷ *	۵	معمور باشد	معمور باشد
۲۳۷	۱۰	محکوم علیه	محکوم علیه
۲۳۸ *	۱۸	ماده ۶۸۰	ماده ۶۱۰
۲۳۹ *	۳	رضایت نامه	برضایت نامه
۲۴۰ *	۱۰	محکمه حکم را	محکمه که حکم را
۲۴۱ *	۵	اقدام بتصرف	اقدام بتصرف دادن
۲۴۱	۷	و یا مخفی	یا مخفی

صفحه	سطر	غایط	صحیح
۲۵۱ *	۳	اموال منقوله	اموال غیر منقوله
۲۵۱	۱۰	داین تادین	داین تادیه
۲۵۲ *	۱۲	اطلاع منعقد	اطلاع نامه منعقد
۲۵۲	۱۵	ضرر و مال	ضرر مال
۲۵۳ *	۸	حق بان مال	حق بان مال
۲۵۳	۸	حق است بچه مبلغ	حق است ملك مرهون است یانه
۲۵۳	۱۰	صورت باید	واگر مرهون است بچه مبلغ
۲۵۳	۱۲	عدد و قنوات	صورت مزبور باید
۲۵۳	۱۵	صورتیکه بتوان	عدد قنوات
۲۵۴ *	۹	غیر منقوله را	صورتیکه نتوان
۲۵۵ *	۶	ماده ۶۸۸	غیر منقول را
۲۵۵	۱۰	ماده ۶۷۷	ماده ۶۷۷
۲۵۵	۱۳	صاحب ملكی	ماده ۶۷۸
۲۵۶ *	۱	دهد که میبشی	صاحب ملك
۲۵۶	۱	هر گاه	دهد میبشی
۲۵۶	۷	ملك را موافقت شود	و هر گاه
			ملك موافقت حاصل نشود

صفحه	سطر	غایط	صحیح
۲۵۶	۱۴	قیمت ملكی	قیمت ملك
۲۵۶	۱۵	عایدی ما غیر	عایدی مال غیر
۲۵۶	۱۶	از خبره	اهل خبره
۲۵۷ *	۵	تحقیقات معلی	تحقیقات معلی
۲۵۷	۱۶	غیر منقوله	غیر منقول
۲۵۸ *	۱۱	فروش گذارده	فروش گذاشته
۲۵۹ *	۸	قرار ذیل	قرار مواد ذیل
۲۵۹	۱۱	متعدد شد	متعدد باشد
۲۶۰ *	۹	در اعلام	در اعلان
۲۶۱ *	۷	منتظر نشده	منتظر نشده
۲۶۱	۱۶	مالکیت اولی	مالکیت ادبی
۲۶۴ *	۱۰	بدون اعلان	بدون اطلاع
۲۶۴	۱۱	برمیکردد خریدار	برمیکردد و خریدار
۲۶۴	۱۳	خریدار پول	خریدار باید پول
۲۶۵ *	۸	سپصد الی	سپصد تومان الی
۲۶۵	۹	داشته داشته باشد	داشته باشد
۲۶۵	۹	قیمتیش از	قیمتیش پیش از

صفحه	سطر	غایط	صحیح
۲۶۵	۱۳	اسم خود و اسم پدر	اسم و اسم پدر
۲۶۶ *	۱	در ملك محلی	در محلی
۲۶۷ *	۱	بقیمی که	بقیمینی که
۲۶۷	۱۱	و طلبکار	و طلبکاران
۲۶۸ *	۵	انتخاب کی	انتخاب یکی
۲۶۸	۵	اقسام منوط	اقسام تا مین منوط
۲۶۸	۶	دامن قسط مقرر را پرداخت	داین قسط مقرر را پرداخت
۲۶۸	۱۳	محکمه شخص	محکمه دلایل شخص
۲۶۹ *	۱۳	که تقسیم	که تقسیم نامه
۲۷۰ *	۱۵	دارد حاضر شده در محکمه اظهاراتی	دارد در محکمه حاضر شده اظهاراتی
۲۷۱ *	۱۰	اقدام لازمه	اقدام لازم
۲۷۲ *	۲	ادای آن	ادای
۲۷۲	۷	در موارد ماده	در مورد ماده
۲۷۳ *	۵	نیبود افلاس	نیبود و افلاس
۲۷۴ *	۹	یا در محکمه	یا محکمه
۲۷۶ *	۷	باید حکم خود	باید حکم حکم خود

صفحه	سطر	غایط	صحیح
۲۷۷ *	۹	بعد از ترتیب قرار نامه	بعد از ترتیب قرار نامه حکمیت
۲۷۷	۱۱	تعبیر حکم	تعبیر حکم
۲۷۷	۱۲	به حکمه صلاح	به حکمه صلاح
۲۷۸ *	۳	در حکم حکم	در حکم حکم
۲۷۸	۴	بعضی از حکما	بعضی از حکم ها
۲۷۸	۸	بر این صدور	برای صدور
۲۷۸	۱۲	در موعده مقرر در اصل نسخه ندهند نوشته شده بدهند حکمیت	در موعده مقرر بدهند حکمیت
۲۷۹ *	۱	موضوع منازعه	و موضوع منازعه
۲۷۹	۸	ابلاغ و یا اعلام	اعلام و یا ابلاغ
۲۷۹	۱۵	( ۷۵۸ )	( ۷۵۸ )
۲۸۰ *	۵	ما دمع ۷۷۶	ماده ۷۷۶
۲۸۰	۹	قواعدی	قواعدی
۲۸۱ *	۵	حق نمیزیکه	حق نمیزیکه
۲۸۱	۸	حق نمیز از	حق نمیز از
۲۸۲ *	۱	هر گاه	و هر گاه

صفحه	سطر	عناوین	صفحه	سطر	توضیحات
۲۸۲	۲	در صورتی که	۲۹۷	۱۲	* پول تامین
۲۸۲	۴	پنجقران	۲۹۷	۱۶	تامین مدعا به (
۲۸۲	۴	و بقیه در بعد	۲۹۷	۱۷	قرارداتی
۲۸۲	۱۶	پنجقران	۳۰۰	۷	* علیه باقامتگاه
۲۸۳	۱۰	حال در حین	۳۰۱	۲	* محکمه دیگری
۲۸۳	۱۴	ماده ۸۹۲	۳۰۱	۱۴	باصل دعوا
۲۸۳	۱۵	و از صورت مجلسی	۳۰۲	۵	* افتخار کردن کوتاهی
۲۸۷	۳	تادیه	۳۰۳	۲	* رسیدگی می نمایند
۲۸۷	۸	خساراتی که	۳۰۳	۱۲	در تمیز احکام
۲۸۷	۱۲	رجوع بماده ۰۰۰	۳۰۴	۱	* برای احکام ۰۰۰
۲۸۸	۱۰	بماده (۷۸۲)	۳۱۰	۱	* فوق الذکر
۲۹۰	۱۴	یا رئیس مزبور	۳۱۰	۶	نسبت بقضائی
۲۹۴	۹	دارا خواهد شد	۳۱۱	۱۴	* در وقت
۲۹۴	۱۱	جدا گانه خواهد شد	۳۱۱	۱۵	حضور داشته باشد
۲۹۵	۷	(تفریقا) از ادعای اصلی	۳۱۲	۲	* مجلس اسامی
۲۹۵	۱۷	خود بترتیب	۳۱۲	۵	امتحان بدهند
۲۹۶	۱۶	ماده ۲۴	۳۱۳	۶	* نوشتن معلومات

صفحه	سطر	عناوین	صفحه	سطر	توضیحات
۲۸۲	۲	در صورتی که	۲۹۷	۱۲	* پول تامین
۲۸۲	۴	پنجقران	۲۹۷	۱۶	تامین مدعا به (
۲۸۲	۴	و بقیه در بعد	۲۹۷	۱۷	قرارداتی
۲۸۲	۱۶	پنجقران	۳۰۰	۷	* علیه باقامتگاه
۲۸۳	۱۰	حال در حین	۳۰۱	۲	* محکمه دیگری
۲۸۳	۱۴	ماده ۸۹۲	۳۰۱	۱۴	باصل دعوا
۲۸۳	۱۵	و از صورت مجلسی	۳۰۲	۵	* افتخار کردن کوتاهی
۲۸۷	۳	تادیه	۳۰۳	۲	* رسیدگی می نمایند
۲۸۷	۸	خساراتی که	۳۰۳	۱۲	در تمیز احکام
۲۸۷	۱۲	رجوع بماده ۰۰۰	۳۰۴	۱	* برای احکام ۰۰۰
۲۸۸	۱۰	بماده (۷۸۲)	۳۱۰	۱	* فوق الذکر
۲۹۰	۱۴	یا رئیس مزبور	۳۱۰	۶	نسبت بقضائی
۲۹۴	۹	دارا خواهد شد	۳۱۱	۱۴	* در وقت
۲۹۴	۱۱	جدا گانه خواهد شد	۳۱۱	۱۵	حضور داشته باشد
۲۹۵	۷	(تفریقا) از ادعای اصلی	۳۱۲	۲	* مجلس اسامی
۲۹۵	۱۷	خود بترتیب	۳۱۲	۵	امتحان بدهند
۲۹۶	۱۶	ماده ۲۴	۳۱۳	۶	* نوشتن معلومات

صفحه	سطر	غاط	صحيح
۳۱۳	۱۲	کلیه مستخدمین	کلیه مستخدمین
۳۱۳	۱۳	اتیمان بین	اتیمان بین
۳۱۳	۱۶	محاکم عالی	محاکم عالی
۳۱۶ *	۱۵	احضار برای	احضار حضور برای
۳۱۷ *	۲	بهم فرساید	بهم فرسایند
۳۱۷	۳	باشد انتخاب می نمایند	باشند انتخاب می نمایند
۳۱۷	۷	ابتدائی با استئناف	ابتدائی یا استئناف
۳۱۷	۱۱	می نمایند	می نمایند
۳۱۷	۱۸	منتخب خواهد شد	منتخب خواهند شد
۳۱۸ *	۱۶	ماده ۱۸	ماده ۱۷
۳۱۹ *	۵	دعاوی بموجب	دعاوی که بموجب
۳۲۱ *	۷	و قرارداد	و قرار رد
۳۲۲ *	۷	ثبت نا املاک	ثبت املاک نا
۳۲۴ *	۸	مهری خواهند بود	مهری خواهد بود
۳۲۵ *	۱۱	عده ستونها	عده ستونهای
۳۲۷ *	۸	دوائر ضبط	دائرہ ضبط
۳۲۹ *	۸	مفقود یا مک-توم	مفقود و یا مک-توم

صفحه	سطر	غاط	صحيح
۳۲۹	۱۳	و یا با صلاحیت	و یا صلاحیت
۳۲۹	۱۹	جعل و تریب	جعل و تروییر
۳۳۰ *	۱۱	بعلاء استرداد	بعلاوه استرداد
۳۳۱ *	۱۷	مجبوراً موقوفات	مجبوراً و موقوفات
۳۳۲ *	۱	خواهد بود	خواهند بود
۳۳۲	۱۸	تقاضا کننده	تقاضا کننده
۳۳۵ *	۳	واقع شده	واقع شده است
۳۳۵	۱۶	مجدد	مجددا
۳۳۷ *	۷	مداخله نماید	مداخله نمایند
۳۳۸ *	۴	اخبار کتبی	اخبار کتبی
۳۳۸	۵	که اگر	و اگر
۳۴۰ *	۸	و مدیر ثبت	مدیر ثبت
۳۴۱ *	۸	و املاک در	واملاک باید در
۳۴۲ *	۷	مطالبه کند	مطالبه کنند
۳۴۲	۹	جبران خسارت	جبران خسارات
۳۴۳ *	۱۷	و یا حق	و با حق
۳۴۵ *	۸	هر گاه - ورت	هر گاه صورت

صفحه	طر	غاط	صحيح
۳۴۵	۸	چند ورق	چند ورق نوشته
۳۴۶ *	۶	مباشرت ثبت	مباشرت ثبت
۳۴۷ *	۹	طرف معامله	يك طرف معامله
۳۴۷	۱۳	براين تصديق	براین باید تصديق
۳۴۹ *	۱۴	برای کلمات	بروی کلمات
۳۵۱ *	۹	صاحب سندی	صاحب سند
۳۵۴ *	۱۲	۱۱۱	ماده ۱۱۱
۳۵۴	۱۴	تصدیقات	تصدیق
۳۵۵ *	۱	تودیع کند	تودیع کنند
۳۵۵	۱۱	مهور کند	مهور کنند
۳۵۸ *	۶	۱۰٪	۱۰٪
۳۵۸	۹	بمنافع غیر منقوله	بمنافع اموال منقوله و غیر منقوله
۳۵۸	۱۳	فوق العاده و ممکن	فوق و ممکن
۳۵۸	۱۳	تقویم شود $\frac{1}{4}$	تقویم شود $\frac{1}{4}$ ٪
۳۵۸	۱۶	و حوالجات : - $\frac{1}{4}$	و حوالجات : - $\frac{1}{4}$ ٪
۳۵۹ *	۳	۱	۱۰٪
۳۵۹	۴	ثبت قوانین	ثبت قوانین

صفحه	طر	غاط	صحيح
۳۵۹	۱۷	از اجراء	از اجراء ۵٪
۳۶۰ *	۱	سواد های دیگر ۵٪	سواد های دیگر
۳۶۲ *	۱۲	حدود و صلاحیت	حدود صلاحیت
۳۶۳ *	۱	رسیدای	رسیدگی
۳۶۳	۳	محاکات حقوقی	محاکات حقوق
۳۶۳	۵	و تجارتی	و یا تجارتی
۳۶۴ *	۱۳	آن دعاوی	آن و دعاوی
۳۶۴	۱۷	و اصول مالکیت	و اصل مالکیت
۳۶۵ *	۷	دعاوی راجع	دعاوی راجعه
۳۶۶ *	۳	و یا دعوای اصلی	و یا دعوای اصلی
۳۶۶	۷	بموجب	بموجب
۳۶۶	۷	دعوای مقاصد	دعوای مقاصد
۳۶۶	۹	ماده ۲۲	ماده ۲۲ - ماده ۲۳
۳۶۶	۱۰	ماده ۲۲ - ماده ۳	ماده ۲۲
۳۶۷ *	۱۴	دارد تصدیق	وارد و به تصدیق
۳۶۸ *	۱۱	معتبر	معتبر
۳۶۹ *	۲	جاعل را معین	جاعل را هم معین

صفحه	سطر	غاط	صحیح
۳۶۹	۱۳	۹۸	ماده ۹۸
۳۷۰ *	۴	بجقیقات	بجقیقات
۳۷۰	۵	نشد بمحکمه هم	نشد و بمحکمه هم
۳۷۳ *	۱۰	اقتصاد و یا	اقتصاد یا
۳۷۳	۱۵	رسمی و دوایر	رسمی دوایر
۳۷۵ *	۱۵	استینافیه نباشد	استینافیه نباشند
۳۷۶ *	۱۱	۱۸۴	ماده ۱۸۴
۳۷۶	۱۶	نمایند مسئول	نمایند و کپل مسئول
۳۸۱ *	۸	پایبخت در ولایات	پایبخت و ولایات
۳۸۲ *	۲	شرق و غیر	شرق و غیره
۳۸۲	۶	محل اقامت کاه	مسافت اقامتگاه
۳۸۳ *	۱۴	مواد (۱۹۱) و (۲۹۲)	مواد (۱۹۱) و (۱۹۲)
۳۸۵ *	۱۴	ومخل امنیت و آسایش عمومی	(مخل امنیت آسایش عمومی)
۳۸۷ *	۱	برای هر جلسه محاکمه	برای هر جلسه محاکمه صورتجلسه
		در صورت مجلس مزبور	مشمول بر خلاصه مذاکرات جلسه
			مرتب شده بامضای طرفین میباشند
			رئیس محاکمه در صورت مجلس مزبور

صفحه	سطر	غاط	صحیح
۳۸۷	۵	محکمه بجبهت	محکمه بجبهتی
۳۸۷	۱۵	۲۴۰	ماده ۲۴۰
۳۸۸ *	۶	به بعضی یا تمام	به بعض یا تمام
۳۹۴ *	۱۵	محکمه مکلف	محکمه هم مکلف
۳۹۵ *	۱	از موردی	در موردی
۳۹۵	۱۸	بازوجه	یا زوجہ
۳۹۶ *	۱	حاکم یا یکی	حاکم با یکی
۳۹۷ *	۶	از نوبت	آن نوبت

اصلاح این هجده و چهار ابار جوع بغلط نامه منضمه  
به آخر کتاب فراموش نفرمائید

چون اسناد اصلیه بعضی از قوانین در دست نبوده و قسمت عمده آنها از روی نسخه های مطبوع  
استنساخ و طبع شده بود و اخیرا مراجعه به اصل بعضی از نسخ امکان پذیر شد لهذا بواسطه  
قید به مقابله و تصحیح کامل قوانین عمده اغلاط زیاد شده است



